

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی ارتباطات

سال بیست و چهارم، شماره شصت و سه
شماره مسلسل ۹۵، پاییز ۱۴۰۲

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مدیر مسئول: قاسم زائری
سرپریر: علی انتظاری

هیأت تحریریه:

- شهاب اسفندیاری
دانشیار سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران
- علی انتظاری
دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
- هادی خانیکی
استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی
- حسن خجسته باقرزاده
استاد رادیو و تلویزیون دانشگاه صداوسیما
- سید وحید عقیلی
دانشیار علوم ارتباطات و مطالعات رسانه‌ای
دانشگاه آزاد اسلامی
- ابراهیم فیاض
دانشیار انسان‌شناسی دانشگاه تهران
- محمدتقی کرمی قهی
دانشیار مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی
- یونس نوربخش
دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
- سیده راضیه یاسینی
دانشیار پژوهش هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

اعضای بین‌المللی:

- مهدی سمی
استاد دانشگاه لبنان
- یحیی کمالی پور
استاد دانشگاه پوردو
- محمد محسن
استاد دانشگاه نورسن الینویز

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.



مدیر داخلی: رقیه مهری
ویراستار: شهناز شفیعی‌خانی
صفحه‌آرا: حامد خلیلی
چاپخانه: دریچه نو
بهاء: ۱۷۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، پایین تراز میدان ولیعصر،
خیابان دمشق، شماره ۹
صندوق پستی: ۱۴۱۵۵.۶۴۷۴
تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۶ - ۰۲۱
نمابر: ۸۸۸۹۳۰۷۶ - ۰۲۱
وبگاه: www.jccs.ir

فصلنامه براساس مجوز شماره ۱۷۹۸۶۶
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موفق
به کسب رتبه علمی - پژوهشی شد و از
شماره زمستان ۱۳۹۰ با همکاری انجمن
ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات منتشر
می‌شود.

فصلنامه علمی «مطالعات فرهنگی ارتباطات»
بر اساس ارزیابی کمیسیون علمی
نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری
و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC
موفق به اخذ رتبه «الف» شده است.



فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات

دربارهٔ مجله

مطالعات فرهنگ و ارتباطات مجله‌ای است که به منظور انعکاس مقالات برگرفته از پژوهش‌ها و مطالعات تجربی و نظری در حوزهٔ فرهنگ و ارتباطات در نظر گرفته شده است. با توجه به اهمیت ارتباطات در جامعه‌ای که رسانه‌های اجتماعی نقش فعال در مناسبات اجتماعی دارند و تحولات پیش‌رو در جهان فرا ملی شده چند قطبی، اولویت انتشار، مقالاتی است که هم از بُعد نظری و هم از بُعد تجربی زوایای این تحولات را موشکافانه بررسی و به جامعه علمی منعکس نمایند. تلاش می‌شود از دیدگاه‌های متنوع به منظور فراهم کردن زمینه گفتگو و هم‌اندیشی میان اصحاب علوم اجتماعی استقبال و از طریق درج یادداشت‌ها و مقالات انتقادی به پویایی هر چه بیشتر این نهاد علمی مدد رسانده شود.

محورهای موضوعی فصلنامه علمی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» بدین قرار است:

- فرهنگ، ارتباطات و جامعه
- فرهنگ و ارتباطات در عصر تحولات فناورانه
- فرهنگ و ارتباطات در جهان فرا ملی شده و چند قطبی
- رسانه‌ها (سنتی و مجازی)، فرهنگ، ارتباطات و جامعه
- سیاستگذاری ملی ارتباطی، فرهنگی و رسانه‌ای
- فرهنگ، بازی‌های رایانه‌ای و زندگی روزمره
- رسانه‌های اجتماعی و تعامل یا تقابل با رسانه‌های مدرن و سنتی
- اخلاق حرفه‌ای در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات
- سواد رسانه‌ای، سواد فرهنگی و سواد اطلاعاتی در عصر رسانه‌های دیجیتال
- فرهنگ، ارتباطات، رسانه‌ها و سبک زندگی
- تحولات جهانی در حوزهٔ فرهنگ، ارتباطات و رسانه

اشتراک

مبلغ اشتراک سالیانه در ایران ۲۸۰۰۰۰۰ ریال است. علاقه‌مندان به اشتراک، این مبلغ را به شمارهٔ حساب ۴۰۰۱۰۲۸۵۰۳۰۱۴۹۰۶ بانک مرکزی به نام انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات واریز و اصل فیش را به نشانی تهران، پایین‌تر از میدان ولیعصر، خیابان دمشق، شمارهٔ ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، طبقهٔ اول دفتر فصلنامه ارسال کنند.

راهنمای تنظیم مقالات

- مقاله باید بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه و در محیط ورد تنظیم شده باشد؛
- در ابتدای مقاله چکیده فارسی (بین ۲۵۰ تا ۱۰۰ کلمه) و انگلیسی (بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ کلمه) آورده شود که در آن خلاصه‌ای از بیان مسأله، پرسش اصلی، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج همراه با واژه‌های کلیدی باشد؛
- پس از چکیده ارائه بخش‌های مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری مرتبط با مبانی نظری در مقاله ضروری است؛
- ترتیب مقاله در مباحث نظری متناسب با کنکاش نظری است؛
- تمرکز بر پرسش اصلی، نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری است؛
- معادل لاتین اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود؛
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه موردنظر به صورت نمونه (شعیری، ۱۳۸۸: ۵۰) و در منابع خارجی (Entman, 2009: 176) درج شود؛
- منابع ذکر شده در متن حتماً در فهرست منابع آخر مقاله درج شوند؛ همچنین هیچ منبعی در فهرست منابع نباشد که در متن استفاده نشده باشد؛
- نشانی کامل اینترنتی مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شوند؛
- مؤلف باید نام کامل، سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی خود و همکاران مقاله را به فارسی و انگلیسی در سایت فصلنامه درج کند؛
- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله بستگی به نظر داوران مقاله دارد؛
- در صورتی که هر یک از نویسندگان علاوه بر این فصلنامه مقاله‌ای به نشریه‌ای دیگری به منظور انتشار بدهند پیگرد قانونی به دنبال خواهد داشت.
- مدیران فصلنامه حق دارند محتوا و عناوین مقالات را در فرایند انتشار ویرایش نمایند.
- فصلنامه «مطالعات فرهنگ. ارتباطات» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که اولویت با مقالاتی است که برگرفته از پژوهش‌ها و مطالعات اصیل و گرایش بومی، منطقه‌ای و فرا ملی در زمینه فرهنگ، هنر و ارتباطات است نتیجه تحقیقات ایرانی در زمینه فرهنگ، هنر و ارتباطات است؛
- مسئولیت محتوای مقاله‌های مندرج در فصلنامه، بر عهده نویسندگان آن‌هاست.



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران بازارهای مالی
 مصطفی حیدری هراتمه، وحید آرایبی، سیدمحمود اسلامی ۷
- تلازم ظاهر و باطن در نظریه قرآنی مناسک استنطاق آموزه‌های فرهنگی سوره مبارکه حج
 نجمه کاظمی، سیدمجید امامی، پروین بهارزاده ۲۵
- مطالعه عوامل پیشران و بازیگران مؤثر در تحولات آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی در ایران
 شهلا باقری، ابراهیم حاجیانی، مهدی نوید ادهم، محمد حسین‌زاده ۵۱
- ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز
 جهاندار امیری ۸۷
- مجازی‌شدن کلاس درس و فرهنگ دانشگاهی
 فاطمه لولائی، سوسن باستانی، مقصود فراستخواه، حسین ابراهیم‌آبادی ۱۱۱
- تحلیل عنصر لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن
 مریم هزارخوانی، عباس اشرفی ۱۴۱
- مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران
 علی احمدی، مجتبی صدقاتی‌فرد، یعقوب شربتیان ۱۶۵





The Impact of Media and Social and Virtual Networks on the Policies and Decisions of Financial Markets Investors

Mostafa Heidari Haratemeh, Department of Economics, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran (Corresponding Author). Email: Mo.heidarih@iaau.ac.ir

Vahid Araei, Department of Public Administration and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: vah.araei@iauctb.ac.ir

Seyyed Mahmoud Eslami, Department of Public Administration and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: m.eslami@iauctb.ac.ir

Abstract

In the world based on the digital space and the era of electronic and virtual communications, mass media and social networks, while playing the role of news sources for most financial information and data, regulate the problem of information asymmetry between investors and financial markets. It strengthens the adjustment and development of markets. The purpose of this study is to investigate the influence of mass media on the policy and tendencies of financial market investors. The target population was based on a survey in 2021 among 420 students with investment experience in the financial markets, which was selected by purposeful and non-random sampling and after collecting, 200 questionnaires were analyzed using the logit model. The results showed: a) Mass media leads to fluctuations in investors' tendencies and policies and affects their decisions. b) In the conditions of recession and crisis in the financial markets, the impact and penetration rate of news media is more than social and specialized media. c) while in the conditions of prosperity in the financial markets only, to adjust and carry out reforms in the stock market, the influence of news media is more than social and specialized media d) media news reports basically have an asymmetric effect in the sense that In conditions of market boom, investors pay more attention to optimistic reports and ignore reports that have negative signals. On the other hand, in the conditions of recession and lack of prosperity in the market, investors are more vulnerable to pessimistic media reports, and reports with active information do not have a significant and meaningful impact on their decisions. However, financial markets investors need to learn media literacy along with financial literacy in order to distinguish real news from fake news.

Keyword

Financial Markets, Mass Media, Investor's Decisions and Tendencies, Social Networks.

تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران بازارهای مالی

مصطفی حیدری هراتمه^۱، وحید آرایي^۲، سید محمود اسلامی^۳

چکیده

در دنیای مبتنی بر فضای دیجیتال و عصر ارتباطات الکترونیکی و مجازی، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی ضمن اینکه نقش منابع خبری را برای اکثر اطلاعات و داده‌های مالی ایفا می‌کنند، مشکل عدم تقارن اطلاعات بین سرمایه‌گذاران و بازارهای مالی را تنظیم، تعدیل و توسعه بازارها را تقویت می‌کند. هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران بازارهای مالی است. جامعه هدف، بر اساس یک بررسی در سال ۱۴۰۰ بین ۴۲۰ دانشجوی دارای تجربه سرمایه‌گذاری بازارهای مالی انجام شد که به روش نمونه‌گیری هدفمند و غیر تصادفی انتخاب و پس از جمع‌آوری، ۲۰۰ نظرسنجی با استفاده از مدل لجیت مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد: الف) رسانه‌های جمعی منجر به ایجاد نوسانات در تصمیمات و خط‌مشی سرمایه‌گذاران می‌شود و بر تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ ب) در شرایط کساد و وجود بحران در بازارهای مالی، تأثیر و ضریب نفوذ رسانه‌های خبری بیشتر از رسانه‌های اجتماعی و تخصصی است؛ ج) در حالی که در شرایط وجود رونق در بازارهای مالی تنها، برای تعدیل و انجام اصلاحات در بازارهای مالی، تأثیر رسانه‌های خبری بیشتر از رسانه‌های اجتماعی و تخصصی است؛ د) گزارش‌های خبری رسانه‌ای اصولاً دارای تأثیر نامتقارن است به این معنا که در شرایط رونق بازار، سرمایه‌گذاران توجه بیشتری به گزارش‌های خوش‌بینانه دارند و از گزارش‌هایی که دارای سیگنال‌های منفی هستند، چشم‌پوشی می‌کنند. در مقابل، در شرایط کساد و نبود رونق در بازار، سرمایه‌گذاران نسبت به گزارش‌های رسانه‌ای بدبینانه آسیب‌پذیرتر هستند و گزارش‌هایی با اطلاعات فعال تأثیر قابل توجه و معنی‌داری بر تصمیمات آنان نمی‌گذارد با این حال سرمایه‌گذاران بازارهای مالی لازم است، نسبت به آموختن سواد رسانه‌ای در کنار سواد مالی جهت تشخیص اخبار واقعی از اخبار کذب و دروغین اقدام نمایند.

واژگان کلیدی

بازارهای مالی، رسانه‌های جمعی، تصمیمات و تمایلات سرمایه‌گذار، شبکه‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

Mo.heidari@iaua.ac.ir

۱. گروه اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول)

۲. گروه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

vah.araei@iauctb.ac.ir

۳. گروه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

m.eslami@iauctb.ac.ir

مقدمه

امروزه اهمیت و جایگاه اطلاعات در تصمیمات سرمایه‌گذاری بر کسی پوشیده نیست. از این‌رو کارکرد رسانه‌های جمعی با تأکید بر دو عنصر اصلی آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش بسزایی در تصمیم‌گیری و خط‌مشی سرمایه‌گذاران ایفا نماید. منظور از تصمیم‌گیری، انتخاب بهترین و منطقی‌ترین راه‌حل از میان کلیه راه‌حل‌های ممکن بوده و مناسب‌ترین تصمیم، تصمیمی مبتنی بر معیارهای مطلوب است. بدیهی است که تصمیم‌گیری به شیوه کارا و مؤثر، به‌ویژه در دنیای متحول و پیچیده کنونی، مستلزم به‌کارگیری و دسترسی به اطلاعات کافی و به‌روز می‌باشد. در واقع اطلاعات یک وسیله و ابزار راهبردی مهم در تصمیم‌گیری محسوب می‌شود و بدون شک کیفیت تصمیمات نیز به صحت، دقت و به‌هنگام بودن اطلاعات به کار گرفته‌شده در زمان تصمیم‌گیری بستگی دارد. در بازارهای مالی هم این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به دلیل این‌که مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و فعالان بازارهای مالی، اطلاعاتی است که از طریق رسانه‌های جمعی و تخصصی یا منابع رسمی آماری، واسطه‌های مالی فعال در این بازارها، تحلیل‌گران مالی منتشر می‌کنند (حیدری هراتمه، ۱۳۹۸). در بازارهای مالی سرمایه‌گذاران به‌طور دائم با انبوه و جریانی از اطلاعات و اخبار جدید در زمینه‌های مختلف از جمله شرایط اقتصاد سیاسی، اخبار سیاسی، اطلاعات مالی و غیره مواجه می‌شوند؛ چنین اخباری باعث می‌شود که آن‌ها انتظارات خود درباره یافته‌های اولیه را به‌روز و بر اساس آن تصمیمات مالی مهم اتخاذ نمایند. از این‌رو نظام اطلاع‌رسانی کارآمد و کارآمدی رسانه‌های جمعی، تخصصی و مجازی مورد تأکید قرار گرفته است. بسیاری از محققان معتقدند که افزایش قیمت بازارهای مالی از قوانین و اصول اقتصاد پیروی می‌کند. مهم نیست که این یک بازار کم رونق باشد یا پررونق، در نهایت دارایی‌ها به ارزش‌های مناسب خود بازمی‌گردند. با این حال، داده‌های مبتنی بر گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران (چه فردی و چه نهادی) بر اساس ارزیابی دارایی ذاتی به‌ندرت معامله می‌کنند. در عوض، آن‌ها برای تصمیمات سرمایه‌گذاری بیشتر به اطلاعات خارج از کشور یا گزارش‌های رسانه‌های جمعی تکیه می‌کنند. به‌عنوان مثال، در اوایل بازار پررونق، قیمت بازارهای مالی نسبتاً پایین است و سرمایه‌گذاران در تجارت کاملاً محافظه‌کار هستند و از این‌رو، تعداد حساب‌های جدید اندک است. در حالی که در مرحله بعد، قیمت بازارهای مالی بیش‌ازحد ارزیابی می‌شود و سرمایه‌گذاران فعال می‌شوند و از این‌رو تعداد حساب‌های

جدید به‌طور مشخص افزایش می‌یابد. لذا صعود بازار پررونق و سقوط بازار کم رونق فقط ناشی از نوسان بازار سرمایه نیست. عوامل تمایل سرمایه‌گذار که بر تصمیمات سرمایه‌گذاران نیز تأثیر می‌گذارد و منجر به نوسانات قیمت در بورس بازارهای مالی می‌شود نیز وجود دارد. (Baker, M. J. Wurgler and Y. Yuan, 2012؛ Stam- baugh, R. F. J. Yu and Y. Yuan, 2014).

بیکر و وورگلر^۱ (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که تصمیمات سرمایه‌گذار تأثیر روشنی بر شرکت و بازارهای مالی دارد. همچنین ایشان بررسی می‌کنند که چگونه تصمیمات سرمایه‌گذار بر سطح مقطع بازده بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد و پیش‌بینی می‌کنند که تمایل سرمایه‌گذار به‌طور قابل توجهی روی اوراق بهادار با ارزیابی‌های ذهنی و بسیار دشوار برای داوری تأثیر می‌گذارد. در عصر اینترنت، به‌طور خاص، رسانه‌های جمعی نقش منابع را برای بیشتر اطلاعات مالی ایفا می‌کنند. این دانش تخصصی را منتشر می‌کند که مشکل عدم تقارن اطلاعات بین سرمایه‌گذاران بازارهای مالی و شرکت‌های پذیرفته‌شده را حل می‌کند و تنظیم و توسعه بازارهای مالی را تقویت می‌کند. بااین‌حال، بخش قابل توجهی از گزارش‌های رسانه‌های فعلی از حقیقت منحرف‌شده و پراز رنگ درونی است؛ بنابراین، برخی اوقات رسانه‌های جمعی نتوانسته‌اند، به‌عنوان یک سیستم اطلاعاتی در بازار عملکرد عادی ایفا کنند و تصمیمات سرمایه‌گذار و به‌تبع تصمیمات سرمایه‌گذاری به‌ناچار گمراه می‌شوند (Li, Q., T. Wang, P. Li, L. Liu, Q. Gong؛ Meng J. and W. Bo, 2010؛ Zhang, Sul, H. K., A. R. Dennis and L. I. Yuan, 2016؛ and Y. Chen, 2014؛ Y., W. Song, D. Shen and W. Zhang, 2016).

از مطالعات گذشته، شیلر^۲ (۲۰۱۵) دریافت شده که خوش‌بینی رسانه‌ای عمومی بیشتر احتمال دارد سرمایه‌گذاران را برای ورود به بازار و ترویج حباب بازارهای مالی جذب کند. با بررسی رابطه بین گزارش‌های رسانه‌های جمعی و بازده بازارهای مالی، فانگ و پرس^۳ (۲۰۰۹) دریافتند که وسعت انتشار اطلاعات و بازده بازارهای مالی با یکدیگر همبستگی دارند. دراین ارتباط انگلبرگ و پارسونز^۴ (۲۰۱۱) نشان دادند که گزارش‌های رسانه‌های جمعی یک نیروی محرک قوی برای سرمایه‌گذاران است. طبق گفته تتلوک^۵ (۲۰۰۷)، هرچه میزان بدبینی نسبت به رسانه‌های جمعی بیشتر

1. Baker, Wurgler

2. Shiller

3. Fang, and J. Peress

4. Engelberg, J. and C. A. Parsons

5. Tetlock

باشد، رفتار معاملاتی در بازار فعال تر است. در نهایت مسئله اصلی تحقیق عبارت است از این که رسانه های جمعی بر تصمیمات سرمایه گذاران چقدر تأثیر می گذارند. دلایل استفاده از رسانه ها و شبکه های اجتماعی واضح است. رسانه های اجتماعی یک راه سریع و آسان برای برقراری ارتباط ایده ها، افکار و همه چیزهای دیگر ارائه می دهند. علاوه بر این، از طریق برنامه های موجود مثلاً در تلفن هوشمند خود، افراد به معنای واقعی کلمه با سایر نقاط جهان در تماس خواهند بود. هنگامی که در هواپیما یا در حال تماشای یک فیلم هستید، یا حتی در رختخواب هستید، می توانید به ترتیب با کلیک یا لمس یک دکمه یا صفحه، تصمیمات سرمایه گذاری را بگیرید. رسانه های اجتماعی زندگی را راحت می کنند. علاوه بر این واقعیت، با رسانه های اجتماعی، افراد تأثیرگذار/ نافذ (اینفلوئنسر) رسانه های اجتماعی نیز به وجود می آید، فردی که برای نظرات و مشاوره ها در زمینه های مختلف مورد علاقه به او تکیه می شود. اگر امروز می خواهید بهترین چیزی را بخرید، یک «اینفلوئنسر» در آن زمینه پیدا خواهید کرد که به شما کمک می کند. اگر امروز می خواهید در بهترین سهام با سرمایه متوسط در بازار سهام سرمایه گذاری کنید، ده ها یا چند «اینفلوئنسر» وجود خواهند داشت که شما را در این فرایند راهنمایی می کنند. اطلاع رسانی در امر تجارت و کسب و کار از دیرباز به عنوان ابزاری کارآمد برای ترغیب و تشویق فعالان اقتصادی در فرایند رفتار اقتصادی خود، مورد استفاده قرار گرفته و هر روز نقش پررنگ تری را در این زمینه ایفا می کند. رسانه ها می توانند تأثیر قدرتمند و چشم گیری بر طرز فکر اندیشه و رفتار افراد داشته باشند؛ در واقع، رسانه ها با قدرت اثربخش در جذب مخاطب زیاد و توانایی در شکل بخشیدن به افکار عمومی و تنویر آن، بخش وسیعی از ماهیت افکار عمومی را شکل می دهند. در سالیان اخیر نقش رسانه های جمعی و امروزه رسانه های مجازی و شبکه های اجتماعی در حوزه های مختلف زیست انسان ها همچون زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اختلافات بین المللی، به سرعت افزایش یافته و در نتیجه، این گسترش و تأثیرگذاری آن ها در تمامی حوزه ها، منجر به تبدیل عصر کنونی به عصر ارتباطات شده است. آنچه در این رابطه دارای اهمیت است، چگونگی شکل گیری اندیشه و بینش افراد با مواجهه با اخبار و تأثیر آن بر تصمیم گیری های آن ها است. امروزه، با توجه به گستردگی و در دسترس بودن اطلاعات در ظرف زمانی و مکانی، از طریق رسانه ها و شبکه های دیداری و شنیداری چه به صورت تخصصی و چه به صورت مجازی و غیره، اطلاع رسانی در حیطه مسائل مالی و سرمایه گذاری نیز وارد گشته و از

آن به‌عنوان وسیله‌ای جهت آگاهی افراد از فرایند سرمایه‌گذاری، ابعاد حقوقی، بازده و ریسک سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، حداقل بازده مورد انتظار و غیره، استفاده شده است؛ بنابراین انجام اطلاع‌رسانی از طریق وسایل ارتباط جمعی توسط بازارهای مالی می‌تواند عاملی برای تشویق افراد به سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی همچون سهام قلمداد شود. از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، اطلاع‌رسانی به افراد جهت ورود آگاهانه و معقول به بازار است. این مسئله با شفاف‌سازی اطلاعات مالی و بهره‌وری سازمان‌ها، میسر است. همچنین با توجه به اینکه موضوع رسانه‌های اجتماعی به‌منظور، منبع اطلاعاتی نوظهور تاکنون به‌عنوان یک مشکل تحقیقاتی مورد غفلت قرار گرفته است، مطالعه حاضر با نشان دادن راهی که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند الگوهای کسب اطلاعات کسب‌وکار را تغییر دهند به مجموعه شواهد کمک می‌کند؛ بنابراین پرداختن به این موضوع از اهمیت خاصی در فعالیت‌های سرمایه‌گذاران دارد. در ادامه، به معرفی روش‌شناسی پژوهش پرداخته و پس از آن یافته‌ها تبیین و در نهایت نتیجه‌گیری، پیشنهادها، ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

روش پژوهش پیش‌رو، پیمایشی توصیفی است و برای گردآوری داده‌ها از نظرسنجی استفاده شده است. به این صورت که این مطالعه بر اساس یک بررسی سطح خرد در سال ۱۴۰۱ بین دانشجویانی که دارای تجربه سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی بودند، انجام شده است، این نظرسنجی در جامعه ۴۲۰ نفری با نمونه ۲۰۱ نفری انجام و در نهایت نظرسنجی ۲۰۰ نفر جمع‌آوری است. هر پاسخ‌دهنده موظف است گزارش دهد که آیا و تا چه حد تحت تأثیر رسانه‌های جمعی است یا خیر. علاوه بر این، برای سه نوع رسانه‌های جمعی، یعنی خبری، اجتماعی و تخصصی، از آن‌ها خواسته می‌شود سطح/میزان حساسیت/تمایل خود را به دسته‌های مختلف اطلاعات مالی در بازار پرونق/صعودی (گاوی) و بازار کم رونق/نزولی (خرسی) گزارش کنند. در این ارتباط از یک مدل لوجیت دوگانه استفاده شده است تا تأثیر رسانه‌ها بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مورد تحلیل قرار گیرد. تجزیه و تحلیل لوجیت باینری اساساً رابطه بین یک متغیر طبقه‌ای و مجموعه‌ای از شاخص‌های مستقل را مورد بررسی قرار می‌دهد. در مدل لوجیت، ارتباط بین تصمیمات سرمایه‌گذاران و دسته‌های مختلفی از اطلاعات مالی در رسانه‌های جمعی برقرار و تصریح می‌گردد. تصمیمات سرمایه‌گذاران با اینکه

آیا تحت تأثیر رسانه‌های جمعی برای سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرند یا خیر، مشخص می‌شود و از دو دسته تشکیل شده‌اند، یعنی دسته‌ای که تحت تأثیر قرار می‌گیرند و دسته‌ای که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. به گفته McFadden (۱۹۷۳)، پیامد تصادفی متناظر مبتنی بر توزیع لجستیک است. این مدل به‌طور مشخص به شرح زیر است:

$$\text{logit}(P) = \ln \frac{p}{1-p} = a_0 + a_1 EP + a_2 ID + a_3 IF + a_4 SMR + a_5 IE + \varepsilon,$$

جایی که p نشان‌دهنده احتمال تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی برای سرمایه‌گذاران و $1-p$ مربوط به احتمال عدم تأثیر رسانه‌های جمعی برای سرمایه‌گذاران است. به این ترتیب، یک تغییر لگاریتم از $p/(1-p)$ که به آن نسبت احتمال می‌گویند، رابطه کمی بین متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته را اندازه‌گیری می‌کند. مشکل پیش‌بینی احتمال یک نتیجه تصادفی برای پیش‌بینی نسبت احتمال تبدیل شده است. قدرت رابطه با ضریب a_i مشخص می‌شود که بر اساس داده‌های نظرسنجی برآورد می‌شوند. علاوه بر این، این مدل شامل پنج دسته اخبار مالی به‌عنوان شاخص به شرح زیر است:

۱. سیاست اقتصادی^۱

این شاخص عمدتاً منعکس‌کننده سیاست کلی اقتصادی است که معمولاً در سطح کلان است. نمونه‌هایی را شامل می‌شود اما به سیاست‌های مالی و پولی محدود نمی‌شود. طبق نظرسنجی صورت گرفته، در بازار سهام پررونق (بازار سهام گاوی)^۲ شاخص سیاست اقتصادی «نرخ بهره وام‌ها و سپرده‌ها را در مؤسسه‌های مالی در پایان هفته کاهش می‌دهد.» در بازار سهام کم رونق (بازار سهام خرسی)^۳، شاخص سیاست اقتصادی «نرخ بهره وام‌ها و سپرده‌ها در مؤسسه‌های مالی را در پایان هفته افزایش می‌دهد.»

۲. توسعه صنعتی^۴

این شاخص به وضعیت اقتصادی صناعی اشاره دارد که شرکت‌های بورسی به آن تعلق دارند. به‌طور کلی روند توسعه یک صنعت خاص را اندازه‌گیری می‌کند. در مطالعه حاضر، در بازار گاو نر (بازار پررونق)، توسعه صنعتی به‌عنوان «یک کمربند و یک جاده - حفاری طلا در پنج منطقه و شش صنعت» تنظیم شده است. در بازار خرسی (بازار کم رونق)، توسعه صنعتی به‌عنوان «اصلاح سمت عرضه، تحت فشار قرار

1. Economic Policy

2. bull market

3. bear market

4. Industrial Development

خواهد گرفت و تمرکز بر سهام در پنج صنعت خواهد بود» تنظیم شده است.

۳. پیش‌بینی شاخص^۱

این شاخص به پیش‌بینی شاخص ترکیبی شانگهای^۲ و شاخص ترکیبی شنژن^۳ توسط مؤسسه‌های مالی حرفه‌ای یا محققان در زمینه سرمایه‌گذاری سهام اشاره دارد. در مطالعه حاضر، در بازار صعودی یا پررونق (گاوی)، پیش‌بینی به این صورت تنظیم می‌شود که «بازار صعودی هنوز در صدر قرار نگرفته است». در بازار نزولی یا کم رونق (خرسی)، پیش‌بینی شاخص به‌عنوان «سیاست در پایان است و اصلاحات گاوی (صعودی) در سال ۲۰۱۵ باز خواهد شد» تنظیم شده است.

۴. اصلاحات در بازار مالی^۴

این شاخص به اقدامات اصلاحات بازار مالی مانند سیاست‌های جدید عرضه اولیه سهام، معرفی سیستم ثبت‌نام و مکانیسم مدار شکن و غیره اشاره دارد. در بازار نزولی (خرسی)، اصلاحات در بازار مالی به‌عنوان «کمسیون تنظیم اوراق بهادار هفته آینده سهام عرضه اولیه سهام را از سر خواهد گرفت» تنظیم شده است.

۵. اقتصاد بین‌الملل^۵

این شاخص وضعیت کلی اقتصادی بین‌المللی را اندازه‌گیری می‌کند که توسط عواملی مانند رفتارهای تجاری و جریان سرمایه بین کشورها منعکس می‌شود. در بررسی حاضر، در بازار سهام پررونق (گاوی)، اقتصاد بین‌الملل به این صورت تنظیم شده است: «فدرال رزرو به‌زودی نرخ بهره را افزایش خواهد داد و یک رقابت بین گاو نر طلا و خرس طلا رخ خواهد داد». در بازار نزولی یا کم رونق (خرسی)، اصلاحات در بازار مالی به‌عنوان «فدرال رزرو تأیید می‌کند که نرخ بهره را در زمان X مثلاً دسامبر افزایش خواهد داد» تنظیم می‌شود.

تخمین و برآورد مدل‌ها

مدل رگرسیون لجیت باینری تعمیم‌یافته چند متغیره

نوعی از مدل‌های رگرسیون لجیت باینری وجود دارد که در آن‌ها تعداد متغیرهای مستقل بیش از یک متغیر است. بنابراین آنچه در این مدل‌ها اهمیت دارد یافتن ضرایب

1. Index Forecast
2. Shanghai Composite Index
3. Shenzhen Component Index
4. Stock Market Reform
5. International Economy

متغیرهای مستقل و آزمون معنی‌داری آن‌ها می‌باشد. فرض کنید $X = (x_1, x_2, \dots, x_n)$ باشد. ابتدا فرض کنید که متغیرها پیوسته‌اند و نیز فرض نمایید که توزیع شرطی متغیر پاسخ به شرط X برابر است با:

$$P\left(Y = \frac{1}{x}\right) = \pi(x)$$

بنابراین، تابع لجیت چند متغیره به صورت زیر خواهد بود.

$$g(x) = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \dots + \beta_n x_n$$

با توجه به نمایش $\pi(n)$ به صورت تابع لجیت از $g(x)$ به صورت زیر خواهیم داشت:

$$\pi(n) = \exp\left\{\frac{g(x)}{1 + \exp(g(x))}\right\}$$

یافته‌های پژوهش

الف) آمار توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی بر اساس جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۱۱۸	۵۹
زن	۸۲	۴۱
کل	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۲. توزیع فراوانی بر اساس سن

سن	تعداد	درصد
۱۸-۲۵	۱۰۰	۵۰
۲۵-۳۰	۶۸	۳۴
۳۰-۳۵	۲۵	۱۲/۵
بیشتر از ۳۵ سال	۷	۳/۵
کل	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۳. توزیع فراوانی بر اساس میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	تعداد	درصد
کاردانی	۲۵	۱۲/۵
کارشناسی	۱۱۶	۵۸
کارشناسی ارشد و بالاتر	۵۹	۲۹/۵
کل	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۴. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مینیم	ماکسیم
سیاست اقتصادی	۴/۱۱	۱/۰۷۵	۱	۵
توسعه صنعتی	۴/۸۲	۱/۰۷۲	۲	۵
پیش‌بینی فهرست	۳/۸۴	۱/۱۲۸	۱	۵
اصلاحات بازار مالی	۳/۹۱	۱/۱۵۴	۱	۵
اقتصاد بین‌الملل	۴/۲۱	۱/۰۳۲	۲	۵
خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران	۴/۶۵	۱/۱۱۲	۲	۵

ب) بررسی تأثیر خصوصیات پاسخ‌دهندگان بر متغیرهای پژوهش

جنسیت: نتیجه بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری‌شده از نمونه آماری نشان داد که ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه مرد و ۴۱ درصد آنان زن هستند. به‌منظور بررسی متغیرهای پژوهش در بین جنسیت مرد و زن از آزمون U من ویتنی استفاده شده است؛ مقدار سطح احتمال به‌دست‌آمده برای همه متغیرها بزرگ‌تر از ۵ درصد می‌باشد؛ به معنی که فرض صفر قبول می‌شود و واریانس‌ها برابرند، بنابراین این مقایسه نشان‌دهنده این است که بین جنسیت زن و مرد در پاسخ‌گویی به سؤالات پرسشنامه اختلاف وجود ندارد.

تحصیلات: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، ۱۲/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه دارای تحصیلات کاردانی، ۵۸ درصد کارشناسی، ۲۹/۵ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. جهت بررسی متغیرهای پژوهش در بین سطوح تحصیلی از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است، سطح احتمال به‌دست‌آمده برای همه متغیرها بزرگ‌تر از ۵ درصد است؛ بنابراین، فرض صفر تأیید می‌شود و واریانس‌ها برابرند، بنابراین در بین سطوح‌های تحصیلی مختلف در پاسخ‌گویی به سؤالات پرسشنامه اختلاف وجود ندارد.

سن: نتایج نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال با درصد فراوانی ۵۰ درصد می‌باشد. گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال ۳۴ درصد، گروه سنی ۳۰ تا

۳۵ سال ۱۲/۵ درصد و بالاتر ۳۵ سال ۳/۵ درصد از فراوانی نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. برای بررسی متغیرهای پژوهش بین گروه‌های سنی از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است، سطح به دست آمده برای همه متغیرها بزرگ‌تر از ۵ درصد می‌باشد یعنی فرض صفر تأیید می‌شود و واریانس‌ها برابرند، بنابراین این مقایسه نشان‌دهنده این است که بین گروه‌های سنی مختلف در پاسخ‌گویی به سؤالات پرسشنامه اختلاف وجود ندارد.

ج) یافته‌های آمار استنباطی

مدل اول (تأثیرات سه نوع رسانه‌های جمعی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار پرونق

جدول ۵. خروجی برآورد تأثیرات سه نوع رسانه‌های جمعی در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار پرونق

متغیرهای مستقل	سیاست اقتصادی	توسعه صنعتی	پیش‌بینی فهرست	اصلاحات بازار مالی	اقتصاد بین‌الملل
رسانه‌های خبری					
نماد	EP	ID	IF	RFM	IE
ضرایب	۰/۴۳	۰/۳۸	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۲۹
آماره Z	۵/۶۸	۳/۴۵	۴/۹۲	۳/۵۸	۳/۴۹
۰/۸۹۶					Pseudo R ^۲
رسانه‌های اجتماعی					
نماد	EP	ID	IF	RFM	IE
ضرایب	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۲۱
آماره Z	۳/۸۳	۴/۵۸	۵۴/۲۴	۴/۸۴	۵/۹۴
۰/۸۳۵					Pseudo R ^۲
رسانه‌های تخصصی					
نماد	EP	ID	IF	RFM	IE
ضرایب	۰/۵۲	۰/۴۱	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۲۵
آماره Z	۳/۴۷	۴/۳۹	۵/۷۸	۴/۵۳	۴/۴۵
۰/۸۱۲					Pseudo R ^۲

نتایج ناشی از تخمین مدل نشان می‌دهد که در بازار کم رونق، صرف‌نظر از نوع رسانه‌های جمعی، چهار دسته از اطلاعات مالی، سیاست اقتصادی، توسعه صنعتی، پیش‌بینی فهرست و اقتصاد بین‌الملل، تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیمات

تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران بازارهای مالی

سرمایه‌گذار خواهد داشت. به‌طور خاص‌تر، تأثیر و ضریب نفوذ رسانه‌های خبری بیشتر از رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تخصصی است. دلیل این امر این است که رسانه‌های خبری از اعتبار عمومی قوی‌تر، گسترده‌تر و اقتدار بیشتری در مقایسه با دو همتای دیگر، یعنی رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تخصصی برخوردار است. علاوه‌بر این، رسانه‌های تخصصی به دلیل کیفیت حرفه‌ای متخصصان و محققان در زمینه سرمایه‌گذاری بازارهای مالی، از رسانه‌های اجتماعی ضریب نفوذ و تأثیر بیشتری دارد. از لحاظ تأثیرگذاری در پنج دسته از اخبار مالی، مشاهده می‌شود سیاست اقتصادی بدون توجه به نوع رسانه‌های جمعی بیشتر از سایر شاخص‌ها به‌طور قابل‌توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد. این امر به‌خوبی منعکس‌کننده واقعیت پیشگویی بازارهای مالی ایران در واقعیت است. همچنین یادآوری می‌شود که اصلاحات در بورس اوراق بهادار که توسط رسانه‌های خبری و تخصصی توزیع‌شده به ترتیب به میزان قابل‌توجهی در میزان تمایل سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که آن‌هایی که توسط رسانه‌های اجتماعی توزیع‌شده، تأثیر معنی‌داری بر تمایل سرمایه‌گذار ندارد. مدل دوم) تأثیرات سه نوع از رسانه‌های جمعی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار کم‌رونق

جداول ۶. خروجی برآورد تأثیرات سه نوع از رسانه‌های جمعی بر خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار کم‌رونق

متغیرهای مستقل	سیاست اقتصادی	توسعه صنعتی	پیش‌بینی فهرست	اصلاحات بازار مالی	اقتصاد بین‌الملل
رسانه‌های خبری					
نماد	EP	ID	IF	RFM	IE
ضرایب	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۲۷
آماره Z	۳/۴۳	۴/۲۸	۵۴/۲۴	۴/۱۴	۵/۳۴
Pseudo R ^۲	۰/۸۸۶				
رسانه‌های اجتماعی					
نماد	EP	ID	IF	RFM	IE
ضرایب	۰/۳۳	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۱۹
آماره Z	۵/۶۶	۳/۴۷	۴/۹۴	۳/۵۶	۳/۴۴
Pseudo R ^۲	۰/۹۲۶				

رسانه‌های تخصصی					
IE	RFM	IF	ID	EP	نماد
۰/۳۰	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳۵	۰/۴۱	ضرایب
۴/۶۵	۴/۸۳	۵/۸۸	۴/۲۹	۳/۱۷	آماره Z
۰/۹۰۵					Pseudo R ^۲

با انجام تجزیه و تحلیل مشابه، در بازار پرونق مشاهده می‌شود، دو شاخص سیاست اقتصادی و اصلاحات در بازار مالی از طریق رسانه‌های خبری، رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تخصصی، اثرات جالب توجه بر تصمیم‌های سرمایه‌گذار از سطوح اطمینان مختلف خواهند داشت. در نهایت یافته‌ها نشان داد:

(الف) اثر رسانه در تولید و انتشار اطلاعات ممکن است منجر به ایجاد نوسانات در خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران شود و تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران داشته باشد؛

(ب) تأثیر گزارش‌های رسانه‌های جمعی در بازارهای مالی متقارن نیست. در بازار پرونق، سرمایه‌گذاران بیشتر به گزارش‌های خوش‌بینانه اهمیت می‌دهند و سیگنال/ منفی و هشداردهنده را نادیده می‌گیرند؛ در مقابل در بازار کم رونق، سرمایه‌گذاران احتمال دارد بیشتر تحت تأثیر گزارش‌های بدبینانه قرار گیرند و گزارش‌های فعال بازار تأثیر کافی بر آن‌ها نداشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

این مقاله اثرات تأثیر رسانه‌ها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی را بررسی می‌کند. بر اساس داده‌های نظرسنجی سطح خرد از دانشجویان با تجربه سرمایه‌گذاری بازارهای مالی مدل لجیت دوتایی برای تجزیه و تحلیل تجربی مدنظر قرار گرفت. تأثیر رسانه‌ها در تولید و انتشار اطلاعات ممکن است منجر به ایجاد نوسانات در خط‌مشی و تصمیمات سرمایه‌گذاران شود و تأثیر قابل توجه و معنی‌داری بر تصمیمات سرمایه‌گذاران داشته باشد. علاوه بر آن، تأثیر گزارش‌های رسانه‌های جمعی در بازارهای مالی متقارن نیست. در بازار پرونق، سرمایه‌گذاران بیشتر به گزارش‌های خوش‌بینانه اهمیت می‌دهند و سیگنال منفی و هشداردهنده را نادیده می‌گیرند؛ در حالی که در یک بازار کم رونق، سرمایه‌گذاران احتمال دارد بیشتر تحت تأثیر گزارش‌های بدبینانه قرار گیرند و گزارش‌های فعال بازار تأثیر کافی بر آن‌ها نداشته باشد. این بدان معنی است

که وقتی سرمایه‌گذاران اعتماد به نفس خود را برای سرمایه‌گذاری بازارهای مالی در بازار پررونق از دست می‌دهند، مشتاق سیاست‌های اقتصادی جدید یا اصلاحات فعال هستند. برای سیاست اقتصادی، تأثیر رسانه‌های خبری و رسانه‌های اجتماعی بیشتر است که نشان می‌دهد که در بازار پررونق سرمایه‌گذاران بیشتر به دانش سرمایه‌گذاران کارشناسان اعتماد دارند. برای اصلاحات در بازار مالی اوراق بهادار، کمی متفاوت است، تأثیر رسانه‌های خبری بیشتر از رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تخصصی است. دلیل این امر آن است که رسانه‌های خبری معمولاً از اعتبار عمومی‌تر، گسترده‌تر و اقتدار بیشتری نسبت به رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های تخصصی برخوردار هستند. به علاوه تأثیر رسانه‌های متخصص به دلیل کیفیت قابل اعتماد گزارش‌های آن از رسانه‌های اجتماعی قوی‌تر ظاهر شده است. علاوه بر این، توسعه صنعتی فقط از طریق رسانه‌های متخصص تأثیر نسبتاً قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌گذارد که نشان می‌دهد که در بازار پررونق، تأثیر اطلاعات اقتصادی صنعتی بر تصمیمات سرمایه‌گذار بسیار وابسته به دانش تخصصی است. برای این که پیش‌بینی شاخص تأثیرات قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذار نمی‌گذارد، علاوه بر این، اقتصاد بین‌الملل از طریق رسانه‌های خبری و رسانه‌های اجتماعی سرمایه‌گذاران بازارهای مالی را به طور عمده تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقایسه نتایج برآورد شده بازار کم رونق و پررونق نشان می‌دهد که در بازار کم رونق، سرمایه‌گذاران در مقایسه با محتوای رسانه‌ای با رنگی نسبتاً مثبت و خوش‌بینانه، حساس‌تر هستند (Sul, H. K., A. R. Dennis and L. I. Yuan, 2016). برای مثال، پیش‌بینی شاخص که اشاره دارد به بازار کم رونق که هنوز صعودی نشده است به طور قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد. در مقابل، آن‌ها در برابر اطلاعات نسبتاً منفی و بدبینانه حساسیت کمتری دارند. با این حال، در بازار پررونق، اثرات تأثیر رسانه‌های جمعی بر تصمیمات سرمایه‌گذار تا حد زیادی تخمین زده می‌شود. دلایل احتمالی به این شرح است که: سرمایه‌گذاران از عملکرد بازارهای مالی راضی نیستند و ممکن است با اعتماد به گزارش‌های رسانه‌های جمعی، به هر حال به بازار پررونق، اعتماد کنند؛ سرمایه‌گذاران معاملات بازارهای مالی خود را در بازار پررونق قرار می‌دهند و برخی از آن‌ها حتی از بازار خارج می‌شوند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران به محتوای خبری با رنگ مثبت و خوش‌بینانه حساس نیستند. همچنین پیش‌بینی شاخص تأثیر مثبت بر تصمیمات سرمایه‌گذار نمی‌گذارد؛ در عوض آن‌ها به اطلاعات منفی و بدبین

حساس هستند. این خبر بدیهی است که تصمیمات سرمایه‌گذار را از طریق رسانه‌های جمعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نهایت، محققان به‌عنوان یک جریان تأثیرگذار، نشان می‌دهند که آیا و چگونه تصمیمات سرمایه‌گذار بر عملکرد بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد (Baker, M. J. Wurgler and Y. Yuan, 2012). جریان دیگر به طور تجربی تأثیر رسانه‌های جمعی را در بازارهای مالی از دیدگاه کلان و یا استفاده از داده‌های سطح کلان تحلیل می‌کند (Fang, L. and J. Peress, 2009). در حالی که مطالعه حاضر، با استفاده از داده‌های نظرسنجی در سطح خرد، انجام شده است. سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، رسانه‌های اجتماعی را به دلیل تأثیرات آن پذیرفته‌اند. برای مثال، شبکه‌های اجتماعی باعث صرفه‌جویی در زمان، کاهش هزینه‌های انجام ارتباطات در بازارهای سرمایه، کاهش دسترسی گسترده، تغییر روش‌های تعامل در بازار سرمایه و افزایش دسترسی به اطلاعات و در نتیجه کارایی بازار سرمایه می‌شود. علاوه بر این، اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی به راحتی ویرایش می‌شود و به این ترتیب خطاهای موجود در اطلاعات بازار سرمایه به سرعت اصلاح می‌شوند. با این حال، ماهیت کنترل نشده رسانه‌های اجتماعی منجر به انتشار سریع اطلاعات نادرست در بین مخاطبان گسترده می‌شود (Meng J. and W. Bo, 2010). با این وجود، در مقایسه با یکدیگر، مزایای تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر بازارهای سرمایه بیشتر از معایب آن است که می‌تواند از طریق تعیین سیاست‌های نظارتی برای استفاده مسئولانه و ایمن از رسانه‌های اجتماعی، اصلاح شود. به‌طور خلاصه می‌توان آثار شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی را به شرح زیر فهرست نمود:

- انتشار سریع اطلاعات نادرست؛
- اطلاعات موجود در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به راحتی ویرایش کرد، بنابراین خطاهای موجود در اطلاعات بازار سرمایه را می‌توان فوراً اصلاح کرد؛
- دسترسی به رسانه‌های اجتماعی کارایی بازار سرمایه را افزایش می‌دهد؛
- تغییر روش‌های تعامل در بازار سرمایه؛
- دسترسی گسترده؛
- شبکه‌های اجتماعی هزینه انجام ارتباطات در بازار سرمایه را کاهش می‌دهد؛
- شبکه‌های اجتماعی در زمان صرفه‌جویی می‌کنند.
- برای پیمایش موثر در میان سروصدای رسانه‌های اجتماعی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران می‌توانند چندین استراتژی را به کار گیرند:

- منابع اطلاعاتی را متنوع کنید. تکیه بر یک پلتفرم رسانه اجتماعی یا تأثیرگذار می‌تواند گمراه‌کننده باشد. توصیه می‌شود چندین منبع از جمله خبرگزاری‌های مالی معتبر، کارشناسان صنعت و اطلاعیه‌های رسمی شرکت را دنبال کنید؛
- انجام تحقیقات مستقل سرمایه‌گذاران باید قبل از هر گونه تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری، تحقیق و تحلیل خود را انجام دهند. این شامل مطالعه صورت‌های مالی یک شرکت، درک مدل کسب‌وکار آن و ارزیابی چشم‌انداز رقابتی آن است؛
- با افراد حرفه‌ای مشورت کنید جستجوی مشاوره از متخصصان مالی، مانند برنامه‌ریزان مالی معتبر یا مشاوران سرمایه‌گذاری، می‌تواند دیدگاه متعادلی را ارائه دهد. این متخصصان می‌توانند به فیلتر کردن اطلاعات و ارائه راهنمایی شخصی بر اساس اهداف مالی فردی و تحمل ریسک کمک کنند؛
- شکاک و انتقادی باشید همه اطلاعات موجود در رسانه‌های اجتماعی دقیق یا بی‌طرفانه نیستند. سرمایه‌گذاران باید شک داشته باشند و قبل از تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری، منابع و محتوا را به طور انتقادی ارزیابی کنند؛
- مدیریت ریسک را تمرین کنند تنظیم اهداف سرمایه‌گذاری روشن، متنوع کردن پرتفوی‌ها و استفاده از تکنیک‌های مدیریت ریسک مانند دستورات توقف ضرر می‌تواند به کاهش ریسک‌های مرتبط با نوسانات بازار سهام تحت تأثیر رسانه‌های اجتماعی کمک کند.

در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های یک شرکت ممکن است بر استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط متخصصان بازار مالی تأثیر بگذارد. با این حال، چنین ارتباطی می‌تواند یک اثر خاص کشور باشد و ممکن است فقط ویژگی محلی داشته باشد. از این رو، یافته‌ها را نمی‌توان به جمعیت گسترده‌تری از شرکت‌ها در سراسر جهان تعمیم داد (حیدری هراتمه، ۱۳۹۶)؛ بنابراین منطقی است که تحقیقات مشابهی در کشورهای دیگر انجام شود تا بررسی شود که آیا ویژگی‌های انتخاب شده بر تصمیمات استفاده از رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان منبع اطلاعاتی تأثیر دارد یا خیر.

منابع و مأخذ

- حیدری هراتمه، مصطفی (۱۳۹۸). بهینه سازی پرتفوی از طریق ارزش در معرض ریسک شرطی (CVaR) تحت فرایند واریانس گاما. (VG) دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۲ (۴۱)، ۱۱۲-۱۰۱.
- حیدری هراتمه، مصطفی (۱۳۹۶). بررسی تاثیر اختیار واقعی ناشی از فرصت های سرمایه گذاری بر بازده سهام. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی)، ۸ (۳۰)، ۲۰۰-۱۸۵.
- Baker, M. and J. Wurgler (2006), "Investor Sentiment and the Cross-Section of Stock Returns. Journal of Finance, 61(4), 1645-1680.
- Baker, M. and J. Wurgler (2007), "Investor Sentiment in the Stock Market. Journal of Economic Perspectives, 21(2), 129-151.
- Baker, M. J. Wurgler and Y. Yuan (2012), "Global, Local, and Contagious Investor Sentiment. Journal of Financial Economics, 104(2), 272-287.
- Engelberg, J. and C. A. Parsons, 2011, "The Causal Impact of Media in Financial Markets. Journal of Finance, 66, 67-97.
- Fang, L. and J. Peress (2009), "Media Coverage and the Cross-section of Stock Returns. Journal of Finance, 64(5), 2023-2052.
- Li, Q. T. Wang, P. Li, L. Liu, Q. Gong and Y. Chen (2014), "The Effect of News and Public Mood on Stock Movements. Information Sciences, 278, 826-840.
- McFadden, D, 1973, "Conditional Logit Analysis of Qualitative Choice Behavior. Frontiers in Econometrics, 105-142.
- Meng J. and W. Bo (2010), "Limited Attention of Investors and the Liquidation of Non-tradable Shares. Journal of Financial Research, 11, 10.
- Shiller, R. J. 2015, "Irrational Exuberance. Princeton University Press.
- Stambaugh, R. F. J. Yu and Y. Yuan (2012), "The Short of It: Investor Sentiment and Anomalies. Journal of Financial Economics, 104(2), 288-302.
- Stambaugh, R. F. J. Yu and Y. Yuan, (2014), "The Long of It: Odds that Investor Sentiment Spuriously Predicts Anomaly Returns. Journal of Financial Economics, 114(3), 613-619.
- Sul, H. K. A. R. Dennis and L. I. Yuan (2016), "Trading on Twitter: Using Social Media Sentiment to Predict Stock Returns. Forthcoming at Decision Sciences.
- Tetlock, P. C. (2007), "Giving Content to Investor Sentiment: The Role of Media in the Stock Market. Journal of Finance, 62, 1139-1168.
- Zhang, Y. W. Song, D. Shen and W. Zhang (2016). "Market Reaction to Internet News: Information Diffusion and Price Pressure. Economic Modelling, 56, 43.

The Combination of Exterior and Interior in the Quranic Theory of Rites Determining the Cultural Teachings of Surah Mubarakah Hajj

Najmeh Kazemi, *p.h.d student of Qur'anic and Hadith Sciences of Al-Zahra University. Email: r.kazemi502@gmail.com*

Seyyed Majid Emami, *Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadeq University. Email: s.m.emamy@isu.ac.ir*

Parvin Baharzadeh, *Associate Professor of Theology Faculty of Al-Zahra University (Corresponding Author). Email: bahar-p@alzahra.ac.ir*

Abstract

The natural desire of humans to have a meaningful view of the surrounding world and to escape from emptiness has caused religion to create a new and meaningful attitude to life as a factor in giving meaning to life. This approach, by presenting an emerging interpretation of man and religion, as well as the relationship between the two, seeks to understand man and the dimensions of religion, from vision and beliefs to behavior, habits, and religious customs. Religious rituals, as a factor for communication and unity of people have a decisive role in the social-cultural-identity structure. Surah Mubarakah Hajj, as the focus of Quranic rituals, includes culturally creating religious propositions in different dimensions such as politics, economy, culture, etc., each of which has its roots in the revelations and contents of the verses. Based on this importance, the current research aims to extract the cultural teachings of the rituals, with the analytical-descriptive method and relying on the inferential approach, it has tried to analyze the functionality of the cultural teachings of this surah and to explain the functional comparison of the rituals of Hajj with the era of Jahiliya. The findings of the research indicated that in Surah Hajj, we are faced with the conceptual propositions of correcting the harms and cultural deviations of rituals, and at the head of these reforms, restoring piety as a union of worldliness and religion to ritual has been taken into consideration.

Keywords

Rituals, Hajj Surah, Cultural Religion, Religious Culture.

تلازم ظاهر و باطن در نظریه قرآنی مناسک استنطاق آموزه‌های فرهنگی سوره مبارکه حج^۱

نجمه کاظمی^۲، سیدمجید امامی^۳، پروین بهارزاده^۴

چکیده

تمایل فطری انسان‌ها به داشتن نگاه معنادار به جهان اطراف و فرار از پوچی موجب شده دین به‌عنوان عاملی برای معنابخشی به زندگی، نگرشی جدید و معنادار به زندگی را پدید آورد. این رهیافت با ارائه تفسیری نو ظهور از انسان و دین و نیز ارتباط آن دو، درصدد شناخت انسان و ابعاد دین از بینش و اعتقادات تا رفتار و عادات و آداب دینی است. مناسک دینی به‌مثابه عاملی جهت ارتباط و اتحاد افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار هویتی - فرهنگی - اجتماعی را دارا بوده است. سوره مبارکه حج به‌عنوان کانون تمرکز مناسک قرآنی، دربرگیرنده گزاره‌های دینی فرهنگ‌ساز در ابعاد مختلف همچون: سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... بوده که هریک ریشه در ظهورات و بطون آیات داشته است. براساس این مهم پژوهش حاضر باهدف استخراج آموزه‌های فرهنگی مناسک، با روش تحلیلی - توصیفی و تکیه بر رویکرد استنطاقی، درصدد تحلیل کارکردی آموزه‌های فرهنگی این سوره و تبیین تقابل کارکردی مناسک حج با دوران جاهلیت بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده که در سوره حج، با گزاره‌های مفهومی اصلاح آسیب‌ها و انحرافات فرهنگی مناسک مواجهیم که در رأس این اصلاحات بازگرداندن تقوا به‌مثابه اتحاد دنیاداری و دینداری به مناسک مورد توجه قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی

مناسک، سوره حج، دین فرهنگی، فرهنگ دینی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین نظام مفهومی فرهنگ عمومی در قرآن کریم (مقایسه فرهنگ مکی و مدنی)» است که به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم در دانشکده الزهرا (س) به انجام رسیده است.

r.kazemi502@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س).

s.m.emamy@isu.ac.ir

۳. استادیار دانشکده معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

bahar-p@alzahra.ac.ir

۴. دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول).

مقدمه

حیات انسان سرشار از گذارها و معابری نمادین از وضعیت قبلی به وضعیت جدید است، تولد، بلوغ، ازدواج، تکامل معنوی، مرگ و... همگی از طریق آیین‌هایی درک، بسط و جریان پیدا می‌کند. فهم ماهیت و ابعاد و تغییرات شعائر^۱، مراسم^۲ و مناسک مذهبی به‌مثابه فرایندهای معنا ساز حیات دینی از موضوعات دیرپای مشترک در علوم اجتماعی خصوصاً جامعه‌شناسی دین، انسان‌شناسی، معناشناسی، اسطوره‌شناسی، زیبایی‌شناسی و نشانه‌شناسی بوده است. درواقع از هر مبدأ و بستری که فرهنگ مادی و رفتار جمعی مطالعه شود، پای مناسک معنوی دوشادوش غریزه و نوع پاسخ به نیازهای طبیعی انسان به میدان نظریه‌پردازی و مطالعات تجربی جامعه و فرهنگ کشیده می‌شود و بدیهی است که هر نگاه و نظام فرهنگی، روایت خود را از مناسک معنوی و آداب و رسوم و آیین‌های فردی و جمعی دینداران یا معنویت‌جویان، دارد. در نگاهی درون دینی، عبودیت به معنای خاص همواره با شریعت و طریقت گره خورده که هر دو مجموعی از فعالیت‌ها و وظایف واجب یا مندوب را پیش روی دیندار می‌گذارند. این مناسک به دو دسته کلی مستمر و روزانه (دارای زمان منظم و مشخص) و غیرمستمر قابل تفکیک است. نوع دوم نیز به‌نوبه خود دو گروه کلی مشابه (فرم و ظاهر یکسان و معین و رسمی) و غیرمشابه تقسیم می‌شوند. پی‌جویی یک نظریه توصیفی و هنجاری برای مناسک و آیین‌های دینی در قرآن کریم هدف این پژوهش بوده است و بر این اساس سوره مبارکه حج به‌مثابه کانون تمرکز آیات الهی در ترسیم و تنقیح این نظریه مورد توجه قرار گرفته است. در این سوره دو فرمان و دو شکل از مناسک و آیین ترسیم شده است که یکی اولاً فردی و بدون حداقل ظهورات (روزه) و دیگری جمعی و با حداکثر ظهورات است (حج) این دو مناسک در عین حال مفهومی و مصداقی با هم مرتبط هستند. **علل چهارگانه** این مناسک در آیات مطرح شده و ماهیت و هویت آن‌ها به‌خصوص حج بیان شده است و از همه مهم‌تر مسئله و مشکل مناسک در مقایسه با تنوع، نوآوری، تغییر و محور عالم دینی یعنی امام به شیوایی صورت‌بندی گردیده است.

1. Rites

2. Ceremonies

پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش پیش‌رو، با تأمل در هدف مطرح شده باید بیان داشت، تنها رضی‌آبادی و احدیان (۱۳۹۷) به تبیین غرض موضوعی سوره حج با تأکید بر سیاق سوره. طباطبایی و همکاران (۱۴۰۲) و نیز غیائی و همکاران (۱۴۰۰) هر دو بامحوریت موضوع اربعین به تبیین منسک اربعین و آثار آن پرداخته‌اند. سایر محققان به بررسی اعمال و چگونگی احراز شرایط حج با تأکید بر مسائل فقهی فارغ از در نظر گرفتن تلازم ظاهری و باطنی حج در دو برهه پیش از اسلام و پس از اسلام در جهت کشف نظریه مناسکی در این مهم پرداخته‌اند. لذا جنبه نوآورانه پژوهش توصیفی-تحلیلی پیش‌رو را می‌توان **استخراج نظریه مناسکی** با تأکید و محوریت مقوله حج و تأمل در بطون و ظواهر آیات به‌شمار آورد.

روش پژوهش

قرآن کریم هسته مرکزی دین، به‌عنوان کتابی فرازمانی و فرامکانی دربردارنده اصول ثابت و شاکله اصلی دین و نیز نقشه راه، در اصل روایات در نقش تطبیق و کشف مصداق تفسیر و تحویل و... را ایفا می‌کند. با توجه به متفاوت بودن لایه‌های معنایی و سیاقی سوره در ابتدا سیاق متنی سوره و در ادامه محور اصلی آن تبیین شده تا فهم قرآن دچار کج‌فهمی نشده و به خلط باطن و ظاهر منجر نگردد. لذا پژوهشگران در مرحله اول، لایه نخست قرآن (ظاهر) بررسی و در مرحله دوم بر اساس تدبیر در آیات قرآن و منابع تفسیری با تأکید بر بافت متنی قرآن به مفهوم و سیاق اصلی را محور تمرکز قرار داده‌اند. تدبیر روشی از فهم منسجم و هماهنگ با لفظ و سیاق است که باید از تنگنای سلاقی شخصی عبور کرده و در شاهراه قانون و ضابطه عقلایی (ادبیات و منطق و اصول) صورت بگیرد. از سوی دیگر مسئله معاصر ما با رویکردهای تفسیر موضوعی محقق می‌شود؛ زیرا اساساً در پی تطبیق آیاتی بر مفردات موجود یا تفسیر قرآن به قرآن نبودیم، بلکه تغییرات فرهنگی جوامع، مدل و ابعاد توصیفی و هنجاری آن را می‌جستیم. تفسیر موضوعی و روش استنطاقی شهید صدر، تفسیر مسئله‌محور، جامع، اجتهادی و منتج به نظریه است. المدرسه القرآنیه با هیچ‌یک از تفاسیر معتبر که تا امروز بوده‌اند و بعد از این پدید خواهند آمد، منافات ندارد. فهم مدلولات جزئی به هر روش معتبری می‌تواند باشد تفسیر موضوعی به نظر ایشان تلاش برای کشف موضوعی از موضوعات زندگی اعتقادی، اجتماعی و هستی‌شناسانه انسان است در این صورت هدف مفسر تحدید موقف نظری قرآن و استخراج تئوری قرآن در برابر نظریات دیگر است. شهید

صدر روش تفسیر خود را موضوعی و توحیدی می‌خواند و بهترین معادل را برای آن از تعبیر امیرالمؤمنین اخذ می‌کند^۱ یعنی استنطاق از کتاب (صدر، ۱۴۲۱: ۳۰) «استنطاق» به معنای ارائه پرسش‌های جدید به قرآن جهت اخذ پاسخ‌های مناسب از آن می‌باشد. در تفسیر موضوعی هدف مفسر گسترده‌تر از حد فهم آیه یا مفردات یک آیه است. در این تفسیر مفسر درصدد است که با توجه به فهم و مدلول یکایک آیات، نظریه قرآنی را درباره موضوعی از موضوعات مختلف به دست آورد یا دیدگاه قرآن را نسبت به موضوعی که خودش آن را مطرح کرده، از مجموع آیاتش کشف کند یا به دلیل آن که درباره آن موضوع، قرآن در ظاهر، عبارت‌ها و بیان‌های مختلفی ارائه داده مفسر میان آن‌ها جمع کند و نظریه‌ای منسجم از قرآن را به دست آورد. تفسیر موضوعی هم می‌تواند بحث نظری باشد هم جنبه راهگشایی برای عمل داشته باشد. هم‌چنان‌که در زمینه نظریات می‌تواند خارجی باشد یا جنبه ذهنی و ماورایی داشته باشد یا حتی مفهومی و توصیفی باشد (ایازی، ۱۳۶۸: ۱۴۸). بر اساس این مهم و توجه و تمرکز بر رویکرد استنطابقی، رویکرد مقاله توصیفی-تحلیلی با تأکید بر مطالعات اسنادی بوده که در تحلیل و متن‌کاوی این مهم از آراء مفسران و کتب لغت و تاریخی استفاده شده است.

۱. مناسک و آیین، نظریه و عمل

دین (به معنای خاص و تشریع آسمانی) در بسیاری از جوامع رکن بنیادی فرهنگ بوده و هنجارآفرین و ارزش‌آفرین حیات اجتماعی انسان است. دین ترکیبی از باورها و اعمال است. مراسم و مناسک در شمار اعمال دینی است که بخش گسترده‌ای از کنش‌های اجتماعی ما را شکل می‌دهد. تنوع، گستردگی، پویایی، تأثیر فرا زمان و فرامکان، ازجمله ویژگی‌های مراسم و مناسک دینی در فرهنگ جامعه ماست. مناسک به مجموعه‌ای از اعمال اطلاق می‌شود که از جانب دین تعریف و توصیه می‌شود و انجامشان ارتباط انسان با امر الوهی و تکریم او نسبت بدان را جلوه‌گر می‌سازد. مردم‌شناسان و دین‌شناسان آداب و مناسک را به شیوه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند، ازجمله «مقوله‌ای جهان‌شمول از تجارب انسانی»^۲ یا «آن دسته از فعالیت‌های بدنی اختیاری و آگاهانه، مکرر و دارای قالب خاص نمادین که در برابر ساختارهای کیهانی و/یا مقامات قدسی انجام می‌گیرد»^۳.

۱. ذَلِك الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءُ دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

2. Bell, Ritual theory,

3. Zuesse , Ritual

جانانان اسمیت آداب و مناسک را وسیله‌ای برای تحقق شیوه‌ای که بر اساس آن اشیا در تقابل آگاهانه با نحوه وجودشان قرار می‌گیرند، تعریف نموده به گونه‌ای که این کمال حاصل آمده از آیین در جریان روزمره و ضبط و مهار نشده امور تجدید شود.^۱ آداب و مناسک حاوی ساختارهای رسمیت یافته و گاه حتی رفتارهای خودانگیخته است که متأثر از اشتغال به امر الوهی و احترام به آن در اشکال و جلوه‌های گوناگون آن پدید آمده است (مک اولیف، ۱۳۹۲، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، آ-ب). آداب و مناسک را می‌توان در ادبیات گسترده‌تری همچون آداب و مناسک گذار که در آن‌ها متن مقدس خوانده یا اجرا می‌شود، مانند آیین ولادت یا خاکسپاری و درواقع عملاً همه وجوه زندگی روزمره را شامل شود، تبیین کرد. آیین‌های دینی یا مذهبی اصطلاح دیگری است که در برخی از علوم اجتماعی برای فهم و تبیین رفتارهای فرمیک و معناساز معنوی به کار می‌رود. در مفهوم آیین، تجربه مشترک و هم تجربگی معنوی نقش جدی دارد. رویدادها و تجمع‌ها وقتی آیین هستند که بین کنشگران حاضر وحدت غایی ایجاد شود و هریک به زعم کنشگری خاص، نهایتاً از یک فضای معنوی و جو مشترک بهره‌ور گردند. رونب‌ولر در کتاب ارتباطات آیینی، از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده تصریح می‌کند که آیین پژوهی هم بر رخدادهای ویژه و هم جنبه آیینی فعالیت‌های عادی اشتغال دارد (رونب‌ولر، ۱۳۸۷: ۳۴). وی مؤلفه‌های تعریف آیین که همان مناسک در پژوهش است را در برخی از مؤلفه‌ها مانند انجام اعمال و آداب مناسک در زمان و مکان معین به وسیله هر فرد^۲، داوطلبانه و غیرتفریحی بودن، داشتن گرایش جمعی در برگزاری مراسم، تکرارپذیری و داشتن نماد خاص و نیز به سبب آن اثرگذاری و ماندگاری آن در اذهان با گردش تقویمی تبیین می‌کند. مناسک دینی امری آگاهانه و اختیاری است آگاهانه و داوطلبانه بودن در دو مقام اجراکننده و حتی مشارکت‌کننده افراد جریان دارد، مناسک از جدی‌ترین امور اجتماعی است که متمایز از بازی و امور تفریحی است. مناسک دینی ریشه در اجتماع و امور جمعی داشته هرچند برخی آیین‌ها در خلوت اجرا شوند اما دائماً در آن‌ها چیزی وجود دارد که به صورت اجتماعی ساخت یافته است.

زیرا آیین و نقشه‌ای از روابط اجتماعی هستند. این نوع آیین و رفتارهای جمعی سنتی و تکراری هستند، از پیشینیان تاکنون به صورت تقویمی و با گردش زمان تداوم داشته‌اند

1. Smith, Bare facts,
2. Performance

لذا امری مرسوم‌اند، رفتار مرسوم، الزامی، اخلاقی و مرتبط با نظم اجتماعی است. الزام و جواز نیز مشکک است اما قلمروی از بایدها را تشکیل می‌دهند، همانند مراعات بایدها در مناسک مذهبی با مراسم تاج‌گذاری یا عروسی سلطنتی که به یک نحو اجرا نمی‌شود. در این راستا مناسک پژوهان دریافته‌اند که این رفتارها خارج از نظریه مرسوم اطلاعات، ایجاد بُعد ارتباطی بدون ارائه اطلاعات است، به گونه‌ای که بیش از انتقال پیام و اطلاع‌رسانی با درک و پذیرش سروکار دارد. مناسک، عملی درباره امر قدسی است. رودنبولر در تفهیم این مؤلفه وارد ماهیت امر قدسی در جامعه‌شناسی دین می‌شود و نهایتاً تعریف خود را ارائه می‌کند: آیین، اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی سزاوار به‌منظور اثرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدی (غایت قدسی) طراحی شده است (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۷۰-۳۸). بر اساس این رویکرد یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان‌ها، معنادار نگاه کردن به زندگی و فرار از بی‌معنایی است. مؤمنان دین را به‌منظور عاملی برای معنادار کردن زندگی دانسته و به آن گرایش پیدا می‌کنند. به عبارتی، رفتارها و مناسک و آداب به‌عنوان عوامل معنابخش در زندگی آن‌ها نقش ایفا می‌کند.

۲. معماری مفهومی مناسک در قرآن

مناسک، مصدر میمی از ریشه «نسک» است. معنای اصلی این ریشه، عبادت و تقرب به خدا (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۲۰) و اعمال عبودی خاصی است که صرفاً از جانب خداوند تشریع شده است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۰۵). نُسُک، عبادت و نَاسِک به معنای عابد و عبادت‌کننده است که به اعمال حج اختصاص دارد مَنَاسِک همان اعمال حج، نَسِیکه قربانی و ذبیحه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۲۵) مشتقات واژه نسک شش مرتبه در قرآن کریم به کار رفته که از آن میان، دو بار به صورت «مناسک» (البقره/ ۲۰۰ و ۱۲۸)، دو بار به صورت «نسک» (البقره/ ۱۹۶) و (الانعام/ ۱۶۲) و دو بار به صورت «منسک» (الحج/ ۶۴ و ۶۷) می‌باشد. مناسک، به معنای عبادت و تقرب به خدا و اعمال عبودی خاصی است که تنها از جانب خداوند تشریع شده است. «مناسک» در این مهم بر اعمال عبودی مشخص و معین از جانب خداوند اطلاق می‌شود، لکن در برخی آیات مصداق خاصی از عبادات همچون قربانی، اعمال حج و ... مدنظر است.

در قرآن کریم در سه سوره مبارکه بقره و حج و انعام به تبیین مفهوم آن پرداخته شده است^۱. تفاسیر در تبیین مقوله حج بر مبنای معنای اصطلاحی (منسک) را در معنای اسم زمان و مکان به معنای جا و مکان عبادت یا مطلق عبادت اتخاذ داشته‌اند با این تعریف که عبادتی که مشتمل بر قربانی و ذبح است تا گامی برای تقرب به خداوند شود؛ به این معنا که در امت‌های گذشته مؤمنان عبادتی با پیشکش قربانی برای آنان قرار داده شده بود؛ بنابراین، قربانی کردن یکی از مصداق و نمونه‌های مهم و بارز اعمال و عبادات حج به شمار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۹؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۳: ۱۳۳). از نظر محتوا مطالب این سوره را به چند بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱. تأسیس اصل تقوا در انجام مناسک؛
۲. تذکار معاد و توجه به سرنوشت عبرت‌انگیز گذشتگان؛
۳. تبیین مسئله مناسک حج و سابقه تاریخی آن در سنت انبیائی و سپس شکل و عناصر آن مانند قربانی و طواف و ...؛
۴. تبیین منسک نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و توکل و توجه به خداوند؛
۵. استنتاج پیروی و اعمال مناسک.

جدول ۱. سیاق محتوایی سوره حج

ردیف	نقاط تمرکز آیات	آیات
۱	تأسیس اصل تقوا در مناسک	۱-۲
۲	تذکار معاد و توجه به سرنوشت عبرت‌انگیز گذشتگان	۳-۲۴
۳	تبیین مناسک حج و سابقه تاریخی آن در سنت انبیائی و سپس شکل و عناصر آن چون قربانی و طواف و ...	۲۵-۳۷
۴	تبیین منسک نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و توکل و توجه به خداوند	۳۸-۴۱
۵	استنتاج پیروی و اعمال مناسک	۴۲-۷۴

۱. رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ (بقره/۱۲۸) فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمَنِ الْنَّاسُ مِنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ (بقره/۲۰۰) وَاتَّبِعُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حج/۱۹۶) قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام/۱۶۲) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (حج/۳۴) لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُهُ فَلَا يُبَازِغُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ (حج/۶۷)

سوره مبارکه حج، بیست دومین سوره از سور قرآن کریم، از سوره‌های مثانی با هفتاد و هشت آیه بوده که به سبب تبیین و تشریع احکام و نیز اعلان عمومی حج، به این عنوان، نام گرفته است. در میان مفسران در مکی یا مدنی بودن این سوره اختلاف است. برخی کل سوره را مدنی دانسته و آیات ۱۹ تا ۲۴ یا ۵۲ تا ۵۵ آن را مکی شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۸۷، ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱۱: ۱۷)، برخی دیگر، نیز تمام سوره را، به جز آیات ۱۹ تا ۲۴ آن، مکی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۴۱، فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳: ۳، ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۹۲). احتمال میرود دلیل اصلی این تفاوت آراء، تفاوت در ملاک‌های تعیین مکی و مدنی بودن سوره‌ها و وجود موضوعات متنوع در میان مفسران در این سوره است (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۸ - ۳۷). همچنان که در سوره‌های نازل شده قبل از هجرت مشرکین مورد خطابند، مخاطب سوره حج نیز مشرکین است زیرا اصول دین و انذار و تخویف را به ایشان خاطر نشان می‌سازد. رویکرد سیاق محور بیانگر آن است که مشرکین دارای جایگاه قابل توجهی در بطن جامعه بوده‌اند و نیز مؤمنان را به مناسک دینی از جمله نماز، حج، عمل خیر، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده است، چون اجتماع مؤمنان تازه تشکیل شده و مختصر شوکتی به دست آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۷۷). لذا این سوره در مدینه نازل و غرض سوره بیان اصول دین نه فروع است، به این صورت که مشرک و موحد به صورت تفصیلی فهم نمایند. ولی نسبت به تبیین فروع دین به طور اجمال بوده و تنها مؤمنین از آن استفاده می‌کنند، چون تفصیل احکام در زمان نزول این سوره، هنوز تشریع نشده بود و به همین دلیل در این سوره کلیات فروع دین از قبیل مناسک دینی همچون نماز و حج و زکات تبیین و تشریح شده است.

۳. عناصر هویتی مناسک در سوره حج

اصلی‌ترین دلیل ماندگاری قرآن را، با وجود تطور دوره‌های حیات بشری، در مسأله بطون قرآن باید واکاوی و تحلیل نمود. آیات قرآن به وجود بطن در نظام هستی یا بخشی از آن دلالت دارد (الأنعام/ ۱۲۰ و ۱۵۱؛ الأعراف/ ۳۳؛ لقمان/ ۲۰؛ الحديد/ ۳ و ۱۳). هر چند آشکارا به باطن قرآن تصریحی صورت نگرفته است، اما مفسران با تمسک به آیاتی که به تدبیر و تأمل در قرآن یا آیاتی که در آن به فراگیر بودن تمامی امور در قرآن تصریح شده، بر وجود باطن برای قرآن تلازم آورده‌اند (ذهبی، بی تا ج ۲: ۳۵۳ و ۳۵۴ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۸). از آن رو که اثرگذاری شعائر و مناسک به عنوان واقعیت‌های زنده فرهنگی - اجتماعی محدود و متوقف بر زمان و مکان خاصی نیست؛

به عبارت دیگر، آثار فردی و اجتماعی که مراسم و مناسک در قالب پاداش و تنبیه برای انسان‌ها فراهم می‌سازند مربوط به همه ادوار است. به‌طور کلی تأثیرات و کارکردهای مراسم و مناسک را می‌توان در دو رتبه فرد و اجتماع ملاحظه نمود:

الف) مرتبه رفتار فردی: در این رتبه اثراتی که مناسک و مراسم دینی برای افراد در همه ادوار ایجاد می‌کند، مانند اثرگذاری که نماز بر هر کنشگری (نمازخوان) در جلوگیری و پیشگیری از جرم دارد. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) یا اثر روزه در اکتساب تقوای الهی. همچنین تأکیدات آیات دیگر که به تأثیرات فردی اجرای مراسم و مناسک اشاره دارد (حج/۳۲). به‌طور کلی برخی از تأثیرات و کارکردهای مراسم و مناسک در سطح فردی عبارتند از: دوری از کج‌روی اجتماعی، الگوپذیری، کسب آرامش درونی، افزایش مسئولیت فردی، نظم‌پذیری (کارکرد سازمان‌پذیری)، آمادگی برای فداکاری، درونی شدن هنجارها و ارزش‌های دینی و... کارکردهای فوق برای هر کنشگری در هر زمانی حاصل خواهد آمد. این آثار فردی محدود به انسان‌های خاصی در زمان خاصی نخواهد بود (جمشیدی و قبادی، ۱۳۸۶: ۴۸).

ب) مرتبه رفتار اجتماعی: آثار ماندگار و مستمر فرازمانی و فرامکانی به مجموعه آثاری اطلاق شده که منتج از انجام ارتباطات جمعی در سطح اجتماعی است. این ارتباطات به صورت فعال و زنده برای همه افراد در همه زمان و مکان اثرگذار بوده است که برگرفته از آثار و نتایج جمعی و همگانی مناسک است. همبستگی و وفاق اجتماعی، بازیابی هویت جمعی افراد، ایجاد روابط و پیوندهای فرهنگی-سیاسی و بازیابی چرخه اقتصادی و مالی کشورها و... از جمله نتایج مهم این امر است (جمشیدی و قبادی، ۱۳۸۶: ۴۸).

این شاخصه سبب می‌شود که در دین اسلام اصول ثابتی وجود داشته باشد که به مقتضای فطرت انسانی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها اثرگذار باشد. بر اساس این مهم مناسک حج دارای سه‌گان هویتی اجرا، زمان و مکان در جهت وصول به‌غایت تقوا و اخلاص است.



شکل ۱. عناصر هویتی مناسک

حج، همانند سایر مناسک دینی، آداب، سنن و فرایضی خاص و زمان و مکانی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتی و اجتناب از آراستن به اوصاف سلبی است. انسان در مقام خلیفه‌اللهی و اظهار در صفات جمال و جلال، دارای صفات ثبوتی و سلبی است. از این رو موظف است که به تهذیب و ترکیه پردازد؛ بدین صورت که ابتدا خود را از ذایل اخلاقی پاک و سپس به فضایل اخلاقی پیوندند و مظهر اوصاف الهی گردد؛ بنابراین، حج بهترین فرصت برای تأمین این هدف است؛ زیرا باطن و هدف این منسک برای تهذیب نفس است (جوادی آملی، ۱۳۸۸). بطون محرمات حج برای شرک زدایی از انسانی است که گرفتار عصیان و تباهی می‌شود. آیه شریفه «فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (۴۱) به سه مورد از محرمات حج که هر یک در تطهیر یکی از قوای نفسانی (قوه شهویه، قوه غضب و تهذیب قوای فکری) نقش دارد، اشاره می‌کند؛ بنابراین با طهارت این قوای سه‌گانه امور انسانی پاک می‌شود؛ زیرا صدور هر کاری از انسان با تحلیل به یکی از سه قوه مذکور برمی‌گردد. لذا سه‌گان هویتی حج که هر ساله به صورت همسان و یکسان برگزار شده تا هویت فرهنگی- دینی درک و وجوه امتیاز آن را در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها تبیین شود. خداوند در این سوره و سایر سور نظام دینی- توحیدی جاهلیت را به اوصافی مانند کفر، شرک، گمان باطل و افترا بر خدا، تکذیب رسولان الهی و انکار معاد، ترسیم نموده است. در ادامه به بررسی این مهم خواهیم پرداخت.

۴. تقابل ظاهری حج جاهلی و حج عبادی

عصر جاهلیت در ابعاد و جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. از جمله محورهایی منعکس شده در قرآن، چگونگی انجام مراسم دینی و مناسک مردم جاهلیت، به ویژه

ساکنان جزیره العرب است. هر چند اصل این عبادات ریشه در تعالیم ادیان پیشین داشت، اما این افراد در بعد عملی آن دچار انحرافات و تغییراتی شده بودند که گاه گونه ظاهری و سطحی را برای مناسک پدید آورده بود. این نوع برخورد با مناسک در بعد بینش و عمل تنها ناظر به ادوار پیش از ظهور اسلام نیست، بلکه دربرگیرنده جوامع و مللی است که در برخی ویژگی‌ها و شاخصه‌ها اشتراک دارند. حج به مثابه یکی از مهم‌ترین مناسک عبادی مسلمانان، تشریع آن در دوره ابراهیم (ع) بوده است لذا امری است که در جاهلیت مرسوم بوده است.

تحریف و انحرافات جاهلیت در زوایای مختلف مناسک حج رخنه کرده بود. این گونه کج روی و انحرافات از آیات و روایات قابل تبیین و تحلیل است. با توجه به مناسک حج، تصویر کوتاهی از حج جاهلی را ترسیم خواهیم نمود. تلبیه به معنای پاسخ مثبت به ندای خداوند و تجدید عهد بندگی با او را، جاهلیت به عبارتی شرک‌آلود متصل نموده و به گونه دیگر رواج دادند. این درحالی است که تلبیه (ل ب ب) به مثابه شعار توحید و اخلاص در طاعت الهی است. در قرآن به تلبیه تحریف شده جاهلی به صورت مستقیم اشاره نشده، اما در روایات مربوطه بدان پرداخت شده است، در سوره روم آمده است: «ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۱. مجمع البیان مشرکان عرب را یکی از مصادیق این آیه به‌شمار آورده است زیرا هنگام ستایش الهی می‌گفتند: الله، اما نسبت به او شرک می‌ورزیدند و در تلبیه بیان می‌کردند: «لبیک لا شریک لک الا شریک هو لک، تملکه و ما ملک» (طبرسی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۴۶۲).

کلینی تلبیه جاهلیت را که بیان‌گر سبب نزول آیه ۳۷ سوره حج است، این گونه بیان نموده: «قریش بت‌هایی را که دور کعبه بود با مشک و عنبر، خوشبو می‌کردند و یغوث در مقابل در کعبه، یعوق در سمت راست آن و نسر در سمت چپ آن قرار داشت؛ و هنگامی که وارد می‌شدند در برابر یغوث به سجده می‌افتادند و خم نمی‌شدند». سپس چنین تلبیه می‌گفتند: «لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک الا شریک هو لک تملکه، ما ملک». پس خداوند مگسی سبزرنگ با چهار بال فرستاد و تمامی آن مشک

۱. خدا از [وضع و حال] خودتان برای شما مثلی زده است، آیا از بردگانتان در آنچه [از نعمت‌ها و ثروت‌ها] به شما روزی داده‌ایم، شریکانی دارید که شما در آن [نعمت‌ها و ثروت‌ها] با هم برابر و یکسان باشید و همان گونه که از یکدیگر می‌ترسید [که یکی از شما نعمت و ثروت مشترک را ویژه خود کند] از بردگانتان هم بترسید؟ [بی‌تردید در میان آزاد و برده و مولا و عبد و مالک و مملوک چنین شرکتی وجود ندارد، پس چگونه ممکن است مملوک خدا در خدایی، ربوبیت، خالقیت و مالکیت شریک او باشد؟!]. این گونه آیات خود را برای مردمی که تعقل می‌کنند، بیان می‌کنیم (سوره روم / آیه ۲۸).

و عنبر را خورد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا و لو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذباب شیئا لا یتقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴۵). سعی بین صفا و مروه، از گونه‌های شرک آمیز و نادرست دیگر در اعمال حج و عمره است. بر اساس شواهد تاریخی، زن و مردی از اهالی یمن به نام‌های «اساف بن عمرو» و «نائلة بنت سهل» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۴) هنگام طواف کعبه، در درون کعبه به رفتاری نامشروع پرداختند و به این سبب که گرفتار هوای نفس شده و هنجارهای حج و خانه خدا را مراعات نکردند، در نهایت تبدیل به دو قطعه سنگ شدند (نسائی، ۱۳۴۸، ج ۵: ۵۵). پس از این روایت، افراد با دیدن مسخ شدن این دو نفر، یکی را کنار حجر الاسود و دیگری را نزد رکن یمانی قرار دادند. براساس سایر روایات، سبب آغازین برای این جریان، جنبه عبرت‌آموزی آن بود تا مردم با دیدن این دو انسان مسخ شده از رفتار غیراخلاقی و عاقبت آنان درس گیرند (مسلم، ۱۴۰۷، ج ۹: ۲۲).

قربانی کردن به عنوان بخشی از اعمال حج در جاهلیت مورد توجه بود اما همچون تحریف‌های دیگر، اعراب جاهلی معتقد به عدم جواز استفاده از گوشت حیوان قربانی شده در راه خدا بودند لذا گوشت‌های قربانی با قرار دادن بر روی سنگ در دسترس حیوانات قرار می‌دادند. بر اساس کتب فقهی، با ظهور اسلام به منظور رد تحریفات گذشته از آداب مناسک حج، امر به خوردن از گوشت قربانی و نیز اطعام نیازمندان و فقر زدایی از آن شد (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۰۸). جاهلیت، دوره‌ای که جوامع بشری بر اثر دور ماندن از عصر انبیا و نفوذ عقاید و عادات‌های ناصحیح، وجه و گونه ظاهری به مناسک دینی می‌دادند تا از عمق باطنی و لایه‌های معنایی آن دور بماند این موارد نمونه‌هایی از عملکرد جاهلیت در برخورد عملیاتی با مناسک حج است. عصر جاهلیت بر اثر نادانی و جهل یا توجیهات فردی اصل و مبنای مناسک را تغییر و گاه وجه نامعقولی بر اساس توجه به ظاهر آن داده بودند. با ظهور اسلام، پیامبر (ص) در صدد از بین بردن جلوه‌های ناصحیح حج بر اساس تصحیح و تبیین عبادات و از بین بردن تحریف از اساس آن برآمدند. درواقع امر تلاش‌های پیامبر اسلام (ص) با ترسیم برنامه‌های اخلاقی و آموزش روابط نظام‌مند اجتماعی و فرهنگ‌سازی قرآنی نیز در فراهم کردن زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده است.

بر اساس ماهیت سور مدنی، قرآن کریم در این مهم، تبیین کننده ارزش‌های جدید و خالق هنجارهای اجتماعی در تقویت ارتباطات اجتماعی و فرهنگی است. به عبارت

روشن‌تر، سور مدنی نقش مهمی در تبیین نظام‌های مدنی دارا بوده لذا رویکرد جدی سور مدنی در شرایطی است که پیامبر درصدد جامعه سازی و فرهنگ‌سازی در سطوح فردی و اجتماعی و زدودن افکار ظاهری و شرک آلود است. پیامبر (ص) با ایجاد کردن دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی که ضمن نوسازی فرهنگ‌سازی معروف جامعه مدینه، از فرهنگ جاهلی با ویژگی و شاخصه‌هایی که ناظر بدان بود، گذار نموده و به سمت فرهنگ معروف و مقبول قرآن محور سوق داده است تا بدین وسیله به تحکیم انگاره‌های فرهنگی میان مسلمانان بینجامد. پیامبر (ص) در سفر حج به صورت عملی، حج توحیدی را ارائه نهاد، بر اساس گزارش تاریخی ابن عباس، مشرکان زمان تلبیه می‌گفتند: «لیک لا شریک لک» پیامبر می‌فرمود: «وای بر شما تا همین جا کافی است» ولی آنان ادامه می‌دادند (طبرانی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۵۳). لذا رخداد حاضر مربوط به قبل از هجرت است، زیرا پس از هجرت، حضور پیامبر (ص) در ایام حج یا عمره، مربوط به عمره القضاء، فتح مکه و حجة الوداع است. در عمره مشرکان مکه را خالی کردند و در دو نوبت بعد نیز پیامبر (ص) از موضع قدرت وارد مکه شدند، لذا مشرکان در موقعیتی نبودند که بتوانند آشکارا با امر پیامبر (ص) مخالفت کنند (جباری، ۱۳۸۴: ۸۸). در نگاه تطبیقی و تلازم ظاهر انحرافی حج از نظر جاهلان به عبادات جاهلی و عبادات اسلامی می‌توان معقول و منطقی بودن رفتارهای عبادی اسلام را دریافت نمود. مردم جاهلی بر اساس برخی عوامل، از جانب خود رفتارهای دینی را ساخته و پرداخته بودند یا رفتارها و مناسک دینی را از باطن اصیل و معنادار خود دور کرده و به ظواهر آن پای بند بودند. با ظهور اسلام و تبیین منسک حج و نیز سایر عبادات به تدریج روح معنا و مضامین صحیح و اصیل اسلامی تبیین و تقویت شده و در نهایت به مرتبه ای می‌رسد که جایگزین مضامین شرک‌آلود جاهلی می‌گردد

لذا تقویت روح مضمون و مفهوم عبادات تنها از طریق رجوع به فطرت اصیل خداجوی انسان و اثرگذاری مقوله توحید در دوباب فردی و اجتماعی در بطن فرهنگ جاهلی است تا سرانجام قطار بی سرانجام و فاقد مقصد جاهلیت را به سمت توحید و تقوا سوق داده و به غایت اصلی خود برساند. در راستای وصول به این مهم قرآن کریم هریک از پدیده‌ها و مناسک ناصحیح را تبیین و به ترویج صحیح آن اقدام و ارتباط هریک از مناسک را با دیگری شفاف و واضح نموده است تا بدین سبب سایر مفاهیم اعم از معاد و نبوت و... در پرتو تفهیم صحیح این امر احیا و ترسیم گردد.

۵. کارکرد فرهنگی - ارتباطی آموزه‌های حج در انتظام جوامع

طرح توأمان حج و صیام، هم در سوره مورد بررسی و هم در سیاق مهمی از سوره بقره، بی شک حاوی یک الفت و ارتباط نظری می‌باشد. مؤمن مسلمان در روزه، متذکر حال دردمندان و گرسنگان و پابرهنگان جامعه می‌گردد، از سوی دیگر تمرین اخلاص در نهایت می‌کند تا نُسک و صلوه او جز برای خدا نباشد. بر همین اساس هرچند در حج، شاهد انبوهی از آیین‌ها و رفتارها و نماد پردازی‌های ظاهری هستیم، لکن حاجی از باطن حج که امام است غافل نمی‌گردد (تمام الحج لقاء الامام) (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۶۲)، فقرزدایی و بازگرداندن عدالت در زمین و برائت از ظالمین و غاصبین را وظیفه خویش آن هم در شرایط ظاهراً نامرتبب انجام مناسک می‌داند. سختی‌ها و قیام‌ها و قعودهای حج را وقتی می‌توان معنا ساز دانست که مؤمن درد و آلام برادر مؤمنش را وجدان کرده باشد بر همین اساس علیرغم ممنوعیت روزه مسافر، طبق روایات در حالاتی می‌توان در مکه یا مدینه روزه مستحبی گرفت. کفاره عدم انجام برخی اعمال یا نقص در آن‌ها، منسک روزه است و مهم‌تر از همه، نظریه مناسک در قرآن تبیین گردیده است: تلائم و تلازم ظاهر و باطن در کنش معنوی انسان.

بهای حقیقی و باطنی هر امری، در نقش سازنده آن، از راه شناخت اسرار باطنی و به کارگیری اسرار نهفته آن است. مناسک عبادی همچون نماز، روزه، حج و ... که تنها در قالب ظاهری آن مورد تأکید بوده و به درون و بطن آن توجه نشده نمی‌تواند در حد توجه باطنی کارساز و مشکل گشا باشد. به عنوان مثال اثرگذاری روزه در همدلی و هماهنگی با نیازمندان و تذکار به گرسنگی و تشنگی پس از مرگ و نیز توجه به منافع مادی و منافع معنوی آن در جهت تذکیه روح و جسم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۴). باطن حج در تعبد بیش از سایر دستورات دینی است؛ بنابراین، مراسم و مناسک حج با خلوص محض و عبودیت تام و جامع متناسب‌تر است. اعمال و مناسک حج کارکرد فرهنگی وحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی دارد. از این رو حج انسان‌ساز و فرهنگ‌ساز بوده که از ظهور تا بطون آن به عنوان یک منسک دینی ویژه، در فرهنگ و انتظام جوامع را دارا بوده است بر همین اساس ضرورت مراسم حج به‌میزانی است که افراد پیاده یا سواره باید از راه‌های دور و نزدیک به خانه کعبه رفته و خداوند به ابراهیم دستور می‌دهد که مردم را به برگزاری مراسم حج دعوت نماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (۲۷)». ^۱

۱. و در میان مردم به (اداء مناسک) حج اعلام کن تا خلق پیاده و سواره بر شتران لاغر اندام تیزرو از هر راه دور به سوی تو جمع آیند (سوره حج/آیه ۲۷).

۱-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز اول: اتحاد روح و جسم

حج با در نظر گرفتن اثربخشی مادی و معنوی آن، مادامی که اقوام و گروه‌های مختلف از سرزمین‌های مختلف با احتساب تفاوت در رنگ و نژاد به یک مقصد به حرکت در می‌آیند به صورت ناخودآگاه مقوله شناخت فردی و جمعی در میان آن‌ها شکل گرفته و سفر تنها جنبه مادی و گذری، معنا و مفهوم پیدا نخواهد کرد بلکه به جهت مقصد و هدف معنوی مفهوم دیگری می‌باید. در حج همه با ابدان مادی به مثابه یک روح با محوریت کلمه حق به سمت کعبه جاری می‌گردند و از وحدت جسمانی به وحدت روحانی وصول می‌یابند افزون بر حفظ وحدت کلمه، کمک‌رسانی و تعاون افراد نوعاً در برخورد با مشکلات در سفر شایان توجه بوده و آنان را به ره‌آورد یک پویش بین‌المللی قرین و متحد می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۲). این منافع دنیوی در حین سفر ادامه می‌یابد تا به سطح یکپارچگی موقعیت سیاسی، تصور فکری، دستیابی به یکپارچگی اقتصادی و تقابل یکپارچه نیروهای استبداد و دیگران برسد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۵۵). منافع اخروی حاکی از وجود انواع تقرب‌ها به سوی خدا است. تقرب‌هایی که عبودیت آدمی را مجسم سازد و اثر آن در عمل و گفتار آدمی هویدا گردد. عبودیت میان انسان با خدای متعال و پذیرش و انجام تکالیف الهی ظهور پیدا می‌کند. عبودیت الهی و بندگی او از جمله مصادیق احسان و خیر در جامعه و فرهنگ دینی است که به شرایطی چون اصلاح نفس مقید شده تا به منبع احسان حقیقی فرد متصل و منفعت اخروی آن حاصل گردد. بر این اساس منفعت حج و مناسک را می‌توان عبودیت عملی با ابزار اصلاح نفس عنوان نمود.

۲-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز دوم: هویت فرهنگی-سیاسی

نیاز امروز فرهنگ‌ساز، احیای قوانین اسلامی و پیاده‌سازی آن در جامعه است، زیرا اسلام، روش علمی برای زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان ارائه می‌دهد که می‌توان با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، این روش‌ها را پیاده نمود. از طرف دیگر، پیاده‌سازی اسلام و حل مشکلات جامعه، نیازمند شناخت مبانی و شیوه‌های مطرح شده از سوی خداوند است. قرآن کریم به عنوان بهترین مرجع در این زمینه حج را ضمن این که عملی عبادی، سیاسی است، عملی اجتماعی- هویتی معرفی نموده به گونه‌ای که سراسر جهان و اقوام را با هر نوع ملیت و سیاستی فارغ از مباحث نظامی- سیاسی خود متوجه می‌سازد.

مسلمانان، با ملیت‌ها و رنگ‌ها و زبان‌های مختلف از سراسر دنیا در یک جا

جمع شده و يك شعار و يك هدف را پی جویی می کنند. لذا می توان حج را «پویش بین المللی اسلامی» به شمار آورد. حج، با توجه به گستردگی ابعاد و ویژگی خاص خود، از اسرار باطنی فراوانی برخوردار است به طوری که گستردگی و باطن هیچ يك از مناسک دیگر، به آن نرسیده است. حج همان گونه که توحید، نبوت، امامت و معاد را دارد، نماز، روزه، جهاد؛ خلوت و جلوت، ذکر و تفکر، سکوت و فریاد، عزلت و اجتماع و در یک بیان ظاهر و باطن همه را در خود جای داده است تا انسان با تمام ابعاد وجودی خود به سوی آن سرازیر شود.

۳-۵. کارکرد فرهنگ ساز سوم: تعدیل اقتصادی

بر اساس آموزه های فرهنگی سوره حج، شرکت در مراسم حج و رسیدن به اهداف آن، میبایست توأم با اطعام نیازمندان باشد و حج گزاران، از قربانی ها هم خود و هم فقیران را اطعام دهند. ذبح ذبیحه به نام خدا و برای جلب رضای او که سمبلی برای آمادگی انسان برای فداکاری و قربانی شدن در راه او است، سپس استفاده کردن از گوشت آن برای اطعام فقراء و مانند آن امری برای فقرزدایی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۰۲). در تکبیرهای روز عید قربان مسلمانان می گویند: الحمد لله علی ما هدانا و نیز الحمد لله علی ما رزقنا من بهیمه الانعام (مجلسی، ۱۴۲۲: ۳۲۳). تسخیر حیوانات و قربانی آن، ابزاری برای هدایت انسان به سوی اطاعت و تقرب الهی است. رام بودن حیوانات، خوردن گوشت قربانی و اطعام به دیگران، ذبح و نحر چهارپایان در مراسم حج و اخلاص داشتن، از قرائین شکرگزاری فرد موحد است. یکی از رسوم عرب جاهلی این بود که در موقع قربانی در برابر کعبه می ایستادند و خون ها را، به اطراف کعبه می پاشیدند با این فرض که خداوند از این خون ها استفاده می برد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۶: ۲۱۶)؛ اما قرآن اعلام داشت که خداوند به گوشت و خون محتاج نیست و چیزی از این ها به خدا نمی رسد و تنها تقوی که عبارت از آن حالت اخلاص و توجه است، به خدا می رسد (حج/۷۲) همچنین هدف از قربانی کردن علاوه بر جنبه های معنوی و روحانی و تقرب به درگاه خداوند این است که گوشت آن به مصرف های لازم برسد هم قربانی کننده از آن استفاده کند و هم قسمتی را به فقیران نیازمند برساند.

از سوی دیگر تحریم اسراف در اسلام، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد چرا که قرآن و روایات اسلامی و دلیل عقل آن را اثبات کرده است. این موارد تنها عاملی برای زدودن کفر و کاشت نهال تقواست؛ بنابراین فلسفه عبادات، یاد خداست و کعبه مرجع جامع عبادت است. این آیه بستری از فرهنگ برای ذبح ایجاد می کند، فرهنگ

تغذیه که تعامل نمادین میان انسان و جمادات و حیوانات است. اینکه در یک پدیده مثل قربانی می‌توان رابطه عبادی و توحیدی میان خود و خدا را برقرار کرد و البته رابطه اجتماعی ایجاد شود از ثمرات حج است لذا قربانی هم جزو شعایر الله و از ارکان عبادت حج است و از ابعاد احسان در جامعه می‌تواند به‌شمار آید که در کنار بارزترین رفتار عبادی حج نشانگر آن بوده که مثلث ارتباط با خدا، جامعه و آخرت، با یکدیگر رابطه تنگاتنگی داشته است و هریک ریشه در بطن دیگری داشته است.

۴-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز چهارم: تزکیه قلوب و اجتناب از رجس

از جمله شرایط پذیرش حج در پیشگاه الهی، اصلاح و پالایش قلوب، تقوا داشتن و اجتناب از شرک است که می‌بایست از تقرب به بت‌ها و سخن بیهوده و عبث دوری کرد و کعبه را از آلودگی‌های باطنی و معنوی همچون: کفر و شرک منزّه داشت. مسئله اخلاص و قصد قربت به عنوان محرک اصلی در حج و عبادات به طور کلی یادآور می‌شود، زیرا روح عبادت همان اخلاص است و اخلاص در صورتی است که هیچ‌گونه انگیزه غیر خدایی و شرک در آن نباشد. از مناسک حج به قربانی کردن و احکام آن پرداخته شده است که هنگام ذبح بهائم باید نام خدا ذکر شود پیروان ابراهیم اولین امتی نیستند که قربانی برایشان مقرر شده بلکه برای قبل از آن‌ها هم مقرر شده بود و استفاده از گوشت قربانی برای خود زائران جایز است بر خلاف عادت‌های زمان جاهلیت که آن را جایز نمی‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۹).

حج دربرگیرنده انواع عبادات است چراکه به سبب وجود انواع اجتنابات و خودداری‌های فردی در حوزه جسم و روح با ترک برخی از لذایذ زندگی و امور مادی و نیز، تحمل مشقت‌ها در برابر انجام فرایض حج اعم از طواف کعبه و نماز و قربانی و انفاق و روزه و ... افراد به یک مرتبه خلوص در انجام عبادات خواهند رسید. برخی شروط ناظر به حج در سوره بقره حاکی از آن بوده حج و عمره را تنها برای خدا انجام شود و اگر فرد محصور شد و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید، آنچه از قربانی فراهم شود ذبح کنید و از احرام خارج شوید و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود) باید فدیّه و کفّاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است و هر که نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که

خانواده او، نزد مسجدالحرام نباشد [اهل مکه و اطراف آن نباشد]؛ و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! (البقره/۱۹۶).

۵-۵. کارکرد فرهنگ‌ساز پنجم: مواسات در ذهن و عمل: روزه و صدقه

مناسک فردی روزه و روزه‌داری به عنوان یک عاملی برای جبران نقص انجام شده در حج به شمار آمده است. بیماری در مواردی سبب تخفیف در احکام است، نه تعطیل آن. لذا در حج، افراد معذور باید با روزه یا صدقه یا قربانی، وظایف خود را جبران کنند. برخلاف موارد عادی که در سفر روزه جایز نیست، در این سفر در صورت عدم ذبح قربانی، روزه واجب است و آن هم باید در سه روز هفتم، هشتم و نهم ماه باشد، چرا که روز دهم عید قربان است که روزهی آن حرام می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰۷). در نهایت به سایر اعمال مانند زدودن پلیدی‌ها، وفای به نذر و طواف بر کعبه اشاره شده است. انفاق و صدقه و پرورش روحیه مهرورزی و مهرگستری و حمایت از قشر ضعیف و کم درآمد، بی‌خانمان، بی‌سرپرست و یا بد سرپرست جامعه از اولویت‌های فرهنگی جامعه اسلامی است. قرآن کریم آداب و شعائر دینی را جزء خصوصیات همه ادیان و یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های فرهنگی در هر جامعه می‌داند.

از این رو، برای جبران هریک شرایطی را لحاظ نموده تا ضمن اجرای حکم شرعی، حکم جمعی و فرهنگی اجرا و تا حد امکان مواسات در جامعه فراهم شود بر همین اساس روزه، صدقه و نیز زکات را از جمله عوامل جبران نقص و عدم توانایی افراد در راستای انجام منسک حج نام برده تا بدین سبب در ضمن انجام حج، شرایط و اهداف حج در جامعه ایجاد و عملی گردد. مردم‌شناسان در این زمینه نیز تأکید دارند هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن نوعی مراسم و آیین‌های دینی وجود نداشته باشد. گیدنز معتقد است: «اساسی‌ترین تحولات فکری از جمله تصور زمان و مکان نخستین بار بر حسب مقولات مذهبی تعریف شدند. برای مثال مفهوم زمان در آغاز از شمارش فواصل موجود بین مراسم دینی به وجود آمدند» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۷۶). بر این اساس زمان و مکان حج نقش بسزایی در اشاعه فرهنگ انسان‌ساز و تحول‌آفرین جامعه دینی داشته است زیرا اجرای یک منسک، سرآغاز ترویج عملی سایر مناسک در جهت مواسات فرهنگی - اقتصادی است.



شکل ۲. کارکردهای فرهنگ ساز

۶. بیان سایر مناسک و تحقق نظریه بر آن‌ها

نماز و زکات از دیگر مناسک اشاره شده در سوره حج است. مؤمنان اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و اختیار با آن‌ها و نه طواغیت باشد، در میان همه انواع و انحاء زندگی، یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. لذا اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه ابزارهای مالی، زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب (عبادات) عمده هستند. جامعه فاضل و صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شد و سپس تمامی شبه جزیره عربستان را فراگرفت، عالی‌ترین جامعه‌ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت، جامعه‌ای که در آن جامعه نماز به پا می‌شد، زکات داده می‌شد، امر به معروف و نهی از منکر می‌شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۶). این جامعه مصداق بارز این آیه است که مناسک دینی را به صورت تام دربرداشت. (صلوة) و (زکات) (امر به معروف) و (نهی از منکر) پایه‌های اساسی امر اجتماعی و ساخت جامعه سالم و صالح محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۱۸). امر به رکوع و سجود و به نماز از نقاط عطف شاخص و مهم سوره در باب مناسک، است. مقتضای اینکه رکوع و سجود را

در مقابل عبادت قرار داده این است. مراد از جمله (اعْبُدُوا رَبَّكُمْ)^۱ امر به سایر عبادات تشریع شده در دین به غیر نماز بوده مانند حج و روزه. نماز عبادتی که در آن انسان با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد. این ارتباط انسان با خدا ولو اینکه انسان آن را به‌تنهایی انجام دهد، امر اجتماعی به حساب می‌آید. در این حال خداوند کنشگری است به‌ظاهر غایب که ارتباط وی با انسان دوسویه است؛ صدای بندگان خود را می‌شنود و دعاهاشان را اجابت می‌کند. لذا برای اینکه پرستش و توجه عبادی به خدا از مرحله قلب و باطن بگذرد و در مرحله افعال هم وارد شود، علاوه بر عبادت قلبی، عبادت بدنی هم صورت گیرد، باید توجهات مختص قلبی با ملاحظه و خصوصیت آن‌ها، در قالب افعال و حرکات مناسبی انجام گردند.

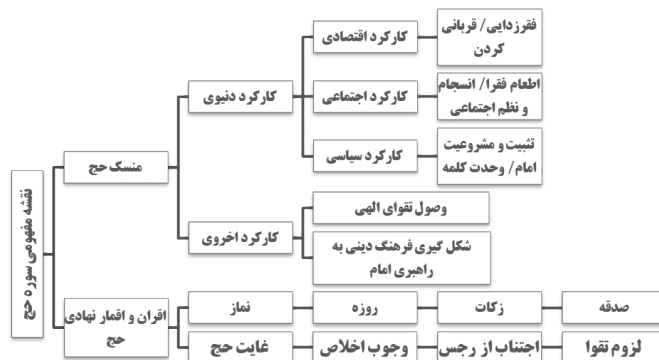
فعل خیر نیز در آیه اقسامی دارد خیر عقلی که عقل حکم به خیر و نیکی بودن آن می‌کند مانند عقاید و اخلاق و بسیاری از افعال و خیر شرعی از واجبات و مستحبات و به قاعده ملازمه تلازم بین این دو است «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كَلِمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۴۹). صله رحم و اموری از قبیل فریادرسی در ماندگان و کمک به ضعیفان و نیکی به پدر و مادر که موجب سعادت‌مندی فرد و جامعه می‌تواند از مصادیق این مهم بشمار آید. قرآن مظهر نمادین فرهنگ، همان‌گونه که درون‌مایه و محتوای آن را به نمایش گذاشته است، اصول و قواعدی را که در فرایند تطبیق و درونی‌سازی به کار رفته (باید به کار می‌رفت)، نیز به‌خوبی بیان کرده است. اگر آموزه‌های قرآنی در جامعه بازتولید شود، روش و شیوة به کار رفته در تطبیق و درونی‌سازی و اصول و قواعدی که در نهاده‌سازی بر آن‌ها تکیه شده است، می‌تواند برای بازاصلاح فرهنگ آسیب دیده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مناسب در سوره حج از گام‌های ابتدایی شروع و به آخرین و برترین مراحل عبودیت رسیده است: ابتدا به رکوع و سجود دستور داده و سپس انجام کارهای نیک اعم از عبادات و غیر عبادات و در مرحله آخر افراد را به جهاد و تلاش و کوشش فردی و جمعی در بخش درون و برون، کردار و گفتار و اخلاق و نیت به میان آورده است لذا این دستور جامعی است که فلاح و رستگاری بدون شک در دنبال آن خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۰)

نماز و زکات که رمز همبستگی‌های اجتماعی است و این هر دو لازم و ملزوم دیگری است زیرا با این دو مهم، روح و جسم مؤمنان نیرومند می‌شود. نماز نمایانگر اجرا و تحقق آیینی قرآن در وجه اعلای آن است. احادیث متعدد نبوی بر این معنا دلالت

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاذْكُرُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره حج/ آیه ۷۷).

دارند، از جمله: «تفاوت میان کفر و اسلام نماز است» و «تنها آن‌ها که نماز می‌خوانند از شفاعت من برخوردار خواهند شد» (مسلم، ۱۴۰۷، بخش ۳۵، ش ۱۳۴). هر منسکی باید از جانب خداوند تشریع شود، چنانکه حضرت ابراهیم پس از ساخت خانه کعبه از خداوند درخواست نمود تا مناسک حج را بدو و دیگران بیاموزد: «وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا» (البقره/۱۲۸) این مسئله حاکی از آن است که هسته مناسک و اعمال عبادی، مشروعیت خود را از تشریع الهی می‌گیرند. لذا اگر غایت خلقت، عبادت پروردگار بوده و اگر برای همه ادیان الهی، مناسک و اعمال عبادی تشریع شده است، صرفاً آن دسته از مناسک که منشأ وحیانی داشته و نیز برای رضای الهی صورت پذیرند، مورد پذیرش است: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الانعام/۱۶۲). از همین رو، از منظر قرآن کریم، بدعت‌ها و عبادات و ریاضات غیر مفید برای تعبد (ظاهر بدون باطن یا مغایر باطن عبادی) بی‌ارزش تلقی می‌شوند.

در رابطه با مولفه‌های قوانین و شریعت اسلام، سه شاخصه تبیین شده است که می‌توان آن‌ها را به مناسک مشروع و مباح نیز عمومیت داد: اول، داشتن سود و بهره برای انسان (الحج/۲۸)، دوم، تسهیل‌گری به این معنا که در اسلام امر سنگین و طاقت فرسا (ظاهر عمل) برای فاعل وجود ندارد (الحج/۷۸) و سوم ویژه بودن قوانین اسلام، زیرا هر دینی آداب عبادت ناظر به خود را داراست و این به خودی خود موجب شکل‌گیری هویت جمعی مقتدرانه است (الحج/۶۷) لذا از مناسک تقلیدی که همبستگی و هویت مؤمنان را مخدوش می‌کند باید احتراز نمود. بر اساس موضوعات مطرح شده نقشه مناسک سوره حج اعم از کارکرد اخروی و دنیوی که هریک ریشه در بواطن مناسک دارد را در شکل شماره دو ملاحظه نمود.



شکل ۳. نقشه مناسکی سوره حج

بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر بر اساس پژوهش و استنتاج ممیزه مفهومی یا نظری مناسک و شعائر به مثابه اجرای داوطلبانه و خودخواسته آداب مقدس در زمان و مکان مقدس در قرآن کریم، بر سوره مبارکه حج تمرکز داشت و با توجه به زمان تنزیل و موقعیت پیش و پس تنزیل آن، سوره را بهترین موقعیت برای چنین هدایتی می‌داند. در سوره مبارکه حج بسیاری مؤلفه‌های مفهومی و روابط بین آن‌ها اصطیاد گردید لکن نقطه عطف، خصوصاً در قیاس با نظریات و برداشت‌های مدرن، تلفیق معنامند ظاهر اعمال و باطن و اهداف در ارکان مناسک است. زمان، مکان و آداب هر سه مقدس‌اند لکن این تقدس همواره از سرچشمه حقیقت اخذ می‌شود. اگر آداب به معنای بهترین شیوه اجرای هر هنجار و رفتار باشد، اخلاص رأس این آداب در مناسک دینی است و غایت حقیقی مناسک، تقواست. در سوره حج، با اصلاح آسیب‌ها و انحرافات فرهنگی مناسک مرکزی آیین و آل ابراهیم مواجهیم لکن در رأس این اصلاحات بازگرداندن تقوا به مثابه اتحاد دنیاداری و دینداری به مناسک را دنبال نمودیم و در نهایت تصویری شماتیک از ماهیت مناسک حج در شکل شماره دو در رهیافت و حیانی رسیدیم که می‌تواند نظریه پردازی‌ها و مطالعات اجتماعی مناسک و عبادات فردی و جمعی را تغذیه و پشتیبانی نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی کتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵). السیره النبویه، بیروت: دارالوفاق.
- احمد بن فارس، ابن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۶۸). نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر، کیهان اندیشه، شماره ۲۸.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- بهمنی، سعید (۱۳۹۹). خوانش انتقادی استنطاق و کاربست آن در نظریه شهید صدر پیرامون سنت‌های تاریخ در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ۲۵ (۹۵)، ۴۸-۲۹. doi: 10.22081/JQR.2019.54320.2523
- ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ ق). تفسیر الثعالبی (الجواهر الحسان)، تحقیق عبدالفتاح ابوسنة و همکاران، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی رازی (۱۴۱۵ ق). احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و قبادی، علیرضا (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا، فصلنامه تاریخ اسلام، ۸ (۳۰)، ۶۰-۳۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، قم.
- رودنبولز، اریک دبلیو (۱۳۸۷). ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ ق). الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۵). الدر الماثور فی التفسیر الماثور، جده: دارالمعرفه.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا). المدرسه القرآنیه، قم: انتشارات دارالصدر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). عیون أخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد، رسولی، محمدرضا، عقیلی، سیدوحید و مجیدی قهرودی، نسیم (۱۴۰۲). ابعاد ارتباطی مناسک در جهان معاصر: فراگرد ارتباطی در راهپیمایی اربعین، فصلنامه مطالعات فرهنگ- ارتباطات، ۲۴ (۶۱)، ۷-۳۲. doi:10.22083/jccs.2022.338284.3588
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیرالقرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد (۱۴۱۵ ق). المعجم الأوسط، تحقیق ابراهیم حسینی، قاهره: دارالحریمین.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول)، تهران: انتشارات فراهانی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی تا.
غیاثی، هادی، برزویی، محمدرضا و نصیری، امید. (۱۴۰۰). واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده روی زیارت اربعین حسینی، فصلنامه مطالعات فرهنگ- ارتباطات، ۲۲ (۵۶)، ۲۴۰-۲۱۹.
doi.org/10.22083/jccs2020.226194.3048.

فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۲ ق). زاد المعاد، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
مسلم (۱۴۰۷ ق). صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت: دارالکتب العربی.
مصطفوی تبریزی، حس (۱۴۱۶ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مک اولیف، جین دمن (۱۳۹۲). دائرة المعارف قرآن (جلد اول آ-ب). ترجمه حسین خندق آبادی و همکاران، تهران: انتشارات حکمت.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (چاپ اول)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸). سنن النسائی، بیروت: دارالفکر.
نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). الجامع الصحیح، بیروت: دارالفکر.

The Study of Driving Factors and Effective Actors in the Future Changes of Teaching Ethnic and Local Languages in Iran

Shahla Bagheri, Associate Professor and Faculty Member of The Department of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: 4747ba@gmail.com

Ebrahim Hajiani, Associate Professor and Member of the Faculty of the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. Email: ebhajiani@gmail.com

Mehdi Navid Adham, Associate Professor and Faculty Member of Shahid Rajaei University, Tehran, Iran. Email: mahnavid@yahoo.com

Mohammad Hosseinzadeh, PhD student of cultural policy, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: mh79m@gmail.com

Abstract

Policy-making on the teaching of ethnic and local languages, like any other issue, cannot be based only on value and normative guidelines and without considering the requirements of the environment and strategic considerations. For this purpose, a research was conducted with the aim of identifying the driver factors and influential actors in the issue of teaching ethnic and local languages in Iran. In order to identify the driver factors, we used the method of “Cross Impact Analysis” using Micmac software, and for “actor analysis” we used Mactor software. As the most important results: to prevent the important group of “ethnic activists” from falling into the coalition of opponents of the political system; To continue the alliance with “Convergers who want to increase the ethnic share”; And also, in order to neutralize the factors of “ethnic nation-building” and “ethnic divergence”, it is suggested that the policymaker should put aside his relative inaction in the issue of teaching ethnic and local languages and take control of the field with a deliberate action. However, the educational program of ethnic and local language and literature should not have the characteristics of “public” and “standardization” which is the main demand of “ethnic fighters” with the aim of nation building. On the other hand, the desired educational program should be “elitist”, with the aim of identifying and flourishing talents and considering the preservation of different varieties of native languages as the linguistic heritage of the country and away from being influenced by foreign varieties.

Keywords

Cultural Policymaking, Educational Planning, Ethnic and Local Languages, Actor Analysis, Driver Factors.

مطالعه عوامل پیشران و بازیگران مؤثر در تحولات آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی در ایران

شهلا باقری^۱، ابراهیم حاجیانی^۲، مهدی نوید ادهم^۳، محمد حسین زاده^۴

چکیده

سیاست‌گذاری در مورد آموزش زبان‌های قومی و محلی مانند هر موضوع دیگری نمی‌تواند تنها با تکیه بر رهنمودهای ارزشی و هنجاری و بدون توجه به شرایط محیطی و ملاحظات راهبردی باشد. برای این منظور پژوهشی باهدف شناسایی عوامل پیشران و بازیگران تأثیرگذار در موضوع آموزش زبان‌های قومی و محلی در ایران صورت گرفت. برای شناسایی عوامل پیشران از روش «تحلیل اثرات متقابل» با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و برای «تحلیل بازیگران» از نرم‌افزار مکتور بهره جستیم. به‌عنوان مهم‌ترین نتایج: برای پیشگیری از فروافتادن گروه مهم «فعال قومی» در ائتلاف مخالفان نظام سیاسی؛ برای تداوم همراهی گروه «همگرای خواهان افزایش سهم قومی»؛ و همچنین برای خنثی نمودن عوامل «ملت‌سازی قومی» و «واگرایی قومی»، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذار بی‌عملی نسبی خود در موضوع آموزش زبان‌های قومی و محلی را کنار گذاشته و با اقدامی سنجیده کنترل میدان را به‌دست بگیرد. لیکن برنامه آموزشی زبان و ادبیات قومی و محلی به‌هیچ‌عنوان نباید واجد ویژگی‌های «فراگیری» و «معیارسازی» که مطالبه اصلی «مبارزان قومی» با هدف ملت‌سازی است، باشد. در مقابل برنامه آموزشی مطلوب می‌بایست «نخبه‌گرایانه»، با هدف شناسایی و شکوفا نمودن استعدادها و ناظر به حفظ گونه‌های مختلف زبان‌های بومی به‌عنوان میراث زبانی کشور و به دور از تأثیرپذیری از گونه‌های خارجی باشد.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری فرهنگی؛ برنامه‌ریزی آموزشی؛ زبان‌های قومی و محلی؛ تحلیل بازیگر؛ عوامل پیشران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

Sbagheri@khu.ac.ir

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ebhajiani@gmail.com

۲. دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

mahnavid@yahoo.com

۳. دانشیار دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.

mhz79m@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ در دو قرن اخیر با محیطی به کلی متفاوت از گذشته مواجه شده است. پیدایش دولت ملی و تعهد دولت‌های جدید به ایجاد و توسعه نظام آموزش، هم‌زمان با ظهور رسانه‌های عمومی باعث گردید کارکرد نگارش زبان در مقایسه با گذشته اهمیتی روزافزون یابد. این در حالی است که «در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای بزرگ، معمولاً بیش از یک زبان در کاربردهای غیررسمی رواج دارد و به این اعتبار می‌توان همه آن‌ها را دوزبانه یا چندزبانه دانست» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۳۴).

جز در معدودی از کشورها غالباً سنت‌های آموزشی بر پایه یک زبان واحد شکل یافته است. معدود کوشش‌های موفق برای ایجاد نظام‌های آموزشی دو یا چند زبانه مربوط به برخی کشورهای اروپایی مانند بلژیک است که همه زبان‌های آن از سنت آموزشی و دانشگاهی دیرپایی برخوردارند و دانش‌آموزان پس از پایان مدرسه، در دانشگاه برای ادامه مسیر آموزشی خود با مشکل مواجه نخواهد شد (نصیری فیروز و دیگران، ۱۳۹۷). معاهدات فراملی در چارچوب اتحادیه اروپا نیز نقش مهمی در پذیرش متقابل کشورهای اروپایی برای مشارکت دادن زبان دیگر اعضای اتحادیه در نظام آموزشی آن‌ها داشته است (مک کورمیک، ۱۳۹۰: ۴۸۴-۵).

دوزبانگی یا چند زبانگی، پدیده‌ای است که تقریباً در همه کشورهای جهان وجود دارد (عصار، ۱۳۹۳: ۱۲). دوزبانگی و چندزبانگی علاوه بر تأثیرات مطلوب شناختی و ارتباطی برای فرد که متخصصان آموزشی بر آن اشاره دارند (عصار، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۴) پیامدهایی فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی و منطقه‌ای نیز دارد که به نظر می‌رسد به‌رغم توجه پژوهشگران اجتماعی و علوم سیاسی، جوانب مختلف آن به خوبی از یکدیگر متمایز نشده است. مسئله آموزش زبان‌های قومی و محلی در نظام آموزشی را نباید با پدیده جنبش قومی و ملت‌سازی قومی یکسان تلقی نمود؛ موضوعاتی که در جامعه قومی ایران به شدت در هم آمیخته شده‌اند. از منظر تاریخی، نظام آموزشی مدرن در ایران قریب به یک قرن پیش و برای تربیت کارمند برای دیوانسالاری جدید و بر اساس سنت‌های آموزشی مرسوم از گذشته شکل گرفت (فوران، ۱۳۸۳: ۳۳۳). لیکن ملت‌سازی قومی در منطقه بیش از هر چیز پیامد فروپاشی امپراتوری عثمانی و ظهور جنبش‌های ملی‌گرای قومی در همسایگان غربی ایران است. همچنین، ارتش شوروی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی با حمایت از ایجاد جمهوری‌های خودمختار

آذربایجان و کردستان در شمال غرب ایران تأثیری عمیق و ماندگار بر ایجاد آرمان ملت‌سازی قومی در این منطقه از ایران گذاشت (احمدی، ۱۳۹۱: ۳-۳۱۲). فروپاشی شوروی نیز با سر برآوردن کشورهای نوظهوری با هویت قومی امواج ملت‌سازی قومی را در منطقه گسترش داد.

پدیده ملت‌سازی قومی کاملاً متفاوت است با لزوم حفظ میراث فرهنگی و گنجینه زبانی کشور و مطالبه استمرار ادبیات بومی برای نسل‌های بعدی. ارزش‌ها، جهت‌گیری و بازیگران هر کدام از این دو متفاوت هستند لذا در مقام تحلیل پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی می‌بایست این دو را از یکدیگر متمایز نمود. یکی بر تعمیق و نهادینه کردن تفاوت‌ها و جدایی‌ها اصرار دارد و دیگری بر تداوم نسل‌ها و بازشناسی فرهنگ‌های محلی و سهم آن در فرهنگ ملی توجه می‌کند. هرگاه به سبب شباهت ظاهری هر دو موضوع را مسائلی ضدامنیتی تلقی کنیم، سرمایه‌های عظیم فرهنگی و اجتماعی بخش بزرگی از مردم کشور که میراث ملی است قربانی می‌شود و اگر به هر دو موضوع خوش‌بینانه بنگریم و ساده‌لوحانه همه را در چارچوب حقوق فرهنگی قرار دهیم به شکاف‌های سیاسی خارجی اجازه داده‌ایم در پهنه سرزمین ما تداوم یافته و سرمایه‌های فرهنگی ما را منبع تغذیه ملت‌سازی خود در منطقه نمایند. همین دوگانگی باعث آشفتگی در مواضع سیاستگذار فرهنگی نیز شده است؛ از یک سو ارزش‌های اسلامی بر گرامی داشت همه گروه‌های قومی و زبانی در سراسر تمدن اسلامی اشاره دارد، از سوی دیگر سیاستگذار به سبب شواهد غیرقابل انکار و اگرایی، در ارائه یک الگوی مطلوب مشارکت زبان‌های قومی و محلی در نظام آموزشی، علیرغم تصریح اصل پانزدهم قانون اساسی، ناتوان مانده است.

برخی مؤلفه‌های این دو موضوع با هم ترکیب شده و پویایی‌های مشترکی را دامن می‌زنند و این بر پیچیدگی موضوع و میدان‌کنش مرتبط با آن افزوده است. درعین حال نمی‌توان به سادگی از رابطه علی یا حتی همبستگی میان این دو سخن گفت. عوامل و بازیگران بسیاری در این میدان تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی دارند لذا برای کسب شناخت علمی با اتخاذ دو روش مکمل «تحلیل بازیگر-مکتور» و «تحلیل اثرات متقابل-میک‌مک» تلاش خواهیم نمود از طریق شناخت تحلیلی عوامل تعیین‌کننده و نقش‌آفرینی بازیگران و برآورد تغییرات محتمل در آینده موضوع، از ابهامات مسئله بکاهیم.

ابهام و دشواری در جدا نمودن مطالبه «حفظ میراث فرهنگی و گنجینه زبانی کشور» از انگیزه‌های «ملت‌سازی قومی» مهم‌ترین مانعی است که سیاست‌گذاری در موضوع

آموزش زبان‌های قومی و محلی را به تأخیر انداخته است. بر همین اساس مسئله پژوهش حاضر روشنایی افکندن و برجسته نمودن این تمایز از طریق شناسایی ساختار عوامل تعیین‌کننده و ائتلاف‌های بازیگران تأثیرگذار است. انتظار می‌رود از نتایج این پژوهش دریابیم که بازیگران کلیدی کدام‌اند و سیاستگذار ناگزیر از جلب همکاری یا همراهی کدام بازیگران است و چه بازیگرانی سودای ملت‌سازی داشته و مطالبات آن‌ها نباید مورد توجه سیاستگذار قرار گیرد. همچنین تلاش خواهیم نمود مهم‌ترین عوامل پیشران که چشم‌انداز آینده موضوع را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهند، شناسایی و ویژگی هر کدام را در ارتباط با اهداف راهبردی سیاستگذار مشخص نماییم.

پیشینه پژوهش

آموزش زبان قومی و محلی موضوعی است که پژوهشگران ایرانی در رشته‌های مختلف علمی به آن توجه داشته‌اند. پژوهشگران علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی بیشتر به بررسی تاریخی موضوع و تحولات قومیتی در زمانه بروز دولت مدرن پهلوی و سیاست‌های سرکوب‌گرانه رضاشاه و جنبش‌های خیزش قومی پس از سقوط رضاشاه تا سال‌های نخستین انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. تألیفات ارزشمندی همچون «قومیت و قوم‌گرایی در ایران» تألیف حمید احمدی (۱۳۷۸)؛ «دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران» تألیف داریوش قنبری (۱۳۸۵)؛ «تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها» تألیف مجتبی مقصودی (۱۳۸۰)؛ «سیاست عشایری دولت پهلوی اول» تألیف نفیسه واعظ (۱۳۸۸)؛ «منازعات قومی در ایران» صالحی امیری (۱۳۸۸) و مقاله حسین رسولی و دیگران ۱۳۹۵ با عنوان «سیاست‌های زبانی پهلوی اول در کردستان و پیامدهای آن» و مقاله شهین ابروانی ۱۳۹۳ با عنوان «مقدمه‌ای بر تبیین ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن‌سازی تا امروز» نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی از این نوع هستند. این تحقیقات عمدتاً مبتنی بر گردآوری و تحلیل اطلاعات اسنادی هستند و برای شناخت تطور موضوع موردبررسی و گفتمان‌های اطراف آن کمک قابل‌توجهی به پژوهش حاضر نموده‌اند.

گروه دیگری از پژوهشگران علوم سیاسی و علوم اجتماعی با اتخاذ رویکردی نظری، انتقادی و بعضاً پست‌مدرن با انتقاد از انگاره‌های نوسازانه در ملت‌سازی، معتقدند هویت ملی و اجزاء آن ازجمله جایگاه ملی زبان «محصول تلاش آگاهانه یک طبقه سیاسی برای ایجاد ابزاری است که ابقای قدرت و اعمال حاکمیت را تسهیل می‌کند. مرتضی‌مردیها، حسین بشیریه، داریوش آشوری و صادق زیباکلام در زمره این دسته از

صاحب‌نظران قرار دارند که معتقدند در ایران، هویت ملی پس از دوران مشروطه پدید آمده است» (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰ به نقل از دیلمقانی و قاسمی ترکی، ۱۳۹۷). از این منظر پروژه حذف خرده فرهنگ‌ها با هدف ملت‌سازی اگرچه از شدت گذشته برخوردار نیست ولی به سبب ارزش‌ها و نهادهایی که از ابتدای شکل‌گیری دولت مدرن رشد یافته و تنومند شده‌اند همچنان بر فرایند سیاست‌گذاری تأثیرگذار هستند. گروه سوم پژوهش‌هایی هستند که موضوع اصلی آن‌ها هویت است و با هدف بازشناسی هویت به مسئله زبان ملی و زبان قومی پرداخته‌اند. برخی نویسندگان مباحثی نظری در تألیفی بودن هویت ایرانی-اسلامی مطرح نموده‌اند ازجمله فرهنگ رجایی (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان «مشکله هویت ایرانیان امروز» یا داریوش شایگان (۱۳۸۰) با طرح ایده «هویت چهل تکه». برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز ارتباط و تعامل میان هویت ملی و هویت قومی را موردبررسی قرار داده‌اند ازجمله حاجیانی (۱۳۸۱) با عنوان «گفتگوی بین فرهنگی و انسجام ملی» و امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) با عنوان «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران».

نوع چهارم پژوهش‌هایی هستند که عموماً در رشته‌های زبانشناسی و برنامه‌ریزی آموزشی صورت گرفته و حتی ممکن است برخی از تحقیقات مسائل اجتماعی نیز در این دسته جای گیرند. این پژوهش‌ها با اتخاذ سطح خرد توجه کمتری به تاریخچه موضوع داشته و با پیش گرفتن شیوه‌های پیمایشی به گردآوری اطلاعات از اهالی زبان یا شیوه آموزش و مشکلات آموزش زبان و ارتباط آن با سایر متون آموزشی می‌پردازند. مسائلی ازجمله موضوع دوزبانگی و مشکلات آموزش زبان دوم؛ نگرش و انگیزه زبان‌آموز و همچنین ارزش‌های جدید مربوط به چندفرهنگ‌گرایی در تدوین متون درسی از موضوعات مورد علاقه این تحقیقات هستند. از آن جمله است پژوهش‌های دکتر نگار داوری اردکانی: «برنامه‌ریزی زبان‌آموزی و مسئله چندزبانگی» (۱۳۸۸)؛ «یادداشت علمی نگاهی به متدوال موضوعات و روش‌های پژوهش در حوزه مطالعاتی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری زبان» (۱۳۹۵)؛ «شان زبان فارسی به عنوان زبان ملی» (۱۳۸۵)؛ «سیاست پنهان زبان در مقابل سیاست آشکار آن» (۱۳۸۶)؛ «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی» (۱۳۸۶).

این پژوهش، در عین توجه به دستاوردهای پژوهش‌ها و تألیفات گذشته با اتخاذ رویکرد محیط‌شناسی و آینده‌پژوهی چشم‌انداز تحولات آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی را در نظام آموزشی بررسی خواهد کرد و برای این منظور به بررسی عوامل پیشران و بازیگران مؤثر پرداخته و در نهایت پیشنهادهایی سیاستی را در قالب الگوی اجرایی مناسب برای آموزش زبان‌های قومی و محلی ارائه خواهد نمود.

مبانی نظری پژوهش

ارزش‌های جامعه در هر نظام سیاسی یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌گذاری است و هرگاه میان ارزش‌هایی مانند عدالت و حقوق برابر فرهنگی با حفظ همبستگی جامعه ناسازگاری‌هایی مطرح می‌شود، پژوهشگر سیاست‌گذاری ناگزیر است با تدقیق در نظام ارزشی رویکرد مناسب را اتخاذ نماید.

نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی در سال‌های اخیر به شکل روزافزونی مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی قرار گرفته است (حسینی فر، ۱۳۹۵؛ جلیوند و بشیری آذر، ۱۳۹۵؛ زهرانی ۱۳۷۷). مطابق این نظریه اعتبارات وجودهایی ذهنی هستند که بدون حضور انسان قابل تصور نیستند و انسان‌ها آن‌ها را جعل کرده و معتبر دانسته‌اند تا به عنوان تسهیل‌کننده عمل، ابزار مفاهمه افراد بشر برای ارضای نیازهایشان باشند. خانواده، جامعه، حکومت، ملت، قومیت، مالکیت و همچنین زبان و فرهنگ همگی پدیده‌هایی اعتباری و ساخته مشترک ذهن انسان‌ها هستند که برای زندگی انسان ضروری بوده و بدون آن‌ها زندگی فردی و اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. زهرانی در شرح نظریه علامه می‌نویسد: «مجتمع بشری به هیچ وجه قادر به حفظ حیات و ادامه وجود خود نیست مگر با قوانینی که از نظر خود اجتماع معتبر شمرده شود» (زهرانی، ۱۳۷۷).

آشکار است که اعتبارات هر اجتماع با دیگر اجتماعات تفاوت‌هایی دارد، اما همان‌طور که در مقایسه فرهنگ جوامع نیز ملاحظه می‌شود اعتبارات بسیاری را می‌توان تطبیق داد که در همه اجتماعات بشری حضور دارند. علامه طباطبایی برخی از آن‌ها را برمی‌شمارد از جمله اعتبار خانواده، اعتبار استخدام، اعتبار جامعه، اعتبار عدالت اجتماعی، اعتبار حکومت و... ایشان علت حضور این اعتبارات مشابه در همه اجتماعات بشری را تشابه غرایز و نیازهای فطری انسان می‌داند. همه دستگاه‌های اعتباری در راستای تسهیل و رفع تراحم برای تأمین و ارضای نیازها و غرایز نوع انسان شکل گرفته‌اند اگرچه شاید صورت‌های ظاهری متفاوتی داشته باشند. در عین حال از منظر علامه طباطبایی هر اعتباری قابل پذیرش نیست و اعتباراتی که در مغایرت با نیازها و غرایز اصیل انسان باشد یا در تضاد با اعتبارات مرتبط با این نیازها باشد از نظر علامه اعتبارات باطل و مردود هستند. در طول تاریخ نیز بخش بزرگی از محتوای تعالیم انبیاء در مبارزه با این گونه اعتبارات گمراه‌کننده بوده است.

یکی از اعتبارات معاصر که علامه در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به آن پرداخته

است اعتبار ملیت است. از منظر ایشان ملیت که در ابتدا به صورت تشخیص محدوده و قلمرو و برای پرهیز از تداخل و تزامم منافع قرارداد شده است، امروزه به شکلی اعتبار می‌شود که «امری غیر فطری هم در آن راه یافته است و آن این است که فطرت اقتضا دارد که تمامی نوع بشر در یک مجتمع گرد هم آیند... درحالی که انشعابات وطنی درست عکس این را نتیجه می‌دهد، یعنی اهل یک وطن هر قدر متحدتر و درهم فشرده‌تر شوند، از سایر مجتمعات بشری بیشتر جدا می‌گردند، اگر متحد می‌شوند واحدی می‌گردند که روح و جسم آن از واحدهای وطنی دیگر جداست و در نتیجه انسانیت وحدت خود را از دست می‌دهد و تجمع جای خود را به تفرقه می‌دهد و بشر به تفرق و تشتتی گرفتار می‌شود که از آن فرار می‌کند و به خاطر نجات از آن دور هم جمع شده جامعه تشکیل داد؛ و واحدی که جدیداً تشکیل یافته شروع می‌کند [بنابر اصل استخدام] به اینکه با سایر آحاد جدید همان معامله‌ای را بکند که با سایر موجودات عالم می‌کرد؛ یعنی سایر انسان‌ها و اجتماعات را به خدمت می‌گیرد و از آن‌ها همچون حیوانی شیرده بهره‌کشی می‌کند. ... همین معنا باعث شده که اسلام اعتبار این گونه انشعاب‌ها و چنددستگی‌ها و امتیازات را لغو اعلام نموده، اجتماعات را بر پایه عقیده بنا نهد نه بر پایه جنسیت، قومیت، وطن و امثال آن» (ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران).

«طرز حکومت با تغییر و تبدیل جامعه‌ها به حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر است. طرز حکومت‌های اسلامی را در هر عصر، باید با در نظر گرفتن سه ماده ثابت شرع اسلام تعیین کرد: ۱. مسلمانان تا آخرین حد باید در اتحاد و اتفاق بکوشند. ۲. مرز جامعه اسلامی اعتقاد است؛ نه مرزهای طبیعی. ۳. اصل، رعایت و اجرای سیرت و سنت رسول الله (ص) است» (طباطبایی، ۱۳۴۲، نقل از زهرانی، ۱۳۷۷).

بنابراین در موضوع پژوهش پیش رو، فراهم آوردن و توسعه ابزارهای ارتباط زبانی که موجب بهبود ارتباطات اجتماعی می‌شود و از طریق تعمیق عدالت اجتماعی موجب تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود، اقدامی مطلوب است و توسعه کمی و کیفی جامعه را به همراه دارد. لیکن «ملت‌سازی قومی» و هر هویت‌سازی دیگری که سبب جدایی و تفرقه در جامعه اسلامی شود، چنانکه امپراتوری بزرگ اسلامی عثمانی را به چندین کشور متفرق تبدیل نمود، اعتباری باطل و مردود و شایسته برخورد و مقابله است و بازیگرانی که از پیگیری مطالبات زبانی «ملت‌سازی قومی» را دنبال می‌کنند، از مشروعیت لازم برای مشارکت در سیاست‌گذاری و اداره جامعه اسلامی برخوردار نیستند.

روش پژوهش

باهداف شناسایی عوامل مؤثر محیطی و بازیگران تأثیرگذار در موضوع آموزش زبان‌های قومی و محلی، ابتدا به‌مرور پژوهش‌های پیشین و بررسی محتوای فضای مجازی و مصاحبه با صاحب‌نظران و متخصصان زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات، جغرافیای سیاسی و برنامه‌ریزی آموزشی پرداختیم. در این مرحله شناختی کلی و پراکنده از بازیگران و عوامل تأثیرگذار حاصل شد. برای نظم‌دهی به عوامل و بازیگران آن‌ها را بر اساس آموزه‌های محیط‌شناسی در سه سطح محیط داخلی، محیط خارج نزدیک و محیط خارج دور تقسیم کردیم (ممبینی دهکردی و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۳۳). لیکن همچنان علیرغم نظرات مصاحبه‌شوندگان امکان قضاوت در مورد میزان تأثیرات به‌دست نیامد. لذا برای کسب شناخت دقیق در مورد میزان تأثیر عوامل مختلف و شناسایی عوامل پیشران روش «تحلیل اثرات متقابل» با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و برای مطالعه نقش‌آفرینی کنشگران و جناح‌بندی‌های آن‌ها روش تحلیل بازیگر با استفاده از نرم‌افزار مکتور را در پیش گرفتیم.

روش «تحلیل اثرات متقابل» یا تأثیرات ساختاری، یکی از رایج‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است که از طریق برآورد میزان و چگونگی تأثیرات عوامل تأثیرگذار بر یکدیگر پژوهشگر را قادر به شناسایی عوامل پیشران و عوامل کنترل‌کننده می‌نماید (نعیمی و پورمحمدی، ۱۳۹۵). «هدف اصلی استخراج متغیرهای مستقل ... [آن است] که بتوان با برآورد تغییرات متغیرها در آینده، تغییرات متغیر وابسته در آینده را حدس زد. ارزش پیش‌بینی در گرو ارزیابی و معرفی نیروها و عواملی است که رویدادهای آتی و وضعیت پدیده در آینده را شکل می‌دهند» (حاجیانی ابراهیم، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

تمرکز صرف بر عوامل محیط سیاست‌گذاری چنانچه با تحلیل سطح پایین‌تر بر حسب ویژگی‌های بازیگران تکمیل نشود دارای ظرفیت محدودی است (تیسن و واکر، ۱۳۹۵: ۳۶۲) و نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت‌آمیز بودن سیاست باشد. همچنین با ملاحظه بازیگران می‌توان چشم‌اندازی از آینده محیط در سطح خرد در تحلیل وارد نمود (زارع میرک‌آبادی، ۱۳۹۳). تحلیل بازیگر به سبب تمرکز بر نقطه نظرات متکثر بازیگران به خوبی مکمل یافته‌های روش تحلیل اثرات متقابل خواهد بود. به‌علاوه شناخت صحیح بازیگران به سیاستگذار این امکان را می‌دهد که از طریق جلب مشارکت حداکثر ذینفعان تحقق اهداف سیاست‌گذاری را به میزان زیادی دست‌یافتنی کند.

هیچ بازیگر منفردی وجود ندارد که بتواند به صورت یک‌جانبه راه‌حل مطلوبش را به دیگران تحمیل کند. بلکه به برخی از اشکال همکاری بین طرف‌ها نیاز است؛ بازیگران به هم وابسته هستند. در چنین شرایطی، دانستن اینکه چه کسی «دیگران» است و درک اهداف و انگیزه‌های آن‌ها برای مشارکت کردن یا نکردن، برای حل موفق مسئله حیاتی است (زارع میرک‌آبادی، ۱۳۹۳).

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه‌هایی است که متناسب با نرم‌افزارهای میک‌مک و مکتور توسط سازندگان این دو نرم‌افزار معرفی شده است. در این پرسشنامه‌ها از جامعه نخبگانی می‌خواهیم که برآورد خود از میزان تأثیر عوامل بر یکدیگر را بین صفر تا سه؛ و برآورد خود را از میزان تأثیر و نفوذ بازیگران بر یکدیگر را بین صفر تا چهار و برآورد خود از میزان تمایل بازیگران به اهداف (گزینه‌های سیاستی) را بین منفی چهار تا مثبت چهار نمره‌دهی نمایند.

قبل از تهیه پرسشنامه میک‌مک به سبب مواجهه با فهرست طولانی از عوامل شناسایی شده، از آنجا که به طور آشکار برخی عوامل تأثیرگذاری اندکی داشتند با استفاده از پرسشنامه‌ای بر پایه طیف لیکرت با نظرخواهی از گروهی از خبرگان عوامل کم اهمیت حذف و در مواردی با عوامل مهم ترکیب گردید.

به همین ترتیب در مواجهه با بازیگران، علاوه بر شمار پرتعداد، اتفاق نظر در مورد رویکرد برخی از مهم‌ترین بازیگران، برای مثال معلمان یا خانواده دانش‌آموزان در موضوع آموزش زبان قومی و محلی وجود نداشت؛ بنابراین، پس از چند مرحله مصاحبه با افراد صاحب‌نظر بازیگران مختلف را بر اساس رویکرد آن‌ها به موضوع مورد بررسی و موقعیت محیط‌شناختی (داخلی، خارج نزدیک، خارج دور) دسته‌بندی نمودیم. از این طریق به یازده گروه از بازیگران دست یافتیم که هم به شکل قابل قبولی از یکدیگر متمایز هستند و هم تقریباً همه بازیگران را در این یازده گروه می‌توان یافت.

کاهش تعداد عوامل و بازیگران همچنین باعث کاهش پیچیدگی و تسهیل پاسخگویی به پرسشنامه‌های میک‌مک و مکتور می‌شود و نتایج خروجی از این دو نرم‌افزار را نیز خوانا و واضح‌تر می‌نماید.

یافته‌های پژوهش

در گام نخست فهرستی از عوامل گوناگون تأثیرگذار و بازیگران مختلف را از طریق مرور پژوهش‌های مرتبط، مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه‌های تعلیم و تربیت، علوم اجتماعی و سیاسی و زبان‌شناسی و ادبیات و همچنین مصاحبه با نمایندگانی از گروه‌های قومی و ملاحظه محتواهای مرتبط در فضای مجازی گردآوری نمودیم. به سبب عدم تعانس

چشمگیر میان عوامل گوناگون و بازیگران مختلف، از طریق تقسیم‌بندی موقعیت محیطی نخستین اقدام را برای نظم‌دهی و خوانا نمودن روابط میان آن‌ها صورت دادیم. «محیط داخلی» را عوامل و بازیگران نهادی و دستگاه‌های رسمی دولتی و حکومتی در نظر گرفتیم که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در موضوع مورد نظر نقش‌آفرینی و تأثیر دارند. «محیط خارج دور» را کنشگران و عوامل خارج از چارچوب کشور ایران در نظر گرفتیم و محیط «خارج نزدیک» نیز شامل همه عوامل و بازیگرانی در نظر گرفتیم که در داخل کشور هستند ولی در «محیط داخلی» سیاست‌گذاری آن‌گونه که تعریف شد قرار ندارند.

به این ترتیب سیاهه بلندی از عوامل و بازیگران در سه محیط یادشده گرد آمد که همه آن‌ها از تأثیرگذاری یا نقش‌آفرینی مشابهی برخوردار نبودند. برخی کم‌اهمیت و دارای تأثیر ناچیز و برخی دارای نقش محوری در موضوع مورد بحث بودند لذا در ارتباط با عوامل از طریق پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیترت مهم‌ترین عوامل شناسایی و عوامل کم‌اهمیت حذف یا در برخی موارد دیگر عوامل ادغام شدند. حاصل به صورت هجده عامل در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است. در خصوص بازیگران نیز به شرحی که در قسمت روش شناسی گفته شد بازیگران شناسایی شده را بر اساس رویکرد کلی آن‌ها به موضوع در یازده گروه بازیگران مقوله‌بندی نمودیم. جدول شماره ۲ این یازده گروه از بازیگران را توضیح داده است.

جدول ۱. عوامل موثر بر چشم انداز آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی

شناسه	عوامل شکل دهنده به آینده موضوع زبان‌های قومی	توضیحات (مشمول بر/ تحت تأثیر از)
نگران شکاف	نگاه امنیتی به مسئله قومیت و زبان‌های قومی و نگرانی از آسیب دیدن انسجام اجتماعی و بروز شکاف‌های قومیتی در جامعه و درگیری میان قومیت‌های مختلف	تمامی سیاست‌ها و اقدامات نهادهای رسمی که باهدف محافظت از انسجام و امنیت اجتماعی موضوع زبان‌های قومی و محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
میهن پرستی	مطالبات و اقدامات میهن دوستانه، خواهان حفظ یکپارچگی ملی و سرزمینی و حفظ هویت تاریخی باستانی	مطالبه و اقدامات افراد و گروه‌هایی که نگران حفظ جامعه ملی و یکپارچگی سرزمین هستند مطالبه و اقدامات ایرانیان شهروندان که خواهان احیای دوره طلایی ایران باستان و محوریت تصورات آریایی هستند
سیاستی	ناهماهنگی نظام سیاست‌گذاری برای اتخاذ سیاست مشخص در مورد مسئله زبان‌های قومی و محلی	اشتغال سطح سیاست‌گذاری حاکمیت به مسائل اقتصادی و بین‌المللی و نحیف بودن ارگان سیاستگذار فرهنگ عمومی فقدان سیاست و هدف‌گذاری کلان در مسئله زبان‌های قومی و محلی که موجب اقدامات سلیقه‌ای دستگاه‌ها و دولت‌های مختلف می‌شود

شناسه	عوامل شکل‌دهنده به آینده موضوع زبان‌های قومی	توضیحات (مشمول بر/ تحت تأثیر از)
دانش فارسی	موقعیت تثبیت‌شده زبان فارسی در کارکرد علمی و دانشگاهی و پذیرش عمومی این کارکرد	فارسی‌زبان دانشگاهی و علمی کشور است و افراد برای تحصیل دانشگاهی ناگزیر از مهارت کافی در زبان فارسی هستند سیاست‌گذاری علمی و دانشگاهی بر تقویت جایگاه زبان فارسی به‌عنوان زبان دانشگاهی و علمی کشورهای فارس زبان
منافع شخصی	برخی افراد یا گروه‌ها از پیگیری مطالبات قومیتی اهداف سیاسی (مانند پیروزی در انتخابات مجلس و شورای شهر) یا اهداف اجتماعی (شهرت) را دنبال می‌کنند	قومیتی شدن انتخابات مجلس و شوراهای شهر و حساسیت در مورد سهم قومیتی از مناصب ملی و دولتی مطالبه‌گری قومی و زبانی به‌عنوان شیوه‌ای برای کسب شهرت (سرمایه سیاسی و سرمایه اجتماعی)
ملت‌سازی قومی	ملت‌سازی‌های قومیتی کردی - ترکی - ارمنی - عربی طی دهه‌های گذشته و سرایت آن‌ها به مسائل قومی ایران	استقلال‌طلبی اقلیم کردستان عراق و چشم‌انداز ظهور اقلیم مشابهی در شمال شرق سوریه با حمایت آمریکا و تشدید جنبش سیاسی و مسلحانه کردها در ترکیه. سرایت اختلافات و شکاف قومی با ارمنی‌ها و کردها از ترکیه به اقوام ایرانی. پیوند قومی با کشورهای همسایه و محبوبیت نامتعارف آن کشورها در گروه‌های قومی
وضع اقتصاد	مشکلات اقتصادی و ضعف مدیریتی دولت، وجود محرومیت در برخی مناطق قومیتی	محدودیت دولت و حاکمیت برای ایجاد شرایط مطلوب و تأمین رضایت همه مردم (شامل محدودیت‌های بودجه‌ای، مشکلات نظام‌اداری، تحریم‌های بین‌المللی) محرومیت و توسعه‌نیافتگی در برخی مناطق قومیتی و تشدید بحران‌های اقتصادی در سال‌های اخیر
مای فراملی	ظهور نوعی مرجعیت سیاسی و فرهنگی خارجی در میان گروه‌های قومی تحت تأثیر گسترش ارتباطات ماهواره‌ای، مجازی، تردد شهروندان و پیامدهای جهانی‌شدن	ظهور اجتماعات شبکه‌ای - اینترنتی و افزایش مخاطبین شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی و گسترش گفت‌وگوهای واگرا جهانی شدن، کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و گسترش گفت‌وگو حق بشر و شهروندی جهانی و تأثیر آن بر چشم‌انداز زبانی

شماره	عوامل شکل دهنده به آینده موضوع زبان‌های قومی	توضیحات (مشمول بر/ تحت تأثیر از)
نفوذ فارسی	تثبیت گونه معیار فارسی با خط عربی و گسترش آن در افغانستان، تاجیکستان و به میزان کمی در پاکستان	عدم موفقیت کاربرد خط سیریلیک برای نوشتن زبان فارسی در تاجیکستان و عدم موفقیت ارتقای جایگاه زبان پشتون در سراسر افغانستان باعث خواهد شد گونه معیار فارسی با خط عربی در این کشورها توسعه یابد رواج زبان‌های مختلفی در پاکستان، بخش‌هایی از هندوستان و غرب چین که با خط عربی نوشته می‌شوند و همچنین نگارش زبان‌های ازبکی، ترکمنی و آذری در ایران و افغانستان و کردی در عراق و ایران با خط عربی
نفوذ روسی	ارتقای مجدد جایگاه زبان روسی در آسیای میانه و قفقاز هم‌زمان با نفوذ کند زبان چینی در آسیای میانه و افزایش توجه به این دو زبان در ایران	آشنایی بخش بزرگی از مردم کشورهای آسیای میانه و قفقاز با خط و زبان روسی و احتمال تقویت جایگاه آن به عنوان زبان میانجی و زبان دانشگاهی در این جوامع با توجه به احیاء و تقویت جایگاه قدرت سیاسی و اقتصادی روسیه افزایش احتمال بازگشت دنیا به شرایط دوقطبی و گسترش مرزبندی شرق و غرب به ارتباطات اجتماعی و علمی و تأثیر بر چشم‌انداز زبانی احتمال افزایش نفوذ زبان چینی در آسیای میانه، ایران و خاورمیانه با توجه به افزایش ارتباطات تجاری، فرهنگی و طرح احیای جاده ابریشم از سوی چین پیمان همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین مطالبه لایه عالی سیاست‌گذاری کشور برای حضور زبان‌های غیر انگلیسی در نظام آموزشی و دانشگاهی
قومی همگرا	مطالبات مسالمت‌آمیز برای آموزش زبان قومی	مطالبه و اقدامات برای آموزش زبان قومی از سوی افراد و گروه‌هایی که تمایلات همگرا و وفادار به ملیت دارند مطالبه و اقدامات برای حفظ میراث ادبی و ارتقاء و توسعه آثار ادبی زبان‌های قومی به عنوان میراث معنوی کشور و تجلیل از شخصیت‌های ادبی قومی
قومی واگرا	مطالبات و اقدامات ساختارشکنانه با هدف آموزش و جایگزینی زبان قومی	مطالبات و اقدامات از سوی افراد و گروه‌های واگرا و خشونت‌طلب

شماره	عوامل شکل‌دهنده به آینده موضوع زبان‌های قومی	توضیحات (مشمول بر/ تحت تأثیر از)
حفظ و ارتقاء	تمایل و اقدامات دستگاه‌های دولتی به حفظ و ارتقای میراث فرهنگی قومی و پاسخ مثبت به مطالبات مشروع قومی	قانونی بودن و رواج استفاده از زبان‌های قومی در بسیاری از ارتباطات ازجمله شبکه‌های استانی صداوسیما، چاپ کتاب و نشریات ایجاد رشته دانشگاهی زبان آذری در دانشگاه تبریز و رشته دانشگاهی زبان کردی در دانشگاه سنندج و ایجاد واحد اختیاری آن‌ها برای همه دانشجویان این دو دانشگاه و اقدام آموزش و پرورش مبنی بر واگذار نمودن محتوای دروسی در کتب ادبیات به ادارات کل استان‌ها و برنامه‌های فوق برنامه به زبان محلی در مدارس اقدام نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط در شناسایی و تجلیل از شخصیت‌های علمی، شاعران و نویسندگان قومی همگرا و متعهد به انسجام ملی
پیوند جامعه	پیوندهای غیر قومی انسجام بخش در جامعه ایرانی	پیوندهای مذهبی و سیاسی که بخش‌هایی از اجتماعات قومی را در پیوندی ناگسستنی با نظام سیاسی و همگرایی ملی قرار می‌دهد در جامعه ایران تفاوت در قومیت و زبان قومی به‌عنوان مانعی بر ارتباطات اجتماعی مانند دوستیابی و ازدواج شناسایی نشده است. همچنین تعلق قومی و زبانی مانعی برای مهاجرت‌های داخلی با هدف اشتغال و تحصیل نیست.
تقویت ترکیب	توسعه اقتصادی ترکیه و ایجاد موقعیت رهبری در کمربند ترکی در قفقاز و آسیای میانه ضمن برخورداری از حمایت نسبی ناتو برای کاهش نفوذ روسیه و چین	تداوم توسعه اقتصادی ترکیه و گسترش قدرت سخت و نرم ترکیه در قفقاز و آسیای میانه افزایش اتکای ناتو بر موقعیت و نقش ترکیه برای مهار روسیه و حمایت غرب از ملی‌گرایی قومی در آسیای میانه و قفقاز برای تقابل با نفوذ فرهنگی روسیه و چین. خروج سرمایه‌های انسانی و مادی از کشور که بخش قابل توجهی از آن به مقصد ترکیه است
تفکیک گونه	فقدان تثبیت گونه معیار در زبان‌های قومی منطقه و عدم برخورداری از شیوه نگارش واحد و جافاده (هم در مورد کردی و هم در مورد ترکی)	گسترش ترکی استانبولی در آسیای میانه و قفقاز و توسعه کاربرد خط لاتین برای نگارش زبان‌های ترکی وجود انگیزه‌های ملی‌گرایانه برای حفظ زبان‌های بومی (آذری، ازبکی، قزاقی، ترکمنی و قرقیزی) در مقاومت با توسعه گونه استانبولی و همچنین سنت نگارش این زبان‌ها با الفبای سیریلیک و تا حدودی عربی نگارش کردی کرمانجی در ترکیه و سوریه با الفبای لاتین و نگارش کردی سورانی با اقتباس از الفبای عربی در اقلیم کردستان عراق و تا حدودی در ایران

شماره	عوامل شکل دهنده به آینده موضوع زبان‌های قومی	توضیحات (مشمول بر/ تحت تأثیر از)
کلان شهری	ظهور کلان‌شهرهای فراقومیتی مانند تهران و کرج، رشد ارتباطات بزرگراهی - ریلی - هوایی و تأثیر آن بر گردشگری داخلی و ارتباطات میان قومی و همچنین تولیدات فرهنگی هنری (تلویزیونی، سینمایی، تجسمی، معماری) باهدف تقویت مؤلفه‌های مشترک ملی	
عربی	موقعیت برتر و رو به رشد زبان عربی (شامل الفبای عربی) در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام ازجمله در ایران	احیای اسلام‌گرایی و قدرت نرم کشورهای عربی؛ زبان و خط عربی در جوامع مسلمان غیر عرب همچنان موردتوجه از سوی گروه‌های مذهبی و متخصصان تاریخ و ادبیات است. ثروت نفتی کشورهای عربی و افزایش مراودات اقتصادی ازجمله گردشگری باعث گسترش آشنایی بیش‌ازپیش مردم جهان (غیرمسلمانان) با زبان و خط عربی شده و همچنان در حال افزایش است. افزایش اهمیت منابع انرژی خاورمیانه ازجمله ایران برای غرب به‌ویژه پس از اوج‌گیری تنش در اوکراین توسعه گردشگری مذهبی میان ایران و عراق به نظر می‌رسد زمینه توجه بیش‌ازپیش مردم ایران به زبان عربی را به همراه داشته است. جهت‌گیری خاورمیانه‌ای سیاست خارجی کشور که متضمن توجه خاص به زبان عربی است و انعکاس آن در اصل ۱۶ قانون اساسی و حضور پررنگ زبان عربی در نظام آموزشی مشهود است. همچنین مطالبه لایه‌های عالی سیاست‌گذاری کشور براسلامی کردن علوم انسانی قاعده‌تاً متضمن افزایش توجه به زبان عربی و متون آن و تعامل با دانشگاه‌های جهان اسلام است. نفوذ ایران در کشورهای کمربند مقاومت (عراق، سوریه، لبنان، یمن)

برای تحلیل تأثیرات متقابل عوامل، جدول فوق به پاسخگویان داده شد و از آن‌ها خواسته شد بر اساس اطلاعات آن در جدولی که هجده سطر و هجده ستون داشت برآورد خود از میزان تأثیر هرکدام از این عوامل را بر دیگر عوامل (میزان تأثیر سطر بر ستون) نمره دهی کنند.

جدول ۲. بازیگران تأثیرگذار بر آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی

کد	عنوان گروه بازیگران	بازیگران	توضیح
A	دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی	وزارت آموزش و پرورش و نهادهای زیر مجموعه آن- وزارت علوم- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- وزارت میراث فرهنگی و گردشگری - شورای عالی انقلاب فرهنگی- صداوسیما	دستگاه‌های متولی آموزش و فرهنگ که دارای مسئولیت و مداخلت مستقیم در موضوع زبان قومی هستند
B	نهادهای سیاسی و امنیتی	وزارت کشور- نیروی انتظامی - نهادهای امنیتی و اطلاعاتی - شخص رئیس‌جمهور- وزارت امور خارجه	نهادهای امنیتی انتظامی و مدیریت امور سیاسی کشور که به‌طور غیرمستقیم در موضوع زبان قومی مسئولیت و مداخلت دارند
C	مجموعه رهبری و نهادهای دینی	رهبری- مجمع تشخیص مصلحت نظام- شورای نگهبان- شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه - ائمه جمعه - بسیج - اعضای مجلس خبرگان- کمیته امداد- بنیاد مستضعفان- ستاد اجرائی فرمان امام و... روحانیون و حوزه‌های علمیه- مراجع تقلید - شخصیت‌های دینی قومی- سازمان تبلیغات اسلامی - امور مساجد - اوقاف و آستان‌های مبارکه	عموماً مسئولیت و مداخلت مستقیم یا غیرمستقیم در موضوع زبان قومی ندارند ولی تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارند
D	وفاداران نظام سیاسی	اقشار بسیجی و مذهبی یا به تعبیر عامیانه حزب‌اللهی - اصولگرایان - رسانه‌های اصولگرا	حتی در صورت تعلق قومی اشکال افراطی مبارزه قومی را معمولاً در تقابل با منافع نظام قلمداد می‌کنند و با آن مقابله می‌کنند.

کد	عنوان گروه بازیگران	بازیگران	توضیح
E	همگرایان خواهان افزایش سهم قومی	اصلاح طلبان با تعلق قومی- برخی رسانه‌های جناح اصلاحات- صاحب‌منصبان اداری با تعلق قومی، کارمندان دولت با تعلق قومی، نمایندگان مجلس از مناطق قومی، شخصیت‌های مشهور ملی با تعلق قومی - خانواده‌ها، دانش‌آموزان، اغلب اعضای هیئت علمی دارای تعلق قومی و اغلب معلمان دارای تعلق قومی - پژوهشگران و نویسندگان موضوعات قومی، ادبیات قومی و فولکلور- شاعران و اهل ادب قومی - بنگاه‌های اقتصادی و باشگاه‌های ورزشی که با مفاهیم قومی همراه شده‌اند مانند هواپیمایی آتا و باشگاه تراکتور و کشت و صنعت مغان، فعالان سیاسی قومیت‌های غیرواگرا (لری، گیلکی، تاتی، مازنی و...)	در عین وفاداری ملی خواهان پیگیری مطالبات فرهنگی قومی هستند و انگیزه ملت‌سازی قومی را دنبال نمی‌کنند.
F	ایران‌شهرگرایان	فارس‌گرایان- برخی از متخصصان ادبیات فارسی- کورش‌گرایان - ایران‌شهرگرایان- اصلاح طلبان فاقد تعلق قومی- برخی از طیف کارگزاران- شخصیت‌های مشهور ملی - فرهنگستان زبان و ادب فارسی	اقتدار مختلفی از افراد و گروه‌هایی که عموماً تعلقات قومی ندارند و شایسته شکوه ایران باستان هستند و احیای ایران بزرگ از آرمان‌های آنان است.
G	فعالان سیاسی قوم‌گرا (شناسنامه‌دار)	خبرنگاران و روزنامه‌نگاران قومی- وبلاگ و سایت قومی- نشریات دانشجویی قومی- آموزشگاه زبان قومی- رهبران طریقت‌هایی قومی شده - برخی از معلمان و اعضای هیئت علمی دارای تعلق قومی- برخی پژوهشگران و اهل ادب دارای تعلق قومی- برخی نمایندگان یا کاندیداهای انتخابات مجلس یا شوراهای شهر	فعالان قومی تحول‌خواه که به اشکال مشروع و در چارچوب قانون افزایش سهم فرهنگ قومی را به شکل تحول خواهانه دنبال می‌کنند. در عین حال ممکن است در موقعیت‌های غیررسمی و مجازی شیوه‌ها و ادبیاتی غیرقانونی را نیز توسعه دهند.

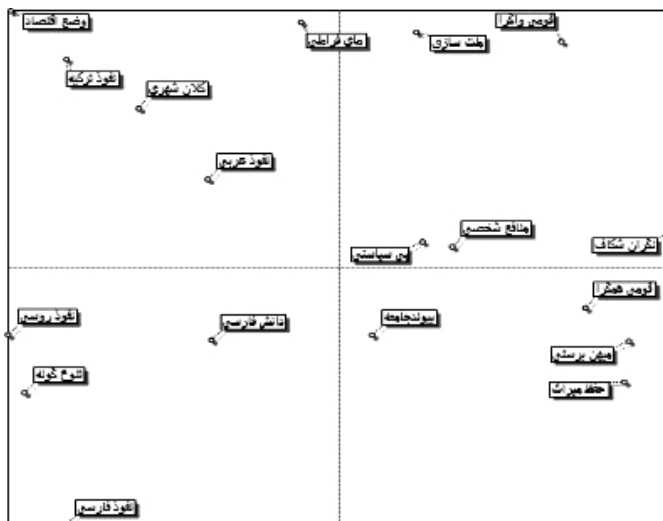
کد	عنوان گروه بازیگران	بازیگران	توضیح
H	مبارزان قومی رادیکال	مبارزان قومی خارج از کشور- مبارزان قومی داخل کشور با حفظ گمنامی- رسانه‌های ماهواره‌ای قومی- تشکل‌های بین‌المللی قومی- مبارزان داخلی دارای پرونده امنیتی- گروه‌های غیرقومی خواهان دگرگونی در نظام سیاسی	اتخاذ ابزار و روش‌های نامشروع فعالیت سیاسی برای ایجاد تحول و دگرگونی در نظام فرهنگی و سیاسی کشور با هدف واگرایی سیاسی و ملت‌سازی قومی
J	بازیگران خارجی که منافع آن‌ها در حمایت از قومیت‌های ایرانی است	ترکیه- کردستان عراق- کردهای ترکیه- جمهوری آذربایجان- کشورهای عرب خلیج فارس- برخی رسانه‌های بین‌المللی- نهادهای بین‌المللی حقوق بشر	
K	بازیگران خارجی حامی ثبات در ایران	روسیه- کشورهای آسیای میانه- عراق، سوریه، ارمنستان جمعیت‌های شیعه و میانه‌رو در عراق- تاجیک‌ها و هزاره‌ها در افغانستان	بازیگران خارجی که منافع آن‌ها در حمایت از ثبات ژئوپلیتیک و هم‌پیمانی با نظام سیاسی ایران است
L	دشمنان ایران یکپارچه و متحد	اسرائیل، آمریکا، سازمان مجاهدین (منافقین)، گروه‌های تروریستی افراطی مانند داعش، برخی رسانه‌های معاند	بازیگران خارجی که منافع خود را آشکارا در تعارض با یکپارچگی ایران معرفی کرده‌اند

برای تحلیل بازیگر نخست در جدولی با یازده سطر و یازده ستون از پاسخگویان خواسته شد برآورد خود از میزان قدرت و نفوذ هر یک از این گروه‌های بازیگر را بر دیگر گروه‌ها (میزان قدرت و نفوذ سطر بر ستون) نمره‌دهی نمایند و در مرحله بعد در جدولی که بازیگران در سطر و اهداف متصور بازیگران (جدول شماره ۶) در ستون قرار دارند، میزان گرایش هر گروه از بازیگران را نسبت به گزینه‌های سیاستی نمره‌گذاری نمایند.

تحلیل اثرات متقابل عوامل

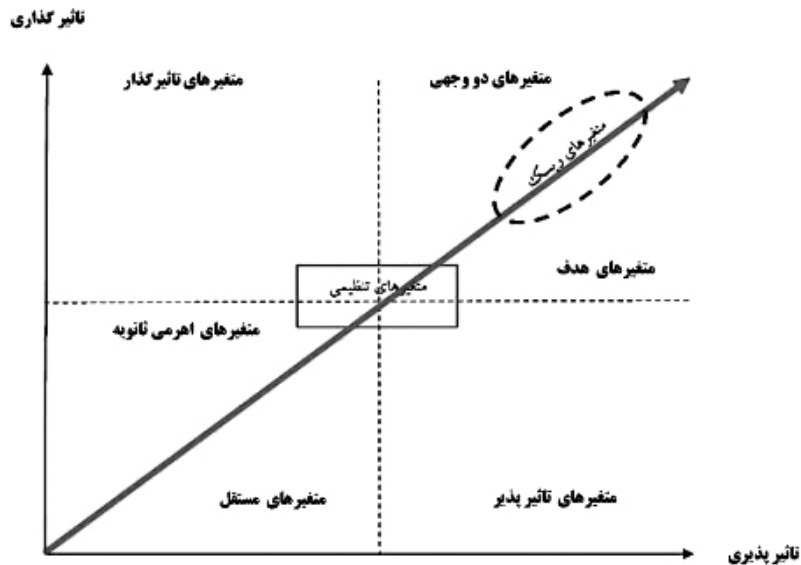
برای شناسایی ساختار تأثیرات عوامل از پاسخگویان خواسته شد در قالب یک جدول متقاطع میزان تأثیرگذاری هر کدام از عوامل (جدول شماره ۱) را بر دیگر عوامل، بین صفر تا سه (صفر فاقد تأثیر، یک تأثیر کم، دو تأثیر متوسط و سه تأثیر زیاد) نمره‌گذاری نمایند. نتایج حاصله به صورت مُد نظرات پاسخگویان وارد نرم‌افزار میک‌مک گردید. مجموع تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر کدام از عوامل مبنای تحلیل و

نتایج نرم افزار میک مک است. نرم افزار میک مک نتایج را در دو دسته ارائه می دهد؛ ابتدا تنها تأثیرات مستقیم عوامل را بر یکدیگر نشان می دهد و در مرحله بعد برآیند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل بر یکدیگر را که مقرون به واقعیت است، نمایش می دهد. در ادامه نتایج خروجی نرم افزار میک مک که با ملاحظه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم است را ارائه می نماییم.



تصویر ۱. این نقشه وضعیت و موقعیت هر کدام از عوامل مورد بررسی را در دو بُعد میزان تأثیرگذاری و میزان تأثیرپذیری مشخص می کند.

نقشه فوق موقعیت هجده عامل مورد بررسی را برحسب دو جهت میزان تأثیرگذاری (Influence) و میزان تأثیرپذیری (Dependence) هر کدام از عوامل نمایش می دهد. پژوهشگران برای عواملی که در بخش های مختلف نقشه فوق قرار می گیرند جایگاه متفاوتی را در تحلیل سیستم در نظر گرفته اند. تصویر زیر به خوبی معنا و ویژگی موقعیت عوامل را در نقشه تأثیرات میک مک مورد تفسیر قرار می دهد.



تصویر ۲. این تصویر تفسیر موقعیت‌های مختلف در نقشه تأثیرات را نمایش می‌دهد.

در تصویر فوق متغیرهای دوجبه (متغیرهای ریسک) عواملی هستند که هم‌زمان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیادی در ساختار تأثیرات عوامل دارند. این عوامل از سویی تأثیر زیادی را از متغیرهای تأثیرگذار (چارک بالا سمت چپ) می‌پذیرند و تأثیر زیادی را نیز بر عوامل تأثیرپذیر سیستم (چارک پایین سمت راست) اعمال می‌کنند. انتخاب عنوان دوجبه به سبب همین دو وجه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد است؛ اما به این متغیرها عوامل ریسک یا مخاطره نیز می‌گویند. این متغیرها از وضعیت پایداری برخوردار نیستند؛ چنانچه مسیر تأثیرگذاری آن‌ها بر متغیرهای تأثیرپذیر تثبیت شود و مستقل از عوامل تأثیرگذار قادر به تأثیرگذاری باشند، در نقشه فوق به قسمت عوامل تأثیرگذار انتقال خواهند یافت و موقعیت پایداری به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در سیستم خواهند یافت. به‌عنوان مثال هرگاه تأثیرگذاری «قوم‌گرایی و اگر» و «ملت‌سازی قومی» تداوم یابد، به‌عبارت دیگر گفتمان و اگرایی و ملت‌سازی قومی در کشور تثبیت شود، این دو متغیر که در حال حاضر در موقعیت ریسک و دوجبه قرار دارند به موقعیت متغیرهای تأثیرگذار انتقال یافته و سیستم و اهداف سیستم (خروجی سیستم) را دگرگون خواهند کرد.

سناریوی دیگری نیز برای افزایش پایداری سیستم قابل‌تصور است. از آنجاکه متغیرهای «قومی و اگر» و «ملت‌سازی قومی» واسطه انتقال بخش بزرگی از تأثیرگذاری متغیرهای بالا سمت چپ به متغیرهای تأثیرپذیر هستند، هرگاه جریان تأثیرات متغیرهای تأثیرگذار

از مسیری غیر از متغیرهای دو وجهی صورت بگیرد، میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متغیرهای ریسک کاهش یافته به موقعیت خروجی سیستم و در کنار قوم‌گرایی همگرا انتقال خواهند یافت و به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی کم‌خطر تلقی خواهند شد. این سناریو زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که مسیر تأثیرگذاری عوامل بالا سمت چپ، به‌ویژه «نفوذ ترکیه»، «وضع اقتصاد»، «مای فراملی» و حتی «نفوذ عربی» به جای آنکه از کانال و طریق متغیرهای دو وجهی باشد از طریق متغیرهای تنظیمی صورت گیرد. لذا متغیرهای تنظیمی که در اطراف مرکز نقشه قرار دارند «بی‌سیاستی»، «منافع شخصی»، «دانش فارسی» و «پیوند جامعه» اگر به شکلی مدیریت شوند که بخش بزرگ‌تری از تأثیرات عوامل تأثیرگذار را به عوامل سمت راست سیستم، به‌ویژه «قومی همگرا» انتقال دهند از میزان تأثیرگذاری عوامل ریسک کاسته خواهد شد لذا چنانچه سیاستگذار فرهنگی موقعیت انفعالی در موضوع آموزش زبان‌های قومی را رها نموده و به‌طور فعال نقش مؤثری در پاسخگویی به مطالبات زبانی قومیت‌ها به عهده بگیرد، تأثیرگذاری عوامل دو وجهی کاهش چشمگیری خواهد یافت. همچنین ساماندهی وام‌گیری‌های فرهنگی از کشورهای همسایه در قالب همکارهای فرهنگی دوجانبه یا منطقه‌ای باعث هدایت مدیریت شده تأثیرگذاری فرهنگی آن کشورها از مسیر متغیرهای تنظیمی خواهد شد و مخاطرات عوامل دو وجهی را کاهش خواهد داد.

تحلیل بازیگر

تحلیل بازیگر در یک موقعیت یا میدان رقابتی قابل تصور است. خواسته‌های بازیگران و قدرت دستیابی به این خواسته‌ها مهم‌ترین موضوعات مورد توجه تحلیلگر بازی‌ها است. به همین سیاق در روش مکتور تحلیلگر در دو پرسشنامه جداگانه میزان قدرت و نفوذ هر بازیگر بر دیگر بازیگران و تمایل هر بازیگر بر اهداف و گزینه‌هایی در مورد کیفیت آموزش زبان قومی را از مطلعین و خبرگان موضوع مورد پرسش قرار داده است. در هر پژوهش تحلیل بازیگر، شناسایی بازیگران نخستین اقدام است. گروه‌های مختلف بازیگران را با توجه به موقعیت محیطی و رویکردشان به موضوع در ۱۱ عنوان مطابق جدول شماره ۲ دسته‌بندی نمودیم و از پاسخگویان خواستیم میزان نفوذ و قدرت تأثیرگذاری هر کدام از یازده گروه بازیگران را بر دیگر گروه‌ها بین صفر (فاقد تأثیر و نفوذ) تا چهار (تأثیر و نفوذ بسیار زیاد تا سرحد وابستگی وجودی) نمره‌گذاری نمایند. جدول شماره ۳ مُد نظرات پاسخگویان را در خصوص نفوذ و قدرت تأثیرگذاری بازیگران بر یکدیگر نمایش می‌دهد. اعداد داخل جدول بیان‌کننده قدرت تأثیرگذاری نفوذ بازیگر قرار گرفته در سطر بر بازیگر قرار گرفته در ستون است.

جدول ۳. برآورد نفوذ بازیگران

بازیگران	فرهنگی-آموزشی	سیاسی-امنیتی	رهبری-دینی	وفاداران	همگرای قومی	ایران‌شهری	فعال قومی	مبارز قومی	حامی اقوام	حامی اتحاد	دشمنان
فرهنگی-آموزشی	۰	۱	۱	۳	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۰
سیاسی-امنیتی	۳	۰	۲	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۰
رهبری-دینی	۳	۴	۰	۳	۳	۱	۱	۱	۰	۱	۰
وفاداران	۱	۲	۲	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
همگرای قومی	۲	۱	۱	۱	۰	۱	۲	۲	۲	۰	۰
ایران‌شهری	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فعال قومی	۲	۱	۱	۰	۳	۰	۰	۰	۲	۰	۱
مبارز قومی	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۳	۰	۳	۰	۲
حامی اقوام	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۳	۴	۰	۱	۳
حامی اتحاد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
دشمنان	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۲	۴	۲	۱	۰

جدول ۴. مجموع تأثیرات مستقیم بازیگران

بازیگر	تأثیرگذاری مستقیم	رتبه
دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی	۱۴	۳
نهادهای سیاسی و امنیتی	۱۷	۱
مجموعه رهبری و نهادهای دینی	۱۶	۲
وفاداران نظام سیاسی	۱۰	۷
همگرایان خواهان افزایش سهم	۱۲	۵
ایران‌شهرگرایان	۶	۸
فعالان سیاسی قوم‌گرا	۱۳	۴
مبارزان قومی رادیکال	۱۱	۶
بازیگران خارجی حامی اقوام ایرانی	۱۴	۳
بازیگران خارجی حامی ایران یکپارچه	۲	۹
دشمنان ایران یکپارچه و متحد	۱۲	۵

جدول فوق مجموع تأثیرگذاری هر کدام از بازیگران را نمایش می‌دهد لیکن

تأثیرگذاری غیرمستقیم بازیگران را نادیده گرفته است. واقعیت آن است که بازیگرانی مانند نهادهای سیاسی و امنیتی و نهادهای رهبری بخش بزرگی از تأثیرگذاری خود را از طریق دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی یا وفاداران اعمال می‌کنند. همچنان که بازیگران خارجی نیز تلاش دارند از طریق تأثیرگذاری بر بازیگران داخلی به تأثیرگذاری در نظام سیاست‌گذاری کشور دست یابند. جدول زیر به‌عنوان نخستین نتیجه دریافتی از نرم‌افزار مکتور حداکثر تأثیرگذاری هر بازیگر را نشان می‌دهد که شامل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و باکسر کردن میزان اثرپذیری و بازخورد تأثیر است. به زبان ساده شاید بتوان این مقادیر را نشان‌دهنده حداکثر همه‌گونه‌های قدرت و تأثیرگذاری هر کدام از بازیگران در موضوع موردبررسی قلمداد نمود.

جدول ۵. حداکثر تأثیرگذاری بازیگران

بازیگر	حداکثر تأثیرگذاری
دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی	۱
نهادهای سیاسی و امنیتی	۱/۳
مجموعه رهبری و نهادهای دینی	۱/۷
وفاداران نظام سیاسی	۰/۸
همگرایان خواهان افزایش سهم	۰/۸
ایران‌شهرگرایان	۰/۷
فعالان سیاسی قوم‌گرا	۱
مبارزان قومی رادیکال	۱
بازیگران خارجی حامی اقوام ایرانی	۱/۱
بازیگران خارجی حامی ایران یکپارچه	۰/۵
دشمنان ایران یکپارچه و متحد	۱/۱



تصویر ۳. این نمودار حداکثر تأثیرگذاری بازیگران را به ترتیب از بیشترین تا کمترین نشان می‌دهد (خروجی نرم‌افزار مکتور)

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین تأثیر حداکثری را «مجموعه رهبری و نهادهای دینی» و پس‌از آن «نهادهای سیاسی و امنیتی» برخوردار هستند. این نتیجه قابل پیش‌بینی بود ولی اینکه «دشمنان ایران یکپارچه» در موقعیت سومین بازیگر دارای حداکثر تأثیرگذاری در موضوع موردبررسی قرار داشته باشد و پس‌از آن «بازیگران خارجی حامی اقوام ایرانی» در موقعیت چهارم قرار داشته باشد، دور از انتظار بود.

در محاسبه حداکثر تأثیر به سبب آنکه تأثیر غیرمستقیم نیز مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و همچنین میزان تأثیرپذیری و بازخورد کسر می‌شود، بازیگران میدانی مانند «وفاداران» یا «مبارزان قومی» که عموماً از بازیگران بسیار قدرتمند تأثیرپذیر هستند و در میدان کنش از برخوردها و مقابله‌ها نیز به‌صورت بازخوردی اثر می‌پذیرند، به میزان کمتری از سنج «حداکثر تأثیرگذاری» که در نمودار فوق نمایش داده شده است برخوردار می‌شوند. شاید بتوان بازیگران برخوردار از بالاترین میزان «حداکثر تأثیر» را بازیگران راهبردی نامید و بازیگرانی که در عین تأثیرپذیری بالا از تأثیرگذاری زیادی نیز برخوردار هستند را بازیگران میدانی یا تاکتیکی نامید.

ائتلاف بازیگران

نرم‌افزار مکتور علاوه بر برآورد دقیق میزان تأثیرگذاری واقعی هر بازیگر، ائتلاف‌ها میان بازیگران را نیز بر اساس تمایل آن‌ها به اهداف و ارزش‌ها تشخیص می‌دهد. جدول شماره ۶ ارزش‌ها و اهداف قابل‌تصور (گزینه‌های سیاستی) در ارتباط با آموزش

زبان‌های قومی و محلی را نمایش می‌دهد. نرم‌افزار مکتور برای شناسایی ائتلاف میان بازیگران، همگرایی دو به دو بازیگران را در ارتباط با اهداف، ارزش‌ها و گزینه‌های سیاستی محاسبه می‌کند و به این ترتیب ائتلاف‌های میان بازیگران در خروجی نرم‌افزار، جدول شماره (۷) قابل‌شناسایی می‌شود. برای این منظور از پاسخگویان خواسته شد در جدولی که یازده سطر و نوزده ستون داشت، میزان تمایل گروه‌های یازده گانه بازیگران را نسبت به ۱۹ گزینه ارائه شده در جدول شماره (۶) در بازه منفی چهار تا مثبت چهار برآورد نمایند. در این بازه عدد صفر نشان دهنده رویکرد خنثی بازیگران به گزینه سیاستی است.

جدول ۶. اهداف و گزینه‌های سیاستی

کد	اهداف بازیگران (گزینه‌های سیاستی)
۱	مخالفت کامل با هرگونه آموزش زبان و ادبیات قومی
۲	آموزش بسیار محدود ادبیات قومی در برخی مدارس به‌عنوان واحد اختیاری
۳	آموزش محدود ادبیات قومی به‌صورت اختیاری در همه مدارس استان‌های قومیتی
۴	آموزش کامل ادبیات قومی به‌صورت یک‌رشته تحصیلی در معدودی مدارس منتخب در مراکز استان‌های قومیتی و برخی شهرهای پرجمعیت
۵	در هر استان عمومی‌ترین ادبیات همان استان آموزش داده شود (محتوای آموزشی در هر استان مختص به همان استان باشد)
۶	آموزش کامل زبان و ادبیات قومی به‌صورت اجباری در تمام مدارس استان‌های قومیتی
۷	آموزش گونه محلی زبان و پرهیز از برجسته‌سازی و معیار کردن یک گونه (محتوای آموزشی در هر شهرستان مختص به همان شهرستان باشد)
۸	برای هر زبان قومی یک گونه معیار به‌گونه‌ای اتخاذ شود که انعکاس ادبیات اکثریت مردم آن قومیت در کشور بوده و تفاوت آن با گونه‌های خارجی آن زبان حفظ و حتی برجسته شود
۹	آموزش زبان و ادبیات قومی بهتر است هم‌راستا با جریان بین‌المللی معیار شدن گونه مشخصی از آن زبان باشد
۱۰	هرگونه آموزش و نگارش زبان قومیت‌ها باید با استفاده از رسم‌الخط معمول فارسی باشد
۱۱	آموزش و نگارش ادبیات قومیت‌ها می‌تواند با تغییراتی محدود در رسم‌الخط معمول فارسی همراه باشد
۱۲	قومیت‌ها می‌توانند رسم‌الخط معیار بین‌المللی برای آن زبان را اتخاذ کنند
۱۳	حفظ انسجام ملی مهم‌تر از احقاق حقوق فرهنگی قومیت‌ها است
۱۴	حفظ انسجام ملی و احقاق حقوق فرهنگی قومیت‌ها اهمیت برابر دارند
۱۵	احقاق حقوق فرهنگی قومیت‌ها مهم‌تر از حفظ انسجام ملی است

مطالعه عوامل پیشران و بازیگران مؤثر در تحولات آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی در ایران

کد	اهداف بازیگران (گزینه‌های سیاستی)
۱۶	ارتقاء جایگاه بین‌المللی زبان فارسی به‌ویژه در متون علمی و ارتباطات دانشگاهی
۱۷	ارتقای جایگاه زبان عربی در نظام آموزش عمومی کشور
۱۸	فراهم شدن امکان انتخاب یک‌زبان معتبر جهانی غیر از انگلیسی از سوی دانش‌آموزان به‌عنوان زبان خارجی برای تمام دوره تحصیلی
۱۹	ایجاد رشته تحصیلی زبان‌ها، شامل واحدهای اصلی و اختیاری بیشتری در زبان‌های خارجی و زبان‌های قومی و محلی در مقطع دبیرستان در مراکز استان‌ها و شهرهای پرجمعیت

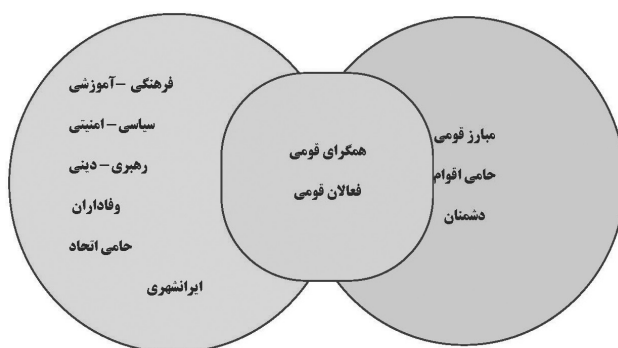
در این جدول برای شفاف شدن ائتلاف‌ها ترتیب قرار گرفتن بازیگران در سطرها و ستون‌ها تغییر کرده است و شدت همگرایی از طریق رنگ‌آمیزی برجسته شده است.

جدول ۷. همگرایی بازیگران

IDAA	فرهنگ آموز	سیاست امنیت	رهبری دینی	وفاداران	ایران‌شهر	دلی اتحاد	همگرا قومی	فعال قومی	مبارز قومی	حامی اقوام	دشمنان
فرهنگ آموز	۰	۱۳	۱۷	۱۶	۱۱	۱۳	۱۴	۱۰	۴	۵	۳
سیاست امنیت	۱۳	۰	۱۳	۱۵	۱۵	۱۳	۸	۴	۱	۳	۱
رهبری دینی	۱۷	۱۳	۰	۱۵	۱۱	۱۳	۱۲	۸	۳	۴	۲
وفاداران	۱۶	۱۵	۱۵	۰	۱۳	۱۴	۱۱	۷	۲	۵	۱
ایران‌شهری	۱۱	۱۵	۱۱	۱۳	۰	۱۳	۷	۴	۲	۳	۳
حامی اتحاد	۱۳	۱۳	۱۳	۱۴	۱۳	۰	۹	۵	۳	۲	۰
همگرا قومی	۱۴	۸	۱۲	۱۱	۷	۹	۰	۱۳	۷	۸	۶
فعال قومی	۱۰	۴	۸	۷	۴	۵	۱۳	۰	۱۱	۱۲	۱۰
مبارز قومی	۴	۱	۳	۲	۲	۳	۷	۱۱	۰	۱۵	۱۳
حامی اقوام	۵	۳	۴	۵	۳	۲	۸	۱۲	۱۵	۰	۱۵
دشمنان	۳	۱	۲	۱	۳	۰	۶	۱۰	۱۳	۱۵	۰
Number of Convergences	۱۰۶	۸۶	۹۸	۹۹	۸۲	۸۵	۹۵	۸۴	۶۱	۷۲	۵۴

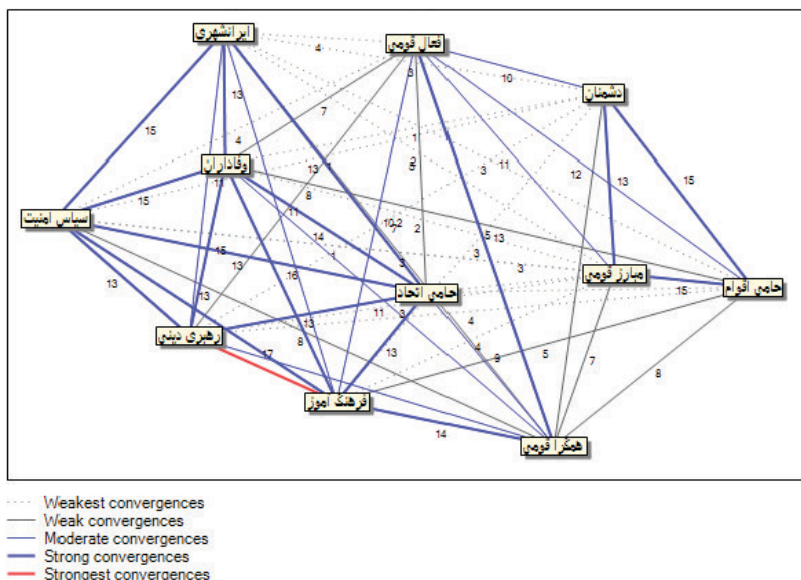
جدول فوق میزان همگرایی بازیگران را به‌صورت دایره‌دو نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود دو لکه از مقادیر بالای همگرایی در جدول دیده می‌شود. همچنین مشاهده می‌شود دو بازیگر «همگرایان خواهان افزایش سهم قومی» و «فعالان سیاسی

قوم‌گرا» در هر دو ائتلاف حضور دارند. این دو بازیگر همگرایی زیادی نیز با هم دارند به‌طوری‌که شاید بتوان این دو را ائتلافی در میانه دو ائتلاف دیگر قلمداد نمود. همچنین می‌توان دو ائتلاف را متصور شد که در برخی بازیگران با هم همپوشانی دارند.



تصویر ۴. این تصویر وضعیت بازیگران را نسبت به دو ائتلاف همگرا و واگرا نمایش می‌دهد.

نمودار زیر که از نرم‌افزار مکتور به دست آمده است تصویری مشابه با جدول فوق را به شکلی متفاوت به تصویر کشیده است. در سمت راست نمودار همگرایی سه بازیگر «دشمنان»، «مبارز قومی» و «حامی خارجی اقوام» مشاهده می‌شود و در سمت چپ نمودار مجموعه‌ای از همگرایی میان بازیگران «سیاسی-امنیتی»، «رهبری-دینی»، «وفاداران»، «ایران شهری» «فرهنگی-آموزشی» و «حامی اتحاد» مشاهده می‌شود. گروه بازیگران «همگرایی قومی» نیز پیوندی قوی با ائتلاف سمت چپ نمودار دارد و در عین حال پیوندی کمابیش ضعیف با ائتلاف سمت راست دارد. پرمنافشه‌ترین موقعیت را بازیگر «فعال قومی» دارد. این بازیگر قوی‌ترین پیوند خود را با همگرایان قومی دارد که بیشتر متمایل به ائتلاف سمت چپ است. در عین حال بازیگر «فعال قومی» پیوندهایی با ائتلاف سمت راست نیز دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. اگر نخواهیم ائتلاف سومی را میان دو ائتلاف متصور شویم «همگرایان قومی» را باید در ائتلاف سمت چپ قرار دهیم. در این صورت، از آنجاکه بازیگر «فعال قومی» بیشترین همگرایی را با «همگرایان قومی» دارد. همچنین همگرایی قابل توجهی نیز که با «نهادهای فرهنگی و آموزشی» دارد، نمی‌توان «فعال قومی» را در ائتلاف سمت راست قرار داد و می‌بایست آن را بازیگری در مرز دو ائتلاف و در نوسان میان آن دو قلمداد نمود.



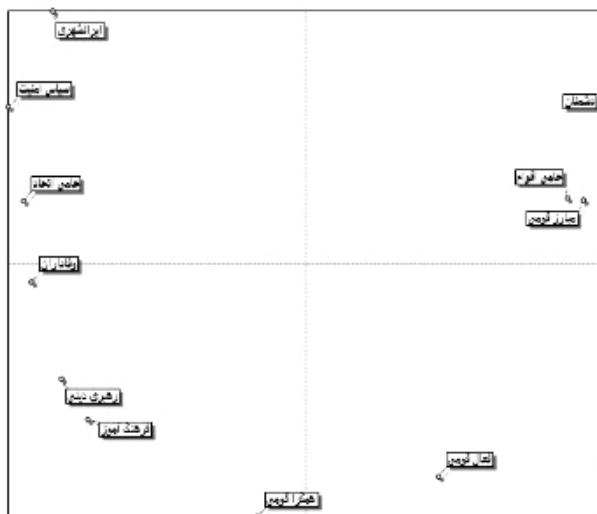
تصویر ۵. این نمودار میزان همگرایی میان بازيگران را بر مبنای تشابه در گرایش بازيگران نسبت به اهداف، نمایش می‌دهد. قوی‌ترین همگرایی با رنگ قرمز و پسران با رنگ آبی ضخیم نمایش داده شده است. نقطه‌چین ضعیف‌ترین همگرایی را نشان می‌دهد.

نقشه زیر نیز تصویری متفاوت از همگرایی میان بازيگران است که نرم‌افزار مکتور ارائه می‌نماید و همان‌طور که مشاهده می‌شود، بازيگر «فعال قومی» در حالی که در نزدیک بازيگر «همگرایی قومی» قرار دارد، موقعیتی متمایز از دو ائتلاف اصلی داشته و در فاصله زیادی از بازيگران اصلی هر دو ائتلاف قرار گرفته است. شاید همین مهم‌ترین یافته این تحلیل بازيگر باشد که بازيگران «فعال قومی» را نباید در ائتلاف و اگر قرار داد، بلکه سیاستگذار باید با شناسایی و برجسته‌سازی ارزش‌ها و اهداف مشترک، گروه حساس و مهم بازيگران «فعال قومی» را به ائتلاف همگرا نزدیک‌تر نماید.

مهم‌ترین یافته هر تحلیل بازيگر شناسایی بازيگرانی است که سیاستگذار می‌بایست همراهی و ائتلاف با آن را به دست آورد. تمایل این بازيگر به هر یک از دو ائتلاف تغییری چشمگیر در عرصه رقابت میان دو ائتلاف ایجاد خواهد کرد. لذا هر کدام از دو ائتلاف توجه خاصی به ارزش‌ها و اهداف این گروه از خود بروز خواهند داد و تلاش خواهند نمود همراهی و مشارکت این بازيگر را جلب نمایند. بررسی انگیزه‌ها و جهت‌گیری این بازيگر نیز حاکی از آن است که در موقعیت‌های مختلف جلوه‌های متفاوتی از مطالبات را دنبال می‌کنند چنانکه در موقعیت گمنامی از جمله در فضای مجازی حتی انگیزه ملت‌سازی

قومی را نیز از خود بروز می‌دهند. لیکن در برابر پرسش از اولویت حفظ انسجام ملی یا حقوق فرهنگی قومی دچار تردید شده و سکوت اختیار می‌کند.

بازیگران «فعال قومی» شاید به سبب ارتباطات گفتمانی طولانی که با «مبارز قومی» داشته در ابتدا با سیاست‌های آموزشی نظام سیاسی همراهی لازم را نداشته باشد ولی همان‌طور که در بررسی ساختار عوامل گفته شد چنانچه سیاستگذار فرهنگی موقعیت انفعالی در موضوع آموزش زبان‌های قومی را رها نموده و به‌طور فعال نقش مؤثری در پاسخگویی به مطالبات قابل قبول زبانی قومیت‌ها به عهده بگیرد، اثرپذیری این بازیگر از عوامل واگرایی و ملت‌سازی کاسته شده و به‌تدریج همراهی بیشتری از خود نشان خواهد داد.



تصویر ۶. این تصویر همگرایی میان بازیگران را در ارتباط با اهداف به‌صورت فاصله‌نمایش داده است. بازیگرانی که به هم نزدیک هستند گرایش تقریباً مشابهی را در ارتباط با اهداف متصور در برنامه آموزشی زبان‌های قومی و محلی ابراز می‌نمایند.

بازیگر «مبارز قومی» به‌طور آشکار در ائتلاف با «دشمنان» و «حامی قومی» که بازیگران خارجی هستند قرار دارد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ نیز ملاحظه می‌شود این بازیگر ملت‌سازی قومی و واگرایی را با اتخاذ شیوه‌های مبارزه جویانه و غیرقانونی دنبال می‌کند لذا سیاستگذار می‌بایست با این بازیگر به‌عنوان «غیر» برخورد کرده و سودای همراهی و مشارکت این بازیگر را از سر به در کند.

نتایج پرسشنامه گرایش بازیگران نسبت به اهداف نیز حکایت از آن دارد که «مبارز قومی» تنها گروه از بازیگران خارج نزدیک هستند که معتقدند «احقاق حقوق فرهنگی

قومیت‌ها مهم‌تر از حفظ انسجام ملی است». پاسخگویان گرایش بازیگر «مبارز قومی» به این گزاره را چهار (حداکثر گرایش) نمره‌دهی نموده‌اند درحالی‌که گرایش بازیگر «فعال قومی» را نسبت به این گزاره صفر برآورد کرده‌اند لذا در برنامه‌ریزی برای آموزش زبان‌های قومی می‌بایست مطالبات بازیگر «مبارز قومی» نادیده گرفته شود و برنامه‌ریزی مبتنی بر مطالبات «همگرایان قومی» و تا حدودی مطالبات «فعالان قومی» تدوین شود. برآورد پاسخگویان در مورد جهت‌گیری بازیگران در ارتباط با اهداف و ارزش‌ها و همچنین مصاحبه‌های تکمیلی حکایت از آن دارد که «مبارزان قومی» با آموزش گونه بومی زبان قومی مخالف و خواهان آموزش گونه رایج بین‌المللی آن زبان یا توسعه یک گونه معیار جدید هستند؛ و در صورت تعارض زبان بومی با گونه خارجی یا هرگونه معیار ساختگی، نگران از دست رفتن میراث گونه‌های بومی آن زبان نیستند. آنچه برای این بازیگران اهمیت دارد ایجاد ملت قومی فراگیر در پیوند با ملت‌هایی در آن‌سوی مرزها است. به همین سبب برخلاف سنتی که ریشه در گذشته دارد با استفاده از رسم‌الخط معمول فارسی برای نگارش زبان خود مخالف‌اند. در مقابل آن دسته از بازیگران قومی که تنها «خواهان افزایش سهم قومی» هستند اغلب مطالبه حفظ و تداوم گونه بومی زبان خود را دارند لذا توجه ویژه‌ای به فولکلور محلی می‌نمایند.

سیاستگذار در مخالفت با «مبارزان قومی» و در همراهی با بازیگران «همگرای خواهان افزایش سهم قومی» شایسته است محتوای آموزش زبان‌های قومی و محلی را بر پایه گونه بومی، فولکلور محلی و استفاده از خط رایج کشور قرار دهد و حتی نسبت به تبعیض مثبت به نفع گونه‌های اصیل محلی که در معرض فراموشی هستند اقدام نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نهاد تدوین‌کننده کتب درسی آموزش و پرورش با چنین رویکردی بیگانه است. در مقابل تنها دستگاه اجرایی که از دانش و توان تخصصی در مورد ادبیات و فولکلور محلی برخوردار است، وزارت میراث فرهنگی و به‌طور خاص پژوهشگاه میراث فرهنگی است.

دیگر رویکرد سیاستی «مبارزان قومی» تأکید بر اجباری بودن آموزش زبان قومی و فراگیری آن برای همه دانش‌آموزان قومیت است و با هر سیاستی که متضمن واگذاری آن به اختیار خود دانش‌آموز باشد، مخالفت می‌کنند. به‌عنوان مثال با گزینه آموزش زبان قومی و محلی به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نیز مخالف هستند. تصور آن دشوار نیست که گزینه آموزش اجباری و فراگیر، ناگزیر مدارس را میان قومیت‌هایی که در کنار هم زندگی می‌کنند تقسیم خواهد نمود؛ فاصله و جدایی اجتماعی را افزایش می‌دهد و مسئله تعلق مدارس را به موضوع جدیدی برای تنش‌های قومی در مناطق چند قومیتی تبدیل می‌نماید.

ویژگی‌های ممتاز آموزش و پرورش، نخست «دسترسی به همه دانش‌آموزان» در تمام پهنه جغرافیایی کشور و دوم توانایی ارائه محتوای آموزشی معیارساز و همگانی است. ویژگی‌هایی که برحسب اتفاق با مطالبه «مبارزان قومی» برای آموزش اجباری و فراگیر زبان قومی و توسعه یک‌گونه فراگیر از آن، تطابق دارد. لذا پیشنهاد می‌شود به‌مانند سابقه آموزش و پرورش در واگذار نمودن آموزش‌های متکثر مهارتی به سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش گونه‌های مختلف محلی زبان‌های قومی و ادبیات فولکلوریک بومی به‌عنوان برنامه درسی اختیاری از طریق وزارت میراث فرهنگی ارائه شود و برای پیشگیری از تسری اختلافات قومی به مدارس از فضاهای ادارات کل استانی وزارت مذکور برای این منظور استفاده شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش زبان‌های قومی و محلی، مانند هر موضوع دیگری نمی‌تواند تنها برپایه ارزش‌ها و هنجارها و بدون توجه به عوامل محیطی و رویکرد بازیگران مؤثر و ائتلاف‌های آنان صورت گیرد. همچنان‌که شایسته نیست به سبب اغراض گروهی از بازیگران و نگرانی از سرایت شکاف‌های ملت‌سازی از آن‌سوی مرزها، اقدامی در جهت حفظ، استمرار و شکوفایی میراث زبانی و فرهنگی قومیت‌های کشور صورت نگیرد. تدقیق در ارزش‌ها با تکیه به نظریه علامه طباطبایی نیز حاکی از آن است که تمسک به ارزش‌های دینی در مورد برابری قومی و نژادی نمی‌تواند مستمسکی برای تجزیه جامعه اسلامی و بروز تفرقه در صفوف متحد جامعه اسلامی از طریق پیگیری «ملت‌سازی قومی» شود.

در مطالعه عوامل کلیدی (پیشران) تأثیرگذار بر موضوع تحولات آینده آموزش زبان‌های قومی و محلی، با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک «ملت‌سازی قومی» و «واگرایی قومی» به‌عنوان عوامل مخاطره‌شناسایی شدند و ضروری است برای کاهش تأثیرگذاری آن‌ها، «عوامل تنظیمی» ازجمله رویکرد نهادهای سیاستگذار فرهنگی به شکلی تقویت و جهت‌دهی شود که بخشی از کارکردهای مربوط به فرهنگ قومی را در چارچوب نظام سیاسی فراهم آورد. نهادهای سیاستگذار فرهنگی و دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و آموزشی با طراحی و ارائه برنامه‌هایی متناسب با نیازهای جامعه قومی کشور و در پیوند با عامل «قومی همگرا» می‌توانند در رقابت با عوامل مخاطره، پایداری نظام فرهنگی را تضمین کنند. همچنین می‌بایست به تأثیرگذاری جاذبه‌های فرهنگی کشورهای همسایه توجه داشت و از طریق ایجاد مسیرهای مجاز تأثیرپذیری مانع از بهره‌برداری عوامل و

بازیگران و اگر از این جاذبه‌های انکارناپذیر شد.

با عنایت به نتایج تحلیل بازیگر با استفاده از نرم‌افزار مکتور، ضروری است از مشارکت و هرگونه سهم‌خواهی بازیگران «مبارز قومی» که از طریق ترویج رسم‌الخط متفاوت و زبان قومی معیار شده در خارج از کشور، ملت‌سازی قومی و واگرایی را دنبال می‌کنند، اجتناب شود. در مقابل بازیگران «همگرای قومی خواهان افزایش سهم» قرار دارند که در پیوند با دیگر بازیگران نظام سیاسی مطالبات و خواسته‌هایشان در موضوع فرهنگ و زبان قومی می‌بایست در فرایند سیاست‌گذاری مورد ملاحظه قرار گیرد. انگیزه این بازیگران در مطالبه آموزش زبان قومی بیش از هر چیز حفظ میراث زبان بومی و شکوفایی آن است.

بازیگران «مبارز قومی» کسانی هستند که اعتقاد راسخ دارند «احقاق حقوق فرهنگی قومیت‌ها مهم‌تر از حفظ انسجام ملی است» لذا دور از انتظار نبود که در تحلیل بازیگر در کنار و در ائتلاف با «دشمنان ایران یکپارچه» یافت شوند. درحالی‌که بازیگران «فعال قومی» و «همگرای قومی خواهان افزایش سهم» حاضر نیستند انسجام ملی قربانی دستیابی به حقوق فرهنگی قومی شود؛ بنابراین سیاستگذار می‌بایست در تدوین برنامه درسی آموزش زبان‌های قومی و محلی ضمن پرهیز از مطالبه «مبارز قومی» که معیارسازی فراگیر گونه رواج یافته در خارج از کشور از طریق آموزش اجباری و فراگیر آن است، مطالبه بازیگران «همگرای قومی خواهان افزایش سهم» که تداوم بین نسلی میراث زبانی و ادبی محلی است را مورد توجه قرار داده و از طریق شناسایی و آموزش دانش‌آموزان دارای استعداد، زمینه شکوفایی ادبی و پرورش متخصصان زبان و ادب قومی را فراهم آورد.

بازیگران «فعال قومی» گروهی از کنشگران بسیار مهم هستند که در موقعیت مرزی قرار داشته و همراهی و ائتلاف با آن تضمین‌کننده موفقیت سیاستگذار خواهد بود و فاصله گرفتن از آن باعث خواهد شد این گروه به دامن ائتلاف مقابل بیافتد. جذب این بازیگران در هر کدام از دو ائتلاف رقیب شرایط رقابت را به میزان قابل‌توجهی به نفع ائتلاف جذب‌کننده متحول خواهد نمود. همچنین، به دلیل پیوند محکم این بازیگران با جامعه قومی همگرا، همگرایی این جامعه نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ بنابراین ضروری است سیاستگذار با ترک موضع بی‌عملی نسبی فعلی به‌شکلی مؤثر در خصوص آموزش زبان‌های قومی و محلی اقدام نماید. لیکن هر اقدامی که در بستر وزارت آموزش و پرورش صورت گیرد به‌سبب ویژگی‌های ذاتی این نهاد در فراگیری و معیارسازی موجب خواهد شد خواه‌ناخواه اقدام موردنظر در مسیر مطلوب بازیگران «مبارز قومی» قرار گیرد. بررسی نهادی صورت گرفته وزارت میراث فرهنگی

را بستر مناسب برای ارائه برنامه آموزش زبان و ادبیات قومی و محلی نشان می‌دهد. چراکه این نهاد برخلاف آموزش و پرورش به‌جای فراگیری، نخه‌گرا و محدود به افراد واجد استعداد خواهد بود. دوم اینکه برخلاف ویژگی معیارساز آموزش و پرورش، میراث فرهنگی نهادی تکثرگرا و دارای دانش انباشته مناسب و بدنه کارشناسی آشنا درخصوص تنوعات زبان‌ها و ادبیات قومی و محلی بومی است و از همه مهم‌تر حساسیت و دقت نظر نهادینه شده‌ای در این دستگاه در ارتباط با ضرورت حفظ میراث فرهنگی ازجمله میراث زبانی وجود دارد. تجربه آموزش و پرورش در واگذاری آموزش‌های متکثر مانند آموزش‌های مهارتی به سازمان فنی و حرفه‌ای سابقه موفقی است که الگوی همکاری با میراث فرهنگی برای آموزش زبان‌ها و ادبیات قومی و محلی را تسهیل خواهد نمود.

بررسی گرایش‌های بازیگران «فعال قومی» همراهی این بازیگران با الگوی پیشنهادی را دور از انتظار می‌نمایاند لیکن پیوند محکم ایشان با بازیگران «همگرای قومی خواهان افزایش سهم» که انتظار می‌رود از الگوی ارائه‌شده استقبال نمایند باعث تقویت پیوند «فعال قومی» با ائتلاف نظام سیاسی و فاصله گرفتن از ائتلاف مقابل خواهد شد.

افزایش رضامندی بازیگران «همگرای قومی خواهان افزایش سهم»، افزایش فاصله بازیگران «فعال قومی» از بازیگران «مبارز قومی» را به‌عنوان هدف راهبردی به‌همراه خواهد داشت لذا به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در بسیاری موارد ایجاد اتفاق نظر از سوی همه بازیگران ائتلاف همگرا در مورد آموزش زبان‌ها و ادبیات قومی و محلی میسر نیست، الگوی مطلوب در موضوع آموزش زبان‌های قومی و محلی می‌تواند مبتنی بر خواسته‌های بازیگران «همگرا قومی» و بخش محدودی از مطالبات بازیگران «فعال قومی» تدوین شود. بدیهی است برنامه آموزشی مطلوب می‌بایست در تقابل با «ملت‌سازی قومی» که هدف اصلی بازیگران «مبارز قومی» است، طراحی شود.

منابع و مأخذ

- احمدی، حمید (۱۳۹۱). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- امیرکافی، مهدی و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران. راهبرد، ۲۲ (۶۶)، ۱۴۶-۱۱۷. doi: 20.1001.1.10283102.1392.22.1.5.4
- ایروانی، شهین (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن سازی تا امروز. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴ (۱)، ۸۳-۱۱۰. doi: 10.22067/fe.v4i1.23691
- تیسن، ویل، ای. اچ؛ و واکر، وارن ای (۱۳۹۵). تحلیل خط‌مشی عمومی، پیشرفت‌های جدید، ترجمه حسن دانایی‌فرد و هانیه احمدی، تهران: انتشارات صفار.
- جلیلود، محسن و بشیری آذر، محمد (۱۳۹۵). اندیشه سیاسی علامه طباطبائی. فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۲ (۶)، ۴۹-۶۹.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۶). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۱). گفتگوی بین فرهنگی و انسجام ملی. فصلنامه مطالعات ملی، ۳ (۱۲)، ۸۹-۷۵. doi: 20.1001.1.1735059.1381.3.12.4.9
- حسنی‌فر، عبدالرسول (۱۳۹۶). کارکرد نظریه ادراکات اعتباری در اندیشه سیاسی - اجتماعی علامه طباطبائی. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۹ (۷۱)، ۲۱۹-۲۳۷. doi: 10.22091/pfk.2017.816
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی زبان‌آموزی و مسئله چندزبانگی. پژوهشنامه، (۳۵)، ۳۸-۱۱.
- داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۵). شأن زبان فارسی به عنوان زبان ملی. نامه پارسی، (۴۱)، ۳۰-۱۷.
- داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۶). سیاست پنهان زبان در مقابل سیاست آشکار آن. نامه فرهنگستان، (۳۳)، ۱۸۵-۱۵۸.
- داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۶). نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی. فصلنامه مطالعات ملی، ۸ (۳۰)، ۳-۲۵. doi: 20/1001/1/1/1735059/1386/8/30/1/7
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۵). یادداشت علمی نگاهی به متدوال موضوعات و روش‌های پژوهش در حوزه مطالعاتی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری زبان. زبان کاوی، (۲)، ۱۱۷-۱۱۱.
- دیلمقانی، فرشید و قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۷). جایگاه هویت ملی در ایران: نگاهی به تطور تاریخی، الگوها و سیاست‌های هویت ملی. فصلنامه پژوهشنامه تاریخ، (۵۲)، ۴۴-۱۷.
- رجائی، فرهنگ (۱۳۹۱). مشکله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. تهران: نشر نی.
- رسولی، حسین، دهقانی، رضا و کریمی، علیرضا (۱۳۹۵). سیاست‌های زبانی پهلوی اول در کردستان و پیامدهای آن. مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، ۸ (۳۰)، ۹۶-۷۷.
- زارع میرک آبادی، علی (۱۳۹۳). بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده‌پژوهی. مجموعه مقالات اولین

- کنفرانس بین‌المللی ابزار و تکنیکهای مدیریت. تهران: موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). اندیشه سیاسی علامه طباطبایی. فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم. (۱)، ۱۲۵ - ۹۷.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار (ترجمه فاطمه ولیانی). تهران: نشر فرزانه روز.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲). ترجمه تفسیر المیزان (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی). قم: انتشارات اسلامی.
- عصار، فریده (۱۳۹۳). تبیین برنامه زبان‌آموزی کودکان پیش‌دبستانی در مناطق دوزبانه. تهران: انتشارات مدرسه.
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (ترجمه احمد تدین). تهران: موسسه رسا.
- قنبری، داریوش (۱۳۸۵). دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ممبینی دهکردی، علی و حامد حیدری (۱۳۹۳). مبانی دانش محیط‌شناسی راهبردی. تهران: انتشارات صفار.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران علل و زمینه‌ها. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- مک کورمیک، جان (۱۳۹۰). اتحادیه اروپا، سیاست‌ها و روندها، ترجمه مهدی ذوالفقاری و محمد مهدی احمدی معین. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نصیری فیروز، علیرضا، ذاکر صالحی، غلامرضا و مشکوه، مریم (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی آموزش عالی چندزبانه در کشورهای منتخب و درس‌هایی برای ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی آموزش عالی ایران. ۱۰ (۲)، ۱۳۶ - ۱۱۱.
- نعیمی، کیومرث و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده سکونتگاه‌های فرودست شهری سنج با تأکید بر کاربرد آینده‌پژوهی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۲۰)، ۶۴ - ۵۳.
- واعظ، نفیسه (۱۳۸۸). سیاست عشایری دولت پهلوی اول. تهران: انتشارات تاریخ ایران.

Evaluating the Existence of Communication Rationality in Social Networks Based on Castells' Network Society Theory

Amiri, Jahandar, Assistant Professor of the Department of Journalism, Faculty of Communication and Media, IRIB University. jahandar. Email: Amiri553@gmail.com

Abstract

Communicative rationality is a state of communication and understanding that results in understanding, interests and common interests through critical and constructive dialogue without the interference and supervision of government institutions. Lack of dominance, coercion, existence of agency and freedom, operationalization through language and being based on culture and ethics are prerequisites of communicative rationality. The purpose of this research is to investigate and evaluate social networks, whether they are governed by communication rationality or irrational cases and manifestations in them are more than rationality. The research method is in-depth interview with the Grounded Theory approach, the results of which have been referred to professors and experts in different stages. According to the findings, the performance of social networks based on the components of communication rationality and its preconditions has not been confirmed and Things like creating access, limiting and monitoring social networks by governments, the existence of fake news, deceit and rumours, espionage and users without identity or with fake identity, the use of social networks by terrorists and fraudsters, encouraging suicide, insecurity, Crisis generation and moral anomalies, emotional, marginal and populist approaches instead of logical arguments, extremism, sectarianism, tribal and ethnic prejudices, use of psychological warfare and propaganda techniques, politicization, polarization Instrumentalism uses are the reason for this result.

Keywords:

Public Domain, Communicative Rationality, Social Networks, Networked Society.

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

جهاندار امیری^۱

چکیده

عقلانیت ارتباطی، وضعیتی از ارتباط و مفاهمه است که بدون دخالت و نظارت نهادهای دولتی و برآمده از قدرت با گفتگوی انتقادی و سازنده، به فهم منافع و خیر مشترک منتج می‌شود. فقدان سلطه، اجبار، وجود اختیار و آزادی، عملیاتی شدن از طریق زبان و مبتنی بودن بر فرهنگ و اخلاق از پیش شرط‌های عقلانیت ارتباطی است. هدف این پژوهش، بررسی و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی است که آیا بر آن‌ها، عقلانیت ارتباطی حاکم است یا موارد و مظاهر غیرعقلانی در آن‌ها بیشتر از عقلانیت است؟ روش انجام پژوهش، مصاحبه عمیق با رویکرد گراند تئوری است که نتایج در مراحل مختلف به اساتید و کارشناسان آگاه به موضوع، ارجاع داده شده است. بر اساس یافته‌ها، عملکرد شبکه‌های اجتماعی بر مبنای مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی و پیش شرط‌های آن، تأیید نشده و مواردی همچون ایجاد دسترسی، محدودیت و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی توسط دولت‌ها، وجود اخبار جعلی، فریبکاری، شایعه، جاسوسی و کاربرهای فاقد هویت یا با هویت جعلی، استفاده تروریست‌ها و کلاهبرداران از شبکه‌های اجتماعی، تشویق به خودکشی، ناامنی، بحران‌زایی و ناهنجاری‌های اخلاقی، رویکردهای احساسی، هیجانی، حاشیه‌ای و پوپولیستی به جای استدلال‌های منطقی، افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، تعصب‌های قبیله‌ای و قومی، استفاده از فن‌های جنگ روانی و تبلیغاتی، سیاست‌زدگی، قطبی‌گرایی و استفاده‌های ابزاری دلیلی بر نتیجه ذکر شده است.

واژگان کلیدی

حوزه عمومی، عقلانیت ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی، جامعه شبکه‌ای.

مقدمه

توسعه روزافزون زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش کاربران و استفاده‌کنندگان از اینترنت و سایر فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و مخابراتی نظیر خطوط تلفن‌های ثابت و همراه، شبکه‌های دیتای کشوری و محلی، ارتباطات ماهواره‌ای که روز به روز فراگیرتر می‌شود (Mcknight, 2006: 29-44) به همراه افزایش روزافزون استفاده از شبکه‌های مجازی، در بیشتر حوزه‌های زندگی تغییرات اساسی ایجاد کرده است. به‌رغم نگاه مثبت و غالب به این تحولات که به توسعه آزادی، دموکراسی، مشارکت و رهایی از انواع سلطه کمک می‌کند، برخی به جوانب منفی آن توجه کرده و آن را نوع جدیدی از سلطه فناوری و سازوکارهای مدرن رسانه‌ای می‌دانند. مثال تأییدکننده این دیدگاه، دادگاه جنجالی و پرسروصدای شبکه اجتماعی چینی تیک‌تاک در مجلس آمریکا بود که بیشتر از دادگاه، به بازجویی فنی و ایدئولوژیک شبیه بود. آمریکا که خود را مدعی اصلی دفاع از آزادی بیان و ارتباطات در دنیا می‌داند، با متهم کردن این شبکه به سوءاستفاده از داده‌های کاربران در مسائل امنیتی، اخلاقی و اقتصادی و انتقال اطلاعات به چین، خواهان محدودیت و ممنوعیت فعالیت آن در آمریکا همانند برخی کشورهای غربی دیگر شد. پخش زنده جلسات چندساعته دادگاه در بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی دنیا نشانه اهمیت موضوع بود تا برای این اقدام آمریکا، نزد افکار عمومی مشروعیت ایجاد شود.

آمریکایی‌ها می‌دانند که از انبوه داده‌های ذخیره‌شده در این شبکه‌ها همه‌گونه استفاده سیاسی، اقتصادی و امنیتی به عمل می‌آید و موارد متعددی از دست‌درازی نهادهای مختلف سیاسی و امنیتی در آمریکا به این داده‌ها افشا شده است. درخواست این کشور از شبکه اجتماعی واتساپ برای نظارت بر کاربران چینی و مکزیکی، وجود یک گروه مخفی در توئیتر برای نظارت بر برخی کاربران خاص، محدود کردن دسترسی‌ها به شبکه‌های اجتماعی در موارد متعدد، افشای ارتباط دولت آمریکا با شرکت‌های بزرگ فناوری فیس‌بوک و مایکروسافت و ایجاد هزاران کاربر با هویت جعلی برای نفوذ و برخی اقدامات دیگر (www.citna.Ir 9/2/1402) ازجمله موارد اعلان شده‌ای است که نشان می‌دهد، این کشور به شیوه‌های مختلف بر شبکه‌های اجتماعی به‌صورت محرمانه اعمال نفوذ، نظارت و دخالت می‌کند. این واقعیت که امروز صاحبان قدرت و کشورهای بزرگ با همکاری شرکت‌های بزرگ فناوری و با استفاده از هوش مصنوعی و ایجاد سازوکارهای مختلف به سنجش، نظارت و کنترل کاربران و استفاده از داده‌های آن‌ها می‌پردازند، واقعیتی انکارناشدنی است.

هدف این پژوهش در مرحله اول، شناخت این موضوع از نگاه اساتید و کارشناسان جامعه‌شناس و ارتباطات است که جدا از صدها حسن و تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی، آیا محیط گفتگو و تفاهم عقلانی، اخلاقی و فرهنگی در این شبکه‌ها به گونه‌ایی که هابرماس^۱ آن را عقلانیت ارتباطی می‌داند حاکم است؟ اگر چنین نیست و اکثر کشورها، تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی دارند، این دخالت‌ها چه تأثیری بر عقلانیت ارتباطی می‌گذارد؟ مبنای نظری پژوهش، جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز^۲ است که به نظر می‌رسد با نگاهی رئالیستی واقعیت موجود بر شبکه‌های اجتماعی را بهتر تبیین و توصیف می‌کند.

برای انجام این پژوهش از روش مصاحبه عمیق با رویکرد گراندد تئوری (نظریه زمینه‌ای) استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده محقق با مطالعات اسنادی با اساتید جامعه‌شناسی و ارتباطاتی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و در نهایت از آن‌ها خواسته شده تا گزاره‌هایی که در مورد عقلانیت ارتباطی و عملکرد غیرعقلانی کاربران در فضای مجازی به نظرشان می‌رسد اعلام کنند. نتایج به‌دست‌آمده از هر مصاحبه دسته‌بندی و سپس به مصاحبه‌شونده بعدی اعلام شده تا گزاره‌های بیشتری به یافته‌ها اضافه کند و در نهایت وقتی مصاحبه‌ها به تکرار و تشابه (حد اشباع) رسید، از ادامه مصاحبه خودداری شده است. با توجه به برتری میزان یافته‌هایی که بر عملکرد غیرمنطبق با عقلانیت ارتباطی در فضای مجازی دلالت داشت گزاره‌های موافق به‌صورت هدفمند از یافته‌ها حذف شد. نمونه‌گیری مصاحبه‌شوندگان، هدفمند و شامل افرادی بوده که بر اساس خصوصیات یا صفات ویژه، توانایی پاسخ کارشناسانه به موضوعات را داشته‌اند. محقق در فرآیند انجام پژوهش در مجموع با ۱۴ نفر از اساتید دانشگاه و کارشناسان حوزه ارتباطات و اینترنت و فضای مجازی مصاحبه کرده است.

پیشینه پژوهش

سید علوی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان حوزه عمومی در فضای مجازی، به بررسی عوامل مؤثر و مرتبط با شکل‌گیری حوزه عمومی در فضای مجازی از نگاه کارشناسان علوم ارتباطی و سیاسی پرداخته و در آن با توجه به برجسته‌شدن جایگاه حوزه عمومی هابرماس در فضای مجازی به این نتیجه رسیده است که متغیرهای اصلی تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی آماده‌شده و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق آن

1. Habermas

2. Manuel Castells

هستند. نویسنده به دلیل چندپاره‌گی، تکثر و گستردگی فضای مجازی، یادآوری کرده که فضای گفتگو در این حوزه هنوز عقلانی نیست. سید علوی در سال ۱۳۹۱ به همراه سیدرضا نقیب‌السادات، چکیده تحقیق انجام گرفته را به شکل مقاله‌ای پژوهشی در فصلنامه علوم اجتماعی به چاپ رسانده است.

عربشاهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان اینستاگرام به مثابه حوزه عمومی، با روش پیمایش و نمونه‌گیری هدفمند به بررسی این سؤال پرداخته که آیا می‌توان اینستاگرام را همانند حوزه عمومی تلقی کرد، به گونه‌ای که در آن خارج از مؤلفه‌های نفوذ، قدرت و محدودیت‌های دولتی به بحث و تبادل نظر و گفتگوی آزاد پرداخته شود. نویسنده در نهایت نتیجه‌گیری کرده که بین اینستاگرام و حوزه عمومی در خصوص دسترسی و کنش عام، عدم تطابق و گفتگوی عام بین آن‌ها تطابق معنادار وجود دارد.

حمید عبداللهیان و مهین شیخ‌انصاری (۱۳۹۵) در پژوهشی به مفهوم‌سازی و عملیاتی‌کردن کنش ارتباطی هابرماس در فیس‌بوک پرداخته‌اند و در آن، اظهارنظرهای کاربران را در صفحات خصوصی نویسندگان مقاله و ۲۲ صفحه عمومی دیگر، مطالعه و بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که گفتارهای خود افشائی بیشتر در صفحه خصوصی و مبحث و گفتگوها بیشتر در صفحات عمومی انجام می‌پذیرد. همچنین اکثر کاربران در فیس‌بوک به گفت‌وگوی بی‌قیدوبند معتقد بوده و از این جهت امکان شکل‌دهی حوزه عمومی در فیس‌بوک را دارند. آن‌ها همچنین یادآوری کرده‌اند که در موارد متعدد، کاربران به جای استدلال از فحاشی و ناسزا استفاده کرده و از این جهت هنوز عقلانیت ارتباطی لازم برای گفتگو در این حوزه نداشته‌اند.

استندورف^۱ و همکارانش (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی فراتر از یک تصمیم عقلانی، به بررسی موضوع خود افشائی به عنوان یک اقدام غیرعقلانی در فضای مجازی پرداخته‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت پیمایشی با پرسشنامه بوده که در آن پژوهشگران، فرآیندهای روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی و هنجارهای اجتماعی را مهم‌ترین عوامل این رفتار در شبکه‌های اجتماعی دانسته‌اند. توصیه و راهکار پیشنهادی آن‌ها برای جلوگیری از رفتارهای غیرعقلانی در شبکه‌های اجتماعی و جلوگیری از نقض حریم خصوصی افراد، صدور پیام‌های حاوی هشدار، استفاده از ابزارهای حمایتی، نظارتی و حقوقی دانسته‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که تحقیق حاضر در ادامه پژوهش

آقای سید مسعود سید علوی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که پژوهش ایشان به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حوزه عمومی در فضای مجازی اختصاص دارد و به این نتیجه رسیده است که شرایط تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی فراهم‌شده ولی حتی با تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی این سؤال وجود دارد که آیا بر این حوزه تشکیل‌شده، عقلانیت ارتباطی حاکم است. اگر جواب منفی است، چرائی و علت آن می‌تواند بسیار بااهمیت باشد که پژوهش حاضر به بررسی عواملی که مانع تحقق عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی هستند اختصاص دارد. همچنین یادآور می‌شود که هیچ‌کدام از پژوهش‌ها با رویکرد گراند تئوری انجام نشده و مشخصاً به بررسی عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی نپرداخته‌اند.

جامعه شبکه‌ای کاستلز

اصطلاح جامعه شبکه‌ای^۱، جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه‌های مجازی را توصیف می‌کند. این اصطلاح در دو دهه اخیر بیشتر بیانگر نظریه دو متفکر جامعه اطلاعاتی، مانوئل کاستلز و یان وندایک^۲ است. این دو از اواخر دهه ۸۰ میلادی این اصطلاح را مبنای نظریه‌هایشان در حوزه مطالعات آثار اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار داده‌اند. بیشتر از وندایک، نام کاستلز با جامعه شبکه‌ای همراه شده است، چرا که جایگاه اصلی این اصطلاح در ادبیات جامعه‌شناسی جهانی مدیون ایشان است. برخی کاستلز را جانشین شایسته مارکس و ماکس وبر می‌دانند و کتاب‌هایش را با کتاب‌های مارکس مقایسه می‌کنند (Van dijk, 1: 2007). عده‌ای او را بزرگ‌ترین فیلسوف دنیای مجازی دانسته‌اند که توانسته تفسیری قدرتمند از تحول جامعه سنتی به صنعتی و شبکه‌ای ارائه دهد (Plage, 2008: 4).

جامعه شبکه‌ای که از اواخر قرن بیستم شکل گرفته و فرایندهای انقلاب اطلاعاتی، ارتباطی و فناوری‌ای نوین در آن تأثیر اساسی داشته، در ساده‌ترین تعریف خود یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه‌هاست که بر پایه دانش انباشته شده، از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شامل میکروالکترونیک‌ها^۳ و شبکه‌های کامپیوتری دیجیتال که اطلاعات را تولید، پردازش و توزیع می‌کنند، عمل می‌کند (Castells, 4-7: 2005). کاستلز درجایی دیگر جامعه شبکه‌ایی را جامعه‌ای می‌داند که در آن

1. Network Society

2. Van dijk

3. Microelectronics

ساختارها و فعالیت‌های اصلی، حول شبکه‌هایی که سازمان‌دهی شده‌اند، شکل گرفته و به کمک روش‌ها و ابزارهای الکترونیک اطلاعات را پردازش می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۴۰). از نظر کاستلز، شبکه‌ها همیشه در سازمان بشری وجود داشته‌اند، اما امروزه به قوی‌ترین شکل سازمان‌دهی شده‌اند. کامپیوترها به شبکه‌های مخابراتی متصل شده‌اند و ادارات، بانک‌ها، منازل، فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی را به هم وصل کرده‌اند (ظهیری، ۱۳۹۷: ۴۱۵). این شبکه به کمک ماهواره‌ها در تمام نقاط دنیا گسترش یافته و حجم عظیمی از داده‌های فردی، تجاری، اجتماعی و اقتصادی را با سرعت بالا در سراسر جهان جابجا می‌کنند. در شبکه‌ها بجای دستورات عملی، با تعاملات سروکار داریم و شبکه، از توانایی اداره سطوح بالایی از پیچیدگی بدون آسیب‌رسانی عمده برخوردار است (Castells, 1999: 9).

شبکه‌ها از توانایی پیکربندی مجدد برخوردار بوده و هم‌زمان انسجام اهداف و انعطاف در اجرای آن‌ها، از طریق ظرفیت سازگارسازی محیط عملیاتی، تضمین می‌کنند. انعطاف‌پذیری آن‌ها بدین معنا است که می‌توانند با حفظ اهداف خود پیکربندی و تغییر عناصر تشکیل‌دهنده، مطابق با محیط متغیر به پیکربندی مجدد اقدام کنند و با کمترین خرابی در برابر هرگونه تهاجمی علیه خود و قواعدشان مقاومت کنند. کاستلز معتقد است که انتشار منطق شبکه‌ها در سراسر زمین، در اساس به بهبود عملکرد و نتایج روندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ منجر شده است. به بیان کاستلز در جامعه شبکه‌ای، مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی به کلی دگرگون شده است. مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده و به این اعتبار، حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷).

کاستلز برای جامعه شبکه‌ای ویژگی‌های زیر را برشمرده است:

۱. اقتصاد اطلاعاتی: که در آن بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت، دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله فناوری مدیریت و مدیریت فناوری متکی شده است.

۲. اقتصاد جهانی: خصلت این اقتصاد چنان است که بخش‌ها، بازارها و افراد غنی

را به یکدیگر متصل می‌سازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری وامی دارد و بخش‌ها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌سازد.

۳. فعالیت‌های شبکه‌ای: این فعالیت‌ها نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که مشخصه فعالیت اقتصاد جهانی به شمار می‌آید.

۴. تحوّل در چگونگی انجام کار و ساختار اشتغال: بر این اساس، کارمندان و کارگران برخلاف گذشته قراردادهای استخدام مادام‌العمر امضاء نمی‌کنند؛ بلکه شیوه‌های خوداشتغالی، کار پاره‌وقت و اشتغال برای دوره موقت، رواج یافته است. در عین حال، نگرانی افراد از آینده شغلی خود و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، رشد پیدا کرده است.

۵. ظهور قطب‌های متقابل: فرآیند جهانی‌شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصادی، موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی نظیر اتحادیه‌های کارگری یا دولت رفاه می‌شود.

۶. فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها به وسیله واسطه‌های الکترونیک شکل می‌گیرد. این فضای مجازی حاوی اطلاعات متعدد و متنوع به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید درمی‌آید و فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم‌وبیش در اختیار می‌گیرد. ۷. سیاست بر بال رسانه: در فضای مسلط فرهنگی متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی به منظور بقاء و حضور در صحنه و تأثیر بر روند تحولات، ناگزیرند که از رسانه‌های حاصل از نمادهای الکترونیک و به خصوص تلویزیون، به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند.

۸. زمان و فضای جریان‌ها: انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی، جهانی صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۶).

علاوه بر ویژگی‌های ذکر شده، کاستلز به برخی از نتایج شبکه‌ای شدن جامعه با ذکر موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. جامعه شبکه‌ای در مقیاس جهانی گسترش یافته و پایه‌های ساختاری جهانی شدن را شکل داده است. در حالی که شبکه‌ها هیچ مرزی را نمی‌شناسند و در

مقیاس جهانی سازمان یافته‌اند.

۲. سازمان‌های شبکه‌ای شده، تمامی اشکال سازمان‌های غیرشبکه‌ای و بوروکراسی‌های سلسله‌مراتبی، متصل، دستوری و کنترلی را در عرصه رقابت کنار زده و خود گسترش یافته‌اند.

۳. شبکه‌ای شدن نهادهای سیاسی پاسخ عملی برای مدیریت بحران‌هایی است که دولت-ملت‌ها در يك فضای فوق ملی با آن‌ها روبرو هستند.

۴. جامعه مدنی در سطح محلی و جهانی از طریق شبکه‌ای از فعالیت‌ها سازمان یافته و به‌ویژه با استفاده از اینترنت به مناظره و مناظره می‌پردازند (Castells, 2011: ۲۲۲-۲۲۳).

در خصوص سایر ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای از نگاه کاستلز، باید گفت که این جامعه تغییرات گسترده‌ای در رفتار نهادها، سازمان‌ها و زیرساخت‌های زندگی ایجاد کرده و جنبه‌های الکترونیکی سازمان‌ها و دولت گسترش یافته است. دولت‌ها از انحصار سنتی ساختارهای ارتباطی دست برداشته‌اند و بیشتر به تدوین قوانین و مقررات و نظارت می‌پردازند (ظهیری، ۱۳۹۷: ۴۱۶). کاستلز قدرت و سیاست را در جامعه شبکه‌ای به هم پیوند زده و معتقد است که در معادله جدید قدرت، بازیگران رسانه‌ای و صاحبان شبکه‌ها که از منابع برتری برخوردارند، به سیاستمداران فعال و قدرتمند تبدیل می‌شوند، چون آن‌ها هستند که به‌عنوان مالک و مدیر در مورد قالب و محتوای شبکه‌ها تصمیم می‌گیرند (Castells, 2009: 420). علاوه بر سیاست و نهاد قدرت، حضور رسانه‌ها همچنین در سایر جنبه‌های زندگی، مثل فرهنگ، اقتصاد و اجتماع بیشتر شده و هر کسی که رسانه‌ها و جامعه شبکه‌ای را کنترل کند، عملاً می‌تواند تصمیم بگیرد که چه چیزی ارزشمند است (Castells, 2009: 28). به‌صورت خلاصه، جهانی بودن جامعه شبکه‌ای، اقتصاد و فرهنگ شبکه‌ای، دولت و قدرت مبتنی بر شبکه، قطبی‌سازی سیاسی و دیجیتالی از جمله مفاهیم و محورهایی است که کاستلز برای تبیین و توسعه نظریه جهان شبکه‌ای خود به کار گرفته است.

حوزه عمومی^۱ و کنش ارتباطی^۲

هابرماس بر خلاف گرایش‌هایی مثل مارکسیسم ارتدوکسی برای انسان و نقش او در شکل دادن وضعیت اجتماعی اهمیت زیادی قائل است. علاوه بر این، گرایش او در مقابل

۱. public sphere برخی حوزه عمومی را Public domain ترجمه کرده‌اند.

2. Communicative Action

نئولیبرالیسم^۱ و سایر گرایش‌های سیاسی قرن بیستم به‌ویژه در مقابل مدرنیته قرار دارد که بر نظم خودجوش، خودانگیخته و آزادی منفی در مقابل نظارت و ساماندهی دولت تأکید می‌کنند (والی، محمدی، ۱۳۹۰: ۲۶). از نظر هابرماس، حوزه عمومی، فضا و جایگاهی همچون جامعه مدنی، برای ابراز نظر آزادانه، تعاملات گفتمانی و مشارکت و گفتگوی علنی و به‌دور از سلطه و اجبار برای دستیابی به مصلحت عمومی و خیر همگانی است. این حوزه، نهاد، سازمان یا سیستم نیست، بلکه فضایی برای مشارکت و گفتگو جهت پیگیری اهداف ارتباطی و رسیدن به تفاهم است (عبدالهیان و شیخ انصاری، ۱۳۹۵: ۸۸ به نقل از هابرماس). حوزه عمومی قبل از هر چیز، قلمروی از زندگی اجتماعی است که در آن، هر چه که به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد. از نگاه او صرف تشکیل حوزه عمومی فی‌نفسه هدف و ارزشمند نیست، بلکه ارزش آن به شرایط و ویژگی‌های حوزه عمومی تشکیل شده ارتباط دارد (Habermas, 1989: 73). در این حوزه، زبان محور اصلی برای ایجاد ارتباط و بیان خواسته‌های واقعی است که انسان‌ها آن را برای تفاهم به کار می‌گیرند و در آن، چیزی شبیه افکار عمومی شکل می‌گیرد. شهروندان در حوزه عمومی در مقام افراد اقتصادی یا حرفه‌ای و به‌عنوان نمایندگان حقوقی شرکت‌ها که تابع قواعد و بورکراسی‌های خاصی باشند، نیستند و بدون اجبار و آزادانه افکار خود را بیان می‌کنند (پیوزی، ۱۳۸۴: ۱۸). به‌صورت خلاصه در حوزه عمومی کنش‌های کلامی در مطلوب‌ترین وجه خود نمایان می‌شوند. همچنین با استفاده از آزادی، ابزارهایی همچون فشارهای فردی یا گروهی در آنجایی ندارد و استدلال مبتنی بر تعقل، نقشی تعیین‌کننده در تصمیمات ایفا می‌کند و نقش مستقیم دولت و مؤسسه‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های آن وجود ندارد. از نظر هابرماس، کنش یا عمل ارتباطی با تعامل حداقل دو عامل که قادر به سخن گفتن و برقراری رابطه هستند، عملیاتی می‌شود تا به درک وضعیت عمل و نقشه‌های خودشان برسند و اعمالشان را بر اساس تفاهم، توافق و تعامل منجر به آگاهی انجام بدهند (لسناف، ۱۳۸۵: ۳۶۹). در نظریه کنش ارتباطی تأکید بر آن است تا افراد برای رسیدن به یک درک مشترک، از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر و بهره‌گیری از کلام و گفتگو با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. درواقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا ثابت نماید که منازعات اجتماعی را فارغ از قهر و خشونت می‌توان حل کرد. این کنش در خلاء و جهان انتزاعی شکل نمی‌گیرد، بلکه در جهان واقعی که خاستگاه معانی فرهنگی و هویت اشخاص است انجام می‌شود. کنش ارتباطی که در آن مصالح همگانی و علائق عمومی بر اساس فرهنگ و اخلاق مطرح می‌شود در مقابل

1. neoliberalism

کنش ابزاری یا هدفمند قرار دارد (والی، محمدی، ۱۳۹۰: ۴۴). «هابرماس نظریه کنش ارتباطی خود را بر چهار اساس استوار می‌سازد:

۱. عقلانیت مدرن که بر جهان مادی و دانش تخصصی تکیه دارد؛
۲. عقلانیت فردی و خصوصی که عواطف و احساسات فردی را در نظر می‌گیرد؛
۳. عقلانیت جمعی و مشترک که به توافق اجتماعی نظر دارد؛
۴. عقلانیت بوروکراتیک که نظرات و منویات دولت را پوشش می‌دهد. هدف هابرماس در نظریه کنش ارتباطی، تلفیق این چهار نوع اساسی از عقلانیت است» (ستاری، یزدانی و فرازی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

عقلانیت ارتباطی^۱

عقل نیروی درونی انسانی است که با تشخیص، تدبیر و تفکر به کنترل، راهنمایی و رعایت رفتارهای درست و جلوگیری از بدی‌ها کمک می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). در تعاریف جدید عقلانیت بر عمل آگاهانه و منطبق با دانش منطقی و تجربی اطلاق می‌شود که افراد، گروه‌ها و جامعه در اندیشه و رفتارهای جمعی به کار می‌بندند (عیوضی، کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۰: ۷۳). مفهوم عقلانیت ارتباطی هابرماس در تکمیل و ذیل مباحث ایشان در خصوص حوزه عمومی و کنش ارتباطی بیان شده است. عقلانیت از نظر هابرماس، از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کند و در معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. طی این نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می‌یابد (ستاری، یزدانی و فرازی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). هابرماس سه نوع عقلانیت ابزاری، انتقادی و ارتباطی را از هم تفکیک می‌کند. در عقلانیت ابزاری هدفمندی و تکنیک، در انتقادی رهایی و رسیدن به حقیقت و در عقلانیت ارتباطی فهم مشترک و سازنده مطرح است. او سلطه عقلانیت ابزاری را در جوامع غربی، مخرب و معنازدا می‌داند که فعالیت‌های مختلف جامعه را به تفکر و شناخت اثباتی محدود کرده است. بر این اساس او به دنبال بازسازی حوزه عمومی و برجیده شدن دخالت دولت و روابط قدرت از آن است (سمیعی اصفهانی، میرالی، ۱۳۹۳: ۲۴۸). از نظر هابرماس، عقلانیت ارتباطی، افراد را برای رسیدن به اهداف و علایق عمومی کارآمدتر می‌کند. این عقلانیت نجات‌دهنده زندگی از سلطه‌های گوناگون ابزاری و استراتژیک است و حوزه عمومی و اجتماعی با آن از تحریف رهایی یافته و درک ارتباطی و مفاهمه برقرار می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

در عقلانیت ارتباطی، تلاش مداوم برای درک یکدیگر، رسیدن به حقیقت و رهایی بخشی بر مبنای کارکرد اجتماعی زبان مطرح است و باید موانعی که مفاهیم و نظام ارتباطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را تحریف می‌کند، حذف کرد تا افراد و گروه‌ها در موقعیت ترویج افکار و ایده‌هایشان قرار بگیرند (سمیعی اصفهانی، میرالی، ۱۳۹۳: ۲۴۸). برخی مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی از نگاه هابرماس عبارت‌اند از:

۱. عمل کردن بر مبنای ژرفاندیشی در مقابل عمل بدون اراده قبلی؛
۲. عمل کردن بر مبنای برنامه مستمر و پایدار؛
۳. کنترل رفتار و گفتار بر اساس اصول عام؛
۴. روشن و واحد بودن معیارها و میزان‌ها در مقابل معیارهای مبهم عرفی؛
۵. تمایل به سازمان‌دهی و تحقق اهداف از طریق فکر به جای احساسات و عواطف؛
۶. آزاد و اختیاری بودن ارتباط (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۹۲).

عقلانیت ارتباطی همچنین متضمن ارائه گفتار باانگیزه‌ها و شاخص‌های عقلانی، برابری در گفتگو، فقدان اجبار ناشی از سلطه و برتری، دسترسی همگان به اطلاعات و داشتن منطق انتقادی است که با شکل دادن به افکار عمومی در موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند راهگشا باشد (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

شبکه‌های اجتماعی

شبکه اجتماعی^۱ محیط‌هایی غیرمادی با فناوری‌های جدید ارتباطی (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۷) که توسط رایانه‌ها و دستگاه‌های الکترونیکی دیگر مثل تلفن، تبلت و لپ‌تاپ با انواع عناصر ارتباطی مثل ایمیل، پیام و گفتگو به صورت شنیداری، دیداری و مکتوب یا با ترکیبی از آن‌ها (چند رسانه‌ای)^۲ ایجاد شده و در آن افراد به تبادل و تعامل اطلاعاتی و خبری می‌پردازند. در این محیط‌های مجازی بدون در نظر گرفتن فضا و محدودیت‌های جغرافیایی، افراد به وسیله دستگاه‌های ارتباطی از راه دور به هم پیوسته و باهم ارتباط، تبادل و تجمع اطلاعات دارند. این فضا اکنون تبدیل به بخشی از زندگی مردم شده (Bargh, 2004: 573)، مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درهم شکسته و بر تمام ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار شده است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). به طور مشخص، شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌هایی هستند که امکان حضور آنلاین و آفلاین با قابلیت‌های مختلف برقراری ارتباط با رسانه‌های شخصی دیگران را دارند. مخاطبان،

1. social network
2. Multimedia
3. Interactive

مأموریت‌ها و اهداف، ویژگی‌های و کاربردها، دستورالعمل‌های برقراری ارتباط، امنیت و روزآمدی شبکه‌های اجتماعی با هم تفاوت‌هایی دارد که دسترسی آسان، قابلیت اتصال با دستگاه‌های مختلف، استفاده روزآمد از فناوری‌های نوین، تعاملی و اشتراکی بودنشان به همگانی شدن و گسترده‌گی استفاده از آن‌ها منجر شده است. در این شبکه‌ها کاربران اجازه ساخت پروفایل عمومی و نیمه عمومی دارند و علاوه بر بارگذاری تصویر، فیلم و متن می‌توانند لیست پیوندها و کسانی که در آن عضو شده‌اند را ببینند (Boyd & Ellison, 2007). وجود سلايق مختلف در گفتگوهای بین شبکه‌های اجتماعی، عادلانه و برابر بودن گفتگوها، دوسویه و چند سویه بودن و امکان گرفتن بازخورد به همراه مشارکتی و تعاملی بودن، این شبکه‌ها را در خصوصیات به حوزه عمومی هابرماس نزدیک کرده است، هر چند بین آن‌ها تفاوت‌های ماهوی و عملکردی زیادی وجود دارد.

در شبکه‌های اجتماعی، همچنین، مجموعه‌ای از سوءاستفاده‌ها از طریق رایانه و سایر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی انجام شده که با توجه به گستره فناوری اطلاعاتی و رشد سریع و مستمر فناوری، طیف گسترده‌ای را شامل شده که با سرعت عملیاتی شده و به مهم‌ترین تهدید و آسیب اجتماعی تبدیل شده که موجب ناامنی در بسیاری از جوامع از جمله کشور ایران شده است (کاهدی و شرفی تبار، ۱۳۹۵: ۸۵).

یافته‌های پژوهش

مانوئل کاستلز با نظریه‌ای جامعه شبکه‌ای، با نگاهی واقعی و رئالیستی به تبیین و توصیف جهان کنونی پرداخته و آثار و تبعات شبکه‌ای شدن جهان را به همه ابعاد زندگی تسری داده است. بنا به دیدگاه او، منبع قدرت، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی دچار تغییرات اساسی شده است. در جهان شبکه‌ای شده، شبکه‌های اجتماعی نقش قدرتمند و مؤثری دارند که در پژوهش‌های متعددی این شبکه‌ها را با حوزه عمومی یورگن هابرماس مقایسه کرده‌اند (سیدعلوی، ۱۳۹۰، عربشاهی، ۱۳۹۸، عبداللهیان و شیخ انصاری، ۱۳۹۵). به فرض شباهت شبکه‌های اجتماعی به حوزه عمومی مدنظر هابرماس و مهیا بودن مقدمات تشکیل حوزه عمومی با شبکه‌های اجتماعی، سؤال اساسی این است که آیا بر این شبکه‌ها، عقلانیت ارتباطی آن‌گونه که مدنظر هابرماس بود، حاکمیت دارد؟ در این پژوهش با مراجعه به کارشناسان و اساتید جامعه‌شناس و رشته ارتباطات، دیدگاه‌های آن‌ها با مصاحبه عمیق و رویکرد گراندد تئوری، جمع‌بندی که نتایج به شرح زیر است^۱.

۱. یادآور می‌شود که برخی گزاره‌ها، وجود عقلانیت در برخی گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی را تایید می‌کرد ولی چون به معنی حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی نبود به صورت هدفمند از آنها در یافته‌ها پرهیز شده است.

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	تنظیم‌گری دولت‌ها در شبکه‌های اجتماعی	اکثر کشورها نهادها، قوانین و مقررات مختلفی برای تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی وضع کرده‌اند. ایجاد محدودیت، فیلترینگ و حذف کاربرها از شبکه‌های اجتماعی، دادن تذکر، هشدار و پیگیری مطالب منتشرشده در آن‌ها توسط نهادهای مسئول امری معمولی است؛ و این نشانه وجود رفتارهای ناهنجار یا مطالب خلاف امنیت و مصالح ملی است. حفاظت از داده‌ها، کنترل داده‌ها و اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و فقدان آزادی کامل در آن‌ها وجود دارد. دولت‌ها معمولاً به اطلاعات و داده‌های شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند.
	وجود شایعه، اخبار جعلی و هویت‌های ناشناس	اخبار جعلی، شایعه و کاربرهای فاقد هویت در شبکه‌های اجتماعی امری عادی است. وجود افشاکری و جاسوسی در شبکه‌های مجازی امری عادی است. طرح مطالبات کاذب و دست‌نیافتنی.
	موارد متعدد سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی	مطالب و محتواهای متعددی درباره خودکشی، مواد مخدر، مباحث غیراخلاقی و خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. شبکه‌های تروریستی مثل داعش از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کرده‌اند. تشکیل گروه‌های قمار و شرط‌بند، سلبریتی سازی و کلاهبرداری بعضی از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی است.
	دخالت‌های دولت‌ها و نهاد قدرت	محدودیت، ممنوعیت و جلوگیری از فعالیت شبکه اجتماعی تیک‌تاک چینی در آمریکا دلیلی بر دخالت دولت‌ها در شبکه‌های اجتماعی است. شبکه تیک‌تاک در بیشتر کشورهای غربی محدود شده است. افشای اقدامات خلاف آزادی شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و واتساپ و درخواست‌های مغایر با آزادی توسط آمریکا برای دسترسی به داده‌های کاربران. حضور افراد از سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است. کدهای رمز گفتگوهای شبکه‌ها در موارد حساس توسط دولت‌ها رمزگشایی یا توسط مالکین شبکه در مقابل گرفتن امتیاز به آن‌ها داده شده است. استفاده از هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای خاص توسط کشورها برای نظارت بر شبکه‌های اجتماعی دلیل بر دخالت دولت‌ها در این شبکه‌هاست.

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	غیرمسئولانه بودن برخی گفت‌وگوها در شبکه‌های اجتماعی	شبکه‌های اجتماعی در شرایط حساس و بحرانی منافع ملی کشورها را در نظر نمی‌گیرند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط کشورها علیه هم وجود دارد. این شبکه‌ها برای امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها چالش و دغدغه ایجاد می‌کنند. در حوادث اجتماعی و نارضایتی‌های مردمی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی غیرمسئولانه و مطابق با منافع ملی نبوده. غلبه رویکردهای احساسی، هیجانی و حاشیه‌ایی به جای عقلانیت در برخی شبکه‌ها وجود دارد. بحران‌زایی و نقش آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی دشمن با گفتگوهای ساختگی و جاسوسی از این شبکه‌ها تأیید شده است.
	استفاده از شیوه‌های غیرعقلانی	گفتگوها در شبکه‌های اجتماعی و شیوه‌های اقناع دائماً با استدلال و به‌کارگیری شیوه‌های عقلانی نیست. شبکه‌های اجتماعی در ایام انتخابات به‌جای عقلانیت عمدتاً رویکرد پوپولیستی داشته‌اند. وجود تنش، برخوردهای عاطفی، احساسی و هیجانی نشانه فاصله گفتگو در آن‌ها با عقلانیت ارتباطی است. به‌کارگیری برخوردهای کنایه‌آمیز و متلک، موارد ناروا و زننده در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.
	عدم رعایت مرزبندی حریم‌های خصوصی با عمومی	مرزبندی بین حریم خصوصی و عمومی در بسیاری مواقع در شبکه‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود. وجود مطالب مربوط به زندگی خصوصی افراد، پخش تصاویر و روابط خصوصی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.
	تحمیل عقیده	به‌جای پذیرش دیدگاه‌های مخالف و مفاهیم، شیوه‌های تحمیل عقیده و نظرهای خاص در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود. چند پارگی فرهنگی و وجود افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی و تعصب‌های بی‌منطق در شبکه‌های اجتماعی همچنین بحران‌زایی و تهدید اشخاص حقیقی و حقوقی امری تأیید شده است.
	نارضایتی از گفتگو	میزان عذرخواهی و پوزش در شبکه‌های اجتماعی نشانگر برخوردهای غیرمنطقی و غیرعقلانی در شبکه‌های اجتماعی است. میزان ترک و خروج افراد از گروه‌های تشکیل شده در شبکه‌های اجتماعی نشانه نارضایتی از وضعیت و چگونگی فعالیت در آن‌ها زیاد است.

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	استفاده ابزاری و هدفمند	استفاده ابزاری، هدفمند، تحریک‌کننده و هیجانی که دیگران را وادار به رفتارها و گفتار غیرعقلانی کنند، در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. استفاده از فن‌های جنگ روانی در شبکه‌های اجتماعی وجود داشته است. وجود تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های غیرواقعی در شبکه‌های مجازی و در برخی مواقع گفت‌وگوکنندگان درصدد تبلیغ، مدگرایی و موارد مشابه هستند.
	توهین و عدم رعایت هنجارها	توهین و حمله به حریم خصوصی افراد، عدم رعایت هنجارهای تعاملی گفتگو، پخش اطلاعات و اخبار ساختگی، فریبنده و مغشوش یا گفتگوهای صوری در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است.
	مبهم، ناشناخته و جعلی بودن هویت برخی طرف‌های گفت‌وگو	ناشناخته بودن برخی کاربران و فعالان در شبکه‌های اجتماعی نشانه عدم اعتماد است. در برخی موارد شما نمی‌دانید در شبکه اجتماعی با چه کسی گفتگو می‌کنید. تأثیرگذاری رسانه‌ای، تبلیغاتی و گرایش‌های جهت‌دار در گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی بالاست. وجود سیاست زدگی و قطبی‌گرایی و بازی همه‌پایه‌چ در تعاملات گفتگویی شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.

محور اصلی این پژوهش بررسی وجود یا عدم عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بود که اساتید و نخبگان شرکت‌کننده در مصاحبه، موارد و مصادیقی در خصوص فقدان عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بیان کردند. بر اساس یافته‌ها، اکثر کشورها، نهادها، قوانین و مقررات مختلفی برای تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی وضع کرده‌اند. بر همین مبنا، ایجاد محدودیت، فیلترینگ و حذف کاربرها از شبکه‌های اجتماعی، دادن تذکر، هشدار و پیگیری مطالب منتشر شده در آن‌ها توسط نهادهای مسئول امری معمولی است و این نشانه وجود رفتارهای ناهنجار یا مطالب خلاف امنیت و مصالح ملی است. دولت‌ها معمولاً برای کنترل و نظارت بیشتر بر شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند، به اطلاعات و داده‌های آن‌ها دسترسی پیدا کنند، چون اخبار جعلی، شایعه و کاربرهای نبود هویت در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذاری غیرقابل انکاری دارند.

طرح مطالبات کاذب و دست‌نیافتنی، وجود محتواهای متعدد درباره ناهنجاری‌هایی مثل خودکشی، مواد مخدر، مباحث غیراخلاقی و خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی از مصادیق

کنش‌های ارتباطی غیرعقلانی در شبکه‌های اجتماعی است. همچنین استفاده گروه‌های تروریستی مثل داعش از شبکه‌های اجتماعی، تشکیل گروه‌های قمار و شرط‌بندی، سلب‌ریتی سازی و کلاهبرداری برخی دیگر از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی است. اینکه دولت آمریکا به ایجاد محدودیت، ممنوعیت و جلوگیری از فعالیت شبکه اجتماعی تیک‌تاک چینی به بهانه تأثیرگذاری‌های منفی پرداخته است، به یک معنا تأییدکننده وجود کنش‌های غیرعقلانی در آن است. افشای اقدامات خلاف آزادی شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و واتس‌آپ و درخواست‌های مغایر با آزادی کاربران در این شبکه‌ها، توسط دولت آمریکا برای دسترسی به داده‌های کاربران، حضور افرادی از سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که وجود آزادی و عدم دخالت نهاد قدرت که شرط لازم وجود عقلانیت ارتباطی است در این شبکه‌ها وجود ندارد.

این شبکه‌ها برای امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها چالش و دغدغه ایجاد می‌کنند. در حوادث اجتماعی و نارضایتی‌های مردمی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی غیرمسئولانه و مطابق با منافع ملی نبوده است. همچنین غلبه رویکردهای احساسی، هیجانی و حاشیه‌ایی به جای عقلانیت، بحران‌زایی و نقش‌آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی دشمن با گفتگوهای ساختگی و جاسوسی از این شبکه‌ها از موارد دیگری بوده است که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کرده‌اند. گفتگوها در شبکه‌های اجتماعی و شیوه‌های اقناع دائماً با استدلال و به کارگیری شیوه‌های عقلانی نیست. شبکه‌های اجتماعی در ایام انتخابات به جای عقلانیت عمدتاً رویکرد پوپولیستی دارند. وجود تنش، برخورد‌های عاطفی، احساسی و هیجانی نشانه فاصله گرفتن گفتگو در شبکه‌های اجتماعی با عقلانیت ارتباطی است. به کارگیری برخورد‌های کنایه‌آمیز و متلک، موارد ناروا و زننده در شبکه‌های اجتماعی مرزبندی بین حریم خصوصی و عمومی در بسیاری مواقع در شبکه‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود و مطالب مربوط به زندگی خصوصی افراد، پخش تصاویر و روابط خصوصی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.

چند پارگی فرهنگی و وجود افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی و تعصب‌های بی‌منطق در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است. بحران‌زایی و تهدید اشخاص حقیقی و حقوقی، استفاده ابزاری، هدفمند، تحریک‌کننده، استفاده از فن‌های جنگ روانی، وجود تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های غیرواقعی، تبلیغ، مدگرایی و موارد مشابه، توهین و حمله به حریم خصوصی افراد، عدم رعایت هنجارهای تعاملی گفتگو، پخش اطلاعات و اخبار ساختگی، فریبده و مغشوش یا گفتگوهای صوری، ناشناخته بودن برخی کاربران

و فعالین در شبکه‌های اجتماعی که نشانه عدم اعتماد است، تأثیرگذاری رسانه‌ای، تبلیغاتی و گرایش‌های جهت‌دار در گفت‌وگوهای شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌زدگی و قطب‌گرایی و بازی همه‌پایه‌چ تماماً، موارد، مصداق و شواهدی از فقدان عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی است.

دیدگاه فقدان عقلانیت در شبکه‌های اجتماعی، همسو با اظهارنظرها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران این حوزه است. مانوئل کاستلز در جامعه شبکه‌ای می‌گوید، شبکه‌ها همیشه خارق‌العاده و کارآمد نیستند؛ گاهی مخرب و کارشان بستگی به برنامه‌ریزی دارد و ارزش‌هایشان به نفع برنامه‌ریزی است که آن‌ها را طراحی می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۴۸). گاهی افراد به این شبکه‌ها واکنش منفی نشان می‌دهند، یعنی مواد مخدر تولید و شبکه تولید و توزیع کوکائین تشکیل می‌دهند، یا به قاچاق زنان و کودکان در آن می‌پردازند. شبکه‌ها می‌توانند هم‌زیستی را به خطر بیندازند و ابزارمندی آن‌ها می‌تواند دنیا را به خطر بیندازد (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۵۰). به نظر او برخلاف آنچه مک‌لوهان گفته بود، انسان‌ها به‌جای دهکده جهانی، اکنون در کلبه‌های مجازی زندگی می‌کنند و اینترنت به همان اندازه که آزادی ایجاد می‌کند، می‌تواند انسان‌ها را به حاشیه براند و جامعه مدنی را تضعیف کند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۵۷). به نظر می‌رسد این واقع‌بینی تطابق بیشتری با یافته‌های این پژوهش تا عقلانیت ارتباطی هابرماس داشته باشد. دخالت نهادهای قدرت و دولت‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی در شبکه‌های مجازی امری تأیید شده است. سیستم جاسوسی اشلون^۱ که توسط آمریکا و کشورهای اروپائی راه‌اندازی شده، هدفش ردیابی هر نوع مکالمه یا ارتباط اینترنتی و مخابراتی با بکارگیری صدها ماهواره قوی بوده است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

بحث و نتیجه‌گیری

گفتگوی آزاد، منطقی، استدلالی، آگاهانه با معیارهای روشن، به دور از هیجان و احساسات و فارغ از عوامل سلطه، نفوذ و قدرت دولت، برای رسیدن به تفاهم، آزادی و رهایی، از اصلی‌ترین ملاک‌های عقلانیت ارتباطی در حوزه عمومی مدنظر یورگن هابرماس است که بر مبنای یافته‌های این پژوهش، حضور قدرت‌ها و حاکمیت و نظارت تأثیرگذاری آن‌ها بر گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی، عقلانیت ذکرشده را در ارتباطات شبکه‌های اجتماعی تأیید نمی‌کند. موارد نقیض عقلانیت ارتباطی که بر فقدان مؤلفه‌های آن در شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد، از موارد تأیید

شده و یافته‌های این پژوهش است که مصاحبه‌شوندگان به موارد متعددی از آن‌ها اشاره کرده‌اند. مواردی از قبیل، ایجاد دسترسی، محدودیت و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی توسط دولت‌ها، استفاده از هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای نظارتی برای کنترل این حوزه، وجود اخبار جعلی، فریبکارانه و شایعه، جاسوسی و کاربرهای فاقد هویت یا با هویت جعلی در شبکه‌های اجتماعی، استفاده تروریست‌ها و کلاهبرداران از شبکه‌های اجتماعی، تشویق به خودکشی، ناامنی، بحران‌زایی و ناهنجاری‌های اخلاقی، رویکردهای احساسی، هیجانی، حاشیه‌ایی و پوپولیستی به جای استدلال‌های منطقی، به کارگیری الفاظ کنایه‌آمیز، مبهم، ناروا و گاه رکیک، عدم رعایت حریم خصوصی افراد، افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، تعصب‌های قبیله‌ایی و قومی، استفاده از فن‌های جنگ روانی و تبلیغاتی، سیاست‌زدگی، قطبی‌گرایی و استفاده‌های ابزاری که تماماً معارض با مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی هابرماس است در شبکه‌های اجتماعی وجود داشته و مورد تأیید کارشناسان و اساتید قرار گرفته است. همچنین یافته‌های این پژوهش با بیشتر تحقیق‌هایی که درباره تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر جنبه‌های مختلف زندگی انجام شده، همخوانی و همسوئی دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله علیرضا قاضی‌زاده (۱۳۹۰) با عنوان تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی اشاره کرد که در آن به حضور نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های مجازی و چگونگی جمع‌آوری اطلاعات باز از این شبکه و تأثیر و تأثر بین آن‌ها پرداخته است. همچنین صمد ظهیری (۱۳۹۷) به بررسی جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی و محمد رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات در خانواده‌ها و صمد رسول‌زاده اقدام (۱۳۹۵) به رابطه شبکه اجتماعی فیس‌بوک با مدگرایی در شهر تبریز پرداخته که بین نتایج این تحقیقات با پژوهش پیش‌رو همخوانی وجود دارد.

منابع و مأخذ

- انصاری، ابراهیم، کیانپور، مسعود و عطایی، پری (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر فرهنگ شفاهی (مورد مطالعه: شهر اصفهان). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۱)، ۴۰-۱۸.
doi: 10.22108/JAS.2018.75172.0.
- پیوزی، مایکل (۱۳۸۴). یورگن هابرماس، (ترجمه احمد تدین). تهران: نشر هرمس.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از نگاه امام خمینی، فارابی و شهید صدر. تهران: نشر عروج.
- سایت سینتا به آدرس، www.citna.ir، کد مطلب: ۲۷۸۸۴۱ - ۱۴۰۲/۲/۹.
- ستاری، علی، یزدانی، فاطمه و فرازی، عباس (۱۳۹۶). بررسی کنش ارتباطی هابرماس و دلالت‌های آن در آموزش عالی ایران. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۲۴(۱)، ۱۵۰-۱۲۱.
doi: 10.22055/EDU.2017.17233.1749
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و میرالی، سجاد (۱۳۹۳). دموکراسی رایزنانه، جنبش‌های اجتماعی و حوزه عمومی جهانی با تأکید بر نظریه عقلانیت ارتباطی هابرماس. فصلنامه سیاست، ۴۴ (۲)، ۴۶۱-۴۴۷.
doi: 10.22059/jpq.2014.52401
- سید علوی، سید مسعود (۱۳۹۰). حوزه عمومی در فضای مجازی. پایان‌نامه دکتری، رشته ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفیعی، محمود (۱۳۹۴). عقلانیت شیعی و عقلانیت ارتباطی، تأملی در نتایج سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰ (۲)، ۱۴۴-۱۱۳.
Doi: 20.1001.1.1735790.1394.10.2.4.7
- عبداللهیان، حمید، شیخ انصاری، مهین (۱۳۹۵). مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن کنش ارتباطی هابرماس در فیس‌بوک. جامعه پژوهی فرهنگی، ۷ (۳)، ۸۷-۱۱۶.
doi: JR_SOST-7-3_005
- عربشاهی، مجید (۱۳۹۸). اینستاگرام به مثابه حوزه عمومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در علوم اجتماعی، تهران: موسسه آموزش عالی سبز.
- عیوضی، محمدرحیم و کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۳۹۰). تبیین مسئله عقلانیت ابزاری، ارتباطی و دینی از نگاه امام خمینی و یورگن هابرماس. فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۷ (۲۵)، ۸۸-۷۱.
doi: 20.1001.1.20089481.1390.7.25.4.3
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰). تأثیر جامعه‌ای شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴ (۳)، ۶۸-۳۵.
dor: 20.1001.1.17350727.1390.14.53.2.8
- ظهیری، صمد (۱۳۹۷). جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی. فصلنامه سیاست، ۴۸ (۲)، ۴۳۱-۴۱۳.
doi: 10.22059/JPQ.2018.250077.1007209
- کاستلز، مانوئل و اینس، مارتین (۱۳۸۴). گفتگو با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۳). جامعه شبکه‌ای و هویت جدید، (مصححه)، فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۱ (۴۳)، ۴۵۸-۴۳۱.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو. کاهدی، شهربانو و شرفی تبار، بهنام. (۱۳۸۵). جایگاه پلیس فتا در پیشگیری از جرم در فضای مجازی. فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، ۱۳۹۵ (۱۳)، ۱۱۴-۸۳.

لسناف، مایکل، اچ (۱۳۸۵). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.

موفق سیجانی، مریم (۱۳۹۲). حوزه عمومی در فضای مجازی و مقایسه آن با فضای غیرمجازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم: دانشکده حقوق، تابستان ۱۳۹۲.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس، تهران: نشر چشمه.

والی، عباس و محمدی، محمدکریم. (۱۳۹۰). سیاست به مثابه عقلانیت ارتباطی، فصلنامه علوم سیاسی، (۱۴)، ۵۹-۲۵.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

Bargh, J. A. & McKenna, K. Y. A. (2004). The Internet and social life. Annual Review of Psychology, 55, 573-590

Boyd, D. m. & Ellison, N. B., (2007). Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship. Journal of Computer-Mediated Communication, 13, 210-230. <http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1>

Castells, M. (2005). The Network Society: From Knowledge to Policy, in: M. Castells, and G. Cardoso. Washington DC: J. Hopkins, Centre for Transatlantic Relations.

Castells, M. (1999). Information Technology, Globalization and Social Development. United Nations Research Institute for Social Development, Discussion Paper, 114.

Castells, M... (2009). Communication Power. Oxford, New York: Oxford University Press.

Castells, M. (2011). A Network Theory of Power. Available at: <http://ascnetworksnetwork.org/wp-content/uploads/2010/02/IJoC-NetworkTheory-2011-Castells>.

Habermas, Jurgen. (1989). The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into Category of Bourgeois Society, Cambridge: Polity Press.

McKnight, D. H. & Chervany N. L. (2006). Reflections on an initial trust-building model. Handbook of trust research, 29-51.

Ostendorf, S., Meier, Y., & Brand, M. (2022). Self-disclosure on social networks: More than a rational decision- making process. Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace, 16(4), Article 2.

<https://doi.org/10.5817/CP2022-4-2>

- Peltola, J. (2006). The Place of Politics in Manuel Castell's Network Society. Available at: <http://www.edemocracy.uta.fi/eng/haefile.php>, (accessed on 2014, November 16).
- Plage, S. (2008-2009). Mass Communication, Information Technology and Social Exclusion in Contemporary Society. Available at: https://www.essex.ac.uk/sociology/documents/pdf/graduate_journal/2008_2009/plage.284 (accessed on 2014, November 16).
- Van Dijk, J. A.G.M. (2007). The One-dimensional Network Society of Manuel Castells. Available at: <http://www.thechronicle.demon.co.uk/archive/castells.htm>, (accessed on 2015, January 12).

Virtualization of the Classroom and University Culture

Fatemeh Lolaei, PHD Candidate of cultural Sociology, Iranian Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: fatemeh.lo83@gmail.com

Susan Bastani, Professor of Social Sciences, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University. Email: Sbastani@alzahra.ac.ir

Maghsoud Farasatkah, Professor of higher education Planning, higher education Planning Department. Institute for research and Planning in Higher education, Tehran. Iran. Email: M_farasatkah@irphe.ir

Hossein Ebrahimabadi, Associate Professor of psychology, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: ebrahimabadi@iscs.ac.ir

Abstract

Using new media is one of the most important cultural issues in everyday life. The expansion and prevalence of instant and continuous communication has rapidly affected various fields of daily life. The permanent presence of virtual technologies in academic environments can hardly be denied. Meanwhile, the university has also lost its previous nature and meaning. This has especially caused a change in the function of universities in relation to the society and other social entities. The purpose of the present study is to investigate the relationship between classroom virtualization and university culture during Covid-19 Situation. The study has a quantitative paradigm and its research method is a survey. The population of the research consists of 385 students of the state universities of Tehran in three categories of face-to face, semi online and online university courses. Cluster Random Sampling and Probabilistic Sampling in proportion to the number of population have been used. The research model was tested using Lisrel software. The results show that the process of virtualization has an influence on the communication as an intermediate variable and it thus has a significant effect on the university culture and its dimensions such as lifestyle, organizational culture, etc. In other words, communication is an intermediary that mediates between virtualization and dimensions of university culture. It can be concluded from the findings that the process of virtualization has created a fundamental change in human interactions and communication and this transformation in human interactions has also spread to other aspects of university life and culture.

Keywords

Virtualization, Communication, Organizational Culture, lifestyle.

مجازی شدن کلاس درس و فرهنگ دانشگاهی

فاطمه لولائی^۱، سوسن باستانی^۲،
مقصود فراستخواه^۳، حسین ابراهیم آبادی^۴

چکیده

مصرف رسانه‌های نوین یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگی در زندگی روزمره است. گسترش و رواج ارتباطات آنی و پیوسته به سرعت عرصه‌های مختلف زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه حضور دائم فناوری‌های مجازی در محیط‌های دانشگاهی به سبختی قابل انکار است. در این میان، دانشگاه نیز ماهیت و معنای پیشین خود را از دست داده است و همین امر به ویژه سبب تغییر در کارکرد و نسبت دانشگاه شده است. هدف این مقاله، بررسی رابطه بین مجازی شدن کلاس درس و فرهنگ دانشگاهی در دوران کروناست. پارادایم پژوهش کمی و روش تحقیق، پیمایش بوده است. جامعه آماری تحقیق، دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سه دسته دانشگاه حضوری، نیمه حضوری و غیرحضوری است. حجم نمونه تحقیق برابر با ۳۸۵ نفر می‌باشد. در این پژوهش ابتدا از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و سپس از نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم استفاده شده است. مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار لیزرل آزمون شد. نتایج بیانگر آن است که فرایند مجازی شدن از طریق تأثیر بر متغیر ارتباطات به عنوان متغیر میانی بر فرهنگ دانشگاهی و ابعاد آن همچون سبک زندگی، فرهنگ سازمانی و ... تأثیر معناداری دارد. باید گفت، ارتباطات واسطه‌ای است که بین مجازی شدن و ابعاد مختلف فرهنگ دانشگاهی میانجی‌گری می‌کند. آنچه از یافته‌ها برداشت می‌شود این است که این فرایند، دگرگونی بنیادینی را در تعاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است و این دگرگونی در تعاملات به سایر ابعاد زندگی و فرهنگ دانشگاهی نیز سرایت کرده است.

واژگان کلیدی

مجازی شدن، ارتباطات، فرهنگ سازمانی، سبک زندگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

۱. دانشجوی دکتری مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). fatemeh.lo83@gmail.com
۲. استاد علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. sbastani@alzahra.ac.ir
۳. استاد برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران. M_farasatkah@irphe.ir
۴. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران. ebrahimabadi@iscs.ac.ir

مقدمه

در عصر جدید اینترنت و شبکه‌های مجازی با نوآوری‌ها و بدعت‌هایی بی‌بدیل، نظام ارتباطات اجتماعی و متعاقب آن جامعه را با تغییر و تحولات بسیاری روبه‌رو ساخته است (Mesch, 2015: 45). توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، افزایش ضریب نفوذ اینترنت، بهره‌گیری از امکانات وب^۱، ایجاد ارتباطات تعاملی و شبکه‌ای منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از روابط اجتماعی تحت یک ساختار اجتماعی جدید شده است و همین مورد منجر به تحولات جدیدی در حوزه اجتماعی و فرهنگی شده است (Castells, 2004: 34). ظهور رسانه‌های نوین، ارتباطات خاصی را به وجود آورده که به آن ارتباطات شبکه‌ای شده گفته می‌شود (باستانی، خانیکی و ارکان‌زاده یزدی، ۱۳۹۹: ۸). یکی از حوزه‌های اجتماعی که فرایند مجازی‌شدن در تغییر و تحول آن نقش دارد، دانشگاه و فرهنگ دانشگاهی است (Stroinska & Trippner-Hrabi, 2018). امروزه حضور دائم فناوری‌های مجازی در محیط‌های دانشگاهی به سختی قابل انکار است. در میان این تحولات، دانشگاه نیز ماهیت و معنای پیشین خود را از دست داده است. این امر سبب تغییر در کارکرد و نسبت دانشگاه با جامعه و هستی‌های اجتماعی دیگر شده است، زیرا نظام ارزشی، هنجاری، الگوهای کنشی دانشجویان را متأثر ساخته است. برخی محققان معتقدند که فناوری‌های مجازی بخش جدایی‌ناپذیر دانشگاه‌ها در آینده محسوب می‌شوند (Henderson, Selwyn & Aston, 2015). این صورت‌بندی نوین کردار و روابط متناسب با خود را شکل می‌دهد؛ بنابراین، تنوع رفتاری، هویتی و فرهنگی در چنین محیطی به علت درهم‌پیچیدگی دانشگاه با فرایند مجازی‌شدن امری قطعی است (Selwyn, 2014).

استرونیسکا و تراپنر (۲۰۱۸) معتقدند، اصطلاح مجازی‌شدن تا حد زیادی منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی و فناوری در حال وقوع در یک سازمان است. ون دوسن^۱ (۱۹۹۷) مجازی‌شدن را به عنوان استعاره‌ای برای محیط‌های الکترونیکی آموزشی، یادگیری و پژوهشی در نظر می‌گیرد؛ که به‌وسیله همگرایی فناوری‌های نسبتاً متفاوت و جدیدی که شامل اینترنت، شبکه جهان‌گستر و ارتباطات کامپیوتری می‌شوند، به کار می‌رود که در عین حال محدود به هیچ کدام نیز نیستند (Van Dus- en, 1997: 14). پفر^۲ (۲۰۱۱) تأکید می‌کند که با ورود فناوری ابعاد مختلفی از

1. Van Dusen

2. Pfeffer

فرهنگ و ارزش‌های مرتبط با آن در دانشگاه متأثر می‌شوند؛ که زندگی دانشگاهی و کلاس درس را به شدت مورد چالش و تغییر قرار می‌دهد. بریک^۱ (۲۰۰۹) فرهنگ دانشگاهی را شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و نحوه رفتار افرادی (شامل مدرسان، محققان و دانشجویانی) می‌داند که در دانشگاه کار یا تحصیل می‌کنند.

شن و تیان (۲۰۱۲) معتقدند فرهنگ دانشگاهی در واقع نمود بیرونی ارزش‌ها، روحیات و هنجارهای رفتاری افرادی است که به کسب دانش و انجام پژوهش می‌پردازند (Shen & Tian, 2012: 1). پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده حاکی از آن است که فرایند مجازی شدن می‌تواند بر ابعاد مختلف زندگی دانشگاه (Jefferson & Arnold, 2009:1) تأثیرگذار باشد. از سویی دانشجویان به خاطر گستره شبکه روابط و تماس وسیع با فناوری‌های مجازی در مرکز این تغییرات قرار دارند و با مسائل و تنش‌های ناشی از مجازی شدن بیشتر درگیر هستند. به نظر می‌رسد، این تنوع در فرهنگ دانشجویان از جمله در نظام ارزشی، هنجاری، الگوهای کنشی و نقشی آنان تغییراتی ایجاد کرده است. بسیاری از محققان معتقدند که دانشجویان به طور گسترده در یادگیری نظام ارزشی و هنجاری تحت تأثیر فرایندهای مجازی شدن هستند. بدیهی است که ورود اینترنت به دانشگاه و پردیس با تغییر شکل آموزشی، پژوهشی و فرهنگی آن همراه است، در نتیجه دانشگاه تحت تأثیر ورود فناوری‌های مجازی تحولات چندلایه‌ای را تجربه می‌نماید، به ویژه آنکه دانشگاه‌ها متأثر از شرایط کرونا با توقف‌های جدی مواجه شده‌اند. این پژوهش مجازی شدن را به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر موجود در بطن دانشگاه، فرهنگ و محیط آن مورد توجه قرار داده است؛ بنابراین، سؤال اصلی این تحقیق این است که مجازی شدن چه نقشی در تغییر مناسبات فرهنگی دانشگاه‌ها به دنبال دارد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق را می‌توان در دو دسته کلی مطرح کرد: دسته اول، پژوهش‌هایی هستند که نقش فناوری‌های اطلاعاتی را در زمینه دانشگاه و آموزش مورد توجه قرار داده‌اند: همتی و اصلانی (۱۳۹۴) در بررسی «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت دانشگاهی با تأکید بر نقش اینترنت» به گونه‌شناسی هویت دانشگاهی بر مبنای نقش منابع هویت‌یابی درونی و بیرونی (اینترنت) می‌پردازند. پژوهش به صورت پیمایش روی

نمونه‌ای از ۳۴۶ دانشجوی دانشگاه اصفهان صورت گرفت. نتایج پژوهش، حاکی از توسعه ناموزون گونه‌های هویت دانشگاهی بود، به صورتی که هویت مشروعیت‌بخش نسبت به هویت برنامه‌دار توسعه بیشتری در میان دانشجویان داشت و منابع سنتی هویت دانشگاهی هنوز هم تا حد زیادی نفوذ و اقتدار خود را نسبت به منابع جدید مانند اینترنت حفظ کرده‌اند و عوامل درون‌دانشگاهی همچون اجتماعات رشته‌ای، ساختار اجتماعی محیط آموزشی و گروه‌های مرجع به‌عنوان مجاری فرهنگ دانشگاهی و منابع درونی هویت‌یابی در بر ساخت هویت دانشگاهی تأثیر بسزایی دارند. محققان به این نتیجه رسیدند که منابع سنتی اقتدار علمی هنوز هم اهمیت بیشتری نسبت به اینترنت در شکل‌دهی هویت دانشجویان دارد.

عرفان‌منش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «روابط قدرت در تعاملات استاد-دانشجو در بافتار کلاس‌های مجازی» به بررسی تجربه زیسته در کلاس‌های دانشگاه می‌پردازد و تلاش کرده است تا با اتخاذ مبانی نظری از منظر کنترل و قدرت در کلاس درس، طرح مسئله‌ای جدید و اکتشافی را با لحاظ کردن اقتضائات فضای مجازی دنبال کند. نویسنده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده است. نتایج مصاحبه‌ها در هفت محور صورت‌بندی شده‌اند که برخی از مضامین شامل موارد زیر هستند: قدرت سکوت، شکل‌گیری گروه‌های مخفی، ناهنجاری‌های نوپدید، برجسته‌شدن کنترل درونی، پیدایی اخلاق وضعیتی، آداب مناسبی جدید در کلاس، توانمندی‌های شخصیت مجازی. همچنین دیده‌نشدن یکی از مؤلفه‌های مهمی است که سبب خلق کنشگری علمی ناقص دانشجو می‌شود. البته داشتن شخصیت مجازی به توانمندی‌های دیگر دانشجو می‌افزاید.

عزیزی، محمدی و باقری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جستاری بر تجربه‌های زیسته استادان و دانشجویان در کلاس‌های مجازی در دوره کرونا» به بررسی استادان و دانشجویانی که سابقه شرکت در کلاس‌های مجازی در درون کرونا داشتند، پرداختند. آنان پس از انجام مصاحبه با ۳۱ دانشجو به این یافته دست پیدا کردند که کلاس‌های مجازی در مقایسه با شکل پیشین کلاس‌ها، سبب زوال و از دست رفتن موقعیت‌ها و نقش‌های پرشماری در دانشگاه شده‌اند. به نظر مصاحبه‌شوندگان با محروم شدن دانشجو از فضای فیزیکی، امکان تعاملات و گفت‌وگوهای رخ داده بین طرفین به گونه‌ای غم‌انگیز از بین خواهد رفت و جای خود را به نوعی فرایند مکانیکی انتقال مطالب آموزشی از یک منبع فرستنده به پیام‌گیرنده خواهد داد. به نظر استادان این شرایط

موجب تغییر نقش استادان در کلاس‌های مجازی می‌شود و در این فرایند آن‌ها از مخزن‌داری اطلاعاتی به حامیان دانش تبدیل می‌شوند.

جفرسون و آرنولد (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات آموزش مجازی بر فرهنگ دانشگاهی» به بررسی فرهنگ دانشگاهی دانشجویان کارولینا پرداختند. در این پژوهش، مزیت‌ها و فواید کلاس‌هایی که به صورت آنلاین و سنتی برگزار شده بود، از دیدگاه ۴۹ دانشجو بررسی شد. در این تحقیق از پیمایش اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در مرحله بعدی پاسخ‌ها به طبقات مختلف تقسیم و کدگذاری شدند. این کدها شامل ارتباطات، رضایت از کلاس، بازخورد، انعطاف، انگیزه، روابط با اساتید و دانشجویان است. نتایج نشان داد که از نظر دانشجویان مهم‌ترین مزایای کلاس‌های آنلاین، انعطاف موجود در آن است و مهم‌ترین مضرات آن، عدم تعاملات موجود در آن است. مهم‌ترین فواید کلاس حضوری، گستردگی تعاملات است، با وجود این دانشجویان از کلاس‌های آنلاین بیش از حضوری رضایت داشتند.

امیر، تانتی، ماهارانی، ویماردانی، جولیا، سوليجایا، پاسویتاتی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «دیدگاه دانشجویان درباره کلاس درس و یادگیری از راه دور در طول دوره همه‌گیری کرونا در دانشگاه اندونزی» با استفاده از پیمایش با نمونه ۳۰۱ دانشجو دریافته‌اند که مدت زمان تحصیل بر اولویت دانشجویان تأثیرگذار است. دانشجویان سال اولی یادگیری از راه دور و برای بحث گروهی یادگیری در کلاس درس را ترجیح می‌دهند، زیرا یادگیری از راه دور، سبب دشوارتر شدن برقراری ارتباط می‌شود. از سویی دانشجویان یادگیری آنلاین را روش کارآمدتری می‌دانستند؛ چون زمان بیشتری برای مطالعه فراهم می‌کرد. برخی از چالش‌های یادگیری از راه دور از نظر دانشجویان شامل عوامل خارجی مانند اتصال ناپایدار اینترنت، بار مالی اضافی برای سهمیه اینترنت و عوامل داخلی مانند مدیریت زمان و مسئله تمرکز در هنگام یادگیری هستند. در پایان دانشجویان یادگیری ترکیبی را برای ترم بعدی دانشگاه پیشنهاد کردند.

گونزالز و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ دانشگاه و فناوری‌های دیجیتال» به بررسی دانشگاه‌ها در دوران کرونا پرداختند. محققان با استفاده از پیمایش و مصاحبه با مدیران، اساتید و دانشجویان به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اساتید و دانشجویان از فناوری دیجیتال برای ادامه کلاس‌ها برخوردار هستند یا خیر، موانع استفاده از فناوری دیجیتال چیست و آیا از شیوه‌های آموزشی نوآورانه استفاده شده است. از نظر

1. I. Amir, Tanti, Maharani, Wimardhani, Julia, Sulijaya & Puspitawati.
2. Noé Abraham González-Nieto

دانشجویان، دسترسی به فناوری‌های دیجیتال یکسان نیست. از نظر اساتید، پذیرش و ارتباط با فناوری‌ها به دلایل مختلفی بستگی داشت (سن و رویکرد آن‌ها به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ میزان علاقه به استفاده از آموزش حضوری). در هر صورت روابط نامتقارن در عملکرد تحصیلی دانشجویان و اساتید مشاهده شد که تأثیر آن در آموزش و یادگیری نمود پیدا کرد. در پایان مشخص شد که در دوره‌های مجازی در حوزه منابع (بعد مادی-اقتصادی) و در حوزه روابط (بعد سیاسی-اجتماعی) نوآوری وجود دارد.

دسته دوم تحقیقاتی هستند که فرهنگ دانشگاهی را به‌طور مجزا بررسی کرده‌اند:

اصغری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با موضوع «واکاوی فرهنگ دانشگاهی در مؤسسه‌های آموزش عالی ایران» بر اساس نظریه داده‌بنیاد و با رویکردی تفسیری تلاش کرده به پرسش اصلی درباره چرایی و چگونگی اختلال در فرهنگ دانشگاهی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد پاسخ دهد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها صورت گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده «عدم التزام به هنجارهای آکادمیک» به عنوان پدیده محوری انتخاب شد. نتیجه‌گیری حاکی از تقویت و بازتولید پدیده محوری، در صورت عدم اقدام دانشگاه برای بهبود وضعیت از درون این نهاد علمی و عدم توجه به مسئولیت فردی دانشگاهیان است. محقق در پایان به این نتیجه می‌رسد که دانشگاه‌های ایران تا زمانی که در مقابل سوءرفتارهای آکادمیک سکوت نمایند و تا زمانی که در برابر رفتار درست یا نادرست، یکسان عمل کند، به تقویت تخریب هنجارهای دانشگاهی کمک می‌نمایند.

ذاکر صالحی و نظریان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی» به بررسی جایگاه فرهنگ دانشگاهی در زندگی دانشجویی پرداخت. سؤال اصلی محقق این بوده که دانشجویان چه دیدگاهی نسبت به محیط پردیس و تمایزات و الزامات نهادی آن دارند. با استفاده از روش تحلیل محتوا یافته‌ها نشان داد که مضامین ذکر شده توسط دانشجویان معرف نبود کنشگری آنان در عرصه تولید و مصرف علم، نبود تمایز جدی پردیس با سایر محیط‌های جوانان، ضعف سنت‌ها، ارزش‌ها، آئین‌ها و دستاوردهای آکادمیک در زندگی دانشجویی است و همچنین بیانگر ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن است و دغدغه‌های دانشجویان عمدتاً فردی، منفعل و غیرایدئولوژیک است.

با توجه به بدیع بودن مسئله، پژوهش‌های انجام شده، به‌طور خاص بر یکی از ابعاد فرهنگ دانشگاهی متمرکز بوده‌اند و عمده پژوهش‌ها در سطح خرد تحلیل‌هایی

کرده‌اند و جنبه کلی‌تر را دنبال نکرده‌اند. در پژوهش‌هایی که مروری بر آن رفت به یکی از ابعاد مجازی‌شدن، همچون اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی توجه شد و یا در بحث دانشگاه نیز بر یکی از ابعاد آن همچون کلاس درس تأکید شده است، این پژوهش تلاش می‌کند تا از زاویه تجربه دانشجویان مناسبات فرهنگ دانشگاهی را در دوران مجازی‌شدن و کرونا کاوش و تفسیر کند.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ دانشگاهی مقوله‌ای است که در سطح جامعه دانشگاهی و در تعامل میان آن‌ها معنا می‌یابد و شیوه‌های برقراری ارتباط و تعامل را میان افراد دانشگاهی بیان می‌کند (صباغیان، ۱۳۸۸). فراستخواه (۱۳۸۹) معتقد است فرهنگ دانشگاهی دربرگیرنده معانی، ارزش‌های مشترک و هنجارهایی است که از تاریخ علم و دانشگاه و تجربیات زیسته دانشگاهی سرچشمه می‌گیرد. مولکی^۱ (۱۹۷۶) نیز معتقد است؛ فرهنگ دانشگاهی به‌طور عمده چشم‌انداز دانشگاهی، شورونشاط دانشگاهی، اخلاق دانشگاهی را شامل می‌شود.

باید گفت، امروزه آموزش عالی در کل جهان دچار تغییراتی شده است که یکی از مهم‌ترین عوامل به وجودآورنده آن گسترش ارتباطات از طریق اینترنت و به‌طور کلی مجازی‌شدن می‌باشد. پفر^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود اصطلاح مجازی‌شدن را بیان‌کننده مشاهده عمومی و فرضی کلی می‌داند. مشاهده اینکه دانشگاه‌ها به‌طور روزافزونی از رسانه‌های دیجیتال برای انجام وظایف خود استفاده می‌کنند، تغییری که به شیوه نسبتاً تکاملی و انقلابی در حال اتفاق است. این فرایند پتانسیل دانشگاه‌ها را با درنظرگرفتن توانایی‌هایی که دارند، افزایش می‌دهد (Pfeffer, 2012: 1). مجازی‌شدن همچنین به معنی کامپیوتری‌شدن فعالیت‌هاست؛ به‌ویژه در مورد با فرایندهای آموزشی که به‌سرعت نیز در حال رشد است و انعکاس‌دهنده تغییرات اجتماعی و فناورانه است که در سازمان اتفاق می‌افتد. امروزه حتی اولویت‌های آموزش عالی تحت‌تأثیر مجازی‌شدن در حال تغییر است. به همین دلیل است که فرهنگ سازمانی مؤسسات آموزش عالی ساختار نمادین پیچیده‌ای متشکل از تعدادی خرده‌فرهنگ است (Sułkowski, Seliga and Woźniak, 2017). ون دوسن (۱۹۹۷) در کتاب خود با عنوان «پرديس مجازی: فناوری و اصلاحات در آموزش عالی»^۳ بیان می‌کند که مجازی‌شدن دانشگاه استعاره‌ای

1. Mullkay

2. Pfeffer

3. The Virtual Campus: Technology and Reform in Higher Education.

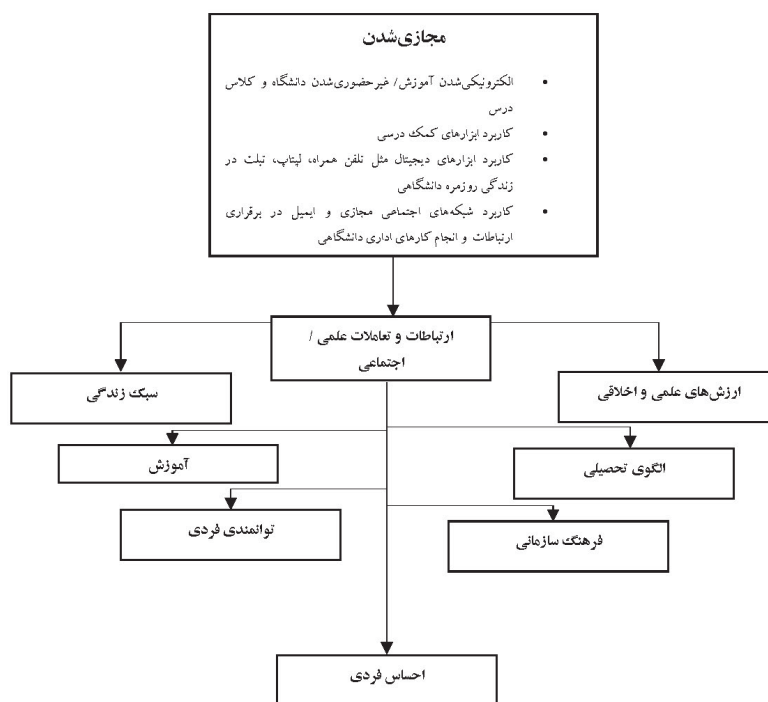
برای محیط‌های آموزش، یادگیری و پژوهشی است که از طریق ترکیب و همگرایی چند نوع فناوری نسبتاً جدید که شامل اینترنت، شبکه جهانی وب، ویدئوکنفرانس، برنامه‌های چندرسانه‌ای^۱، برنامه‌های مجازی گروهی^۲، سیستم‌های هوشمند آموزشی^۳ و واقعیت مجازی^۴ است، ایجاد می‌شود؛ ولی در عین حال محدود به هیچ کدام نیست. در مواجهه با شرایط پاندمی کرونا دانشگاه‌های مختلف دست به تغییر سیاست‌های کلی و اعمال دستورالعمل‌ها و قوانین زده‌اند که این سیاست‌ها همگی بر پایه آموزش چگونگی مواجهه با شرایط جدید، استفاده از فناوری برای جبران کاستی‌های عدم وجود ارتباطات مستقیم است. در حال حاضر شرایط کرونایی بر همه ابعاد آموزش عالی همچون فعالیت روزمره آموزش عالی، تقویم تحصیلی، پردیس‌ها، زندگی دانشجو و کیفیت کاری اعضای هیئت علمی، عادت‌واره‌های ارتباطی، زیرساخت‌ها و تجهیزات، همکاری‌های علمی و بین‌المللی و تعاملات دانشگاه با جامعه، فرهنگ دانشجویی، ارزش‌های علمی و اخلاقی و ... تأثیر گذاشته است (میرزایی، ۱۳۹۹: ۶۳).

دریفسوس^۵ (۱۹۹۹) بر علیه آموزش از راه دور به‌مثابه ابزاری برای انتقال ارزش‌ها بحث طولانی داشته است. او معتقد است که آموزش عالی به‌طور بنیادینی دربرگیرنده انتقال مهارت‌ها و فرایندهایی است که تعهد یادگیرندگان را به دیگر دانشجویان افزایش می‌دهد و آن‌ها را به توسعه هویت‌های خود برمی‌انگیزاند. بر طبق نظر دریفسوس این مهارت‌ها، تعهدات و هویت‌ها به‌این‌علت که نیاز به حضور فیزیکی و تعاملات نزدیک بین اساتید و دانشجویان دارد، نمی‌تواند به‌اندازه کافی در آموزش از راه دور انتقال و تحقق پیدا کند (Brey, 2003: 5). از سوی دیگر برخی نویسندگان علاوه بر فقدان ارتباطات رودررو که خود مانع انتقال کافی ارزش‌های فرهنگی در آموزش از راه دور می‌شود، به مواردی دیگری نیز اشاره کردند. برای مثل تان^۶ (۲۰۰۰) نگران پراکندگی و جدایی اساتید و دانشجویان در آموزش عالی از راه دور است که ممکن است منجر به از بین رفتن حس مشترک دانشجویی شود که وی آن را هسته اصلی فرهنگ دانشگاهی در نظر می‌گیرد. همچنین پروسر و وارد^۷ (۲۰۰۰) نیز بیان می‌کنند که انتقال خرد عملی در آموزش دانشگاهی نیاز به اجتماعی‌سازی با ارتباطات درون شخصی میان اعضای خود دارد. این

1. Multi-media
2. Groupware
3. Intelligent tutoring systems
4. Virtual reality
5. Dreyfus
6. Tan
7. Prosser & Ward

صاحب نظران معتقدند که این اجتماع مجازی که در آموزش عالی از راه دور وجود دارد، به دلیل گمنامی نسبی و سایر مشکلات، نمی تواند به مثابه اجتماعات واقعی در آموزش عالی کارکرد داشته باشد. علاوه بر این دیدگاه های انتقادی، صاحب نظرانی نیز هستند که دیدگاه خوش بینانه ای نه تنها نسبت به امکان انتقال ارزش های آکادمیک در آموزش عالی دارند، بلکه به همان اندازه در مورد امکان توسعه روابط شاگردی و ساخت اجتماعات واقعی در محیط های مجازی نیز امیدوار و خوش بین می باشند. (Brey, 2003: 6).

بنابر آنچه ذکر شد می توان از ادبیات نظری موجود مهم ترین ابعاد فرهنگ دانشگاهی در کلاس های مجازی با تأکید بر دوران کرونا را استخراج کرد (شکل شماره ۱) تا بتوان با شفافیت و دامنه دقیق تری در میدان پژوهش مسئله را به شکلی منطقی واکاوی نمود. فرض اصلی تحقیق این است که مجازی شدن به واسطه متغیر ارتباطات، بر ابعاد فرهنگ دانشگاهی از جمله سبک زندگی، فرهنگ سازمانی، آموزش، الگوی تحصیلی، توانمندی فردی و احساس فردی تأثیرگذار است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

روش پژوهش

پارادایم پژوهش پیش‌رو کمی و روش مورد استفاده پیمایش است. همچنین برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه دانشگاه‌های شهر تهران است. با توجه به موضوع تحقیق جامعه آماری به سه دسته^۱ دانشگاه تقسیم شد؛ که در مجموع دارای ۱۰۸۶۴۵ دانشجو می‌باشند. در این پژوهش ابتدا از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و سپس از نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر محاسبه شده است.

در این تحقیق مجازی‌شدن متغیر مستقل مجازی‌شدن از طریق چهار مؤلفه میزان استفاده از فضای مجازی، میزان مسائل و مشکلات مربوط به فضای مجازی، میزان تولید محتوا در فضای مجازی، میزان علاقه‌مندی به فضای مجازی و در قالب ۵ سؤال سنجش شد.

متغیر میانی و واسطه پژوهش ارتباطات و تعاملات است. ارتباطات دانشگاهی نیز عبارت است از هرگونه تعامل دانشجویان با یکدیگر و سایر اساتید و کارکنان دانشگاه گفته می‌شود که در این پژوهش در دو بعد ارتباطات اجتماعی و علمی سنجش و بررسی شد. متغیر وابسته پژوهش، فرهنگ دانشگاهی است. فرهنگ دانشگاهی دربرگیرنده معانی، ارزش‌های مشترک و هنجارهایی است که از تجربیات زیسته دانشجویان سرچشمه می‌گیرد و سبکی از زندگی، حس هویت و اخلاق و منش و کنش انسان آکادمیک را دربرمی‌گیرد. در بخش عملیاتی‌نمودن فرهنگ دانشگاهی باید عنوان کرد، فرهنگ دانشگاهی از طریق هفت بعد (سبک زندگی، فرهنگ سازمانی، آموزش، الگوی تحصیلی، توانمندی فردی و احساس فردی) سنجش و بررسی شد. در جدول شماره ۱ ابعاد فرهنگ دانشگاهی نشان داده می‌شود:

جدول ۱. ابعاد فرهنگ دانشگاهی

متغیر وابسته	ابعاد	مؤلفه‌ها
فرهنگ دانشگاهی	فرهنگ سازمانی	پایداری فرهنگ سلسله‌مراتبی دانشگاه و مقاومت در برابر تغییر، ترس از حذف‌شدگی، نصف و نیمه انجام شدن کارها، مقاومت بیشتر در بخش‌های بااهمیت، کاربرپسند نبودن فناوری‌ها
	ارزش‌های علمی و اخلاقی	غلبه ارزش‌های غیرعلمی (دود چراغ نخوردن، پروبلماتیک‌شدن موضوعات دانشگاهی، افزایش امکان تقلب، عجول و بی‌صبر شدن)، امکان کنترل بی‌اخلاقی، محتاط‌شدن

۱. طبق گزارش آمار آموزش عالی ایران، دانشگاه‌های دولتی در کشور به سه دسته حضوری، نیمه‌حضوری و غیرحضوری تقسیم می‌شوند (آمار آموزش عالی ایران، ۱۳۹۲-۱۳۹۳).

متغیر وابسته	ابعاد	مؤلفه‌ها
فرهنگ دانشگاهی	عملکرد تحصیلی	حضور در دانشگاه، گسترش یادگیری، به‌روز شدن دانشجویان، دور شدن از درس
	آموزش	حضور فعال در کلاس، کیفیت کلاس درس، کیفیت آموزش اساتید، کنترل اساتید توسط دانشجویان، تک‌گو نبودن اساتید، به‌روز نبودن اساتید
	احساس فردی	عدم احساس تنهایی و دوری، ایجاد حواس‌پرتی، نفهمیدن گذران زمان، بازتولید فضای گذشته، عدم اعتماد اساتید به دانشجویان، عدم‌شور و اشتیاق دانشجویان
	توانمندی فردی	تقویت روحیه پرسش‌گری و نقادی، استقلال مالی
	اوقات فراغت	متنوع بودن، فردی شدن تفریح، به‌صرفه بودن، هرزچرخیدن
	فعالیت‌های فوق برنامه‌ای	افزایش فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، افزایش اطلاعات سیاسی، حس خنثی نبودن، بیان آزادانه عقاید سیاسی، ترغیب به کنش واقعی، تعویق در فعالیت‌ها، کاربرپسند نبودن
	هویت	تشدید تعصبات قومی، افزایش دوستی و ازدواج‌های برون‌قومی، تصحیح پیش‌داوری‌های قومی

در فرآیند تجزیه و تحلیل از بسته نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel استفاده شده است. برای سنجش روایی پرسشنامه نظر استادان راهنما لحاظ گردید. به‌منظور سنجش ضریب پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که بدین‌منظور، ۲۷ پرسشنامه تکمیل شد و اطلاعات در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲. جدول میزان روایی شاخص‌ها و ضرایب

شماره	شاخص‌ها	ضریب آلفا
۱	ارتباطات	۰/۶۵
۲	ارزش‌های علمی و اخلاقی	۰/۸۲
۳	سبک زندگی	۰/۵۳
۴	آموزش	۰/۵۶
۵	فرهنگ سازمانی	۰/۶۷
۶	توانمندی فردی دانشجویان	۰/۳۰
۷	احساس فردی دانشجویان	۰/۹۱
۸	ارتباطات	۰/۶۵

یافته‌های پژوهش

در بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی از جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی افراد پرسیده شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که ۴۷/۱ درصد از نمونه‌های پژوهش مرد و ۵۲/۹ درصد زن بوده‌اند. ۶۹/۴ درصد مجرد و ۳۰/۴۲ درصد متأهل بوده‌اند. میانگین درآمد نمونه‌های پژوهش ۶ و نیم میلیون تومان بوده است. ۴۱ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند و ۳۵ درصد کارشناسی ارشد و ۲۳/۳۷ درصد مربوط به دوره دکتری است. بیشترین درصد فراوانی رشته تحصیلی مربوط به علوم انسانی ۳۶/۵ درصد بوده است و کمترین درصد فراوانی مربوط به رشته کشاورزی ۵/۹ درصد است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مدت‌زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ایمیل اغلب بین ۳ تا ۵ ساعت در شبانه‌روز است. تنها ۵/۷ درصد از دانشگاهیان کمتر از یک‌ساعت در شبانه‌روز از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند. همچنین ۴۷ درصد عنوان کرده‌اند که برای کلاس‌های آنلاین از گوشی استفاده می‌کنند و ۶۷ درصد نیز از لپ‌تاب برای آموزش مجازی استفاده کرده‌اند. یافته‌ها برحسب میزان استفاده از ابزارهای مجازی بیانگر آن است که گوشی تلفن همراه ساعات بیشتری در دسترس دانشگاهیان است و لپ‌تاب نیز رایج است. دانشگاهیان در هنگام اتصال به کلاس‌های آنلاین با مشکلاتی همچون «قطع و وصل شدن اینترنت در حین برگزاری کلاس»، «سرعت پایین اینترنت»، «هزینه اینترنت»، «نبود مکان مناسب برای شرکت در کلاس»، «عدم داشتن امکانات در اتصال به کلاس همچون لپ‌تاب شخصی»، «عدم آشنایی با نرم‌افزارهای آموزش مجازی» و درنهایت «عدم دسترسی به اینترنت در منزل» مواجه بوده‌اند.

به‌منظور شناسایی استفاده از نوع فضای مجازی مورد استفاده دانشگاهیان، به ترتیب بیشترین استفاده شامل واتساپ، اینستاگرام و تلگرام بوده است و کمترین آن سروش، شاد، گوگل پلاس بوده است. توزیع فراوانی پاسخگویان، برحسب میزان استفاده از فضای مجازی در بین دانشگاهیان نشان می‌دهد که ۸۴ درصد از آن‌ها کمتر از یک ساعت از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه تلگرام در بین افراد بیشترین کاربرد داشته است ۴۳/۷ درصد کمتر از یک ساعت در این شبکه مشغول هستند. داده‌های متغیر مستقل مجازی‌شدن در جدول شماره ۳ بیان شده است:

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مجازی‌شدن

ابعاد مجازی‌شدن	میانگین	مد	میانه	انحراف معیار	واریانس
میزان استفاده از فضای مجازی	۳/۸۸	۴	۳	۰/۷۱۹	۰/۹۰۷
میزان مشکلات مربوط به فضای مجازی	۳/۳۱	۳	۳	۰/۷۲۶	۰/۸۳۵
میزان تولید محتوا در فضای مجازی	۳/۲۰	۴	۳	۰/۶۸۳	۰/۶۹۷
میزان علاقه‌مندی به فضای مجازی	۴/۱۱	۴	۴	۰/۹۰۴	۰/۱۷۸

آماره‌های مربوط به متغیر وابسته فرهنگ دانشگاهی و متغیر واسطه ارتباطات به ترتیب در جداول شماره ۴ و ۵ آورده شده است:

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی فرهنگ دانشگاهی

ابعاد مجازی‌شدن	میانگین	مد	میانه	انحراف معیار	واریانس
ارزش‌های علمی و اخلاقی	۳۸۵	۳/۳۱	۴	۳	۰/۷۸۹
آموزش	۳۸۵	۳/۹۱	۴	۴	۰/۵۸۸
فرهنگ سازمانی	۳۸۵	۳/۵۶	۴	۳	۰/۷۰۳
توانمندی فردی دانشجویان	۳۸۵	۳/۲۹	۳	۳	۰/۷۴۲
احساس فردی دانشجویان	۳۸۵	۳/۶۷	۴	۴	۰/۵۳۷
عملکرد تحصیلی	۳۸۵	۴/۰۳	۴	۴	۰/۸۳۲
سبک زندگی	هویت	۳۸۵	۴/۲۲	۴	۰/۳۵۷
	فراغت	۳۸۵	۳/۲۷	۳	۰/۹۳۸
	فوق برنامه	۳۸۵	۲/۹۸	۳	۰/۸۲۷

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی ارتباطات

ابعاد ارتباطات	میانگین	مد	میانه	انحراف معیار	واریانس
ارتباطات اجتماعی	۳۸۵	۴	۴	۴	۰/۹۳
ارتباطات علمی	۳۸۵	۳/۵	۳	۴	۰/۸۲

یافته‌های استنباطی

میانگین متغیرهای «تعامل دانشجویان با اساتید»، «تعامل با هم‌کلاسی‌ها»، «ارتباط با هم‌کلاسی‌های غیرهمجنس»، «مشارکت در بحث‌های کلاسی»، «کار گروهی و تیمی»، «تأثیرگذاری شخصیت استاد بر دانشجو»، «یادگیری حین کلاس درس»، «کیفیت تدریس»، «تمرکز دانشجویان»، «کیفیت برگزاری کلاس‌ها»، «میزان رغبت برای حضور»، «تک‌گویی

استاد در کلاس»، «مهارت استادان برای برگزاری کلاس»، «اعتماد به نتایج آزمون‌های دانشگاهی»، «تقلب دانشجویان» و همچنین «مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه‌ای» در بین آموزش حضوری و آموزش مجازی دارای تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۹ یا ۰/۹۵ بوده‌اند و تنها متغیری که در بین دانشگاهیان فاقد تفاوت معنادار بوده است شامل «تسلط استاد در ارائه درس» بوده است. در جدول زیر اطلاعات هر یک از متغیرها برحسب آموزش حضوری و مجازی بیان شده است.

جدول ۶. مقایسه دانشگاهیان از لحاظ آموزش حضوری و مجازی بر اساس آزمون t

متغیرها	نمونه	میانگین	انحراف از میانگین	درجه آزادی df	Sig سطح معناداری	t
میزان تعامل دانشجویان با اساتید	حضوری	۳/۰۴	۰/۵	۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۹۸
	مجازی	۲/۰۵	۰/۵			
میزان تعامل با همکلاسی‌ها	حضوری	۳/۲	۰/۲۴	۳۸۴	۰/۰۴۱	۰/۵۱
	مجازی	۲/۷	۰/۲۴			
میزان ارتباط با همکلاسی‌های غیرهمجنس	حضوری	۲/۷	۰/۱۲	۳۸۴	۰/۱۳۹	۰/۲۶
	مجازی	۳	۰/۱۲			
میزان مشارکت در بحث‌های کلاسی	حضوری	۳/۰۵	۰/۵۲	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۰۲
	مجازی	۲	۰/۵۲			
میزان کار گروهی و تیمی	حضوری	۳/۲۵	۰/۲۸	۳۸۴	۰/۰۵۲	۰/۵۶
	مجازی	۲/۶۹	۰/۲۸			
میزان تأثیرگذاری شخصیت استاد بر دانشجو	حضوری	۳/۶۳	۰/۴۰	۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۸۱
	مجازی	۲/۸۲	۰/۴۰			
میزان یادگیری حین کلاس	حضوری	۳/۶	۰/۶۷	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۳۵
	مجازی	۲/۳	۰/۶۷			
کیفیت تدریس اساتید	حضوری	۳/۴	۰/۳۲	۳۸۴	۰/۰۲۸	۰/۶۴
	مجازی	۲/۸	۰/۳۲			
تمرکز دانشجویان در کلاس	حضوری	۳/۷	۰/۶۳	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۲۴
	مجازی	۲/۵	۰/۶۳			
کیفیت برگزاری کلاس‌ها	حضوری	۳/۶	۰/۳۶	۳۸۴	۰/۰۰۸	۰/۷۳
	مجازی	۲/۹	۰/۳۶			

متغیرها	نمونه	میانگین	انحراف از میانگین	درجه آزادی df	Sig سطح معناداری	t
میزان رغبت برای حضور در کلاس	حضور	۳/۸	۰/۷۳	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۴۶
	مجازی	۲/۴	۰/۷۳			
تک گویی استاد در کلاس	حضور	۳/۹	۰/۹۶	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۹۳
	مجازی	۲	۰/۹۶			
میزان مهارت استادان برای برگزاری کلاس	حضور	۳/۷	۰/۳۲	۳۸۴	۰/۰۲۸	۰/۶۴
	مجازی	۳/۱	۰/۳۲			
اعتماد به نتایج آزمون‌های دانشگاهی	حضور	۳/۸	۰/۸۸	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۶۸
	مجازی	۲/۱	۰/۸۸			
میزان تقلب دانشجویان	حضور	۳/۹	۰/۸۶	۳۸۴	۰/۰۰۰	۱/۶۶
	مجازی	۲/۲	۰/۸۶			
میزان مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه‌ای دانشگاه	حضور	۳/۴	۰/۲۸	۳۸۴	۰/۰۴۹	۰/۵۶
	مجازی	۲/۹	۰/۲۸			
آمادگی و تسلط استاد در ارائه درس	حضور	۳/۹	۰/۱۶	۳۸۴	۰/۱۳۹	۰/۳۲
	مجازی	۳/۶	۰/۱۶			

برای بررسی توزیع متغیرهای مشاهده شده، متغیرها با آزمون کولموگروف - اسمیرنف سنجش شده است. طبق نتایج آزمون، سطح معناداری (sig) محاسبه شده برای همه شاخص‌ها بزرگتر از ۰/۰۵ است که از نرمال بودن توزیع همه متغیرهای مشاهده حمایت شده است. برای آزمون مدل در صورتی که نرمال باشد از نرمافزار لیزرل و در صورتی که غیرنرمال باشد از نرمافزار اسمارت پی ال اس^۱ استفاده می‌شود. از پیش‌نیازهای استفاده از معادلات ساختاری، بررسی کفایت نمونه مورد بررسی است که برای بررسی این مهم، از آزمون کفایت نمونه‌برداری KMO استفاده شده است، در جدول شماره ۷ آزمون کفایت متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. شاخص KMO بیش از ۰/۷ است که بیانگر کفایت حجم نمونه است؛ بنابراین، میزان نمونه برای استفاده از معادلات ساختاری مناسب است.

جدول ۷. آزمون بارتلت و شاخص KMO برای متغیرهای پژوهش

۰/۹۶۹	آزمون کفایت نمونه‌برداری	
۷۸۹۲/۳۴۷	شاخص کرویت بارتلت	آزمون کرویت بارتلت
۵۶۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

نتایج روایی سازه (تحلیل عامل تأییدی)

برای بررسی روایی ابزار سنجش از بار عاملی استفاده شده است. آماره محاسبه‌شده برای ضریب بار عاملی همه گویه‌ها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است که رابطه هریک از گویه‌ها با سازه‌ها به صورت مثبت پشتیبانی شده است. مقادیر مدل نهایی در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود:

جدول ۸. نتایج رابطه متغیرهای مستقل، میانی و وابسته

روابط مفاهیم با شاخص‌ها	مقدار استاندارد شده	سطح معناداری	مقدار واریانس تبیین شده	سطح معناداری	نتیجه: تأیید یا رد فرضیه
فرضیه اصلی: بین مجازی شدن کلاس درس و ارتباطات دانشگاهی (ارتباط استاد و دانشجو، ارتباط دانشجو و دانشجو) رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه ویژه	۰/۳۵	۴/۶۴	۰/۳۸	$P > ۰/۰۱$	تأیید فرضیه
فرضیه اصلی: بین ارتباطات دانشگاهی (ارتباط استاد و دانشجو، ارتباط دانشجو - دانشجو) و فرهنگ دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه ویژه	۰/۴۳	۶/۲۷	۰/۴۸	$P > ۰/۰۱$	تأیید فرضیه

مقادیر برآورد استاندارد بارهای عاملی که از طریق روش بیشینه درست‌نمایی^۱ محاسبه شده است، این مقادیر که اصطلاحاً لاندا^۲ نامیده می‌شوند؛ به‌منظور برآورد استاندارد نمرات متغیرهای مکنون در تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری^۳ مورد استفاده قرار گرفته و این مقادیر قابل مقایسه هستند. همچنین مقادیر خطای استاندارد برآورد نشان‌دهندهی میزان خطا در برآورد بارهای عاملی است که مقادیر کوچک‌تر

1. Maximum Likelihood Method

2. λ

3. Structural Equation Modeling

(نزدیک به صفر) نشان دهنده برآوردهای دقیقتر و فاصله اطمینان کوچکتر است. مقادیر سطح معناداری که حاصل تقسیم برآورد بار عاملی بر خطای استاندارد است، نشان دهنده معناداری برآورد بار عاملی (تفاوت معنادار بار عاملی با صفر) است. مقادیر سطح معناداری بین $1/96$ - و $1/96$ نشان دهنده عدم وجود اثر معناداری میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر سطح معناداری بین $1/96$ و 3 نشان دهنده اثر معناداری با بیش از 95 درصد اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر سطح معناداری مساوی و بزرگتر از 3 نشان دهنده اثر معناداری با بیش از 99 درصد اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوطه است. بنابراین، همان طور که در ستون سطح معناداری مشاهده می شود، اثر متغیرها بر یکدیگر با بیش از 99 درصد اطمینان مورد تأیید می باشند. در نهایت ستون واریانس تبیین شده نشان دهنده مقدار واریانس تبیین شده روابط بین متغیرهای مکنون است. مقادیر بیشتر تا سقف یک نشان دهنده مناسب بیشتر روابط بین متغیرهای تحقیق است.

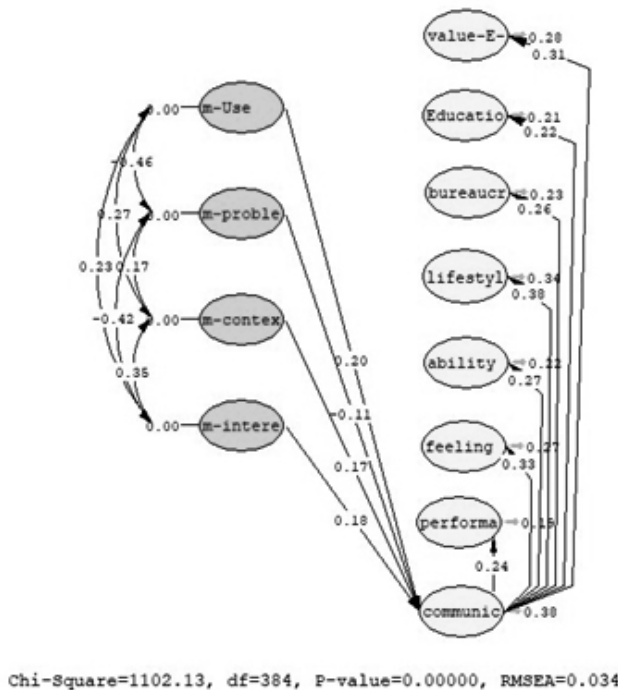
برازش مدل تحقیق

برازش مدل به این معنی است که ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده توسط مدل باید مقادیری نزدیک به هم داشته باشد یا اصطلاحاً برازش داشته باشند. هر چه مقادیر در دو ماتریس به هم نزدیکتر باشند، مدل دارای برازش بیشتری است. در مدلیابی معادلات ساختاری هنگامی می توان به برآوردهای مدل اعتماد کرد که مدل دارای برازش کافی باشد.

جدول ۹. شاخص های برازش مدل نهایی

عنوان شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
NNFI	$0.90 < NNFI$	0.931	تأیید مدل
NFI	$0.90 < NFI$	0.923	تأیید مدل
SRMR	$0.05 > SRMR$	0.012	تأیید مدل
RFI	$0.90 < RFI$	0.951	تأیید مدل
CMIN/df	$3 > CMIN/df$	1.42	تأیید مدل
AGFI	$0.85 < AGFI$	0.901	تأیید مدل
CFI	$0.90 < CFI$	0.907	تأیید مدل
IFI	$0.90 < IFI$	0.90	تأیید مدل

تمامی شاخص‌های برازش به کاررفته نشان می‌دهد که این مدل دارای برازش خوبی است؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که مدل تحقیق دارای توانایی بالایی در اندازه‌گیری متغیرهای اصلی تحقیق دارد. با توجه به استاندارد بودن مدل، یافته‌های لیزرل قابلیت اعتماد را دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مجازی‌شدن با واسطه متغیر ارتباطات و تعاملات بر فرهنگ دانشگاهی تأثیر معناداری داشته است و فرضیه‌های کلی پژوهش نیز تأیید شد.



شکل ۲. مدلیابی معادلات مدل تحقیق

نتیجه تحلیل فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نتایج مدلیابی معادلات ساختاری به شرح زیر است:

فرضیه کلی اول: بین مجازی‌شدن و ارتباطات دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به برآورد استاندارد مجازی‌شدن کلاس‌های درس و ارتباطات دانشگاهی که $0/35$ است و مقادیر $4T/64$ و $R^2 = 0/38$ ، می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ($P > 0/01$)، بین مجازی‌شدن کلاس درس و ارتباطات دانشگاهی (ارتباط استاد-دانشجو، ارتباط دانشجو-دانشجو) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه کلی دوم: بین ارتباطات دانشگاهی و فرهنگ دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه آزمون این فرضیه، با توجه به برآورد استاندارد $0/43$ ، مقادیر $27/T = 6$ و $48/R = 0$ نشان می‌دهد که بین ارتباطات دانشگاهی و فرهنگ دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی اول: بین ارتباطات دانشگاهی و ارزش‌های علمی و اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به برآورد استاندارد ارتباطات دانشگاهی و ارزش‌های علمی و اخلاقی که $31/0$ است و می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و ارزش‌های علمی و اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی دوم: بین ارتباطات دانشگاهی و آموزش رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به برآورد استاندارد $22/0$ می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و آموزش در بین دانشگاهیان شهر تهران رابطه معنادار و قوی وجود دارد.

فرضیه جزئی سوم: بین ارتباطات دانشگاهی و فرهنگ سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به برآورد استاندارد $26/0$ است و مقادیر $77/T = 3$ و $23/R = 0$ ، می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و فرهنگ سازمانی دانشگاهیان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی چهارم: بین ارتباطات دانشگاهی و سبک زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه آزمون این فرضیه، با توجه به برآورد استاندارد $38/0$ ، نشان می‌دهد، در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و سبک زندگی در بین دانشگاهیان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی پنجم: بین ارتباطات دانشگاهی و توانمندی‌های فردی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به برآورد استاندارد ارتباطات دانشگاهی و توانمندی‌های فردی که $27/0$ است، می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و توانمندی‌های فردی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی ششم: بین ارتباطات دانشگاهی و احساس فردی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به برآورد استاندارد ارتباطات دانشگاهی و احساس دانشگاهیان که $0/33$ است، می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ ، بین ارتباطات دانشگاهی و احساس فردی دانشگاهیان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه جزئی هفتم: بین ارتباطات دانشگاهی و عملکرد تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به برآورد استاندارد ارتباطات دانشگاهی و عملکرد تحصیلی که $0/23$ است، می‌توان نتیجه گرفت در سطح معناداری $0/99$ بین ارتباطات دانشگاهی و عملکرد تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و تحلیل

در این پژوهش رابطه مجازی‌شدن و فرهنگ دانشگاهی و ابعاد آن با در نظر گرفتن متغیر میانی تعاملات بررسی شد. ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، دگرگونی بنیادینی را در تعاملات انسانی ایجاد کرده است و این دگرگونی در تعاملات نیز به سایر ابعاد زندگی و فرهنگ دانشگاهی سرایت کرده است. مجازی‌شدن به همراه سه انقلاب ارتباطی که ولمن از آن به عنوان انقلاب سه‌گانه نام برده است، در زندگی بسیاری از ایرانیان از جمله دانشگاهیان وارد شده است. بنابر نتایج به‌دست‌آمده باید گفت، رد پای مفهوم ارتباطات در تمام ابعاد فرهنگ دانشگاهی که در این پژوهش شناسایی شد، به چشم می‌خورد. ارتباطات واسطه‌ای است که بین مجازی‌شدن و ابعاد فرهنگ دانشگاهی میانجی‌گری می‌کند و در حال رفت و برگشت است. نتایج نشان داد که میزان استفاده، میزان تولید محتوا، میزان علاقه‌مندی به فضای مجازی بر ارتباطات دانشگاهی تأثیر معناداری دارند؛ ولی میزان مشکلات فضای مجازی با ارتباطات دانشگاهی رابطه معناداری نداشته است. از این لحاظ می‌توان گفت یافته‌ها همسو با یافته‌های پژوهش جفرسون و آرنولد (۲۰۰۹) است. در اهمیت تأثیر تعاملات، محققان بر این باورند که تعاملات قلب فعالیت‌های آموزشی است و شاخص‌های مرتبط با این موضوع، بسیاری از فعالیت‌های دانشگاهی را به خود اختصاص می‌دهد (ذوالفقاریان، بیدختی و جعفری، ۱۳۹۷). همچنین این پژوهش با نتایج پژوهش نوروزی میدوز و باکل^۱ (۱۹۹۲) همسو است. آنان نشان دادند که بیشتر پژوهشگران از روش‌های غیررسمی ارتباطات برای یافتن داده‌های مورد نظر

خود استفاده می کنند و اظهار داشتند که مشخص ترین تغییرات در روش های غیررسمی ارتباطات دانشگاهیان به وجود آمده است. این تغییرات به دلیل افزایش سریع شبکه های اجتماعی الکترونیکی است که مهم ترین ظرفیت این تغییرات فناورانه در دانشگاه سرعت و افزایش کیفیت ارتباط بین دانشگاهیان است. کاستلز در این باره معتقد است، اینترنت و شبکه های مجازی می تواند موانع درگیری های محلی را از بین ببرد و فرصت هایی جدیدی را برای تعاملات مکان محور فراهم کند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که بین ارتباطات دانشگاهی و آموزش رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی ارتباطات دانشگاهی، باعث می شود، اساتید و دانشجویان به آموزش اهمیت بیشتری بدهند و آموزش را در ارتباطات خود مسئله مند بدانند. افزایش تعاملات مجازی باعث می شود که دانشجویان در کلاس درس حضور و مشارکت بیشتری داشته باشند و اساتید از حالت تک گویی نیز خارج شوند. پژوهشگرانی همچون روست و پرزا فقدان یا کاستی تعاملات مطلوب بین استاد و دانشجو را از عوامل کاهش اثربخشی آموزشی به حساب آورده اند و عنوان می کنند که این فقدان تعامل می تواند به کیفیت آموزش صدمه بزند و آن را پایین آورد.

یکی دیگر از ابعاد فرهنگ دانشگاهی، ارزش های علمی و اخلاقی است؛ یافته ها نشان می دهد؛ بین ارتباطات دانشگاهی و ارزش های علمی و اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد. در واقع، درباره جزئیات مؤلفه های ارتباطات دانشگاهی باید اذعان داشت که هر چه ارتباط علمی بیشتر بوده است، ارزشهای اخلاقی پررنگ تر شده است. ولی در خصوص ارتباط غیر علمی این موضوع صادق نیست. ارتباطات علمی، باعث می شود فرد با ارزشهای دانشگاهی آشنا شود. یافته های پژوهش بیانگر آن است که مجازی شدن ارتباطات، ارزش های علمی و اخلاقی را رایج کرده است که از این لحاظ همسو با یافته های تتیوات و هاف^۱ (۲۰۰۳) است. از سویی نتایج این پژوهش با نظر محققانی همچون دریفوس (۱۹۹۹) ناهمسو است. آنان معتقدند که مزایای اجتماعی مهم دانشگاه در دانشگاه مجازی از بین می رود که این زیانها از نظر آنان قابل پذیرش نیستند. تان^۲ (۱۹۹۹) نیز بحث می کند که تعاملات مجازی نمی تواند جایگزین ارتباطات رودر رو که هسته اصلی برنامه های آموزشی محسوب می شود، باشد. وی تأکید می کند که به ویژه انتقال ارزش های علمی و حرفه ای، نمی تواند بدون تعاملات

1. Rost & Perez
2. Tetiwat & Huff
3. Bernard Tan

رودرو و با به کارگیری پیشرفته‌ترین فناوری‌ها تحقق پیدا کند (Tan, 1999: 20). همچنین بین ارتباطات دانشگاهی و فرهنگ سازمانی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچقدر تعاملات مجازی گسترش پیدا کند؛ فرهنگ اداری دانشگاه نیز تقویت می‌شود. به عبارتی سوره‌های دانشگاهی در کلاس‌های حضوری تحت سیستم سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک قرار داشتند؛ ولی با ورود بیماری کرونا، فرایندهای اداری دانشگاه به مجازی تغییر یافت؛ و در نتیجه کاغذبازی و روندهای اداری دانشگاه گاهی تسهیل می‌شود. یافته‌های این بخش نظر دفت (۱۳۷۹) را تأیید می‌کند. وی معتقد است؛ فناوری‌های اطلاعاتی بر ساختار سازمانی آثار زیادی دارد؛ سطوح سازمانی را کاهش می‌دهد و از حجم آن می‌کاهد.

نتایج نشان داد که بین ارتباطات مجازی و سبک زندگی که خود دربرگیرنده شاخص‌هایی همچون هویت، اوقات فراغت و فعالیت‌های فوق برنامه‌ای دانشجویی است؛ رابطه معناداری وجود دارد. به این معنی تعاملات مجازی دانشگاهی باعث می‌شود؛ افراد دوستان زیادی در محیط دانشگاه بیابند، بیشتر وقت خود را در کلاس‌های غیردانشگاهی مثل هنر، زبان و ... یا در فعالیت فوق برنامه‌ای دانشگاه همچون اتحادیه‌ها، نشریات و انجمن اسلامی بگذرانند. فناوری‌های رسانه‌ای، شکل‌های جدیدی از ارتباطات را به وجود آورده‌اند که خود سبک‌های جدید از زندگی را در بین دانشگاهیان به وجود آورده است. ذکائی (۱۳۸۶) معتقد است که ارتباطات مجازی می‌تواند زمینه شکل‌گیری عادت‌واره‌های جدیدی را فراهم سازد. با توجه به نتایج تحقیق، باید گفت مجازی شدن از طریق تأثیر بر ارتباطات و تعاملات بر «هویت دانشگاهیان» تأثیر معناداری داشته است. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های صباغیان (۱۳۹۰) و ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۲) نیز همسو است، در این مورد باید گفت، مجازی شدن شیوه تعامل انسان‌ها، دسترسی به اطلاعات و توسعه روابط را تسهیل کرده است و به موازات این تحول از وضعیت آفلاین به وضعیت آنلاین، مفهومی چون هویت نیز دگرگون شده است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی، اوقات فراغت محسوب می‌شود؛ این بعد از سبک زندگی از این تأثیرات نیز مستثنا نیست. دانشجویان بخش زیادی از اوقات فراغت خود را در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌گذرانند و اوقات فراغت خود را با توجه به ارتباطات در این شبکه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. در این پژوهش مجازی شدن از طریق گسترش تعاملات و ارتباطات باعث شده است اوقات فراغت دانشگاهیان نیز افزایش پیدا کند. یافته‌های پژوهش نظریات ولمن (۲۰۰۱) را تأیید می‌کند. ولمن

معتقد است تعاملات مجازی نسبت تعامل را از تعامل‌های مبتنی بر انتسابی به سمت تعاملات مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی در طول زندگی نظیر سبک‌های زندگی، هنجارهای مشترک و علائق داوطلبانه سوق می‌دهد و این تعاملات می‌تواند تأثیرات زیادی بر سبک زندگی و به‌ویژه اوقات فراغت داشته باشد.

بین ارتباطات دانشگاهی و توانمندی‌های فردی رابطه معناداری وجود داشت؛ یعنی هر چه قدر ارتباطات افراد قوی‌تر شود، توانمندی‌های فردی در آنان از جمله مهارت‌های تعاملی و قدرت انتخاب در آنان افزایش پیدا می‌کند. البته باید عنوان نمود که ارتباط خود نوعی توانمندی است. افرادی که در ارتباطات دانشگاهی قوی هستند دارای مهارت‌های ارتباطی خاصی نیز هستند و هر قدر این ارتباطات بیشتر باشد؛ بر دامنه توانایی و خودکارآمدی آنان نیز افزوده می‌شود. باید گفت، یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های تعاملی دانشگاه معطوف به تعاملات اساتید و دانشجویان و در نتیجه ارتقای شایستگی‌ها و توانمندی‌های دانشجویان است. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهشی پفر (۲۰۱۱) و رمپایا و سوپراک^۱ (۲۰۱۱) است. پژوهش رمپایا و سوپراک (۲۰۱۱) نشان داد که کیفیت و میزان تعاملات دانشگاهی یکی از عوامل مهم در موفقیت دانشجویان و کسب شایستگی‌های و مهارت‌های لازم در آنان است.

نتایج نشان داد که بین ارتباطات دانشگاهی و احساس فردی رابطه معناداری وجود دارد. این به این معنی است که میزان تعاملات بر احساسات فردی، همچون عدم احساس تنهایی در دانشجویان تأثیرات مثبت دارد. این یافته نظریات کاستلز (۲۰۰۴) و رینی و ولمن (۲۰۱۲) را در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر دوری از انزوا تأیید می‌کند. آنان معتقدند که به جای اینکه اینترنت و تلفن همراه مردم را از ارتباطات رودرو دور کند، استفاده گسترده از اینترنت همراه با رشد شبکه‌های گسترده و متنوع است و این محیط‌های اجتماعی در حال تغییر به مردم این توانایی را داده که از روابط «دور» استفاده بیشتری کنند.

بین ارتباطات دانشگاهی و عملکرد تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود دارد. افراد در صورتی که دارای سطح بالاتری از تعاملات علمی در سطح دانشگاه باشند، عملکرد تحصیلی بالاتری نیز خواهند داشت. البته این رابطه تنها در حوزه ارتباطات علمی دانشگاهیان معنادار شده است؛ در مقابل ارتباطات اجتماعی با عملکرد تحصیلی معنادار نشده است؛ بنابراین نوع ارتباط، تعیین کننده عملکرد تحصیلی است. اگر ارتباطات دانشی و علمی باشد، باعث بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود؛ ولی اگر ارتباط اجتماعی

و غیر علمی باشد؛ تأثیری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان ندارد. یافته‌های این پژوهش نظریات کاستلز (۲۰۰۴) را تأیید می‌کند. کاستلز معتقد است فرهنگ کلی یادگیری با استفاده از فناوری‌های مجازی در حال تغییر است که همین امر منجر به تغییر مدل‌های فرهنگ پدرسالاری شده است.

منابع و مآخذ

- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۹۲). تاملی بر نسبت میان فناوری‌های اطلاعاتی با تغییرات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۶ (۴)، ۱۰۶-۸۳. doi: 10.7508/ijcr.2013.24.004
- اصغری، فیروزه (۱۴۰۰). واکاوی فرهنگ دانشگاهی در موسسات آموزش عالی ایران براساس نظریه داده بنیاد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. سال سیزدهم، ۱۳ (۴)، ۱۱۷-۸۵. doi: 10.22035/jicr.2021.2494.2926
- باستانی، سوسن؛ خانیکی، هادی؛ ارکان زاده یزدی، سعید (۱۳۹۹). نظام رسانه‌ای ایران: جانشینی ناکامل رسانه‌های نوین و از جادر رفتگی شبکه رسانه‌ها. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۱ (۴۹)، ۳۱-۷. doi: 10.22083/jccs.2019.126933.2401
- ذاکر صالحی، غلامرضا؛ نظریان، زهرا (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱ (۳)، ۶۹-۳۳.
- ذوالفقاریان، مهسا؛ امین بیدختی، علی اکبر؛ جعفری، سکینه (۱۳۹۷). رابطه ساختاری تعامل استاد و دانشجو و روش تدریس فعال اساتید با توسعه شایستگی‌های دانشجویان با میانجی‌گری کسب دانش. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۲ (۴۰)، ۲۰۴-۱۸۱. doi: 10.22034/jiera.2018.65182
- صباغیان، علی (۱۳۹۰). هویت در فضای مجازی، در کتاب فضای مجازی: ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی (زیر نظر یونس شکرخواه). تهران: دانشگاه تهران.
- عرفان منش، ایمان (۱۴۰۰). روابط قدرت در تعاملات استاد- دانشجو در بافتار کلاس‌های مجازی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲ (۱)، ۲۶۸-۲۳۹. doi: 10.22059/ijsp.2021.84972
- عزیزی، فرید؛ محمدی بلبان آباد، زبیر؛ باقری، حسین (۱۴۰۰). جستاری بر تجربه‌های زیسته‌ی استادان و دانشجویان در کلاس‌های مجازی در دوره کرونا؛ مطالعه موردی دانشگاه کردستان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۴ (۳)، ۱۴۹-۱۱۹. doi: 10.22035/jicr.2022.2819.3192
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا. انسان‌شناسی، ۲ (۳)، ۱۳۲-۹۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). فرهنگ و دانشگاه. تهران: ثالث.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشر نی.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۹). جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- همتی، رضا؛ اصلانی، شهناز (۱۳۹۴). عوامل مؤثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تأکید بر نقش اینترنت. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱ (۳)، ۱۴۹-۱۲۱.

- Al-Rahmi, W., & Othman, M. (2013). The impact of social media use on academic performance among university students: A pilot study. *Journal of information systems research and innovation*. 4 (12), 1-10.
- Amir, L. R., Tanti, I., Maharani, D. A., Wimardhani, Y. S., Julia, V., Sulijaya, B., & Puspitawati, R. (2020). Student perspective of classroom and distance learning during COVID-19 pandemic in the undergraduate dental study program Universitas Indonesia. *BMC medical education*, 20(1), 1-8.
- Brey, P. (2003). Ethical issues for the virtual university. Rep. cEVU Proj.(EuroPACE/European Comm. To Appear online www.cevu.org, pp. 1-25.
- Bragg, A. K. (1976). The Socialization Process in Higher Education. ERIC/Higher Education Research Report No. 7.
- Brick, J., Herke, M., & Wong, D. (2020). Academic culture: A student's guide to studying at university. South Yarra, Vic: Bloomsbury Publishing.
- Castells, M. (2004). The network society: A cross-cultural perspective. University of Southern California, Los Angeles, US: Edward Elgar Publishing.
- Dreyfus, H. L. (2013). On the internet. London: Routledge.
- Gamson, Z. F. (1966). Utilitarian and normative orientations toward education. *Sociology of education*, 46-73. doi:10.2307/2111823
- Goode, J. (2010). The digital identity divide: how technology knowledge impacts college students. *New media & society* 497-513 ,(3)12 .. doi:10.1177/1461444809343
- González-Nieto, N. A., García-Hernández, C., & Espinosa-Meneses, M. (2021). School culture and digital technologies: Educational practices at universities within the context of the covid-19 pandemic. *Future Internet* 246 ,(10)13 .. doi.org/10.3390/fi13100246
- Henderson, M., Selwyn, N., & Aston, R. (2017). What works and why? Student perceptions of 'useful' digital technology in university teaching and learning. *Studies in higher education*. 42(8), 1567-1579. Doi:10.1080/03075079.2015.1007946
- Jefferson, R. N., & Arnold, L. W. (2009). Effects of Virtual Education on Academic Culture: Perceived Advantages and Disadvantages. *Online Submission* 61-66 ,(3)6 ..
- Mesch, GS. (2015). New Media and Social Capital. *Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Pages 782-786.
- Meadows, A.J. nd buckle.(1992). Changing communication activities in the birth scientific community .*Journal of documentation*. 48(3):276-290. Doi:10.1108/eb026898
- Mulkay, M. J. (1976). Norms and ideology in science. *Social science information* 637-656 ,(4-5)15 ..
- Pfeffer, T. (2011). Virtualization of universities: Digital media and the organization of higher education institutions. Vienna: Springer Science & Business Media.
- Rampai, N., & Sopeerak, S. (2011). The Development Model of Knowledge Management via Web-Based Learning to Enhance Pre-Service Teacher's Competency. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET* 249-254 ,(3)10 ..

- Selwyn, N. (2014). Digital technology and the contemporary university: Degrees of digitization. London: Routledge.
- Shen, X., & Tian, X. (2012). Academic Culture and Campus Culture of Universities. Higher education studies 61-65, (2)2 .. Doi:10.5539/hes.v2n2p61.
- Sułkowski, Ł., Seliga, R., & Woźniak, A. (2017). Quality culture in Polish higher education institutions: multi-paradigmatic perspective. Frankfurt am Main : Peter Lang.
- Sulkowski, L., Wozniak, A., & Seliga, R. (2019). Organizational identity of university in merger process. Economic and Social Development. 756-762. <https://www.researchgate.net/profile/Elshan>.
- Stroińska, E., & Trippner-Hrabi, J. Virtualization of academic teachers work. In ICoM 2018 8th International conference on management (p. 591). <https://www.researchgate.net/profile/Gabor>
- Travis, J. E., & Price, K. F. (2005). Instructional culture and distance learning. Journal of Faculty Development, 20(2), 99-104.
- Van Dusen, G. C. (1997). The Virtual Campus: Technology and Reform in Higher Education. Washington, DC: The George Washington University.

Analyzing the Element of Tone in the Single-Verse Short Short stories of the Qur'an

Maryam hezarkhani, PhD student of Quran and Hadith Sciences, Tehran Campus, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
Email: hezarkhanimaryam@iran.ir

Abbas Ashrafi, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: ashrafi@atu.ac.ir

Abstract

Tone is one of the elements of the story that increases the power of conveying concepts and feelings and makes the implied meanings of words better understood. The tone, color or emotional meaning of the literary work is induced by the speaker to the audience and is made from the combination of words used by the speaker. This element helps to create the atmosphere of the story through the expression of words and sentences and affects the mind of the audience. The following article deals with the factors of creating tone, change and variety of tone and its importance and role in single-verse short short stories of the Qur'an with a descriptive-analytical method. In terms of content, the general tone of Quranic short short stories is educational-preaching, but there are many minor tones such as surprising, humiliating, regretful, supplicating, warning, argumentative, persuasive, evangelizing, insisting, regretful tone in these short short stories. It is also seen. Among the linguistic elements, the process of choosing words and combining sentences, weights and syllables form the most important effective factors in creating the tone of short short stories. The expression of tone in short short stories is not explicit, and through the element of tone, short short stories, in addition to writing stories and embellishing words, seek to criticize some ideas, behaviors and encourage them to achieve their goals, which in most cases have a didactic tone. It appears throughout the short short stories.

Keywords

Tone, Single Verse Short Short Stories, Preachy Tone, Didactic Tone.

تحلیل عنصر لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن

مریم هزارخوانی^۱، عباس اشرفی^۲

چکیده

لحن یکی از عناصر داستان است که قدرت انتقال مفاهیم و احساسات را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود تا معانی ضمنی کلام بهتر فهمیده شود. لحن، رنگ یا معنای احساسی اثر ادبی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود و از نوع ترکیب واژگانی که گوینده به کار می‌برد، ساخته می‌شود. این عنصر به وسیله نوع بیان واژه‌ها و جمله‌ها به فضا سازی داستان کمک می‌کند و در ذهن مخاطب تأثیر می‌گذارد. مقاله پیش‌رو به عوامل ایجاد لحن، تغییر و تنوع لحن و اهمیت و نقش آن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن با شیوه توصیفی - تحلیلی می‌پردازد. از نظر محتوایی لحن کلی داستانک‌های قرآنی، تعلیمی - واعظانه است اما لحن‌های جزئی فراوانی چون لحن متعجبانه، تحقیرآمیز، نادمانه، دعایی و ملتمسانه، هشداردهنده، استدلالی، ترغیبی، بشارت‌آمیز، مصرانه، تأسف‌آمیز در این داستانک‌ها نیز دیده می‌شود. از میان عناصر زبانی، فرایند انتخاب واژگان و ترکیب جملات، اوزان و هجاها مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد لحن داستانک‌ها را شکل می‌دهد. بیان لحن در داستانک‌ها به شکل غیرصریح است و داستانک‌ها از طریق عنصر لحن، علاوه بر نوشتن داستان و زینت و آراستن کلام، به دنبال انتقاد از برخی عقاید، رفتارها و ترغیب به اهداف خود می‌باشد که در اغلب لحن تعلیمی در سرتاسر داستانک‌ها نمود دارد.

واژگان کلیدی

لحن، داستانک‌های تک‌آیه‌ای، لحن واعظانه، لحن تعلیمی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hezarkhanimaryam@iran.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Ashrafi@atu.ac.ir

مقدمه

داستان یکی از ابزارهای هدایتی قرآن و تشکیل دهنده حدود یک چهارم از آیات شریفه آن است. در این میان داستانک‌ها به جهت حجم بسیار کوتاه آن یکی از روش‌های فوق‌العاده برای القای غیرمستقیم پیام‌های قرآنی است. لحن که به عبارتی رنگ‌آمیزی عاطفی کلام است؛ در ادبیات داستانی از عناصر مهم محسوب می‌شود که بر محتوا و همه عناصر دیگر داستان اثر می‌گذارد همچنین عامل مؤثر بر میزان کشش و جذابیت روایی محسوب می‌شود؛ و یکی از مؤلفه‌های برقراری ارتباط با مخاطب در کلام است. تأثیر لحن تا آنجاست که سخن گوینده‌ای ممکن است درست نباشد اما لحن بیان او حس خوشایندی را به شنونده منتقل کند و موجب شود که شنونده با گوینده همراهی کند و برعکس، محتوای سخن فردی ممکن است درست باشد اما شنونده احساس ناخوشایندی از آن داشته باشد و نسبت به لحن او واکنشی منفی نشان دهد. همچنین لحن سرخ مهمی برای کمک به خواننده در کشف مضمون و مفهوم اثر ادبی است؛ و حتی سبب شناخت و تعیین نوع ادبی یک اثر می‌شود. چون حالت روانی گوینده در لحن سخن منعکس می‌گردد و عواطف و هیجانات او در لحن سخن نمودار می‌گردد. لحن، «سلوک شاعر است برای توصیف و برجسته‌نمایی موضوع و حس و حالی که توسط همه عناصر در شعر آفریده شده است» (ارشدنژاد، ۱۳۷۷: ۷۵). اهمیت لحن در دریافت معانی باطنی تا آنجاست که وین سی. بوث به جای لحن عنوان «مؤلف مستتر» را برمی‌گزیند و معتقد است: «مؤلف که ارزش‌ها، باورها و بینش اخلاقی‌اش در سرتاسر اثر همانند عوامل مسلط عمل می‌کنند، خواننده را وادار می‌کند که به آن تأیید ذهنی بلندنظرانه که شعر یا رمان بدون آن فقط بازی با کلمات پیچیده بود، تن دهد» (ابرمز، ۱۳۸۷: ۲۶۷). عدم درک صحیح لحن یک نویسنده ممکن است خواننده را در درک ساختار آن و برقرار کردن رابطه بین اجزای داستان گمراه کند از این رو توفیق گوینده زمانی حاصل می‌شود که بتواند لحن مناسب هر موضوع را بدون اینکه به تصنع و تکلف بینجامد با آن همراه کند. بر همین مبنا مقاله پیش‌رو تلاشی است در راستای شناسایی لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن که از جنبه‌های مختلف به بررسی آن می‌پردازد؛ شناخت این عنصر می‌تواند میزان تأثیرگذاری استحکام روایی داستانک‌های قرآنی را بیشتر نشان دهد و مسئله مهم‌تر این است که شناخت عنصر لحن در آثار تعلیمی و روایی، به سبب هدف غایی آثار تعلیمی که همان تأثیرگذاری اخلاقی بر مخاطب است بسیار حساس‌تر است. این مقاله درصدد است که به این پرسش پاسخ دهد که: انواع لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن کدامند؟ و کدام لحن‌ها بیشترین بسامد تکرار را در داستانک‌های تک‌آیه‌ای به خود اختصاص داده‌اند؟

پیشینه پژوهش

علت انتخاب بررسی لحن با محوریت‌های داستانک‌های تک‌آیه‌ای آن است که جای خالی پژوهش‌هایی که به بررسی ظرفیت‌های هنری داستانک‌های قرآنی بپردازد در بین پژوهش‌ها خالی است؛ اهمیت پرداختن به این جنبه مغفول از آن‌رو است که داستانک‌های قرآنی از آن‌جا که در قالب یک یا چند آیه و به‌صورت بسیار موجز مفاهیم بلند معنوی و دینی را در چند سطر به ساده‌ترین شکل بیان می‌کنند، یکی از بهترین روش‌ها برای انتقال سریع پیام‌های قرآنی است؛ لذا لازم است بدان پرداخته شود. در حیطه داستان و امثال قرآنی پژوهش‌های ارزشمند فراوانی به رشته تحریر درآمده است؛ اما این پژوهش‌ها به مطالعه محتوایی داستان‌ها پرداخته‌اند در این پژوهش، مطالعه از حیث روش ارائه داستان‌های فوق‌العاده موجز است و می‌توان گفت هیچ اثری با نگاه بررسی لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن به‌طور مستقل نگاشته نشده است.

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است؛ شامل تحلیل کیفی و کمی می باشد. جامعه آماری آیات قرآن و روش نمونه گیری سراسر شماری است که تمام داستان های تک آیه ای قرآن را شامل می شود. در بررسی های به عمل آمده داستانک های تک آیه ای قرآن تعداد ۶ داستانک احصاء شده که به شرح زیر می باشند:

[illegible]

۱. آیا به کسانی که از ترس مرگ از خانه‌های خود در حالی که هزاران نفر بودند، بیرون آمدند [با دیدۀ عبرت] ننگرستی؟ یا پس خدا به آنان فرمود: بمیرید [و آنان بدون فاصله مردند] سپس آنان را زنده کرد [تا بداند رهایی از جنگ مرگ ممکن نیست]. خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سیاست نمی‌گزارند (بقره / ۲۴۳).

آ. ۲. [با دیدۀ عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می کند و می میراند [او] گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. [و برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کنند، یکی را آزاد و دیگری را کشت.] ابراهیم [برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن] گفت: مسلماً خدا خوششید را از مشرق بیرون می آورد، تو آن را از مغرب برآورد! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبهوت شد: و خدا گره ستم گرا [به خاطر تجاوز، ستم، افشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی کند (بقره/۲۵۸).

ردیف	عنوان داستان	آیه
۳	عزیر نبی ونشان دادن معاد	«أَوَكَلَّيْتُ مَرْ عَلَى قُوَيْةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِئُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
۴	نشان دادن معاد به ابراهيم	«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تَأْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَا كُنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»
۵	یار غار پیامبر	«لَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَآيَدَهُ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»
۶	ملک سلیمان	«وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُكٍ سَلِيمٍ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمٌ وَ لَكِنَ السَّيِّطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَ مَا أَنزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَرُوتَ وَ مَرُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

۱. یا چون آن کسی که به همدکهای گذر کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود [و اجساد ساکنانش پویسیده و متلاشی به نظر می آمد] گفت: خدا چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خدا او را صد سال میراند، سپس وی را برانگیخت، به او افزود: چه مقدار [در این منطقه] درنگ کرده ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کردم. [خدا] فرمود: بلکه صد سال درنگ کرده ای؛ به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر که [پس از گذشت صد سال و رفت و آمد فصول چهارگانه] تغییری نکرده و به دراز گوش خود نظر کن [که جسمش متلاشی شده، ما تو را زنده کردیم تا به پاسخ پرستش برسی و به واقع شدن این حقیقت مطمئن شوی] و تا تو را نشانه ای [از قدرت و ربوبیت خود] برای مردم [در مورد زنده شدن مردگان] قرار دهیم، اکنون به استخوانها [ی دراز گوشت] بنگر که چگونه آنها را برمی داریم و به هم پیوند می دهیم، سپس بر آنها گوشت می پوشانیم. چون [کیفیت زنده شدن مردگان] بر او روشن شد، گفت: اکنون می دانم که یقیناً خدا بر هر کاری تواناست (بقره / ۲۵۹).

۲. [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگار! ما به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟ [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قایلم آرامش یابد. [خدا] فرمود: پس چهار پرده بگیر و آنها را [برای دقت در آفرینش هر یک] به خود نزدیک کن و [بعد از کشتن، ریز ریز کردن و مخلوط کردنشان به هم] بر هر کوهی [در این منطقه] بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که شتابان به سوی می‌آیند؛ و بدان که بقیه‌آنها تا آن‌ای شکست ناپذیر و حکیم است (بقره / ۲۶۰).

۳. اگر پیامبر را یاری ندهی، یقیناً خدا او را یاری می دهد؛ چنان که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار [ثور نزدیک مکه] بودند، همان زمانی که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده خدا با ما است. پس خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبر نازل کرد و او را با لشکریانی که شما ندیدید، نیرومند ساخت و شعار کافران را یست تر قرار داد و شعار خداست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است (توبه / ۴۰).

۴. و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند: و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می‌آموختند، کافر شدند؛ و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند] و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند: ما فقط مایه آزمایسیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می‌دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو؛ اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می‌آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌انداختند: در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به اذن خدا قدرت آسیب رساندن به کسی را نداشتند و همواره چیزی را می‌آموختند که به آنان آسیب می‌رسانید و سودی نمی‌بخشید؛ و یقیناً [یهود] می‌دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهاری ندارد و همانا بدجیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می‌داشتند (بقره/ ۱۰۲).

تعریف لحن

لحن در لغت به معنی آواز، آواز خوش و موزون یا آهنگ و صوت است و در اصطلاح موسیقی «اجتماع اصواتی مطبوع را که با زیروبمی خاص و ترتیبی معین در پی یکدیگر قرار گرفته باشند، لحن گویند» (ملاح، ۱۳۶۳: ۱۸۴). لحن در ادبیات داستانی فارسی عنصری تازه است که از زمان دهخدا مورد توجه قرار گرفت و وارد عرصه داستان‌نویسی شد. «دهخدا با اینکه قصد داستان‌نویسی نداشت در نوشته‌های خود به مسأله لحن توجه دقیق نشان داد؛ یعنی پیش از او هر فرد ایرانی به هر طبقه‌ای که تعلق داشت در قصه و نوشته روایی به همان زبان نویسنده قصه، سخن می‌گفت، اما دهخدا در چرند و پرند می‌کوشید به هر فرد لحن خاص او را ببخشد.» (شفیعی، ۱۳۷۸: ۸۳-۸۲). همچنین در کتاب‌های لغت برای آن، این معانی نقل شده است: میل و انحراف، خطا و اشتباه در گفتار، صوت موزون و زیبا، هوشمندی و زیرکی، نجوا و مراد سخن و قولی که معنایش بر فرد روشن و بر دیگران مخفی باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۳۹۷، طریحی، ۱۳۷۵: ۳۷۰، ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۲۴۱، زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۶۱). معنای لحن در ادبیات داستانی؛ یعنی حالت، نوع، طرز بیان واژه‌ها و جمله‌ها، چه از جانب شخصیت و چه از سوی راوی (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۵۹). این واژه در اصطلاح ادبی معادل واژه انگلیسی «Tone» است و در اصطلاح عبارت است از موضع فکری گوینده و دیدگاه و طرز تلقی او درباره موضوع یا خوانندگان و به عبارتی، لحن شاعر، صدای پنهان «من هنری» اوست که تابع موضع‌گیری‌ها و جانبداری‌ها و مقاصد عاطفی و ایدئولوژیک است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۷۷). آی ای ریچاردز لحن را چنین تعریف کرده است: «حالتی که در یک متن ادبی، نظرش را برای شنونده بیان می‌کند. لحن سخن او احساسش را نسبت به مخاطبش بیان می‌کند» (ایبرمز، ۱۳۸۷: ۲۶۵). رابرت اسکولز لحن را یکی از دو طریقی می‌داند که نویسنده با قریحه (هوش هنری) به مدد زبان در آن عمل می‌کند. او در تعریف لحن می‌نویسد: «نحوه القای حرف‌های ناگفته از طریق زبان و...» (اسکولز، ۱۳۸۷: ۲۹). او همچنین نحوه بیان (لحن) را به دو بخش مرتبط با هم تقسیم می‌کند. یکی آنچه مربوط است به سرشت ناقل در هر داستان معین و دیگری آنچه به زبان او مربوط می‌شود (اسکولز، ۱۳۸۷: ۲۸). تزوتان تئودوروف، لحن را یکی از مقوله‌های اساسی داستان می‌داند. او به دو دید درونی و بیرونی معتقد است. «درونی‌ترین دید، دیدی است که تمامی اندیشه‌های شخصیت را به ما بنمایاند» (تئودوروف، ۱۳۸۲: ۶۶). لارنس پرین لحن را به عنوان طرز تلقی گوینده یا نویسنده از موضوع و خوانندگان یا شنندگان تعریف می‌کند و بر این عقیده است

که لحن، رنگ یا معنای احساسی اثر ادبی است که بخش عمده از معنای کامل آن را تشکیل می‌دهد (پراین، ۱۳۷۶: ۸۷). به طور کلی تعریف عنصر لحن از یکسو و وسعت شمول آن از سوی دیگر باعث می‌شود که بررسی آن در متون روایی بسیار مشکل باشد؛ اما اغلب منتقدان بر سر تعریف ذیل اتفاق نظر نسبی دارند: «لحن حالتی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود و از نوع ترکیب واژگانی که گوینده به کار می‌برد، ساخته می‌شود» (گری، ۱۳۸۲: ۳۳۱). بر اساس این تعریف، لحن با احساس نویسنده و مخاطب ارتباط مستقیم دارد و قطعاً بررسی آن می‌تواند احساس ناب نویسنده و در نتیجه نگاه کلی او نسبت به جهان و موضوعات پیرامونش را نشان دهد.

۳. عوامل ایجاد لحن

در زبان گفتار، بخش وسیعی از معانی مورد نظر گوینده از راه درنگ و آهنگ کلام منتقل می‌شود؛ اما این درنگ و آهنگ در نوشتار و متن ادبی به کلی از بین می‌رود. از منظر لحن در گفتار «آنچه گفته می‌شود» اهمیتی ندارد، بلکه شیوه بیان، یعنی آهنگ جمله‌ها و مواضع درنگ و تکیه و تأکید بر واژه‌ها که کجا، کی و چگونه ادا می‌شوند، اهمیت می‌یابد. در متون مکتوب ادبی، لحن نویسنده از رهگذر شگردهایی همچون واژه‌گزینی، تصویرسازی، کاربردهای آوایی ساختار جمله و استفاده از کنایه و طنز و امثال آن قابل شناسایی است (تئودوروف، ۱۳۸۲: ۷۶). همچنین کلماتی که نویسنده انتخاب می‌کند، «به همان اندازه که بیانگر جنبه‌های تصویری و استدلالی هستند، ممکن است بازگوکننده حسی یا حالتی یا حال و هوایی باشند» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۵۲۳). گاه نویسنده در نوشتار خود برای بیان لحن به‌طور صریح آن را ذکر می‌کند مانند: «با لحنی غرورآمیز گفت» این اقدام مؤلف پسندیده نیست و می‌توان گفت در مواردی نشانه ضعف او نیز هست. «نویسندگان و گویندگان زبردست لحن شخصیت‌های داستان را با پدید آوردن زمینه‌های مناسب، با تصویر کردن حالات عینی شخصیت و از همه مهم‌تر با گزینش کلمات و درک نقش‌مندی آوای ذهنی این کلمات که هنرمندانه و به‌جا جاندار شده‌اند ایجاد می‌کنند» (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۶). عناصر گوناگونی در شکل‌گیری لحن مؤثرند که از طریق ردیابی آن‌ها می‌توان به نوع لحن کلام افراد پی‌برد؛ ایبرمز می‌گوید: «نشانه‌های ظریفی که در سیاق سخن وجود دارند، دریافت و نظرم‌ان را در خصوص چیزهایی که درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم نشان می‌دهد» (ایبرمز، ۱۳۸۷: ۲۶۶). از آنجاکه لحن با همه عناصر سبکی سروکار دارد، باید گفت تقریباً همه عناصر متن در ایجاد لحن دخیلند، بنابراین برای ایجاد و یا دریافت لحن متن، معنی اصلی و

ضمنی واژه‌ها، عبارت‌های برجسته، ساختمان جمله‌ها تصاویر توصیفی کمک می‌کنند. اهم عوامل دخیل در ایجاد لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای به شرح زیر است:

۱-۳. **واژه‌ها و عبارات:** الفاظ، به خودی خود دارای جایگاهی در نظام ارزش‌ها هستند و کاربرد و پیام‌رسانی آن‌ها، بر اساس همین نظام شناختی، کارکردی غیرمستقیم و ضمنی دارد؛ واژه‌ها علاوه بر اینکه ابزار عینی کردن مفاهیم هستند، در نمایش حس و حالت و ایجاد لحن مؤثر هستند؛ و اساساً می‌توان گفت از ابزار شکل دادن به لحن است و چگونگی ترکیب و تألیف آن در کلام بسیار اهمیت دارد؛ زیرا نویسنده از طریق ساختمان جمله می‌تواند لحن خاصی به وجود بیاورد و از طریق آن، مقصود موردنظر خود را به خواننده منتقل کند. «لحن یعنی اینکه نویسنده حضور مستقیم خود را از نثر بیرون بکشد و با اختیار کردن لحن مناسب با فضا و موقعیت و شخصیت و موضوع داستان، به نثری تصویری دست یابد. در این حالات لحن نویسنده، متناسب با آنچه داستان می‌طلبد، می‌تواند شجاعانه، صمیمانه، محبت‌آمیز و... باشد» (فتاحی، ۱۳۸۶: ۲۲۴). در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن نوع به کارگیری واژه‌ها و نحوه چینش کلمات در کنار هم بیشترین نقش را در ایجاد لحن ایفا می‌کند نویسنده با به کارگیری گروهی از واژگان خاص، حس مثبتی نسبت به مضامین اخلاقی- اعتقادی ایجاد می‌کند. همچنین با به کارگیری گروهی از واژگان دیگر حسی منفی نسبت به مواردی که می‌خواهد دیگران را از آن‌ها منع کند ایجاد می‌کند. برای مثال اینکه شروع داستانک همراه با خطاب سؤالی باشد خود این انتخاب واژه می‌تواند ما را به این موضوع دلالت دهد که لحن سخن، لحنی قاطع است و موضوع صحبت در خصوص مسائل اعتقادی و اخلاقی است چراکه این شیوه بیان در این مسائل بیشتر کارکرد دارد به‌طور مثال در داستانک محاجه ابراهیم (ع) شروع داستان با یک سؤال است «أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ...» (آیا ندیدی کسی را که با ابراهیم (ع) بر سر پروردگارش محاجه کرد؟) همان‌طور که مشاهده می‌شود داستانک با یک سؤال آغاز شده و در ادامه مبحث اعتقادی توحید مطرح می‌شود؛ انتخاب شروع با جمله خبری اغلب زمانی رخ می‌دهد که داستانک از حقیقتی یا حکمی حکایت می‌کند. برای مثال در داستانک ملک سلیمان، داستانک با یک جمله خبری آغاز می‌شود و در ادامه ما را به چندین حقیقت در عالم هستی رهنمون می‌شود که یکی از آن‌ها، این است که قدرت خداوند فوق تمام قدرت‌هاست به‌طوری که اگر تمام اسباب ضرر زننده بشری با هم جمع شوند تا به فردی ضرری وارد کنند موفق نخواهند شد، مگر به خواست خداوند. «وَمَا

هُم بِضَايَيْنَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» شروع همراه با ادات شرط نیز دلالت بر لحن قاطع نویسنده دارد که در این حالت اغلب نویسنده در پی بیان یک حقیقت است برای مثال در داستانک یار غار پیامبر (ص)، شروع داستانک همراه با ادات شرط است «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ» (اگر یاری‌اش نکنید خداوند او را یاری می‌کند)

برخی واژه‌ها نیز هستند که خود از بار عاطفی برخوردارند و با توجه به بار عاطفی‌شان برای ایجاد لحن‌های خاص به کار می‌روند. در دستور زبان، این واژه‌ها را «صوت» می‌نامند؛ مانند «چه خوش است، چه بد است و...» که معادل آن در داستانک‌های قرآنی واژه‌های «لبّس، لنعم و...» است که برای ایجاد لحن‌های شاد، افسوس، دریغا، همچنین ایجاد لحن‌های حسرت‌آمیز مناسب‌اند؛ به‌طور مثال در داستانک ملک سلیمان در پایان داستان با آوردن واژه «لبّس» لحن داستانک را به لحن حسرت‌آمیز بدل کرده است. یکی از کلیدواژه‌های پرتکرار در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن واژه «عَلِمَ» است که لحن تعلیمی داستانک را تقویت می‌کند.

۲-۳. وزن: اصوات به‌خودی‌خود هیچ‌گونه ارزش زیباشناختی ندارند. آنچه موجب می‌شود اصوات دارای نقش زیباشناختی شوند، الگوهای صوتی کنار هم چیده شده با شکل ادا شده آن‌ها به‌عنوان واحدهای زبانی است. رشته صوت‌هایی که بنابر قواعد و تمهیدات خاصی هم‌نشین شده، ساختاری را پدید می‌آورند که از تأثیر زیباشناختی برخوردار است این شیوه هم‌نشینی اصوات از مهم‌ترین عناصر ایجاد اثر ادبی محسوب می‌شوند. هر یک از اوزان آیات قرآن مانند دستگاه‌های موسیقی با یکی از حالات روحی - روانی تناسب دارد. از سوی دیگر، چون لحن آیه نیز بیانگر حالت و احساس نویسنده است می‌توان گفت وزن آیات با لحن آن‌ها رابطه تنگاتنگی دارد. «مشاهده این امر که چگونه احساس وزن تبدیل به عامل بیان احساس می‌شود امری ساده است. به دلایل روشن فیزیکی، اوزانی که سریع‌تر از حد معمول است مبین خوشحالی، حرکت یا فوریت است و اوزانی که کندتر از حد معمول باشد، مبین افسردگی، غم و یا خستگی و کسالت است» (هوف، ۱۳۶۵: ۱۰۹). برای مثال، وزن‌های کم اوج و فرود بر لحن آگاهی‌بخش و درعین حال هشداردهنده نویسنده دلالت دارد. چراکه مخاطب با شنیدن این آهنگ ملایم ترغیب می‌شود که درباره آنچه می‌شنود، تفکر کند. علاوه بر این، توجه نویسنده به ویژگی‌های زبان همچون مکث و درنگ سبب می‌شود مخاطب به تأمل وادار شود؛ مانند وزن داستانک عزیر نبی یا داستانک محاجه ابراهیم (ع) که وزن آرامی دارند و نویسنده با این درنگ‌ها مخاطب را به تفکر وامی‌دارد. وزن‌هایی که

با هجاهای کوتاه شروع و ختم می‌شود؛ شایستگی بیشتری برای نمایش لحن‌های تند و شاد دارند؛ مانند وزن داستانک ملک سلیمان که دارای وزن تند است.

واج آرای و تکرار مصوت‌های مشابه در داستانک‌های قرآنی ایجاد عنصر موسیقایی و وزن می‌کند ضرب آهنگ داستانک با توجه به انتخاب واژگان، در برخی داستانک‌ها، ضرب آهنگی تند است که بار معنایی آن کوبنده و مربوط به جنگ است که در ایجاد لحن قاطعانه تأثیر دارد؛ مانند داستانک ملک سلیمان که بر خلاف داستانک فرار از مرگ، سرعت لحن با محتوای داستانک هماهنگ است.

۳-۳. کیفیت هجاها: لحن داستانک، متناسب با اینکه در آن هجاهای کوتاه یا بلند، بیشتر بارز باشد، حالتی متفاوت پیدا می‌کند. معمولاً در جاهایی که نویسنده دارای لحن هیجانی و پرشتاب است از هجاهای کوتاه بیشتر استفاده می‌کند و آن هنگام که لحن او با وقار و کشیده است از هجاهای بلند و کشیده استفاده می‌کند؛ به‌طور مثال در داستانک ملک سلیمان شاهد هجاهای کوتاه و تکرار صامت‌های «تاء»، «شین»، «سین» هستیم که القای موسیقی محکم و قاطعانه دارد. درحالی‌که در داستانک فرار از مرگ که بیشتر از مصوت‌های بلند «آ» و «او» در آن استفاده شده است؛ موجب آرام پیش بردن موسیقی داستان شده است که این خود در شکل‌دهی فضای داستان کمک می‌کند و نشان از آزرده خاطر بودن خداوند دارد. همچنین انتخاب هجاهای بلند و کشیده، خواننده را به تأمل وامی‌دارد.

نحوه کاربرد هجاها می‌تواند در تند یا کند کردن لحن کلام مؤثر باشد که این خود متناسب با محتوای داستان است. معمولاً برای کند کردن لحن کلام از واژه‌هایی که دارای هجای کشیده است بهره می‌برد؛ یعنی واژه‌های که در ساختار هجاهای آن‌ها، دو صامت بعد از مصوت آمده باشد؛ به‌عنوان نمونه در داستانک محاجه ابراهیم (ع)، اغلب لغات بدین صورت هستند: «الم»، «ابراهیم»، «ملک»، «الشمس» و... نقش این واژگان موجب کندی لحن می‌شود و هر چه کلمات و جملات کندتر ادا شوند موجب تأمل و تأکید بیشتر خواهند شد.

۳-۴. تکرار: تکرار یکی دیگر از عناصر لحن‌ساز است. یکی از کارکردهای تکرار، ایجاد موسیقی در کلام است. موسیقی کلام که در زبان از تکرار هجاها به دست می‌آید، اگر متناسب با لحن انتخاب شود، بر میزان اثربخشی آن می‌افزاید؛ تکرار در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن را می‌توان به سه شکل تقسیم کرد:

الف) تکرار آواها: تناسب یکنواختی در تکرار آواها، وزن و آهنگ کلام در یک سوره

قابل مشاهده است که از طریق ایجاد وزن موزون، لحن را می‌سازد. (ب) تکرار واژه‌ها: در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن سه بار تکرار واژگان با ریشه «عَلِمَ» را شاهد هستیم در داستانک عزیر نبی واژه «أَعْلَمَ»، در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، واژه «وَأَعْلَمَ» و در داستانک ملک سلیمان واژه «یَعْلَمُونَ»؛ لحن تعلیمی داستانک‌ها را به خواننده منتقل می‌کند. (ج) تکرار عبارات: در داستانک‌های تک‌آیه‌ای تکرار عبارت «اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» لحن هشداردهنده را نشان می‌دهد.

۴. انواع لحن

داستانک‌های قرآنی تعلیمی هستند که در آن همه عناصر روایی، خاصه عنصر لحن کاملاً تحت تأثیر هدف غایی نویسنده است. «در آثار عرفانی و اخلاقی، ارزش حکایت تنها در وسیله قرار گرفتن آن برای تبیین و توضیح معانی است و نفس حکایت به‌خودی‌خود ارزشی ندارد. به همین سبب است که نویسنده یا شاعر در پرداخت داستان و جذاب کردن آن، کمتر کوشش می‌کند» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۰۶). هرچند در یک تضاد عملی، در قرآن کریم به سبب همان هدف غایی، نویسنده موعظه‌گر برای تأثیرگذاری بیشتر وعظ، ناچار از تقویت عناصر روایی جذاب‌کننده مثل لحن است. از سوی دیگر اهمیت لحن در انتقال حس نویسنده و نقش زیباشناختی آن در متن همیشه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مورد توجه بوده است؛ چون بنیان حکایات اخلاقی و موعظه‌مداری قرآن بر اساس گفت‌وگو است و لحن در گفت‌وگو مهم‌ترین عنصر در جهت ایجاد جذابیت است چراکه بار اصلی انتقال مفهوم در گفت‌وگو بر دوش لحن گفت‌وگو کننده است به همین جهت نویسندگان متناسب با موضوع‌های گوناگون، از انواع مختلف لحن بهره برده‌اند. انواع لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن به قرار زیر است:

۴-۱. **لحن متعجبانه:** این لحن ناشی از احساسات آدمی در برابر یک اتفاق خوشایند یا ناخوشایند است؛ به عبارت دیگر انسان در مقابل یک اتفاق دور از انتظار، تعجب می‌کند و لحنی که به کار می‌گیرد؛ تعجبی است. لحن متعجبانه را در داستانک عزیر نبی شاهد هستیم آنجا که شخصیت اصلی داستان بعد از مشاهده خرابه با لحنی تعجب‌گونه با خود این‌گونه حدیث نفس می‌کند که چگونه خداوند آنان را مجدد زنده می‌کند «قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا» همچنین لحن خداوند در پاسخ به درخواست ابراهیم (ع) در داستانک نشان دادن معاد به ایشان، لحنی متعجبانه است. «قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن» همچنین در داستانک محاجه ابراهیم واژه «فَقَهَّتْ» به خوبی نشان از لحن متعجبانه دارد که به خواننده منتقل می‌شود.

- ۲-۴. **لحن بشارت‌آمیز:** مراد از بشارت، مژدگانی و نوید است؛ لحن امیدآفرین و بشارت‌آمیز یکی از روش‌های تربیتی است که قرآن از آن بهره می‌گیرد توجه به بشارت و روحیه‌بخشی از رویکردهای ضروری در رفتار رهبران و پیامبران الهی است که در داستانک‌های تک‌آیه‌ای آن را شاهد هستیم. در داستانک یار غار پیامبر (ص)، لحن پیامبر خطاب به همراه خود لحنی بشارت‌آمیز است آنجا که می‌فرماید: «أَذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»
- ۳-۴. **لحن تحقیرآمیز:** خرد و خوار داشتن چیزی را تحقیر گویند (دهخدا، ۱۳۴۳، ذیل واژه) لحن تحقیرآمیز در داستانک‌های قرآنی برای کوچک شمردن دشمنان پیامبران و کافران به کار می‌رود؛ به طور مثال در داستانک محاجه ابراهیم (ع)، در نهایت راوی داستان با لحنی تحقیرآمیز حالت چهره شخص کافر را توصیف می‌کند و در آخر می‌فرماید خداوند گروه ظالم را هدایت نمی‌کند. «فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»
- ۴-۴. **لحن نادمانه:** ندامت حالتی است که فرد پس از فهم اشتباه خود بدان دست می‌یابد؛ در داستانک عزیر نبی، در پایان داستان که تمام حقایق برای ایشان آشکار می‌شود با لحنی ندامت‌وار به اشتباه خود اقرار می‌کند و می‌فرماید: «أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
- ۵-۴. **لحن دعایی و ملتمسانه:** دعا در لغت به معنای خواندن و درخواست کردن است و در اصطلاح عبارت است از درخواست توأم با خضوع و تضرع بنده از خداوند که این درخواست با لحن دعایی بیان می‌شود (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۷، ۲۰۰) در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، لحن ابراهیم هنگامی که درخواست خود را مطرح می‌کند لحنی دعایی و ملتمسانه است. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ»^۱
- ۶-۴. **لحن استدلالی:** استدلال به معنی دلیل خواستن و دلیل آوردن است (معین، ۱۳۸۴، ذیل واژه) لحن در سخنانی که با دلیل آوردن در ارتباط است استدلالی است؛ به طور مثال داستانک محاجه ابراهیم (ع) سرتاسر لحن استدلالی حکمفرماست. «إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ»^۲ همچنین در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، لحن ایشان در مقابل سؤال خداوند، لحنی استدلالی است آنجا که می‌فرماید: «بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لَّيَطْمَنَّ قَلْبِي»^۳

۱. و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟

۲. با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی‌منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند [او] گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. [و برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کردند، یکی را آزاد و دیگری را کشت. [ابراهیم] برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن] گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب برآور!

۳. [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده‌ای؟

۴-۷. **لحن ترغیبی:** استفاده از صیغه‌های امری در کنار قیده‌های دال بر استثناء و حصر در تکوین این لحن نقش مؤثر دارد که البته گاهی نیز با تحذیر همراه است؛ مانند داستان یار غار پیامبر (ص) «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ» که لحن کلی، ترغیبی است و نویسنده سعی دارد خواننده را در یاری کردن فرستاده خدا ترغیب نماید.

۴-۸. **لحن هشداردهنده و تحذیر:** در پایان برخی داستانک‌های تک‌آیه‌ای، عباراتی کوتاه مخاطب را به حقایقی که در طول داستان از آن غفلت شده است متوجه سازد؛ مانند سخن فرشتگان خطاب به مردم در داستانک ملک سلیمان که آن‌ها را هشدار می‌دهد که ما وسیله آزمایش شما هستیم پس کافر نشوید «إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ» یا در داستانک یار غار پیامبر آغاز داستان با خطاب شرط و حصر است که نشانه‌ای از عتاب‌آمیز و تحکمی بودن لحن داستانک دارد و عبارت پایانی نیز به نوعی با لحن آغازین داستانک هماهنگی دارد آنجا که می‌فرماید: «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و خداوند شکست‌ناپذیر با حکمت است.

۴-۹. **لحن قاطع:** لحنی است که با گزاره‌های قطعی و نگاه حق به جانب پیام را القا می‌کند. استفاده زیاد از افعال ربطی به ویژه «است» و «نیست»، صفات مبهم مانند «همه»، «هیچ»، «هر»، استفهام انکاری، قیدها مانند قید شرط، عامل اصلی ایجاد این لحن است. لحن قاطع از سویی با لحن مصرانه و نابخردانه و از دیگر سو با لحن عالمانه و واعظانه مرتبط است. در داستانک‌های تک‌آیه‌ای لحن قاطع در خدمت لحن واعظانه است. همچنین لحن مصرانه نیز در کنار لحن قاطع قابل رؤیت است. برای مثال در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع) لحن مصرانه و قاطع است تا آنجا که وقتی با لحن متعجبانه خداوند نیز مواجه می‌شود همچنان قاطعانه و مصرانه به درخواست خود پافشاری می‌کند؛ همچنین در داستانک فرار از مرگ، لحن خداوند در مقابل رفتار عاصیان صریح و قاطعانه است آنجا که می‌فرماید: «فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا».

۴-۱۰. **لحن تعلیمی:** اصولاً یکی از اهداف داستان‌ها تعلیم حقایقی است که نویسنده بدان قائل است؛ اساس تعلیم نیز بر تحول و تکامل بنا شده است. نکته جالب درباره لحن تعلیمی در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن این است که شاید بتوان لحن فلسفی نیز دانست؛ از نظر علامه جعفری «فلسفه تحصیل توانایی است برای فعالیت ادراک راجع به معرفت رابطه انسان و جهان؛ فلسفه علمی است که درباره مسائل کلی هستی بحث می‌کند.» (جعفری تبریزی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۹). برای مثال در داستانک عزیر نبی یا نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، هدف نشان دادن رابطه انسان

در این جهان و جهان آخرت است. در داستانک‌های قرآنی تغییر لحن نویسنده از ارشاد و اندرزگویی مستقیم به پندگویی غیرمستقیم است؛ زیرا نویسنده در آغاز داستانک از مخاطب که به گمان نویسنده از حقایق بی‌خبر است می‌خواهد که صاحب خبر شود مانند داستانک فرار از مرگ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ» در ادامه داستان را متذکر می‌شود و مخاطب را با لحنی غیرمستقیم به نتایج نصایح خود متوجه می‌کند. به این منظور از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم برای آموزش و تعلیم بهره می‌گیرد و لحن او در داستانک‌های تعلیمی‌اش اغلب متین، استوار و صمیمانه است. نویسنده در برابر مخاطبان عام و خاص خود تلاش می‌کند لحنی خیرخواهانه و مشفقانه داشته باشد، از این رو لحن او در بسیاری از موارد، غیر تحکمی است و گاهی نیز که از موضعی بالا و تحکمی مخاطبان را نصیحت می‌کند، خیرخواهی را می‌توان در لحن کلام او حس کرد و برای این کار از شگردهای مختلفی استفاده می‌کند. همراه کردن پندها با دلیلی کوتاه مانند آنچه در داستانک ملک سلیمان شاهد هستیم «وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» همچنین استفاده از جملات پرسشی مانند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ» در داستانک فرار از مرگ و یا استفاده از جملات شرطی مانند: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ» در داستانک یار غار پیامبر و در داستانک محاجه ابراهیم (ع) نیز با یک سؤال داستان را آغاز می‌کند که دلالت بر لحن تعلیمی دارد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ». مهم‌ترین راه شناخت لحن تعلیمی نویسنده، توجه به شیوه رفتار او با زبان و چگونگی به‌کارگیری واژگان و نحوه چینش آن‌هاست. لحن تعلیمی، لحن غالب در تمام داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن، لحن تعلیمی است. توجه به موسیقی کلام و انواع تکرارها می‌تواند در کشف لحن او راهگشا باشد.

۱۱-۴. لحن واعظانه: لحن واعظانه یکی از مهم‌ترین لحن‌ها خاص در ادبیات تعلیمی و عرفانی محسوب می‌شود. اندرز کردن ناشی از عقل آدمی است. هنگامی که ابن سینا در نمط نهم کتاب «الإشارات و التنبیها» چهار ویژگی وعظ و پند تأثیرگذار را برمی‌شمرد، یکی از آن‌ها بیان سخن با لحنی نرم است: «نفس الکلام الواعظ، من قائل ذکی بعبارة بلیغة و نغمة رخیصة و سمت رشید» (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۴۴۷)؛ یعنی سخن پندآموز باید از گوینده‌ای پاک با عبارات بلیغ و لحنی خوش و به شیوه‌ای روشن و اقناع‌کننده شنیده شود تا مؤثر واقع شود و هدف موعظه تحقق یابد. از ظرایف مبحث لحن در داستانک‌های قرآنی، همین لحن واعظانه - صمیمانه است. نویسنده با استفاده از

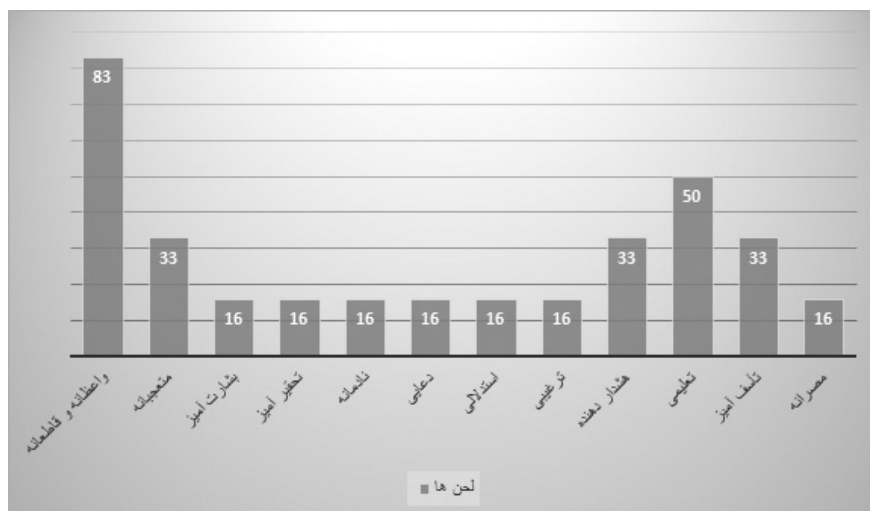
بیان لطف بسیار خداوند نسبت به بندگان عاصی خود، لحن واعظانه را به مهربانی نیز می‌آراید؛ برای مثال لحن راوی در داستانک فرار از مرگ (بقره/۲۴۳) در عین حال که قاطعانه و واعظانه است مهربانانه بودن نیز در آن به خوبی آشکار است. لحنی است که القای پیام اخلاقی را با وجه امری فعل، تحذیر و شرط انجام می‌پذیرد. شخصیتی که از لحن واعظانه استفاده می‌کند، از منظر فرد دانا، مخاطب را به عنوان فرد نادان مورد خطاب قرار می‌دهد. به همین دلیل ضماین در این لحن دوم شخص مخاطب است و معمولاً برای ایجاد و تثبیت این لحن از لحن‌های تحقیرآمیز، هشدارآمیز، بشارت‌آمیز، تحکم‌آمیز و قاطع استفاده می‌شود؛ برای مثال در داستانک محاجه ابراهیم (ع)، لحن حضرت ابراهیم (ع) در مقابل نمرود لحن واعظانه و قاطع است و از افعال امری و ضماین دوم شخص مخاطب «فَأْتِ بِهَا» در این راستا استفاده کرده است. همچنین در داستانک عزیر نبی آنجا که عزیر نبی بعد از صد سال مجدد زنده شدند خداوند با لحنی واعظانه که از افعال امری برمی‌آید عزیر را خطاب قرار می‌دهد و او را متوجه اشتباه خود می‌کند؛ «قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَسَسَّهْ وَ انْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا» همچنین در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، دستور العملی که خداوند به ابراهیم (ع) می‌دهد همراه با افعال امری است و لحن واعظانه را تقویت می‌کند «قَالَ فَخُذْ أَزْجَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» لحن واعظانه در کلام پیامبران، به عنوان شخصیت‌های مثبت حقیقی، برآیندی از لحن‌های سرزنشگرانه، قاطع، عالمانه، جسورانه، متعجبانه و در برخی موارد مهربانانه است.

۱۲-۴. لحن تأسف‌آمیز: تأسف، اندوهگین شدن، دریغ و درد خوردن است. در داستانک فرار از مرگ در پایان داستان لحن راوی، لحن تأسف‌آمیز است آنجا که می‌فرماید خداوند به بندگان خود لطف دارد ولی آنان شکر گزار نیستند. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» در پایان داستانک ملک سلیمان نیز شاهد این لحن هستیم که خداوند از اینکه بندگان او ناخواسته به خود ظلم می‌کنند ابراز تأسف می‌کند «وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسُهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ».

۱۳-۴. لحن مصرانه: پافشاری کردن بر موضع خویشتن همان چیزی است که از آن به لحن مصرانه یاد می‌کنیم در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن آن را شاهد هستیم؛

تحلیل عنصر لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن

برای مثال لحن شخص ضد قهرمان در داستانک محاجه ابراهیم (ع) لحنی مصرانه است آنجا که در مقابل استدلال ابراهیم (ع) بر موضع خود اصرار می‌کند و در نهایت با شکست مواجه می‌شود؛ همچنین لحن ابراهیم (ع)، در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، در ابتدا ملتمسانه است اما در ادامه لحن مصرانه به خود می‌گیرد حتی در مقابل لحن متعجبانه خداوند از درخواست خود صرف نظر نمی‌کند و برای پافشاری بر خواسته خود دلیل می‌آورد.



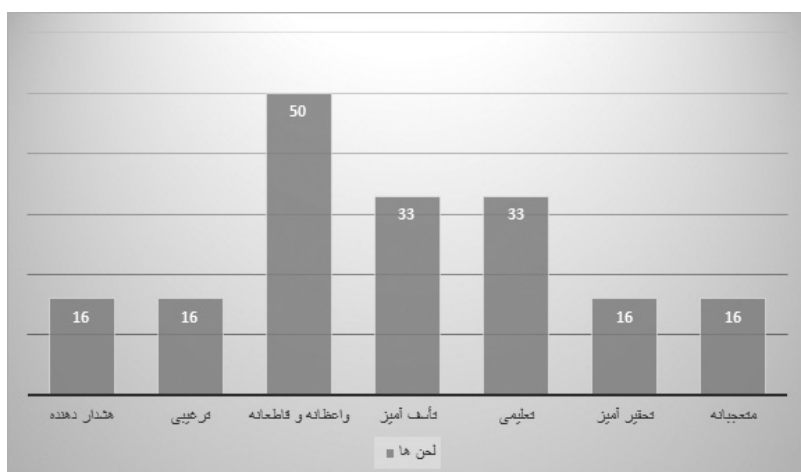
نمودار ۱. بسامد به کارگیری انواع لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن

۵. لحن شخصیت‌های داستانک‌ها

نویسندگان و گویندگان زبردست، لحن شخصیت‌های داستان را با پدید آوردن زمینه‌های مناسب، با تصویر کردن حالات عینی شخصیت ایجاد می‌کنند (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۶). برای تحلیل لحن شخصیت‌ها در این داستانک‌ها، نخست توجه به این نکته ضروری است که مجال کوتاه توصیف و گفتگو در این داستانک‌ها اجازه نمی‌دهد که به راحتی همه شخصیت‌ها و لحن راوی را بررسی کنیم؛ اما شباهت‌های لحنی گسترده شخصیت‌های قهرمان و ضد قهرمان داستانک‌های قرآنی باعث تسهیل بررسی لحن می‌شود. بین لحن و شخصیت‌پردازی در داستانک‌های قرآنی پیوندی ناگسستنی وجود دارد؛ به طور مثال تقابل تیپ شخصیتی پیامبران و کفار که بی‌گمان بر اساس نیاز نویسنده به القای مضمونی مهم است. منجر به تکرار چند لحن بین

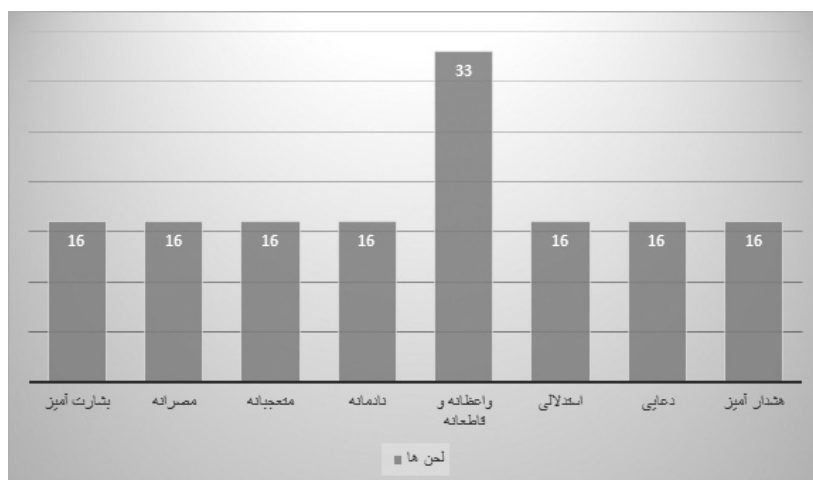
شخصیت‌ها می‌شود لحن دانا و واعظانه و لحن مصرانه و جاهلانه. یکی از لطایف مبحث شخصیت‌پردازی و ارتباط آن با لحن، لزوم تغییر لحن شخصیت‌های حکایت، متناسب با تغییر شخصیت پویا در طول روایت است. هرچند معمولاً داستانک، مجال تغییر و پویایی شخصیت‌ها نیست در برخی داستانک‌های قرآنی این اتفاق افتاده است. برای مثال داستانک عزیر نبی (بقره/۲۵۹) در ابتدای داستان، شخصیت اصلی دارای لحنی متعجبانه و جاهلانه است و در نهایت به لحنی دانا و نادمانه منجر می‌رسد.

۵-۱. لحن راوی: در داستانک‌ها معمولاً توصیف‌های کوتاه لحن راوی (خداوند) را نسبت به فرد توصیف شده نشان می‌دهد. این نوع صفات از دیدگاه لحن، قاطعانه هستند که معمولاً در خدمت لحن واعظانه و هدف‌گایی راوی است. در داستانک عزیر نبی، چندین مرتبه از راوی داستان، افعال امری صادر می‌گردد در نتیجه لحن راوی، واعظانه است و همانطور که می‌بینیم ضمایر دوم شخص و افعال امری دلالت‌های آشکار برای لحن واعظانه در این داستانک دارند، در داستانک فرار از مرگ، لحن راوی قاطعانه و واعظانه است و در انتهای داستانک لحن راوی تأسف‌آمیز است. در داستانک محاجه ابراهیم، لحن راوی در ابتدای داستان لحن تعلیمی است و در انتها لحن راوی تحقیرآمیز است؛ در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، لحن راوی قاطعانه و واعظانه است و در اواسط داستانک، لحن متعجبانه می‌شود؛ در داستانک یار غار پیامبر، لحن راوی در ابتدا لحنی ترغیبی است و در انتهای داستانک دارای لحن هشدار دهنده است؛ لحن راوی در داستانک ملک سلیمان، در ابتدا لحنی تعلیمی دارد و در انتها دارای لحن تأسف‌آور است.



نمودار ۲. بسامد به کارگیری انواع لحن در زبان راوی داستانک‌های تک آیه‌ای

۵-۲. لحن شخصیت اصلی و قهرمان داستان: کشف لحن شخصیت اصلی در داستانک‌ها نسبت به سایر شخصیت‌ها راحت‌تر است چراکه بیشترین میزان گفتگو متعلق به شخصیت اصلی است. در داستانک عزیر نبی، ایشان در ابتدای داستانک دارای لحن متعجبانه و در انتها لحن نادمانه دارد. در داستانک فرار از مرگ لحن شخصیت اصلی که همان خداوند است لحنی واعظانه و قاطعانه است. در داستانک محاجه ابراهیم، لحن ابراهیم (ع)، لحن استدلالی، واعظانه و قاطع دارد. در داستانک نشان دادن معاد به ابراهیم (ع)، لحن شخصیت اصلی ملتمسانه و دعایی و در ادامه لحنی مصرانه دارد. لحن شخصیت اصلی در داستانک یار غار پیامبر که همان رسول اکرم است بشارت‌آمیز است. در داستانک ملک سلیمان لحن فرشتگان الهی هشدار آمیز است.



نمودار ۳. بسامد به کارگیری انواع لحن در زبان شخصیت اصلی داستانک‌های تک‌آیه‌ای

۵-۳. لحن شخصیت ضدقهرمان و مخالف: در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن از آنجا که داستانک‌های فوق العاده موجز محسوب می‌شوند مجال برای گفتگوی شخصیت مخالف کمتر پیش می‌آید و بیشتر گفتگو متعلق به راوی و شخصیت اصلی است با این وجود در برخی از داستانک‌ها شخصیت مخالف نیز دارای گفتگو است؛ با توجه به بررسی‌های به عمل آمده تنها در یک داستانک شخصیت مخالف گفتگو کرده و آن داستانک محاجه ابراهیم (ع) است که شخصیت مخالف دارای لحنی مصرانه است.

بحث و نتیجه گیری

داستانک‌های تک‌آیه‌ای لحن مطلوب خود را به سریع‌ترین و طبیعی‌ترین وجه ممکن به خواننده منتقل می‌کنند. لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن به دو گونه است. لحن کلی که همان لحن اصلی حاکم بر داستان است و دیگر لحن جزئی که با توجه به درونمایه و فضای حوادث داستان‌ها متفاوت است، به همین دلیل در داستانک‌های مختلف، لحن‌های متفاوت مشاهده می‌شود. در برخی داستانک‌ها لحن‌های گوناگون در هم تنیده شده است که همنشینی آن‌ها ساختاری خوشایند را پدید آورده است؛ و در برخی دیگر با کمترین تنوع در لحن مواجه هستیم و تنها یک لحن متناسب با شخصیت‌های گفت‌وگو است. در داستانک‌های بسیار کوتاه قرآنی از میان عناصر گوناگون تأثیرگذار از لحن به خوبی بهره برده شده است دلیل اصلی این مسئله این است که ساختار روایت در این داستانک‌ها بر اساس گفت‌گوست و گفتگو اصلی‌ترین مجال بروز لحن است. مهم‌ترین ویژگی‌های لحنی این داستانک‌ها به شرح زیر است:

۱. بیان لحن در داستانک‌ها به شکل غیر صریح بوده و لحن از طریق تصویر کردن حالات عینی شخصیت صورت پذیرفته است. از میان عناصر ایجادکننده لحن، فرایند انتخاب واژگان و ترکیب جمله‌ها، اوزان و هجاها از جمله مؤثرترین عوامل در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن است.

۲. لحن کلی داستانک‌های قرآنی، واعظانه است؛ اما لحن‌های جزئی فراوانی چون لحن متعجبانه، تحقیرآمیز، نادمانه، دعایی و ملتمسانه، هشدار دهنده، استدلالی، ترغیبی، بشارت‌آمیز، مصرانه، تأسف‌آمیز و تعلیمی در این داستانک‌ها دیده شد.
۳. تقابل لحنی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد کشش روایی و گسترش طرح و شخصیت‌پردازی مناسب است. در داستانک‌های تک‌آیه‌ای تقابل اصلی میان «فرستاده خدا» و «انسان‌های عاصی» صورت گرفته است. این تقابل بیشتر در مضمون و لحن کلام دو شخصیت ایجاد شده است. لحن غالب شخصیت فرستاده خداوند، واعظانه و لحن غالب انسان‌های عاصی «جاهلانه و مصرانه» است.

۴. با توجه به این که زاویه دید دانای کل است و حکایات فوق العاده موجز هستند؛ لحن راوی در مواردی آشکار می‌شود که در روایت دخالت کند در غیر این صورت لحن راوی آشکار نیست؛ البته در داستانک‌ها اغلب راوی در بیان روایت نقش مؤثر دارد.

۵. کشمکش نهایی اغلب داستانک‌ها میان فصل الخطاب شخصیت اصلی داستان و سکوت شخصیت منفی در پایان داستانک است. سکوت بعد از فصل الخطاب، لحن

تسلیم‌گر شخصیت منفی را نشان می‌دهد که کاملاً با سنت و عظم متناسب است و به منزله پذیرش مطلب از جانب مخاطب تلقی می‌شود.

۶. در داستانک‌ها، عنصر وعظ و قطعیت بر کلام راوی چیره است و با توجه به اختصاص بیش از نود درصد از گفتگوهای مستقیم و غیر مستقیم به راوی عملاً لحن کلان داستانک‌ها، لحنی قاطع و واعظانه پیدا کرده است. به گونه‌ای که استفاده از سایر لحن‌ها همچون لحن هشداردهنده، متعجبانه، ترغیبی و... در خدمت ایجاد لحن واعظانه است. پس با توجه لحن کلان مناسب روایت، داستانک‌های قرآنی توانسته تأثیر کامل و جامعی بر مخاطبان عام و خاص با سطح سواد و توقع متفاوت داشته باشد. در مجموع لحن داستانک‌های تک‌آیه‌ای به گونه‌ای است که مخاطب با شنیدن پند و اندرزهای او احساس می‌کند که نویسنده برایش شخصیت قائل است. در واقع نویسنده تلاش می‌کند تا بین خود و کسانی که می‌خواهد به آنان پند دهد حس عاطفی ایجاد کند. همچنین می‌کوشد تا گوش دل یا گوش هوش مخاطب را فعال نماید و او را برانگیزاند تا خود، نسبت به خوبی‌ها و بدی‌ها حساس باشد و نیک و بد خود را بشناسد، بدون آنکه ناظر یا محتسبی او را از کار بد منع کند یا از روی اجبار به کار خیر وادارد.

منابع و مأخذ

- ابرمز، میرهوارد و جفری گالت هرفم (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، تهران: رهنما.
- ابن سینا، حسین (۱۳۸۸). الإشارات و التنبيهات، الشرح نصیر الدین الطوسی و شرح الشرح محمد الرازی، جلد ۳، تهران: مطبعه الحیدری.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۷). عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ارشدنژاد، شهرام (۱۳۷۷). فن شعر انگلیسی، چاپ اول. تهران: گیل.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷). درآمدی بر داستان‌نویسی با روایت‌شناسی با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران، تهران، افراز.
- پراین، لورانس (۱۳۷۶). تأملی دیگر در باب داستان. چاپ ششم. ترجمه محسن سلیمانی، تهران: حوزه هنری، موسسه انتشارات سوره.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). دیدار با سیمرخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تئودوروف، تزوتان (۱۳۸۲). بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
- جزری، ابن اثیر (۱۳۸۶). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۴۴). ارتباط انسان و جهان، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، چاپ اول، تهران: نی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: بی‌نا.
- زمخشوری، محمود بن عمر (۱۹۷۹ م). اساس البلاغه، بیروت: دار صادر.
- فتاحی، حسین (۱۳۸۶). داستان گام به گام، تهران: نشر صریر.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن.
- گری، مارتین (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۶۳). حافظ و موسیقی، چاپ افست، تهران: هیرمند.

تحلیل عنصر لحن در داستانک‌های تک‌آیه‌ای قرآن

معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی، تهران: سرایش.

مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۳). کتاب ارواح شهرزاد، سازه‌ها، شگردها و فرمهای داستان نو، چاپ اول، تهران: فقنوس.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۰). عناصر داستان، تهران: سخن.

نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

هوف، گراهام (۱۳۶۵). گفتاری درباره نقد، ترجمه نسرين پروینی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

Comparing the Role and Strategies of Intellectuals before and after the Islamic Revolution in the Political Development of Iran

Ali Ahmadi, PhD student in Political Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. Email: a.ahmadi.1905@gmail.com

Mojtaba Sedaghati Fard, Assistant Professor; Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author)

Yaaghoub Sharbatian, Assistant Professor; Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Azad Islamic University, Garmsar, Iran Email: sharbatian@yahoo.com

Abstract

The main purpose of this research is to compare the role and strategies of intellectuals before and after the Islamic Revolution in the political development of Iran, and in this regard, the role of intellectuals of four different generations, the first, second, third, and fourth, has been investigated. The research method is qualitative and with a content analysis approach, using library tools and articles in which intellectuals of the first to fourth generation of contemporary Iran have discussed and researched, and the researcher used the inductive approach and triple coding to extract and analysis of related and required content. findings and results of the research show that intellectuals have different roles and strategies during the contemporary era, including secularism in the eyes of the intellectuals of the constitutional era, industrialization in the eyes of the intellectuals of the first Pahlavi era, progress in science and technology in the eyes of the second Pahlavi intellectuals, and Dependence on Western countries among the intellectuals after the Islamic Revolution.

Key words

Intellectualism, Intellectuals, Political Development, Contemporary Iran.

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران

علی احمدی^۱، مجتبی صدąقتی فرد^۲، یعقوب شربتیان^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران است و در همین راستا، نقش روشنفکران چهار نسل متفاوت اول، دوم و سوم و چهارم مورد بررسی قرار گرفته است. روش این پژوهش، کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مقالات انجام شده که روشنفکران نسل اول تا چهارم ایران معاصر در آن به بحث و تحقیق پرداخته‌اند و محقق، با استفاده از رویکرد استقرایی و کدگذاری سه‌گانه به استخراج و تحلیل مطالب مرتبط و موردنیاز پرداخته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که روشنفکران در طول دوران معاصر نقش‌ها و راهبردهای متفاوتی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به سکولاریسم در نزد روشنفکران عصر مشروطیت، صنعتی شدن در نزد روشنفکران عصر پهلوی اول، پیشرفت در علم و فناوری نزد روشنفکران پهلوی دوم و رفع وابستگی به کشورهای غربی در بین روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد.

واژگان کلیدی

روشنفکری، روشنفکران، توسعه سیاسی، ایران معاصر.

مقدمه

روشنفکری^۱، حرکتی است در شکاف سنت و مدرنیته و از ایجاد شکاف و تزلزل میان این دو جهان است که اساساً زاده شده است. ویژگی‌های روشنفکری نظیر نوگرایی، قدرت خلاقه، انتقادی اندیشی، انتقادپذیری و جرئت اندیشیدن، چهره‌ای فرهنگی و اجتماعی را ترسیم می‌کند که به‌طور طبیعی، متعهد، دارای دغدغه و در جستجوی نقش و کارکرد روشنگرانه است، بر هر نقشی از روشنفکری تأکید کنیم و یا از هر منظری به کارکرد روشنفکری توجه نماییم، روشنفکر با «سنت» مواجهه پیدا می‌کند، در تعامل یا تقابل با آن و در مسیر بازاندیشی آن قرار می‌گیرد. تلقی مشهور از روشنفکر، نیرویی در جامعه‌شناسی سیاسی است که از روشنفکری به معنای اعم کلمه متمایز است (آبراهامیان، ۱۳۹۴).

روشنفکری، ریشه در فلسفه جدید و عالم مدرن دارد، عالمی که به تعبیر گیدنز در آن بازاندیشی افزایش پیدا می‌کند، همچنین به حوزه تمدنی خاصی (غرب) و به دوره خاصی از تاریخ آن یعنی عصر روشنگری تعلق دارد. این پدیده عصر روشنگری در جهان بازاندیشی‌های فزون، با ویژگی‌هایی چون آگاهی، شناخت، زمان‌شناسی، دردشناسی اجتماعی، درگیری با اهداف دنیوی، علم‌گرایی، تجربه‌گرایی، سکولاریسم^۲، خودآگاهی طبقاتی، ملی و انسانی و کشمکش با صاحبان قدرت برجسته شده است، اما به نظر می‌رسد، معرفی روشنفکری با ویژگی «انتقادی اندیشی آن» که ثمره خرد انتقادی، خودآگاهی، دگراندیشی، مسئولیت نسبت به حقیقت و بینش خلاق خود، هوشیاری، آزاداندیشی، شناخت زمانه و پویایی است، کاراتر باشد (آدمیت، ۱۳۴۰). روشنفکر به‌عنوان فردی متفکر که خلاق و نقاد است، باید حول محورهای زیر حرکت کند:

(الف) ارزش‌های غایی و نهایی (حقیقت، عدالت و...) را خلق کند؛

(ب) توزیع‌کننده علم و مبلغ عقاید یا بنیان‌گذار ایدئولوژی جدید و نقاد وضع موجود باشد؛

(ج) در توسعه و پیشبرد فرهنگ و تمدن جامعه مؤثر باشد (میرلطفی و جهانتی، ۱۴۰۱).
توماس سوئل (۱۴۰۱)، افرادی را که به نحوی در جامعه امروزی تأثیرگذارند را روشنفکر می‌داند. او روشنفکری را یک شغل و محصول خروجی آن را ایده‌ها می‌داند (توماس سوئل، ۱۴۰۱). او در مورد ماهیت و نقش روشنفکران به عنوان گروه‌های مرجع جامعه تحلیل‌های سیستماتیک ارائه می‌دهد.

1. Intellectual
2. Secularism

اساساً تعهد اخلاقی روشنفکر پرسش انتقادی اوست که از خود و از جامعه‌اش می‌کند. وظیفه روشنفکر به‌پیش بردن گفتگوی انتقادی از طریق زیر سؤال بردن دائم اصول مورد توافق فعلی و به جریان انداختن گفتگو در جهت‌های جدید است. این انتقادی اندیشی صرفاً متوجه گذشته و نقد و رد حکم‌ها و قانون‌ها و باورهای پیشین نیست، بلکه متوجه بقایای اندیشه‌های کهنه در زندگی جاری هم هست. این‌ها، همه ثمره انتقادی اندیشی روشنفکری است که فقدان آن تداعی گر «مرگ روشنفکری» است و شاید کسی بگوید که نپذیرفتن بدون استدلال آن هم تداعی گر «دیالوگ کرها» است (آدمیت، ۱۳۸۳).

تعامل و تقابل روشنفکران و نخبگان سیاسی نقش مؤثری در توسعه سیاسی جامعه دارد. تعامل و همسویی میان روشنفکران و نخبگان سیاسی و رشد نقادانه گفتمان روشنفکری و بهره‌گیری نخبگان سیاسی از ایده‌های روشنفکران یکی از مشخصه‌های دموکراسی‌ها و جوامع توسعه‌یافته از لحاظ سیاسی است (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۹). مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران، موضوعی است که به بررسی تأثیر تغییرات سیاسی بر روی نقش و عملکرد روشنفکران در جامعه می‌پردازد. این تحقیق به ماکمک می‌کند تا درک بهتری از نحوه تأثیر یک تحول سیاسی بزرگ بر روی گروه‌های فکری و اندیشمندان در جامعه پیدا کنیم. روشنفکران قبل از انقلاب اسلامی، بخشی از جامعه ایران را تشکیل می‌دادند و دارای ارتباطات و تأثیر قابل توجهی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بودند. آن‌ها در ترویج ارزش‌هایی مانند دموکراسی، مدرنیته، حقوق بشر و توسعه سیاسی نقش مهمی داشتند. روشنفکران در قالب اندیشه‌های فلسفی، ادبی، سیاسی و اجتماعی خود، ایده‌ها و نظرات خود را به شکل مقالات، کتب و سخنرانی‌ها منتشر می‌کردند و سعی می‌کردند تأثیر مثبتی بر روی جامعه و سیاست ایران داشته باشند.

با انقلاب اسلامی و تغییرات سیاسی بزرگی که در ایران رخ داد، نقش و راهبردهای روشنفکران نیز تحت تأثیر قرار گرفت. این تحولات شامل تغییر ایدئولوژی و ارزش‌های روشنفکران، نقششان در فرایند انقلاب و تحولات سیاسی و تأثیر آن‌ها در توسعه سیاسی ایران می‌شود. روشنفکران پس از انقلاب بیشتر بر اصول دینی، ارزش‌های اسلامی و اصول انقلاب تأکید کردند و در ترویج این ارزش‌ها و ایدئولوژی اسلامی نقش فعالی داشتند.

در این مقاله، قصد و تلاش محقق بر این است که با پاسخ به این سؤال اساسی که: مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران در توسعه سیاسی ایران چگونه است؟ و دیگر سؤالات زیر:

- راهبردهای روشنفکران دوره مشروطه در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی اول در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی دوم در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران پس از انقلاب در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟

نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و با تجزیه و تحلیل آن‌ها در دو دوره زمانی مختلف یعنی قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، درک بهتر و تازه‌ای از نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۵۷ در توسعه سیاسی ایران و همچنین تأثیر متقابل تغییرات سیاسی بر روی نگرش‌ها و راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی ایران ارائه دهد.

بنابراین، این پژوهش با مقایسه چگونگی نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در توسعه سیاسی ایران، می‌تواند یافته‌ها و نتایج مهمی درباره تأثیر روشنفکران بر تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی و همچنین تأثیر تغییرات سیاسی بر روشنفکران کشور فراهم کند.

مبانی و چارچوب مفهومی تحقیق

در ابتدای مبانی و چارچوب مفهومی تحقیق لازم است که از مفاهیم توسعه سیاسی و زمینه‌ها و شاخص‌های آن و روشنفکر تعاریفی ارائه شود تا هرگونه ابهامی از این دو مفهوم رفع گردد و مقصود محقق از به‌کارگیری این مفاهیم مشخص گردد و سپس به پیشینه و چارچوب مفهومی تحقیق پرداخته می‌شود.

ساموئل هانتینگتون، مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است که از آنجاکه در فرآیند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به‌صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶ به نقل از هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶).

زمینه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی را می‌توان در دوازده اصل خلاصه کرد:

۱. فردگرایی مثبت باید تشویق گردد، ۲. تفکر از زمینه‌های استقرایی قوی برخوردار باشد، ۳. تفکر متاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد، ۴. آموزش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی جامعه باشد، ۵. عموم مردم، منطق و شیوه‌های کار جمعی را بیاموزند، ۶. هویت عمومی جامعه فوق‌العاده قوی و مستحکم باشد، ۷. علاقه به جامعه و به دنبال آن قانون‌پذیری در میان مردم، بنیادی باشد، ۸. منافع هیئت حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم، هم سو باشد، ۹. دولت، تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهای غیردولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند، ۱۰. آرامش اقتصادی، وجود داشته باشد، ۱۱. تصمیم‌گیری، مبتنی بر اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری باشد و ۱۲. انتخاب افراد، بر پایه رقابت، توانایی و لیاقت صورت گیرد (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۹۰).

فرآیند توسعه و نوسازی سیاسی باعث دگرگونی جامعه سنتی می‌شود که شکاف‌های افقی و متفاوت از جامعه با شکاف‌های عمودی مانند حزب است. در جامعه سنتی معمولاً گروه‌های سنتی ایفای نقش می‌کنند، این گروه‌ها می‌توانند قومی، قبیله‌ای و نژادی باشند؛ اما در اثر فرآیند توسعه سیاسی در اثر دگرگونی سیاسی و تبدیل جامعه سنتی به جامعه مدرن، گروه‌های سنتی برای تداوم حیات سیاسی خود ناچار باید الزامات جامعه مدرن را بپذیرند یا اینکه از بین بروند.

روشنفکر، فردی است که می‌خواهد چشم‌انداز و دریچه‌ای جدید و نقش و راهبردها را بر روی انسان بگشاید. به عبارت دیگر، یک متفکر یا اندیشمند، کسی است که در اندیشه انتقادی، اندیشه، پژوهش و اندیشه بشری^۱ در خصوص واقعیات جامعه درگیر است و هدفش ارائه راه‌کارهایی برای رفع و حل مشکلات هنجاری جامعه توسط گفتمان در حوزه عمومی و کسب اقتدار از افکار عمومی می‌باشد (عنایت، ۱۳۸۱).

روشنفکران حاملان سطوح و اشکال عقلانیت‌اند؛ بنابراین آن‌ها، همیشه به هسته مستقل ایده‌هایی که از طریق تأمل عقلی توسعه می‌یابند، نزدیک‌ترند. در کنار تولید ایده‌ها و مفاهیم نسبتاً انتزاعی، بازتفسیر ایده‌ها را نیز بازی می‌کنند. آن‌ها ایدئولوژی‌ها را نه تنها برای خودشان بلکه برای دیگر قشرها و طبقات نیز می‌سازند (صدری، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۸). گروهی از اندیشمندان روشنفکر را همچون وجدان یک جامعه در نظر می‌گیرند وجدانی که بی‌عدالتی‌های فرد و جامعه را به باد انتقاد می‌گیرد و مورد سرزنش قرار می‌دهد. سقراط و افلاطون از آن نوع اندیشمندانی هستند که می‌گویند: روشنفکران وجدان خرده‌گیر هر جامعه‌ای هستند. آن‌ها روشنفکر را به صورت فردی مجسم می‌کنند که با سرشت چیزها، نه از راه عقاید خویش، بلکه به صورتی بی‌واسطه‌تر، در تماس هستند (بروجردی، ۱۳۷۷: ۴۰-۲۹).

دسته‌ای دیگر از اندیشمندان ویژگی «انتقاد کردن» را برای یک روشنفکر برجسته کرده‌اند و برای موفقیت در این امر، عدم وابستگی به جنبه‌های اداری و عملی زندگی سیاسی را متذکر می‌شوند. ریمون آرون اهمیت ویژه‌ای به عدم وابستگی روشنفکر به دستگاه سیاسی می‌دهد او در کتاب «افیون روشنفکران» می‌نویسد: روشنفکران فرانسه در مقایسه با روشنفکران بریتانیا، آلمان و آمریکا معمولاً دارای اعتبار اجتماعی بالاتر هستند چراکه با جنبه‌های اداری و عملی زندگی سیاسی کمتر سروکار دارند و به شکل افراطی‌تری از جامعه خویش انتقاد می‌کنند (باتامور، ۱۳۷۷).

توماس سوئل، اهمیت کار روشنفکران را در این می‌داند که ایده‌ها و نتایج کار آنان بر روی زندگی نهایی همه انسان‌ها تأثیرگذار است. او معتقد است روشنفکران مدرن از طریق شکل دادن به عقاید و افکار عمومی، بر صاحبان قدرت نیز تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه توماس سوئل روشنفکران در طول تاریخ نقش پر رنگی در انتظارات جامعه بشری ایفا کرده‌اند. در بسیاری از موارد تصمیم‌هایی که در نقاط عطف تاریخی گرفته شده، تحت تأثیر نظرات و باورهای روشنفکران بوده است (سوئل، توماس، ۱۴۰۱).

ماکس وبر روشنفکران را گروهی از افراد جامعه می‌داند که به علت ویژگی‌های خاصشان، دسترسی ویژه‌ای به دستاوردهای معینی دارند که ارزش‌های فرهنگی تلقی می‌شود و بنابراین رهبری یک جامعه فرهنگی را به دست می‌آورند (بروجردی، ۱۳۷۷، ۴۰)؛ یعنی وبر ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را چنان با اهمیت تلقی می‌کند که تنها عده‌ای از افراد جامعه را لایق آن می‌داند که به آن‌ها دسترسی پیدا کنند و یا در آن دخل و تصرف نمایند و با استفاده از آن می‌توانند در جامعه و دیگر پدیده‌های مادی و غیرمادی تأثیر بگذارند.

ماکس وبر در اثر خود تحت عنوان «سیاست به مثابه یک حرفه» اظهار می‌دارد که از منظر جامعه‌شناختی، روشنفکران می‌توانند برنامه‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی را تدوین و از آن‌ها بالایمان و اعتقاد حساب شده دفاع نمایند (Weber, 1958: 84-85)؛ بنابراین بررسی نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در توسعه سیاسی ایران مطابق با جامعه‌شناسی روشنفکران و بر موضوعی بسیار مهم و راهگشا در انجام این پژوهش می‌باشد. کار و فعالیت روشنفکری به معنای مدرن آن در ایران از عصر انقلاب مشروطیت آغاز شد و «از اوایل انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ م) اصطلاح روشنفکر در ایران مطرح شد» (رضوی، ۱۳۷۹: ۵-۳). در سال‌های اوایل دهه ۱۳۲۰ ه. ش برابر ۱۹۴۰ م فرهنگستان ایران، اصطلاح فارسی روشنفکر را به جای مفهوم منورالفکر که صبغه‌ای عربی داشت وضع کرد (بروجردی، ۱۳۳۷: ۴۳)؛ بنابراین از نظر تاریخی پایه‌گذاری و تکوین عناصر

فکری روشنفکری در ایران (در مقایسه با کشورهای مدرن و حتی کشورهای عربی) ضعیف است (رضوی، ۱۳۷۹: ۵-۳).

روشنفکران اولیه ایران نخستین نمایندگان اندیشه‌های نوین به‌ویژه لیبرالیسم، سکولاریسم و تجدد بودند. آن‌ها از عوامل عمده تکوین ساخت دولت جدیدی بودند که پس از انقلاب مشروطه برقرار شد (بشیری، ۱۳۷۷: ۲۵۷). نمونه‌هایی از روشنفکران اولیه و پیشروان جنبش روشنفکری ایران عبارت‌اند از: میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسین سپهسالار، میرزا صالح شیرازی، میرزا یوسف مستشارالدوله، شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی (بشیری، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

با بر تخت نشستن رضاشاه دوره اول روشنفکری به پایان رسید و نسل دوم روشنفکری به وجود آمد. این نسل روشنفکری با الگوبرگشتن از غرب سعی داشت که مفاهیم جدید غربی را در ایران پیاده سازد. سیاست همگن‌سازی فرهنگی و اجتماعی در آن دوره محبوبیت فراوانی یافته بود زیرا در غرب نیز چنین ایده‌هایی طرفداران بسیاری داشته است. ایجاد نهادهای جدید مانند مدرسه و دانشگاه از کارهای این گروه از روشنفکران بوده است. این نسل بیش از آنکه همانند نسل قبلی در جهت مدرنیته و غربی شدن تلاش کند، بر ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران تکیه می‌کرد. از آنجایی که تفکر آن دوران بر مبنای کشور تک فرهنگی استوار بوده است. لذا سرکوبی سایر فرهنگ‌های کشور به اوج خود رسید. ایده‌هایی نظیر تمدن بزرگ و تاریخ هزاران ساله و غیره محصول این نسل از روشنفکران بوده است. دو تن از روشنفکران بارز این دوره محمدعلی ذکاءالملک فروغی و سیدحسن تقی زاده بودند.

از اواخر دوران پهلوی یکم، روشنفکری چپ در ایران بنیاد گذاشته شد و شاید تقی ارانی و اسکندر میرزا را بتوان از مؤسسان این جریان دانست. با ایجاد دانشگاه‌ها و مدارس و اعزام بیشتر دانشجویان ایرانی به اروپا در دوره پهلوی یکم، ایرانیان با سرعت بیشتری با اندیشه‌های غربی آشنا شدند. بدین ترتیب زمینه ایجاد نسل سوم روشنفکری به وجود آمد؛ که خود را در دوران پهلوی دوم نمایان کرد. پس از سرنگونی رضاشاه و ترور احمد کسروی، روحانیت و نگاه دینی بر نگاه سکولار و روشنفکری چیرگی یافت؛ و با جریان ملی شدن نفت و سپس سرکوب آزادی‌ها در بسته شدن فضای سیاسی، روشنفکری سکولار ایرانی به شدت محدود شد. از آنان می‌توان به حمید عنایت، پرویز ناتل خانلری و سید فخرالدین شادمان اشاره کرد. اکثریت روشنفکران این نسل برخلاف نسل پیش غرب را نه تنها مقدس نمی‌شمرد بلکه آن را شیطانی و

منحوس می‌دانست. دو نگرش متفاوت در این نسل نمود داشته است: اسلام‌گرایان و سوسیالیست‌ها. ویژگی مشترک این روشنفکران را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد: دسته اول) این روشنفکران جامعه و افراد جامعه را نقد می‌کردند و در مورد رفتارهای درست و یا نادرست قضاوت می‌کردند و همچنین اندیشه‌های این روشنفکران تمامیت خواهانه بود و تحت تأثیر توتالیتاریسم خواهان برپایی نظامی بودند که تنها دیدگاه خودشان در آن حاکم باشد. دسته دوم) این نسل از روشنفکران از نوگرایی بومی و بازگشت به خویش دفاع می‌کردند و از غرب و نظام آن متنفر بودند (بروجردی، ۱۳۷۷).

این روشنفکران جامعه و افراد جامعه را نقد می‌کردند و نیز در مورد رفتارهای درست یا نادرست قضاوت می‌کردند و نیز تحت تأثیر توتالیتاریسم خواهان برپایی نظامی بودند که تنها دیدگاه خودشان در آن حاکم باشد.

این نسل از نوگرایی بومی دفاع می‌کردند و از غرب و نظام آن متنفر بودند (بروجردی، ۱۳۷۷). نمونه بارز روشنفکران این دوره به‌ویژه دهه چهل و اوایل پنجاه شمسی، مهدی بازرگان و علی شریعتی بودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تغییرات اساسی در گروه‌های چپ ایران و نوسازی دیدگاه‌های سوسیالیستی بر اساس شرایط جدید بین‌المللی و نیز با به پایان رسیدن شور و شوق اولیه انقلابی در ایران نسل جدید روشنفکری در ایران در حال پا گرفتن است. این نسل روشنفکری که بیشتر در بین نسل جوان از حمایت زیادی برخوردار است سه نسل گذشته روشنفکری را رد می‌کند و بیشتر مایل به گفتگو پذیرش نظرهای مخالف است و این نسل به جای بهره‌برداری دوار از غرب به مدرنیته توجه دارد. برخلاف نسل‌های پیشین نظام چندحزبی و پذیرش منطقی غرب در این نسل رواج دارد (رهبری، ۱۳۸۸).

در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی خودآگاهی ایدئولوژیکی سیاسی - اسلامی به‌واسطه عوامل گوناگونی از جمله بسیج سیاسی و عملکرد دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، به‌عنوان خودآگاهی ناب گسترش یافت و خودآگاهی دیگر را تحت الشعاع قرار داد؛ اما از دهه ۱۳۷۰ به بعد به‌واسطه عملکرد عوامل گوناگون خودآگاهی سیاسی - ایدئولوژیک دچار ضعف و گسست شد. از یک سو گذار از پوپولیسم سیاسی دهه ۱۳۶۰ به گفتمان بازسازی و سازندگی در دوران ۷۶ - ۱۳۶۸ و نهایتاً به گفتمان دموکراسی و جامعه مدنی در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و از سوی دیگر، فرایندها و فشارهای فزاینده جهانی شدن زمینه تحولاتی را در هویت سیاسی به‌ویژه در نزد نخبگان، روشنفکران و طبقه فعال سیاسی ایجاد کرد. (سروش، ۱۳۹۵).

چارچوب مفهومی که می‌توان در مورد مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد

از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران استفاده کرد، مفهوم «انتقال قدرت»^۱ است. مفهوم انتقال قدرت اصطلاحی است که در علوم سیاسی برای توصیف و تحلیل فرایندهای تغییر قدرت و توزیع آن بین افراد و گروه‌ها استفاده می‌شود. این مفهوم در بررسی رویدادهای سیاسی مهمی مانند انقلاب‌ها و تغییرات نظام‌های سیاسی بسیار مفید است.

در مورد مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران، می‌توان از مفهوم انتقال قدرت بهره برد. با تغییر نظام سیاسی از سلطه مشروطه به نظام جمهوری اسلامی، روابط قدرت و توزیع آن در جامعه تحت تأثیر قرار گرفتند. در این راستا، مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌تواند به بررسی تأثیر این تغییرات بر توسعه سیاسی ایران کمک کند.

با مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل از انقلاب با روشنفکران پس از انقلاب، می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

تغییر در ایدئولوژی و ارزش‌ها: روشنفکران قبل از انقلاب ممکن است ایدئولوژی‌ها و ارزش‌هایی مانند لائسیته، دموکراسی سکولار و اصول‌گرایی را ترویج می‌کردند، درحالی‌که روشنفکران پس از انقلاب تأکید بیشتری بر اسلام و اصول دینی دارند. این تغییر در ایدئولوژی ممکن است تأثیر زیادی بر راهبردها و نگرش‌های سیاسی آن‌ها داشته باشد.

نقش روشنفکران در فرایند تغییرات سیاسی: بررسی نقش روشنفکران در فرایند انقلاب و پس از آن می‌تواند روشن‌گر تأثیر و تعامل آن‌ها با سیاستمداران و گروه‌های قدرتمند باشد. آیا روشنفکران قبل از انقلاب مستقل‌تر عمل می‌کردند یا روابط نزدیک‌تری با نخبگان و قدرتمندان داشتند؟ آیا روشنفکران پس از انقلاب توانستند نقش مؤثرتری در توسعه سیاسی ایران ایفا کنند؟

تأثیر راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی: می‌توان نگرش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب را در جهت‌دهی تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی ایران بررسی کرد. این شامل مسائلی مانند نقش رسانه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی، فعالیت‌های سیاسی و تحلیل‌های سیاسی روشنفکران است.

به‌طورکلی، با مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب به‌همین ۱۳۵۷، می‌توان به تفهیم عوامل و فرایندهای توسعه سیاسی ایران پیش از و پس از انقلاب اسلامی کمک کرد؛ بنابراین، این مقایسه می‌تواند به شناخت بهتر و جدیدی از نقش روشنفکران در تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی ایران منجر شود.

روش پژوهش

روش موردنظر در این پروژه تحلیل محتوا به شیوه استقرایی است در این روش، محقق در عین سهولت روش شناختی با دشواری‌های چون تأثیر بیش از حد اندیشه‌های محقق و تعیین سرنوشت تحقیق بر اساس تصمیم‌گیری‌های شخصی مواجه است ولی محقق بر آن است که شیوه علمی را که به تعبیر ویر مستلزم عینیت‌گرایی و بی‌طرفی ارزشی است در این پژوهش رعایت کند.

هدف این مقاله معرفی گونه شناختی روشنفکران ایرانی در طول تاریخ معاصر ایران، بر اساس مطالعه اسنادی - تاریخی جریان‌های روشنفکری و خوانش گفتمان‌های روشنفکری در ۲۰۰ سال اخیر است. در مطالعه اسنادی - تاریخی، به اسناد دست‌اول مانند روزنامه‌ها و کتاب‌هایی مانند «گذشته چراغ راه آینده» که سند مکتوب حزب توده است، کتاب «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت» نوشته فریدون آدمیت و کتاب تاریخ احزاب سیاسی ایران، به نگارش محمدتقی بهار مراجعه شده است. همچنین، اسناد دست‌دوم نظیر مقالات و کتاب‌هایی که به تحلیل تاریخ تحولات اجتماعی ایران و جریان روشنفکری ایرانی پرداخته‌اند، توسط محقق مورد مذاقه قرار گرفته است. لازم است گفته شود که این پژوهش، مدیون تلاش‌هایی است که قبل از ما درباره زیست جهان، حوزه عمومی و روشنفکران ایرانی صورت گرفته است. در این تحقیق همچنین به کارکرد گفتمان‌های روشنفکری در تحول زیست - جهان سنتی به زیست - جهان مدرن ایرانی، یعنی به فرایند مدرنیته در ایران پرداخته می‌شود.

در حقیقت می‌توان گفت که «تحلیل محتوا، نوعی تکنیک پژوهش برای توصیف عینی منظم کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به شمار می‌رود (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به تعبیر ارل بی، «نک حائز اهمیت در تحلیل محتوا این است که این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد که فرایندهایی را که طی دوره‌هایی زمانی طولانی رخ داده‌اند را بررسی کند» (بی، ۱۳۸۱: ۶۶۳). این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و روش انجام آن تحلیل محتوا است. این روش بر روی داده‌های اطلاعاتی موجود به کار می‌رود و حال آنکه هر روش تحقیق دیگر متضمن جمع‌آوری اطلاعات است» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

پژوهشگر در این تحقیق با بهره‌برداری از روش تحلیل محتوا به بررسی منظم تفکرات روشنفکران چهار نسل روشنفکری از عصر مشروطیت تا عصر حاضر پرداخته است. برای انجام این امر خطیر، محقق علاوه بر مطالعه و بررسی آثار مهم و مرتبط روشنفکران و دیگر پژوهشگران معاصر ایران و جهان، برای هر نسل روشنفکری، دو

روشنفکری که نماینده بارز «روح روشنفکری» آن نسل محسوب می‌شود را انتخاب کرده و آثار مهم آن‌ها را به روش تحلیل محتوا مورد کنکاش قرار داده و به تجزیه و تحلیل عناصر فکری، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های اندیشه آنان پرداخته است.

به عبارت دقیق و علمی‌تر، محقق برای هر دوره و نسل روشنفکری، دو روشنفکری را که بیشتر از بقیه روشنفکران هم‌عصر خود، مفاهیم رایج روشنفکری آن نسل را تولید و بازتولید کرده و در آثارشان بکار برده‌اند و همچنین بیشتر از دیگر روشنفکران آن دوره یا نسل روشنفکری، کنشگران اجتماعی و سیاسی عصر خود را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند را برای بررسی و تجزیه و تحلیل آثارشان انتخاب کرده است.

به‌طور مشخص محقق، سه کتاب برتر هر روشنفکر که در سوابق آن‌ها درج شده است با این پیش‌فرض که تعداد کتاب‌ها در چاپ اصلی و بدون سانسور بوده‌اند را برای یافتن پاسخ به سؤالات این پژوهش، به شیوه‌های زیر مورد مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است:

منابع اولیه، کتب نوشته‌شده توسط خود روشنفکران، مانند «مکتوبات کمال الدوله» از میرزا فتحعلی آخوندزاده و «مجموعه آثار میرزا ملکم خان» از میرزا ملکم خان، منابع اولیه برای بررسی آراء و افکار آن‌ها هستند. این کتب ممکن است شامل مقالات، نامه‌ها، اشعار و دیگر نوشته‌های روشنفکران باشند که برای درک عقاید و ایده‌های آنان بسیار مفید و حیاتی هستند. تحلیل تاریخی برخی از کتب مذکور، مانند «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» از تقی زاده و «تاریخ ایران قدیم» از فروغی، به بررسی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی کشور ایران می‌پردازند. این اطلاعات می‌توانند در درک شرایط و عواملی که روشنفکران را تحت تأثیر قرار داده‌اند، مفید باشند.

مباحث فلسفی و اجتماعی برخی از کتب مطرح‌شده، مانند «بازگشت به خویش» از شریعتی و «نهاد ناآرام جهان» از سروش، به بحث‌ها و تفکرات فلسفی و اجتماعی مرتبط با روشنفکران می‌پردازند. این کتب می‌توانند در فهم عمیق‌تر از آرمان‌ها، ایده‌ها و نظریات آنان به‌خصوص در زمینه‌هایی مانند اسلام‌شناسی، قدرت و تعامل اجتماعی مؤثر باشند. آثار پژوهشی و تحقیقاتی؛ کتبی همچون «آسیا در برابر غرب» از شایگان و «جنون هشیاری» از ایو بونفوا، می‌توانند به تحقیقات و پژوهش‌های علمی در زمینه‌های مرتبط با روشنفکران و جامعه‌شناسی کمک کنند. این کتب ممکن است به تحلیل و تبیین تفکرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و نقش روشنفکران در آن‌ها بپردازند.

جدول ۱. نمونه کتاب‌های روشنفکران مورد تفسیر

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب
۱	میرزا فتحعلی آخوندزاده	مکتوبات کمال الدوله ^۱
		مقالات ^۲
		مقالات فلسفی ^۳
۲	میرزا ملکم خان	مجموعه آثار میرزا ملکم خان
		کتاب نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله
		کتاب مقاله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله
۳	تقی زاده	اخذ تمدن خارجی ^۴
		از پرویز تا چنگیز ^۵
		تاریخ انقلاب مشروطیت ایران
۴	فروغی	تاریخ ایران قدیم
		حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دول
		اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک
۵	بازرگان	آتیه صنعت ایران، سال ۱۳۲۸ ش.
		ارزیابی دستاوردهای چهارساله انقلاب اسلامی ایران، سال ۱۳۶۱ ش.
		تداوم و تحول انقلاب، سال ۱۳۶۲ ش.
۶	شریعتی	بازگشت به خویشتن
		بازشناسی هویت ایرانی اسلامی
		اسلام‌شناسی ^۶
۷	سروش	نهاد ناآرام جهان
		قبض و بسط تئوریک شریعت
		سنت و سکولاریسم ^۷

۱. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (به اهتمام علی اصغر حقدار)

۲. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (به کوشش باقر مؤمنی)

۳. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (ویراسته ح صدیقی)

۴. (تساهل و تسامح، آزادی وطن، ملت)

۵. (استیلای عرب تا ایلغار مغول در ایران)

۶. (سخنرانی‌های دانشگاه مشهد)

۷. (به همراه مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، محسن کدیور)

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب
۸	شایگان	آسیا در برابر غرب
		بتهای ذهنی و خاطره‌های ازلی، انتشارات امیرکبیر
		جنون هشیاری (ترجمه)، نوشته ایو بونفوا، مؤسسه فرهنگی پژوهشی
		نشر نظر، ۱۳۹۴

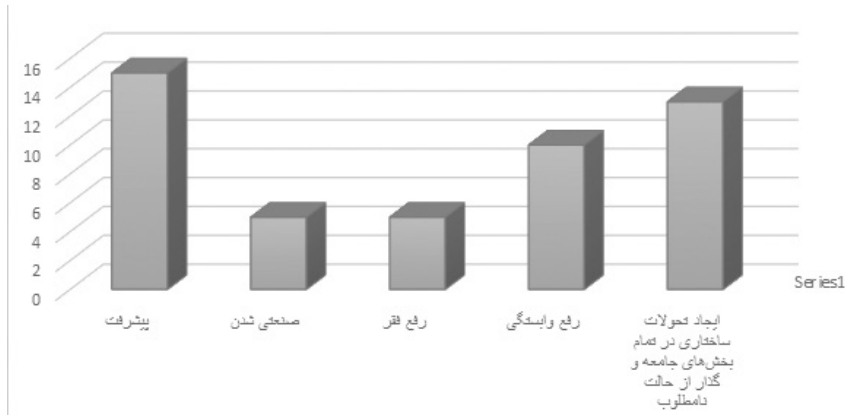
تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا فتحعلی آخوندزاده

واحد تحلیل

جدول ۲. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا فتحعلی آخوندزاده

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
شاخص‌های توسعه سیاسی	پیشرفت	میراث عصر روشنگری اعتقادی، آزادی، نظام سیاسی دموکراتیک، آزادی روحانی، فنون و اقتدار دولتی، «انتقاد آزاد علمی»، عصر روشنگری، قانونمندی، سعه صدر، «قرارداد اجتماعی»، اقتدار ملی، آزادی‌خواهی، حریت روحانی، حقوق بشریت، آزادی فکر و بیان	۱۵
	صنعتی شدن	حاکمیت خرد و عقل، اعتقادات بر اصل علم، لیبرالیسم انگلیسی، جدایی سیاست از دین، ملت ایران نیز به قافله ترقی پیوندند	۵
	رفع فقر	آزادی جسمانی، ترقی، حقوق اجتماعی طبیعی، مکتب‌های مختلف اروپایی، غیرت و ناموس	۵
	رفع وابستگی	ایده جامعۀ مدنی، اراده ملت، «حاکمیت ملت»، «تسامح و مدارا»، تسامح مذهبی، وطن‌دوستی، حراست کشور از تسلط بیگانگان، حراست وطن، تسلط بیگانه، رد ذلتی	۱۰
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	مشروطه، «آزادی بیان»، آسایش ملتی، شرط مدنیت، تغییر سلطنت مطلقۀ استبدادی، اصلاح‌طلبی، لیبرالیست (لیبرالیسم قرن نوزدهم)، ناسیونالیسم جدید ایران، آمیزه‌ای از حکومت پادشاهی و دموکراسی، جمهوریت «افلاطون»، سیاست «ارسطو»، بهشت ایران قبل از اسلام	۱۳



نمودار ۱. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر میرزا فتحعلی آخوندزاده

با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص شده است که از منظر میرزا فتحعلی آخوندزاده ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود است که میرزا فتحعلی آخوندزاده به آن اشاره کرده است.

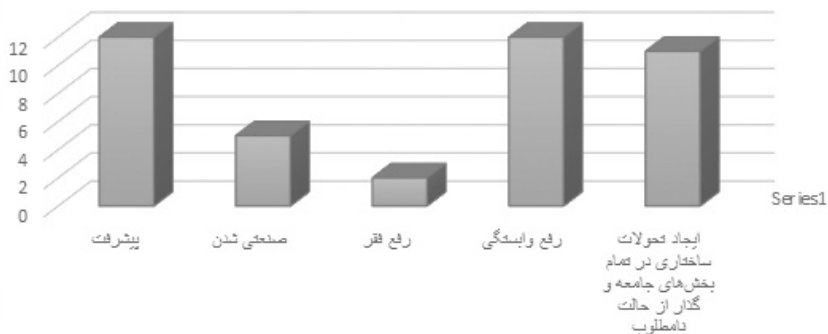
تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان

واحد تحلیل

جدول ۳. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان

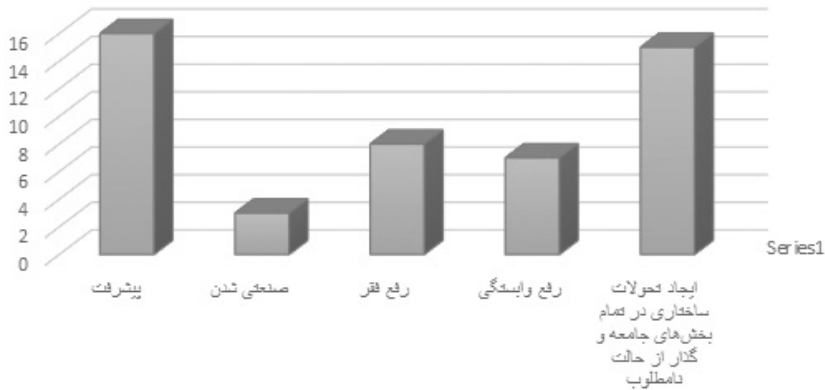
مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
شاخص‌های توسعه سیاسی	پیشرفت	تفکر سیاسی، مشروطیت دولت، اعتقاد به قانون‌گذاری، شناخت حقوق فردی، آثار فلاسفه اروپا، تغییر سیاست، اصلاح دستگاه دیوان، سیاست غربی، سرمشق گرفتن از غرب، اصلاح اصول سیاست، «اداره قانونی». تفکیک قوا	۱۲
	صنعتی شدن	تجارب عملی، علم، مبنای علمی و عقلی، تلگراف و کشتی بخار، علم هندسه	۵
	رفع فقر	مسئله لیبرالیسم، اجتهاد عقل بشری	۲

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
توسعه سیاسی	رفع وابستگی	موجودیت دولت، علم، مشرق زمینیان هیچ‌گاه «سیستم سیاست» خلق نکردند، نظم لشکر، نظم مالیات، ضمانت حقوق، پیشرفت پولیتیک، رونق تجارت، قانون مالیه، تأسیس بانک، قانون تعلیمات عمومی و دیوان عدلیه.	۱۲
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	فلسفه عقلی و تحقیقی، حکومت «منظم قانونی»، قرآن علم حقوق، مباحثات پارلمانی، «نقص ترکیب دولت»، مقتضیات زمانه، نظم صحیح، «اختیار وضع قانون»، اختیار اجرای قانون، «قوانین ارکانی»، قواعد مشورت	۱۱



نمودار ۲. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر میرزا ملکم خان

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر میرزا ملکم خان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت، رفع وابستگی و ایجاد تحولات ساختاری با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که میرزا ملکم خان به آن اشاره کرده است.



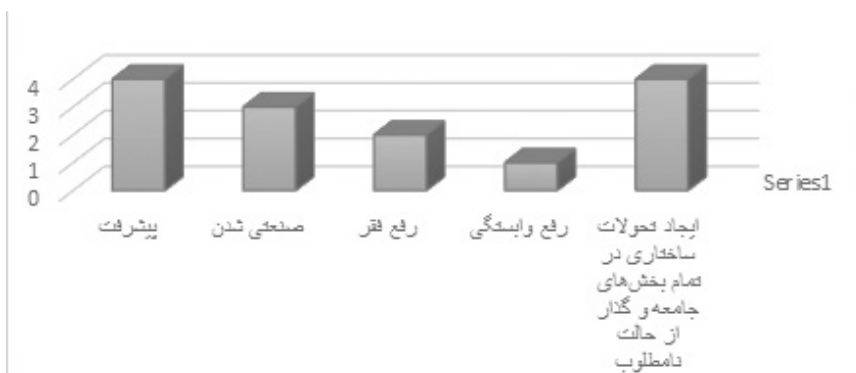
نمودار ۳. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر تقی‌زاده

تحلیل اندیشه‌های سیاسی محمدعلی فروغی

واحد تحلیل:

جدول ۴. کدگذاری محتوای تحلیل

فرآوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۴	اصلاح جامعه، دولت، جمهوری، جماعت ناظر بر اعمال دولت و کلاء و نمایندگان ملت باشند	پیشرفت	شاخصه‌های توسعه سیاسی
۳	علم جویی، تأسیس دانشگاه، واردات صنعت	صنعتی شدن	
۲	شناسایی دردها و مشکلات، سلطنت از آن ملت است	رفع فقر	
۱	بازگشت عظمت و شکوه گذشته	رفع وابستگی	
۴	نگاه هنجاری، عدم وجود قدرت در دست یک گروه، مقید به قید قانون، نمایندگی، متناسب با نیاز و فرهنگ جامعه	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۴. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر محمدعلی فروغی

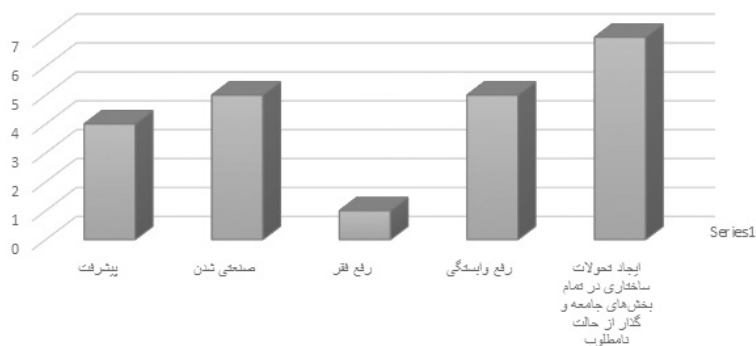
با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر محمدعلی فروغی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین صنعتی شدن و رفع فقر و رفع وابستگی در پایین‌ترین شاخص‌های موجود است که محمدعلی فروغی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی بازرگان

واحد تحلیل:

جدول ۵. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه سیاسی بازرگان

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۴	حکومت دموکراسی مبتنی بر دین، حکومت دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی، روحیه دموکراتیک، آزادی، دموکراسی	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۵	تحصیلات علمی و تجربی، همکاری و اتفاق، کار، استقلال و نفی تقلید، ترویج اخلاقیات و توسعه صنعتی و فنون مهندسی	صنعتی شدن	
۱	عدالت	رفع فقر	
۵	کارکردهای مثبت دین، همزیستی دین با دستاوردهای مدرن جامعه، عدم وابستگی کشور و سیاستمداران به بیگانگان، رابطه دین و علم، استقلال طلبی	رفع وابستگی	
۷	تحولات سیاسی اجتماعی، حاکمیت فرهنگ فلاحی و استبداد پرور، باورهای اجتماعی نادرست، جدایی علم و دین، اقدامات اصلاحی سطحی و تقلیدی، حاکمیت استبداد، تغییرات نظام سیاسی	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۵. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر بازرگان

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر میرزا بازرگان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده ایجاد تحولات با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و رفع وابستگی و صنعتی شدن در رده‌های بعدی است، پیشرفت در رتبه چهارم و رفع فقر در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که بازرگان به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی شریعتی

واحد تحلیل:

جدول ۶. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی شریعتی

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۶	رشد و آگاهی لازم، ارزش و اهمیت نظر مردم، قوانین اجتماعی و فردی، دموکراسی، از بین بردن خرافات، سنت‌های پوسیده از بین برود.	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	تحصیل علوم، فنی شدن	صنعتی شدن	
۲	عدالت اجتماعی، کم شدن فاصله طبقاتی	رفع فقر	
۳	در اسلام کسی میان خدا و مردم واسطه نیست، عوض کردن طرز فکر، رهبری	رفع وابستگی	
۵	نظام امت و امامت، عدم در نظر گرفتن روحانیت به‌جای خداوند، استبداد ستیزی، دوران حکومت امت و امامت به پایان رسیده، حکومت مذهبی هم در اسلام جایگاهی ندارد.	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۶. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر شریعتی

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر شریعتی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که شریعتی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی سروش

واحد تحلیل:

جدول ۷. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی سروش

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
شاخص‌های توسعه سیاسی	پیشرفت	حکومت‌های لیبرال، دموکراسی، آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده	۵
	صنعتی شدن	واردات صنعت، فناوری‌های روز دنیا	۲
	رفع فقر	عدالت، آزادی از زندان، آزادی از شر بیگانگان، آزادی از شر سلطان،	۴
	رفع وابستگی	آزادی به‌مثابه روش، بندگی خداوند	۲
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	مردم‌شناسی، اخلاق، عملکرد بد کلیسا، مدعیان نمایندگی خدا	۳



نمودار ۷. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر فروش

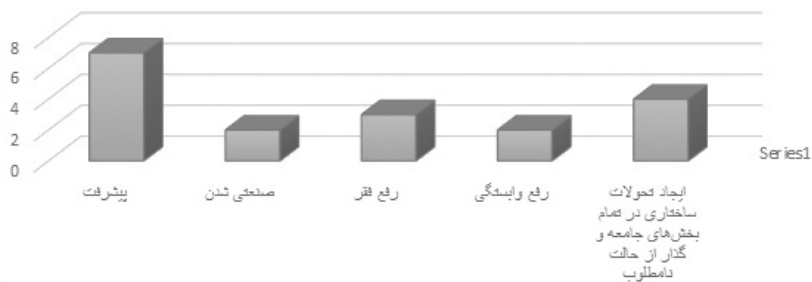
با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر فروش ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و رفع فقر در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر در رتبه سوم و صنعتی شدن و رفع وابستگی در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که فروش به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی شایگان

واحد تحلیل:

جدول ۸. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی شایگان

فراوانی کدها	کدهای باز	تم‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۷	مدرنیته، دموکراسی، حقوق بشر، سکولاریسم، مدنیت، تفکیک قوا، اقتصاد لیبرال	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	صنعت زایی، تولیدکننده شدن	صنعتی شدن	
۳	عدالت اجتماعی، عدم سلطنت، عدم فاصله طبقاتی	رفع فقر	
۲	عدم فرهنگ بیرونی، استفاده از تاریخچه علمی تمدن ایران	رفع وابستگی	
۴	قواعد مدرن، ساختارهای منظم، حوزه خصوصی زندگی انتخاب باید آزادانه باشد، گفتار جهانی	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۸. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر شایگان

با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر شایگان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که شایگان به آن اشاره کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله توسعه سیاسی یکی از محوری‌ترین مباحث موجود در حوزه علوم انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با طبقه نخبگان فکری و روشنفکران در جامعه دارد. در دوران معاصر، توسعه سیاسی یکی از موضوعات مهم در پیشبرد اهداف یک جامعه محسوب می‌شد که روشنفکران و نخبگان موجود در جامعه نسبت به آن در دو نگاه درون‌زا و برون‌زا به نظریه‌پردازی پرداختند که هرکدام برحسب ریشه‌های فکری و سیاسی خود روند متفاوتی را ارائه دادند. اصولاً الگوهای توسعه سیاسی در دوره‌های مختلف با پیچیدگی‌های خاصی با توجه به تنوع نظرات روبرو شده است و در باب برنامه‌های توسعه سیاسی چهار نوعی دوگانگی در این موضوعات گشته است که می‌توان از آن به عنوان عدم اجماع نخبگان حاکم و نخبگان فکری و روشنفکران اشاره کرد. در واقع عدم اجماع بر سر مفاهیم و موضوعات اساسی همچون توسعه سیاسی در ایران معاصر نشان‌دهنده نوعی شکاف بین قشر حاکم و قشر روشنفکر و نخبه است که چالش‌هایی را در باب موضوع توسعه سیاسی به بار آورده است. توسعه سیاسی از دید نخبگان و اندیشمندان ایران معاصر در قالب الگوها و جریان‌های سیاسی، با شکل‌گیری و حاکم شدن نظریات دینی نسبت به موضوع

توسعه سیاسی شکل و رویکردهای اندیشه‌ای جدیدی را فراهم آورد که هر کدام از نظریات اندیشمندان و نخبگان سمت و سوی متفاوتی را به خود گرفت.

از استنتاج داده‌های این پژوهش که به شیوه تحلیل محتوا به دست آمده است، مشخص می‌شود که توسعه در نگاه درون‌زا که در پی بومی‌سازی توسعه و تکیه بر نظریات و نصوص دینی بود، در قالب دو جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی و اسلام‌گرایی انتقادی تعریف می‌شود که جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی نظریات شریعتی را در برمی‌گیرد که با تکیه بر آیات قرآن و نظریات اسلام درباره عدالت و آزادی در جامعه همراه با بهره‌گیری از نظریات اگزیستانسیالیسمی^۱، در پی تأسیس جامعه متدین و عادل بود که امور سیاسی را بر دوش رهبری جامعه یعنی «امام»، (که مردی عادل و آگاه است) می‌گذارد. این رویکرد، جریان غالب و حاکم در بعد از انقلاب اسلامی ایران است.

در رویکرد دیگر که به نظریات اسلام‌گرایی انتقادی مشهور است، نظریات شایگان را در برمی‌گیرد که در پی نگاه علمی‌تر به توسعه سیاسی در قالب اندیشه‌های دینی و اسلامی است که با نگاه انتقادی به اوضاع و احوال جامعه، در پی ایجاد نگرش اصیل‌تری به توسعه در قالب اندیشه‌های اسلامی است. او که به دنبال سازگاری اندیشه‌های غربی با نظریات اسلام‌گرایی است، به دنبال استقلال سیاسی و فرهنگی جامعه است که راه پیشرفت و توسعه سیاسی را هموار کند.

در رویکرد دیگر به توسعه سیاسی که به نگاه برون‌زا معروف است، یک نگاه تجددگرایانه و توجه به اندیشه‌های غربی دارد و مدرن شدن و راهیابی به توسعه سیاسی به روش آنان است که نظریات روشنفکران دوره مشروطه و در رویکرد اقتصادی نظریه تقی‌زاده و محمدعلی فروغی را در برمی‌گیرد.

نظریه فروغی که در نگاه برون‌زا مطرح شده است، مربوط به نظریه مدنی شدن سیاست و توجه به فرهنگ جامعه مدنی است. این نظریه که با نگاه جامعه‌شناسی سیاسی به آن پرداخته شده است، موانع توسعه سیاسی را بررسی می‌کند و نقش آزادی‌های سیاسی، احزاب، مطبوعات و رقابت گروه‌ها در جامعه مدنی را از عوامل مهم توسعه سیاسی می‌داند که با نگرش به روندهای توسعه در غرب و الهام از نظریات غربی به دنبال تغییر ساختاری در جامعه ایران است.

در رویکرد نظری تقی‌زاده، یک نگاه اقتصادی نیز به توسعه سیاسی مطرح است که به نوعی یک نگاه بینابین به توسعه از جهت درون‌زا و برون‌زا بودن دارد که نظریات

تقی‌زاده را شامل می‌شود. او که با تحلیل‌های اقتصادی و فرهنگی در پی نهادمندی و بازسازی ساختارهای اقتصادی در ایران است، با نگاه علم‌گرایانه و انسان‌گرایانه در پی صنعتی‌سازی و ترویج فرهنگ سیاسی مدرن در ایران است.

در نظریات سروش که بیشتر نگرش اندیشه‌ای به توسعه سیاسی مطرح است، به دنبال شناخت فرهنگ‌ها و سنت‌های موجود است و علت عقب‌ماندگی جامعه ایرانی را در عدم شناخت فرهنگ و سنت خویش می‌داند که نسبت به وضعیت خود ناآگاه است و راه برون‌رفت از این وضعیت را در استفاده از دستگاه اندیشه‌ای فرهنگ غرب می‌داند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، محقق به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌شود که در بعد از انقلاب اسلامی ایران که رویکرد اسلام‌گرایی حاکمیت پیدا کرد، نظریات توسعه سیاسی که در بین نخبگان مطرح شد، در حول محور نگاه حاکم ادامه پیدا کرد؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌هایی که به‌خصوص در قالب الگوهای برون‌زا مطرح شدند، چون نگاه‌های منتقدانه و جدلی نسبت به ساختارهای حکومت ایران داشتند، حذف یا در حاشیه قرار گرفتند.

البته موضوعی که در اینجا اهمیت دارد تأثیر فرهنگ غرب بر اندیشه‌های سیاسی در ایران است که می‌توان حتی در رویکردهای درون‌زا نیز این تأثیر از جانب غرب را مشاهده کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که در رویکردهای برون‌زا به توسعه، نهایت اندیشه برون‌گرا در باب توسعه سیاسی در آراء این افراد مطرح است و جریان‌ها و اندیشه‌های تندرو و ساختارشکنانه در حاشیه به روند خود ادامه می‌دهند.

میرزا فتحعلی آخوندزاده در زمان مشروطیت به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه میرزا فتحعلی آخوندزاده آزادی فکر و بیان و حاکمیت خرد و عقل و ایده جامعه مدنی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

میرزا ملکم خان نیز در زمان مشروطیت به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه میرزا ملکم خان تفکر سیاسی، اصلاح اصول سیاست و علم و بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

تقی‌زاده هم در زمان پهلوی اول به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه تقی‌زاده علم‌گرایی و توجه خاص به علوم فرنگی (تجربی - انسانی و مکتب تکامل‌گرایی)، روش‌های تجربی، اصلاحات ارضی و بهره‌گیری ابزاری از دین در جهت تسهیل اخذ تمدن غرب و همچنین تشریفاتی بودن مقام سلطنت، تصویب قانون عدلیه توسط نمایندگان (نه روحانیت)، ضعف صنعت و تجارت و قناعت‌ورزی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

محمدعلی فروغی نیز در زمان پهلوی اول به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه محمدعلی فروغی علم‌جویی، اصلاح جامعه و بازگشت عظمت و شکوه تاریخ باستانی ایران و نمایندگی در مجلس از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

بازرگان در زمان پهلوی دوم به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی و صنعتی شدن در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه بازرگان حکومت دموکراسی مبتنی بر دین، آزادی، دموکراسی، عدالت، باورهای اجتماعی درست و تغییرات نظام سیاسی در مجلس از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. شریعتی در زمان پهلوی دوم به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه شریعتی رشد و آگاهی لازم، فنی شدن، عدالت اجتماعی و عدم وابستگی و پالایش دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

سروش در زمان بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و رفع فقر و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب

را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه سروش آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده، مردم‌شناسی و اخلاق از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. شایگان در زمان بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه شایگان، مدرنیته، اقتصاد لیبرال، عدم سلطنت، عدم فرهنگ بیرونی و قواعد مدرن از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴). ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه در ایران. تهران: نشر سخن.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی. تهران: دماوند.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۲). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰. تهران: سمت.
- باتامور، توماس برتون (۱۳۷۷). نخبگان و جامعه. ترجمه علیرضا طبیب. تهران: نشر شیرازه.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۴). آیا اسلام یک خطر جهانی است؟ تهران: قلم.
- ببی، ارل (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه دکتر رضا فاضل. تهران: نشر سمت.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷). روشنفکران ایرانی و غرب. ترجمه جمشید شیرازی. تهران: نشر فرزاد.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۰). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). عقل در سیاست. تهران: نگاه معاصر.
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۰). باستان‌گرایی در تاریخ ایران. تهران: بینا.
- پدرام، مسعود (۱۳۹۳). روشنفکری دینی و مدرنیته: در ایران پس از انقلاب. تهران: گام نو.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). جامعه امن در گفتمان خاتمی. تهران: نشر نی.
- جعفری، افشین و قاسمی، زهرا (۱۳۹۹). تأثیر رابطه نخبگان سیاسی حاکم و روشنفکران بر توسعه فرهنگ سیاسی پس از انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۴ (۵۲)، ۲۴۴-۲۵۵. کد: ۲۰/۱۰۰۱/۱/۲۰۰۸۳۷۷: dor. ۷/۱۳۹۹/۱۴/۵۲/۱۲/۲
- جهانبگلو، رامین (۱۳۹۶). موج چهارم. تهران: نشر نی.
- دلانتی، جرال (۱۳۹۶). دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رضوی، مسعود (۱۳۷۹). روشنفکران، احزاب و منافع ملی. تهران: نشر فروزان روز.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران

سروش، عبدالکریم (۱۳۹۶). مدیریت و مدارا. تهران: صراط.

سریع القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران. تهران: نشر فرزاد.

سعید، ادوارد (۱۳۸۰). نقش روشنفکر. ترجمه: حمید عضدانلو، تهران: نشر نی.

سعید، ادوارد (۱۳۸۸). نشانه‌های روشنفکری. ترجمه: محمد افتخاری، تهران: نشر آگه.

سوئل، توماس (۱۴۰۱). روشنفکران و جامعه. ترجمه: شایان صولتی و شروین صولتی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.

صدری، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی روشنفکران. ترجمه: حسن آبنیکی، تهران: انتشارات کویر.

عنایت، حمید (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

میرلطفی، پرویز رضا و جهان‌تبیغ، محسن (۱۴۰۱). نقش جریان روشنفکری در توسعه سیاسی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران،

1625894 <https://civilica.Com/com/doc/>

Huntington, Samuel. (1965). Political Develop and Political Decay, world political, xvii.

Weber, Max. "Politics as a Vacation", In from Max Weber, edited by H.H. Gerth and C. Wright Mills. New York: Oxford University Press, 1958.

Contents

The Impact of Media and Social and Virtual Networks on the Policies and Decisions of Financial Markets Investors

Mostafa Heidari Haratemeh, Vahid Araei, Seyyed Mahmoud Eslami..... 7

The Combination of Exterior and Interior in the Quranic Theory of Rites Determining the Cultural Teachings of Surah Mubarak Hajj

Najmeh Kazemi, Seyyed Majid Emami, Parvin Baharzadeh 25

The Study of Driving Factors and Effective Actors in the Future Changes of Teaching Ethnic and Local Languages in Iran

Shahla Bagheri, Ebrahim Hajjani, Mehdi Navid Adham, Mohammad Hosseinzadeh..... 51

Evaluating the Existence of Communication Rationality in Social Networks Based on Castells' Network Society Theory

Amiri, Jahandar 87

Virtualization of the Classroom and University Culture

Fatemeh Lolaei, Susan Bastani, Maghsood Farasatkah, Hossein Ebrahimabadi..... 111

Analyzing the Element of Tone in the Single-Verse Short Short stories of the Qur'an

Maryam hezarkhani, Abbas Ashrafi..... 141

Comparing the Role and Strategies of Intellectuals before and after the Islamic Revolution in the Political Development of Iran

Ali Ahmadi, Mojtaba Sedaghati Fard, Yaaghoub Sharbatian..... 165





Scientific Quarterly

of Culture Studies - Communication

Vol .24, Series.95, No.63, Fall 2023

Research Institute of Culture, Art and Communication Ministry of Culture and Islamic Guidance

Managing Director:

Zaeri, Qasim(Ph.D)

Editor in Chief:

Entezari, Ali (Ph.D)

Editorial Board:

Esfandiari, Shahab (Ph.D)

Entezari, Ali (Ph.D)

khaniki, Hadi (Ph.D)

Khojasteh Bagherzadeh, Hassan

Aghili, Seyed Vahid (Ph.D)

Fayyaz, Ebrahim (Ph.D)

Karami Ghahi, Mohammadtaghi (Ph.D)

Nourbakhsh, Younes (Ph.D)

Yasini, seyedeh Raziye (Ph.D)

Executive Director:

Mehri, Roghayeh

Editor:

Shafiekhani, Shahnaz

Graphic Designer:

Khalili, Hamed

Printing House:

New window

Editorial Office

No.9, Dameshgh St. Valiasr Sq,

Tehran, Islamic Republic of Iran

Tel: (021) 88919186

Fax: (021) 88893076

website: <http://jccs.ir>

International Editorial Board

Semati Mehdi (Ph.D)

kamalipour Yahya (Ph.D)

Mohsen Mohammad (Ph.D)



IRANIAN ASSOCIATION
OF CULTURAL STUDIES &
COMMUNICATIONS



Research Center for Culture,
Art and Communication
Ministry of Culture and Guidance



This journal is indexed in
the Islamic World Science
Citation Database (ISC).

Culture-Communication Studies is published by Institute of Culture, Art and Communication (Ministry of Culture and Islamic Guidance). The aim of this journal is to provide a forum for communication professionals to discuss about cultural issues. The statements and opinions expressed in this journal do not necessarily represent the views of the publisher.